مجلّهٔ

جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری

سال دهم، شمارهٔ ۲ | تابستان ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

- **تحلیل وضعیت محلات منطقه یک شهرداری مشهد با رویکرد رشد هوشمند و پدافند غیرعامل** (۲۱-۱)
  مژگان آراسته، ساجده باغبان، براتعلی خاکپور، مریم دانشور
- **تحلیل تطبیقی از تأثیر برنامه های تلویزیونی شبکه دو و شبکه تهران بر شاخص حس تعلق مکانی شهروندان مناطق (۱و۱۲و۲۰) کلانشهر تهران** (۳۷-۲۳)
  افشین منتظرالقائم، مهری اذانی، احمد خادم الحسینی، امیرگندمکار، مریم منتظرالقائم
- **تحلیلی بر فقر شهری و عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی و گسترش آن در شهر تبریز** (۵۵-۳۹)
  مریم رضایی، علی پناهی، رضا ولی‌زاده
- **سناریوهای تحقق شهر خلّاق در شهر مشهد با تأکید بر شاخص کیفیت زندگی** (۷۴-۵۷)
  افسانه غلامی، روح الله اسدی، اکبر حیدری تاشه‌کبود
- **تحلیل ابعاد هویتی شهرک‌های جدید و اثرگذاری آن بر احساس تعلق شهروندان (مطالعه موردی: سپاهان-شهر اصفهان)** (۹۶-۷۵)
  احمد شاهیوندی، نوشین بیگدلی، افسانه طالبی ورنوسفادرانی
- **سنجش و رتبه بندی مناطق کلانشهر اهواز در زمینهٔ تناسب با شاخص های رشد هوشمند شهری** (۱۱۱-۹۷)
  مهیار سجادیان، احمد پوراحمد، محمد علی فیروزی
- **ارائه‌ی الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران)** (۱۳۱-۱۱۳)
  نرجس شهمیری، مژگان زعیم دار، رکسانا موگویی، سعید ملماسی
- **ارزیابی معیارهای شهر دوستدار کودک در شهرهای جدید، مورد مطالعه: شهر جدید گلبهار** (۱۴۹-۱۳۳)
  مهدی زنگنه، سید هادی حسینی، ملیحه مرادپور

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری

سال دهم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

شاپا: ۲۵۳۷-۲۵۳۱

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری

سال دهم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد
مدیر مسئول: دکتر براتعلی خاکپور
سردبیر: دکتر محمّد رحیم رهنما

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

عیسی ابراهیم‌زاده آکباد- استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد اجزاء شکوهی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
براتعلی خاکپور- دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمدرحیم رهنما- استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
عباس سعیدی - استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیای روستایی)
محمد سلیمانی مهرنجانی- دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری جغرافیای شهری)
زهره فنی- دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
علی‌اکبر عنابستانی- استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)
عزت‌الله مافی- دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیای شهری)
اصغر نظریان- استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی : دکتر مصطفی امیرفخریان **کارشناس اجرایی دفتر مجله:** زهرا بنی‌اسد
ویراستار علمی ادبی : دکتر شیرین صباغی آبکوه **مترجم انگلیسی:** مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی
ویراستاران این شماره: عبداله نوروزی **حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی :** الهه تجویدی **شمارگان:** ۳۰ نسخه
نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیّات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۷۹۴۸۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰
تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۷۲۴، سردبیر: ۰۵۱۳۸۸۰۵۲۷۵
بها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا- سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها- سالانه)
نشانی اینترنتی مجله: http:// jgusd.um.ac.ir E-mail:jud@ um.ac.ir

این مجله در جلسهٔ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورّخ ۱۳۹۳/۶/۱۰، رتبه علمی ـ پژوهشی دریافت و طی نامهٔ شمارهٔ ۳/۱۸/۱۳۷۲۲۷ در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۸ ابلاغ گردیده است.

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی" تغییر نام یافتند.

«این نشریه حاصل فعالیت مشترک دانشگاه فردوسی مشهد و انجمن برنامه ریزی شهری ایران است»

این مجلّه در پایگاه های زیر نمایه می شود:

- **پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)**
- **پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)**
- **پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)**

بسم الله الرحمن الرحیم

شرایط پذیرش مقاله

برای سرعت‌بخشیدن به امر داوری و چاپ مقالات، از همهٔ پژوهشگرانی که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه هستند، درخواست می‌شود به نکات زیر توجه کافی داشته باشند:

۱. مقالهٔ ارسال‌شده نباید قبلاً در هیچ نشریهٔ داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیأت تحریریه انتظار دارد نویسندگان محترم تا هنگامی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقالهٔ خود را به مجلهٔ دیگری برای چاپ ارسال نفرمایند.

۲. مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman12 با نرم‌افزار Word تهیه شود. مقالات، روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ٤ و پایین ۳ و راست ۳ و چپ ۳ سانتی‌متر) تایپ شود. متن به صورت دوستونی با رعایت فاصلهٔ ۱ سانتی‌متر بین دو ستون و فواصل بین خطوط به صورت Single باشد.

۳. حجم مقاله نباید ازحدود ۷۰۰۰ کلمه و یا حداکثر ۲۰ صفحهٔ چاپی به قطع نشریه بیشتر باشد (با در نظر گرفتن محل جداول، اشکال، خلاصهٔ فارسی و کتابشناسی).

٤. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با درنظرگرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۲۰ حرف تجاوز کند و با قلم بی لوتوس سیاه ۱۳ بولد تایپ شود.

۵. نام نویسنده (نویسندگان) مقاله با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰ مشخص شود.

٦. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman13 ، نام نویسندهٔ مقاله با قلم سیاه Times New Roman10 عنوان علمی یا شغلی او با قلم Times New Roman10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود؛ همچنین آدرس الکترونیکی و شمارهٔ تلفن نویسندهٔ مسؤول در پاورقی آورده شود.

۷. چکیدهٔ مقاله برای مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 به صورت تک ستونی باشد.

۸. شکل‌ها و نمودارهای مقاله حتماً اصل و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت PDF، Word.Excel) و با دقت ٦۰۰ dpi ارایه شود. اندازهٔ قلم‌ها به‌خصوص، در مورد منحنی‌ها (legend) به گونه‌ای انتخاب شوند که پس از کوچک‌شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیرنویس اشکال، بی لوتوس سیاه ۱۲ و.سط‌چین).

۹. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۹. ۱. صفحهٔ عنوان: در صفحهٔ شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، درجهٔ علمی، نشانی دقیق (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی)، محل انجام پژوهش، مسؤول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسندهٔ مسؤول باید مشخص شود.

۹. ۲. چکیده: شامل: ۱. چکیدهٔ فارسی که شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسأله، هدف‌ها، روش‌ها، نتیجه‌گیری و کلیدواژه‌ها (۳ تا ۵ واژه) است. چکیده در یک پاراگراف و حداکثر ۲۵۰ کلمه تنظیم شود. این بخش از مقاله در عین اختصار، باید گویای روش کار و برجسته‌ترین نتایج، بدون استفاده از کلمات اختصاری تعریف‌نشده، جدول، شکل و منابع باشد. چکیدهٔ انگلیسی باید مطابقت کامل با چکیدهٔ فارسی داشته باشد.

۹. ۳. مقدمه: شامل ۱– طرح مسأله(مطالب مربوط به اهمیت و ضرورت، اهداف، سوال‌ها و فرضیه ها)؛ پیشینهٔ تحقیق و مبانی نظری

۹. ٤. روش‌شناسی تحقیق: در برگیرندهٔ ؛ ۱– روش پژوهش و مراحل آن (روش تحقیق، جامعهٔ آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده‌ها و اعتبارسنجی آن‌ها)؛ ۲– متغیرها و شاخص‌های پژوهش؛ ٤– قلمرو جغرافیایی پژوهش

۹. ۵. یافته‌های پژوهش: ارایهٔ نتایج دقیق از یافته‌های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۹. ٦. بحث: حاوی تفسیر نتایج و مقایسه یافته های مطالعه با مطالات پیشین و برجسته کردن نوآوری پژوهش

۹. ۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادها: شامل خلاصه ای از یافته ها، توضیح قابلیت تعمیم‌پذیری و کاربرد علمی یافته‌ها و ارایهٔ رهنمودهای لازم برای ادامهٔ پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه‌گیری و توصیه‌ها و پیشنهادهای احتمالی.

۱۰. نحوهٔ ارجاعات: منابع و مآخذ باید به صورت درون‌متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود.

۱۰. ۱ ارجاعات در متن مقاله باید به شیوهٔ داخل پرانتز (APA) نسخه ٦ باشد؛ به گونه‌ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ‌شده فقط به زبان فارسی بوده و در اسامی لاتین معادل آن در زیر نویس همان صفحه ارایه شود؛ به‌عنوان نمونه: (شکوئی، ۱۳۸۷، ص. ۵۰) یا (وودز، ۲۰۰۵، ص. ۲۷).

۱۰. ۲ در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایِ نام خانوادگی نویسنده بر اساس الگوی فهرست‌نویسی APA نسخه ٦ تنظیم شود. (عناوین کتاب‌ها و مجلّات ایتالیک/ مورب شود).

نمونهٔ فارسی:

– رضوانی، م. ر. (۱۳۹۰). *برنامه‌ریزی توسعهٔ روستایی در ایران*. چاپ چهارم. تهران: نشر قومس.

– عنابستانی، ع. ا.، شایان، ح.، و بنیادداشت، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعهٔ موردی: شهرستان بهمئی). *مجلهٔ برنامه‌ریزی فضایی*. *۱*(۳)، ۸۰–٦۳.

نمونهٔ انگلیسی:

- Bourne, L. S. (1981). *The geography of housing*. London: Edward Arnold.
- Turgat, H. (2001). Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement. *Global Environment Research (GBER)*. *1*(1), 17-25.

۱۰. ۳. انواع نقل قول‌ها (مستقیم و غیر مستقیم)، نقل به مضمون و مطالب به‌دست‌آمده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه‌گذاری‌های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.

۱۰. ٤. مقالات برگرفته از رساله و پایان‌نامهٔ دانشجویان با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجو با هم و با مسؤولیت استاد راهنما منتشر می‌شود.

۱۰. ۵ . چنانچه مخارج تحقیق یا تهیهٔ مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحهٔ اول درج شود.

۱۰. ٦. تمام منابع فارسی به انگلیسی ترجمه شده و به همراه چکیده مبسوط انگلیسی ارایه شود.

۱۱. شیوهٔ ارزیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش را احراز کنند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می‌شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده‌ای پیشنهاد می‌کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل؛ اما بدون نام و نشان داور، برای نویسندهٔ مقاله ارسال خواهد شد.

۱۲. مجلّه حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف‌داده‌شده، پس از سه ماه از مجموعهٔ آرشیو مجله خارج خواهد شد و مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری هیچ مسؤولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.

۱۳. مسؤولیت ارایهٔ صحیح مطالب مقاله بر عهدهٔ نویسندگان مقاله است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقالهٔ آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده ارسال خواهد شد، چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نشود، به معنای موافقت آن‌ها با اصلاحات انجام‌شده تلقی و نسبت به چاپ آن اقدام می‌شود.

۱٤. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانهٔ مجله (http://jgusd.um.ac.ir) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.

۱۵. مقالاتی که مطابق فرمت مجله تهیه نشده باشند به نویسنده بازگردانده شده و در فرآیند ارزیابی قرار نخواهد گرفت.

۱٦. فایل‌های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارت‌اند از:

الف) فایل مشخصات نویسندگان: در محیط Word شامل اسامی و مشخصات نویسندگان به فارسی و انگلیسی.

ب) فایل اصلی مقاله بدون مشخصات: در محیط Word شامل متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان همراه با چکیده مبسوط انگلیسی.

ج) فایل چکیده مبسوط (مکمل) مقاله: در محیط Word شامل چکیده مبسوط انگلیسی به همراه اصل نسخه فارسی آن و برگردان منابع فارسی به انگلیسی در قالب یک فایل.

۱۷. شرایط جزیی‌تر و دقیق‌تر نیز در فایل راهنمای نگارش و ارسال مقاله توسط نویسندگان ارایه شده است.

آدرس پستی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی: ۹۱۷۷۹٤۸۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰٦۰

کد پستی: ۹۱۷۷۹٤۸۸۸۳ پست الکترونیکی jud@um.ac.ir

وب سایت:http://jgusd.um.ac.ir

فرم اشتراک (یک ساله/ دوشماره) **مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری**

این جانب ..... شغل ..... با ارسال فیش بانکی به مبلغ..... ریال به حساب جاری شماره ۴۲۵۲۹۹۶۳۸ بانک تجارت شعبه دانشگاه مشهد کد ۴۲۵۰ به نام عواید اختصاصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، متقاضی اشتراک دو فصلنامه از شماره .... هستم.

چنانچه صاحبان مقالات منتشر شده متقاضی دریافت مجلّه و تیراژه‌ی آن از طریق پست پیشتاز باشند، باید هزینه‌ی آن را به شماره حساب مذکور واریز و اصل فیش پرداختی را به نشانی دفتر مجلّه ارسال کنند.

نشانی: ..... کدپستی: .....

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر پاکزاد آزادخانی (استادیار گروه معماری و برنامه ریزی شهری دانشگاه باختر ایلام)
دکتر روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مصطفی امیرفخریان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مژگان پورعماد (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر علی اکبر تقی پور (استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم زمین، دانشگاه دامغان)
دکتر شهریار خالدی (استاد دانشگاه سوربن پاریس/دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر محمد علی خلیجی (استادیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز)
دکتر امیر علی خوارزمی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر محمّد رحیم رهنما (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر محمد حسین سرائی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد)
دکتر رستم صابری فر (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر مهدی عبداللهی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز)
دکتر صدیقه لطفی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران)
دکتر بهزاد وثیق (استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول)

فهرست مندرجات

عنوان	صفحه
▪ **تحلیل وضعیت محلات منطقه یک شهرداری مشهد با رویکرد رشد هوشمند و پدافند غیرعامل** مژگان آراسته، ساجده باغبان، براتعلی خاکپور، مریم دانشور	(۲۱-۱)
▪ **تحلیل تطبیقی از تأثیر برنامه های تلویزیونی شبکه دو و شبکه تهران بر شاخص حس تعلق مکانی شهروندان مناطق (۱و۱۲و۲۰) کلانشهر تهران** افشین منتظرالقائم، مهری اذانی، احمد خادم الحسینی، امیرگندمکار، مریم منتظرالقائم	(۳۷-۲۳)
▪ **تحلیلی بر فقر شهری و عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی و گسترش آن در شهر تبریز** مریم رضایی، علی پناهی، رضا ولی‌زاده	(۵۵-۳۹)
▪ **سناریوهای تحقق شهر خلّاق در شهر مشهد با تأکید بر شاخص کیفیت زندگی** افسانه غلامی، روح الله اسدی، اکبر حیدری تاشه‌کبود	(۷۴-۵۷)
▪ **تحلیل ابعاد هویتی شهرک‌های جدید و اثرگذاری آن بر احساس تعلق شهروندان (مطالعه موردی: سپاهان-شهر اصفهان)** احمد شاهیوندی، نوشین بیگدلی، افسانه طالبی ورنوسفادرانی	(۹۶-۷۵)
▪ **سنجش و رتبه بندی مناطق کلانشهر اهواز در زمینهٔ تناسب با شاخص های رشد هوشمند شهری** مهیار سجادیان، احمد پوراحمد، محمد علی فیروزی	(۱۱۱-۹۷)
▪ **ارائه‌ی الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران)** نرجس شهمیری، مژگان زعیم دار، رکسانا موگویی، سعید ملماسی	(۱۳۱-۱۱۳)
▪ **ارزیابی معیارهای شهر دوستدار کودک در شهرهای جدید، مورد مطالعه: شهر جدید گلبهار** مهدی زنگنه، سید هادی حسینی، ملیحه مرادپور	(۱۴۹-۱۳۳)

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال دهم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: 10.22067/ JGUSD.2021.45653.0
مقالهٔ پژوهشی

تحلیل وضعیت محلات منطقه یک شهرداری مشهد با رویکرد رشد هوشمند و پدافند غیرعامل

مژگان آراسته (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
mozhganaraste71@yahoo.com
ساجده باغبان (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)
sbaghban70@yahoo.com
براتعلی خاکپور (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
khakpoor@um.ac.ir
مریم دانشور (استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران)
maryam.daneshvar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰ **تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵**

صص ۲۱-۱

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل وضعیت محلات منطقه یک مشهد به لحاظ رویکردهای رشد هوشمند و پدافندغیرعامل، به تحلیل و رتبه‌بندی محلات پرداخته است. این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی است و با استفاده از روش توصیفی_تحلیلی انجام شده است. اطلاعات مورد نیاز به روش اسنادی و میدانی گردآوری شده است. در این پژوهش با بهره‌گیری از نظرات ۲۰ کارشناس امور شهری و پدافند غیرعامل با استفاده از تکنیک MACBETH، شاخص‌های مورد نظر در هر رویکرد (۷ شاخص از ۱۰ شاخص رشد هوشمند و ۸ شاخص پدافند غیرعامل)، وزن‌دهی گردیده و بوسیله مدل تصمیم‌گیری چند معیاره ELECTRE، به تحلیل و رتبه‌بندی محلات منطقه یک شهر مشهد بر اساس هر دو رویکرد پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محله‌ی گوهرشاد در میان محلات از منظر رشد هوشمند دارای بیشترین امتیاز است، در حالی‌که در رویکرد پدافندغیرعامل در مراتب آخر قرار گرفته است. در محله‌ی بهشتی اصول رشد هوشمند کمتر از سایر محلات رعایت شده است در صورتی‌که از لحاظ رعایت اصول پدافند غیرعامل در جایگاه نسبتاً مطلوبی قرار دارد. از این رو جهت ارتقاء اصول این دو رویکرد در محلات مورد مطالعه، اصلاح مکان‌یابی مراکز مهم مانند بیمارستان‌ها، پراکنش مناسب، مقاوم‌سازی تأسیسات زیربنایی و خدمات روبنایی مهم، افزایش سرانه و سطوح کاربری‌های خدماتی و فضای سبز، افزایش دسترسی به حمل‌و نقل عمومی و همچنین به کارگیری کاربری‌های مختلط پیشنهاد می‌شود. همچنین لازم است در مدیریت شهری نیز اقداماتی جهت یکپارچه‌سازی عملکردی، برنامه‌ای و سیاستی میان موضوعات پدافند غیرعامل، رشد هوشمند و طرح‌های توسعه شهری انجام گیرد.

کلیدواژه: الکتره، پدافند غیرعامل، توسعه پایدار، رشد هوشمند، مکبث.

۱. مقدمه

همگام با مدرن شـدن جوامع، تغییرات عمده‌ای در شـکل، ساختار و جمعیت شهرها به‌وجود آمد که از جمله این تغییرات می‌توان به افزایش جمعیت شهرها، افزایش مهاجرت به شهرها، رشد فیریکی و رشد بی‌رویه شهرنشینی اشاره نمود که همین عامل شهرها را به بستر انواع تضادها و تعارض‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تبدیل نمود (بزی، موسـی‌زاده، میرکتولی و فرخ‌زاد، ۱۳۹۵، ص.۲۷۲). پدیده‌های گوناگون فضای زندگی را نمی‌توان مستقل از یکدیگر مطالعه کرد، لذا هر پدیده‌ای در شـهر با توجه به پدیده‌های دیگر مورد بررسـی قرار می‌گیرد (رسـتم‌پور، محمدی و حیدری، ۱۳۸۹). فرایند برنامه‌ریزی دربرگیرنده‌ی دامنه‌ی وسـیعی از موضـوعات مختلفی اسـت که این موضـوعات بر حسـب ضـرورت در تعامل با یکدیگرند، در این راسـتا سـیستم برنامه‌ریزی شهری به عنوان یکی از مکانیزم‌های مهم پیگیری توسـعه پایدار معرفی شـده اسـت و مقوله‌ی "شـهر پایدار" و دست یافتن به "شکل پایدار شهری" به عنوان یکی از راه‌حل‌های قابل تأمل مورد توجه واقع شده است (مافی و قلی‌زاده سرابی، ۱۳۹٤، ص.۳۰). شـکل شـهر که به عنوان الگوی توزیع فضـایی فعالیت‌های انسـان در برهه خاصـی از زمان تعریف می‌شـود؛ نقشی تأثیرگذار و تعیین‌کننده در پایداری محیط شـهری دارد (تقوایی، وارثی و نریمانی، ۱۳۹٤،ص.۳٤۱)؛ بر این اسـاس، تلاش برنامه‌ریزان شـهری در راسـتای تحقق اهداف توسـعه پایدار شهری پیرامون دو محور عمده "نوشهرنشینی " و "حومه‌نشینی" متمرکز و جهت‌گیری نهایی بر رشد هوشمند شهری و جلوگیری از گسترش ناموزون شهر استوار شد (مافی و قلی‌زاده سـرابی، ۱۳۹٤، ص.۳۰). رشـد هوشـمند پاسخی به توسعه پراکنده شهرها و روشی برای پایدارسازی شـهرها با اسـتفاده از منابع موجود، افزایش خدمات شـهری، توسـعه محلات با کاربری های مختلط، ایجاد امکانات حمل‌ونقل عمومی و طراحی یکپارچه در مقیاس انسـانی اسـت (شـکوهی و پورعماد، ۱۳۹۳، ص.۸۰). واژه رشـد هوشـمند در فرهنگ واژگان شـهرسـازی به عنوان توسعه‌ای پایدار و توسعه‌ای بناشده برپایه‌ی حمل‌ونقل عمومی و کاهش اثرات سـوء توسـعه‌ها بر محیط‌زیسـت تعریف شده است. (کوآن[1]، ۲۰۰۵). اصول ده‌گانه رشد هوشمند که از سـوی آژانس حفظ محیط‌زیسـت آمریکا ارائه شـده اسـت عبارتند از: ۱- ایجاد کاربری‌های مختلط؛ ۲-اسـتفاده از سـاختمان‌های فشـرده؛ ۳- خلق فرصـت‌های مختلف انتخاب مسـکن؛ ٤- ایجاد محلات با دسـترسـی پیاده‌رو ۵- محله‌هایی دور از هم و گیرا با احساس هویت بالا؛ ٦-حفاظت از فضاهای باز، زمین‌های زراعی، زیبایی‌های طبیعی و زیسـت‌محیطی آسـیب‌پذیر؛ ۷- هدایت و توانمند سـاختن توسـعه درجوامع موجود؛ ۸- ایجاد گزینه‌های متنوعی از حمل‌ونقل؛ ۹- قابل پیش‌بینی، منصـفانه و ثمربخش کردن تصـمیمات توسـعه؛ ۱۰- تشـویق شـهروندان به مشارکت پایدار در تصـمیمات مربوط به توسعه راهبرد رشد هوشمند (حسین‌زاده دلیر و صفری، ۱۳۹۱، ص.۱۲۱). همچنین با توجه به مفهوم اولیه توسعه پایدار (حق برخورداری همه نسل‌ها از منابع موجود) ضرورت دارد که کلیه اقداماتی که در حیطه شـهرسـازی و سـاماندهی سـکونتگاه‌های شـهری برنامه‌ریزی و اجرا می‌شوند، در چارچوب توسعه پایدار

1. Cowan

گنجانده شـــوند. از جمله این اقدامات می‌توان به پدافند غیرعامل اشـــاره نمود که با اتخاذ تدابیری در جهت حفظ و حراسـت از سـکونتگاه‌های انسـانی تلاش نموده و از این طریق به تکامل اقدامات شـهرسازانه با هدف توسعه پایدار شـهری یاری می‌رسـاند بر این اسـاس می‌توان اظهار کرد که امنیت پیش‌زمینه یک اجتماع سـالم و احسـاس امنیت بسترساز توسعه جوامع انسانی و سعادت یک اجتماع در گرو حفظ و بقاء امنیت و احساس ناشی از آن است (فاضل نیا، زابلی، خداداد و کیانی، ۱۳۹۱، ص.۱). امنیت، بسترساز توسعه است بدین معنا که توسعه تنها در بستر امنیت شکل می‌گیرد. بحث ایمنی و امنیت باید در کلیه سـطوح برنامه‌ریزی و طراحی، از موضوعات کلان شهرسازی تا معماری و جزئیات فنی مد نظر قرار گیرد، پدافند غیرعامل در شـهرسازی می‌تواند علاوه بر کاهش خسارات تهدیدات انسان‌ساز جنگ و بمباران هوایی و غیره، جهت کاهش خطرپذیری در برابر انواع خطرات طبیعی نیز مفید واقع شـود. تلفیق طراحی و پدافند غیرعامل، برای مقابله با تهدیدات، در زمان صلح و جنگ، باعث "پایداری" می‌شود (کامران وحسینی امینی، ۱۳۹۰، ص. ۲۲۰؛ حسـینی و کاملی، ۱۳۹۱، ص. ۲۹). توسـعه پایدار موکول به محیط ایمن و پایدار می‌باشد و در شـرایط کنونی نظام شـهرسازی کشور نیز نگاهی سطحی و گذرا به مقوله پدافند غیرعامل وجود دارد و طرح‌های مختلف شـــهری در مقیاس‌های گوناگون فاقد چنین نگرشـــی می‌باشـــند (اخباری و احمدی مقدم، ۱۳۹۳، ص. ۳۸؛ فتحی‌نیا و همکاران، بی‌تا). به طور کلی پدافند غیرعامل مجموعه اقدامات غیر مسـلحانه‌ای اسـت که به‌کارگیری آن‌ها موجب کاهش آسـیب‌پذیری، دربرابر تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد (دفتر مقررات ملی ساختمان،۱۳۹۱، ص. ۱). هدف آن نیز استمرار فعالیت‌های زیربنایی، تأمین نیازهای حیاتی، تداوم خدمت‌رسانی عمومی و تسهیل اداره کشـور در شـرایط تهدید و بحران تجاوز خارجی و حفظ بنیه دفاعی علی‌رغم حملات خصـمانه و مخرب دشمن از طریق اجرای طرح‌های پدافند غیرعامل اسـت (یزدانی و محمدی حمیدی، ۱۳۹٦، ص.۲۲٦). برای بررسـی اصـول پدافند غیرعامل لازم اسـت به این نکته توجه شـود که این اصـول در ارتباط با کاربری‌ها و سـاختمان‌های مختلف، رویکرد متفاوتی دارند، لذا قبل از شـناخت این اصـول لازم است که انواع ساختمان‌ها و میزان اهمیت آن‌ها در پدافند غیرعامل مورد توجه واقع شـود و سـپس با ملحوظ داشـتن این طبقه‌بندی به شـناخت اصـول پدافند غیرعامل در شـهرسـازی پرداخته شود. مطابق مبحث بیست و یکم مقررات ملّی ساختمان، از منظر پدافند غیرعامل، ساختمان‌ها بر مبنای نوع کاربری آن، تعداد سـاکنین یا شـاغلان درون سـاختمان، ارزش سـرمایه‌های داخل آن، مسـاحت بنا و تعداد طبقات به پنج گروه سـاختمان‌های با درجه اهمیت ویژه، سـاختمان‌های با درجه اهمیت بسـیار زیاد، ساختمان‌های با درجه اهمیت زیاد، سـاختمان‌های با درجه اهمیت متوسـط و ساختمان‌های با درجه اهمیت کم تقسیم می‌شوند که از منظر دفاع غیرعامل هریک باید از ملزومات خاصـی برخوردار باشـند (دفتر مقررات ملی ساختمان، ۱۳۹۱، ص.۵). با توجه به اینکه در این تحقیق، اصول مرتبط با طراحی و برنامه‌ریزی در یک منطقه شهری مد نظر است، از میان اصول پدافند غیرعامل به بررسـی اسـتحکام، کوچک‌سـازی، مرمت‌پذیری، ترافیک، پراکندگی، اسـتتار، دسـترسـی به مراکز امدادرسـانی و محصوریت شبکه‌ی معابر پرداخته شده و از پرداختن به دیگر اصول ، صرف نظر شده است. (حسین زاده دلیر و همکاران، ۱۳۹۱، ص.۵).

در رابطه با رویکرد رشـد هوشمند و پدافند غیرعامل مطالعات و پژوهش‌های زیادی انجام شده است، از جمله می‌توان به موارد زیر در رابطه با رشدهوشمند اشاره کرد:

الکسـاندر[1] و تومالتی[2] (۲۰۰۲) در پژوهشـی به نام رشد هوشمند و توسعه پایدار با بررسی ارتباط تراکم و توسعه شـهری در ۲٦ منطقه شـهرداری برتیش کلمبیا به ارتباط تراکم با کارایی زیر سـاخت‌ها و کاهش اسـتفاده از خودرو همراه با کارایی اکولوژیک و اقتصادی اشاره کردند.

هریسـون[3] و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان رشـد هوشمند و سیستم فاضلاب: مدیریت رشد هوشمند در منطقه بالتیمور با توجه به آب‌های زائد، با مد نظر قرار دادن سـیاسـت‌های رشـد هوشـمند ایالت مریلند، با استفاده از مدل توزیع برنولی، به این نتیجه رسـیدند که وجود سـیسـتم فاضـلاب در یک محل مشوق رشد پراکنده در آن نقطه است.

لاگرسـا[4] و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشـی با عنوان معضـل تراکم، معرفی الگویی بر اساس اصول رشد هوشمند شـهری جهت کنترل رشد پراکنده سکونتگاه‌های درون شهری کاتانیا این نتیجه رسیدند که رشد پراکنده شهری باعث ناکافی بودن وسعت فضاهای سبز شده و این عامل با اثرات قابل توجه محیطزیست همراه بوده است.

صـداقتی و فارسـی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان طیف‌سـنجی سـرزندگی در بافت‌ها و محلات شـهری با تلفیق رویکردهای توسـعه پایدار، رشـد هوشـمند و نوشـهرگرایی با اسـتفاده از مدل الکتره به طیف‌سنجی و سنجش ابعاد سرزندگی بافت‌ها و محلات شهر مرودشت پرداخته‌اند.

عبدالهی و فتاحی (۱۳۹٦) نیز پژوهشـی را با عنوان سـنجش شـاخص‌های رشـد هوشـمند شـهری، به منظور اولویت‌بندی مناطق شهری کرمان با استفاده از روش ELEKTRE انجام داده‌اند.

درارتباط با پدافندغیرعامل نیز پژوهشگرانی همچون کلایو[5] در پژوهشی با نام آمادگی در برابر حوادث هسته‌ای به ارائه یک رویکرد یکپارچه در سطح شهر، در راستای برنامه‌ریزی و آمادگی اضطراری در مقابل حوادث هسته‌ای اشاره می‌کند و در جهت توسـعه برنامه به ارائه توصـیه‌های گام به گام با توجه به مثال‌های مربوطه از تجربه بالتیمور می پردازد.

ارکان[6] و کیل[7] (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان نقش فضـا در سـیاسـت امنیتی و دفاعی ترکیه. تغییر درچشـم انداز: امنیت در فضـا و امنیت از فضا به تأثیر فضا و تکنولوژی‌های مرتبط با فضا مانند ماهواره‌ها به عنوان ابزاری برای دفاع و ایجاد امنیت در کشور ترکیه تأکید کرده‌اند.

1. Alexander
2. Tomalty
3. Harrison
4. La Greca
5. Kale
6. Ercan
7. Kale

کاو[1] و ژانگ[2] (۲۰۱۸) در مقاله‌ای به نام استراتژی‌های تهاجمی و غیرعامل: تجزیه و تحلیل نظری دفاع نظامی به بررسی روابط بین پدافند غیر عامل و ساختار دیوار چین از منظر روابط سیستماتیک پرداخته‌اند.

همچنین حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با نام پدافند غیرعامل و توسعه‌ی پایدار شهری با تأکید برکاربری‌های تهدیدپذیر کلان‌شهر تبریز از منظر جنگ به بررسی کاربری‌های حساس شهر در مواقع وقوع بحران با تأکید بر پدافند غیرعامل و با نگاهی به توسعه‌ی پایدار در برنامه‌ریزی شهری پرداخته‌اند. همچنین دراین تحقیق با جمع‌آوری نقشه‌هایی از مراکز و کاربری‌های استراتژیک شهر تبریز در محیط GIS، به تحلیل و بررسی ویژگی‌های شهر متناسب با موضوع پرداخته شده است.

باغبان و همکاران (۱۳۹٦) در پژوهشی با عنوان شناسایی وجوه انطباق ملاحظات پدافند غیرعامل و مشخصه‌های طراحی شهری به بررسی ملاحظات و اصول پدافند غیرعامل در تطبیق با اصول طراحی شهری پرداخته‌اند.

با توجه به موارد عنوان شده می‌توان گفت که وجه تمایز این تحقیق با دیگر مطالعات نگاه جزئی‌تر و دقیق‌تر به بافت شهری و توجه به حفظ و دوام توسعه در کنار شکل ایده‌آل و مناسب رشد و توسعه است.

ضرورت پرداختن به موضوع پدافند غیرعامل از آن‌جایی مهم می‌نماید که وابستگی متقابل میان امنیت و توسعه اجتناب‌ناپذیر است (مؤمن‌زاده، ۱۳۸٦، ص.۲۷)؛ به بیانی دیگر توجه صرف به شکل رشد و توسعه شهر بدون در نظر گرفتن اصول پدافند غیرعامل منجر به کاهش پایداری شهر خواهد شد. لذا این پژوهش بر آن است که در راستای افزایش پایداری شهر، علاوه بر بررسی مؤلفه‌های رشد هوشمند، اصول پدافند غیرعامل را نیز مدنظر قرار دهد. اهمیت این موضوع برای شهر مشهد به عنوان دومین کلانشهر کشور که همواره مملو از زائر، گردشگر و همچنین منابع و سرمایه‌های بسیاری است دو چندان می‌شود. منطقه یک شهر مشهد به دلیل اهمیت خاص آن در توزیع جمعیت و تراکم جمعیتی بالای آن، استقرار فعالیت‌های خاص و همچنین موقعیت و وجود عناصر و فضاهای مهم خدماتی جهت بررسی این دو رویکرد انتخاب شده است، این منطقه به لحاظ مرکزیت شهری از لحاظ تجاری و اداری، جمعیت و ترافیک بیش از اندازه‌ای را در خود جای داده است و همچنین شاهد ساخت‌وسازهایی در آن هستیم که به طور روزافزون آسیب‌پذیری محیط کالبدی را در برابر انواع بحران‌ها افزایش می‌دهند. منطقه مذکور، با داشتن ۱۱محله‌ی خدماتی از سویی به دلیل دارا بودن فضاهای مهمی که دارای عملکرد شهری، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هستند و از سوی دیگر به دلیل افزایش جمعیت و وجود اراضی بایر و خالی قابل توجهی که در بافت آن وجود دارد از منظر رشد هوشمند و پدافند غیرعامل حائز اهمیت است. هدف از این پژوهش طیف سنجی محلات منطقه ۱ مشهد با مقایسه رویکردهای رشد هوشمند و پدافندغیرعامل می‌باشد. ابتدا پس از استخراج شاخص‌های رشد هوشمند و پدافند غیرعامل، کارشناسان مربوطه بر اساس روش MACBETH تفاوت جذابیت هر یک از این شاخص‌ها را مشخص نمودند. وزن این شاخص‌ها با بهره‌گیری از فرایند تحلیل سلسله مراتبی الکتره مورد سنجش

1. Cao
2. Zhang

واقع شد و در نهایت وضعیت محلات مورد مطالعه از نظر شاخص‌های رشد هوشمند و پدافند غیرعامل مورد ارزیابی قرار گرفت. در مرحله‌ی بعدی، محلات مورد مطالعه بر اساس هر دو رویکرد به صورت مجزا طبقه‌بندی شده‌اند. از این‌رو پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ به سؤال زیر می‌باشد:

– مناسب‌ترین و نامناسب‌ترین محلات محدوده مورد مطالعه در مقایسه دو رویکرد رشد هوشمند و پدافندغیرعامل کدام اند؟

۲. روش شناسی

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی است و با استفاده از روش توصیفی_تحلیلی انجام شده است. در این پژوهش ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای اطلاعات مورد نیاز در زمینه‌ی رشد هوشمند و پدافند غیرعامل جمع‌آوری و تعریف عملیاتی شدند. در مرحله‌ی بعد با مبنا قرار دادن محلات منطقه یک شهر مشهد به عنوان واحد تحلیل، از طریق مصاحبه با ۲۰ تن از کارشناسان (کارشناسان پژوهش را ۵ نفر از اساتید رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۵ نفر از اساتید رشته طراحی شهری، ۳ نفر رشته مدیریت شهری، ٤ نفر از کارشناسان شهرداری و ۳ نفر از کارشناسان نظامی تشکیل می‌دهند) اقدام به جمع‌آوری اطلاعات گردید و سپس اصول رشد هوشمند و پدافند غیرعامل مطابق با فن مکبث که روایی آن‌ها با استفاده از روش محتوایی و صوری تأیید شده بود، بر پایه این اطلاعات وزن‌دهی گردید. در گام بعدی وضع موجود محلات مورد مطالعه از لحاظ اصول رشد هوشمند و پدافند غیرعامل به وسیله‌ی مطالعه‌ی طرح تفصیلی محدوده و مشاهدات میدانی صورت پذیرفته. سپس طیف‌سنجی محلات مذکور بر حسب این‌که به چه میزان از اصول رشد هوشمند و پدافند غیرعامل برخوردار هستند، با کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی و مدل الکتره انجام گرفت.

با مطالعه پیشینه و بر اساس نظرکارشناسان، ۷ شاخص از ۱۰ شاخص رشد هوشمند و ۸ شاخص پدافند غیرعامل در محلات مورد مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است. دسترسی به داده‌ها (ظرفیت برای جمع‌آوری و پردازش)، اعتبار اطلاعات، تطبیق با مقیاس مورد مطالعه (محله)، ارتباط داشتن با موضوع و درنهایت تطبیق با ویژگی‌های محلات مورد نظر در انتخاب این شاخص‌ها مؤثر واقع شده‌اند.

جدول۱. شاخص‌های تحقیق

شاخص های رشد هوشمند	تراکم جمعیتی	شاخص های پدافند غیرعامل	کوچک سازی
	تراکم ساختمانی		استتار
	سرانه کاربری مختلط		محصوریت شبکه معابر
	سرانه کاربری‌های خدماتی		ترافیک
	دسترسی به حمل و نقل عمومی		دسترسی به مراکز امدادرسانی
	کیفیت پیاده رو		مرمت‌پذیری
	سرانه کاربری فضای سبز		استحکام
			پراکندگی

بلوار قرنی و بلوار فردوسی از شمال، پارک کوهسنگی تا میدان تلویزیون از جنوب، میدان شهدا تا انتهای کوهسنگی از شرق و از میدان استقلال تا میدان تلویزیون از غرب مرزهای منطقه یک مشهد را تشکیل می‌دهند. با توجه به آخرین آمارنامه شهر مشهد (سال ۱۳۹۵)، منطقه یک با مساحت ۱٤۷۷ هکتار شامل ۲ ناحیه است. جمعیت منطقه یک در سال ۹۵ معادل ۱٦۷۰۱۳نفر می‌باشد. در این منطقه ۵ نوع پهنه عملکردی به طور مشخص به چشم می‌خورد: مورد اول پهنه‌ی اداری است که به علت تمرکز کاربری‌های اداری در حاشیه بلوار خیام و جانباز جنوبی تشکیل شده است، مورد بعدی پهنه‌ی درمانی واقع در خیابان احمدآباد و کوهسنگی به دلیل قرارگیری بیمارستان‌های قائم، امید ، مهر و همچنین مجتمع‌های پزشکی متعدد در این محدوده شکل گرفته است. مورد بعد پهنه‌ای متشکل از کاربری‌های تجاری، خدماتی، مسکونی- تجاری ، مسکونی- خدماتی و تجاری خدماتی است که تمامی کاربری‌های مذکور در پهنه‌ای تحت عنوان تجاری - خدماتی جا گرفته‌اند. پهنه مذکور، شامل خیابان‌های سجاد ، دستغیب، فلسطین، راهنمایی، آبکوه، سناباد، کلاهدوز، قرنی، ابوذر، رضا و قسمتی از خیابان‌های احمدآباد و سازمان آب می‌باشد. پهنه‌های مذکور از مهم‌ترین پهنه‌های موجود در منطقه یک می‌باشند (پارسوماش، ۱۳۸۸).

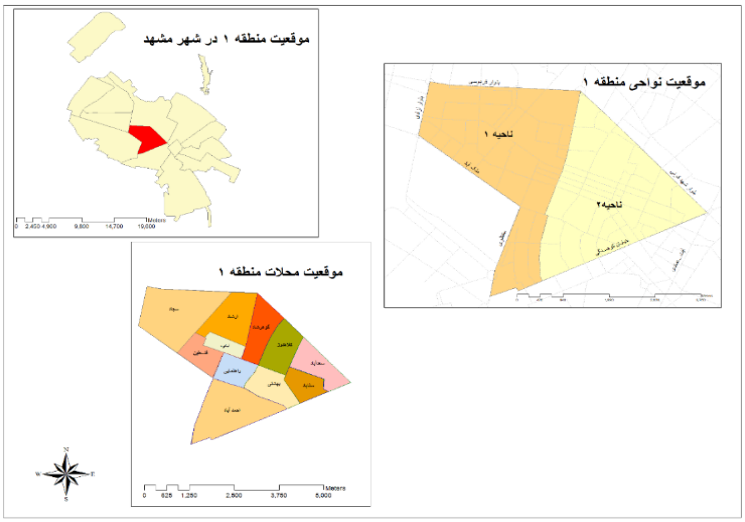

شکل۱. معرفی محدوده مورد مطالعه

۳. یافته‌ها

پرسشنامه مربوط به مقایسات زوجی مبتنی بر روش MACBETH، بین ۲۰ کارشناس توزیع شد و برای هر فرد، ماتریس مقایسه زوجی تفاوت جذابیت شاخص‌ها با یکدیگر محاسبه گردید. با استفاده از نرم‌افزار M_MACBETH، نظرات کارشناسان ادغام شده و پس از شکل‌گیری ماتریس‌های مقایسه زوجی، وزن همه شاخص‌ها از روش MACBETH بین ۰ تا ۱ محاسبه وتفاوت جذابیت سطوح هر شاخص مورد ارزیابی واقع شده است. وزن‌های به دست آمده در شکل ۲ قابل مشاهده است.

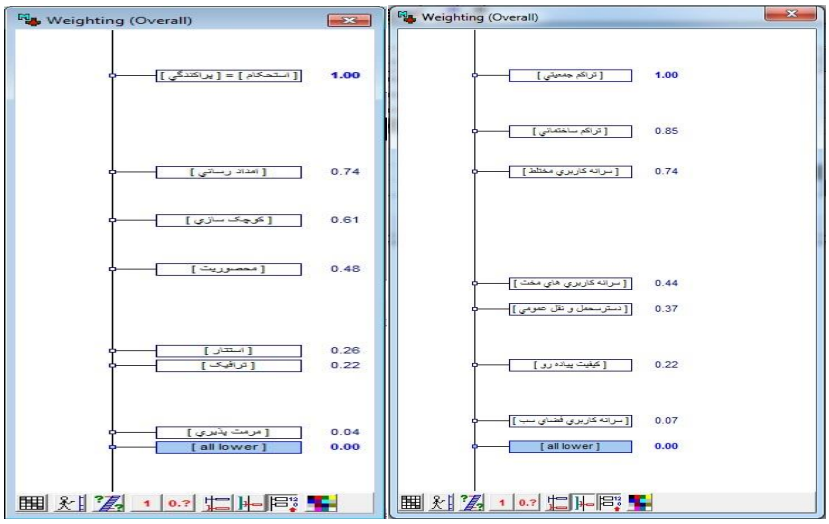

شکل۲. وزن شاخص‌های رشد هوشمند و پدافند غیرعامل در نرم‌افزار مکبث

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

تشکیل ماتریس بی‌مقیاس شده موزون: در این مرحله ابتدا ماتریس اولیه داده‌ها از طریق طیف لیکرت که شامل ۵ درجه می‌باشد، بر اساس شناخت وضع موجود امتیاز داده شده و سپس برای تشکیل ماتریس بی‌مقیاس وزنی، هریک از این امتیازات در وزن مؤلفهٔ مربوط به خود در هر دو رویکرد ضرب شده است.

جدول۲. ماتریس بی‌مقیاس شده موزون داده‌های مؤلفه‌های رشد هوشمند

محلات	تراکم جمعیتی	تراکم ساختمانی	سرانه کاربری مختلط	سرانه کاربری های خدماتی	دسترسی به حمل و نقل عمومی	کیفیت پیاده رو	سرانه کاربری فضای سبز و پارک
وزن	۱	۰/۸۵	۰/۷٤	۰/٤٤	۰/۳۷	۰/۲۲	۰/۰۷
سعدآباد	٤	۱/۷	۱/٤۸	۱/۳۲	۱/۱۱	۰/٤٤	۰/۰۷
راهنمایی	۲	۲/۵۵	۲/۲۲	۱/۳۲	۰/۷٤	۰/۸۸	۰/۰۷
کلاهدوز	۳	۲/۵۵	۲/۲۲	۱/۷٦	۱/۱۱	۰/٦٦	۰/۱٤
ارشاد	۱	٤/۲۵	۰/۷٤	۱/۳۲	۱/۱۱	۰/۸۸	۰/۱٤
آبکوه	۲	۲/۵۵	۲/۹٦	۰/۸۸	۱/۱	۰/٤٤	۰/۰۷
سجاد	۲	۳/٤	۱/٤۸	۱/۳۲	۰/۷٤	۰/۸۸	۰/۲۸
گوهرشاد	۳	۳/٤	۱/٤۸	۱/۷٦	۰/۷٤	۰/٦٦	۰/۰۷
احمدآباد	۳	۱/۷	۱/٤۸	۱/۷٦	۱/٤۸	۱/۱	۰/۱٤
فلسطین	۲	۱/۷	۲/۲۲	۱/۳۲	۱/٤۸	۰/۸۸	۰/۰۷
سناباد	٤	۰/۸۵	۱/٤۸	۱/۳۲	۱/۱۱	۰/٤٤	۰/۱٤
بهشتی	۲	۱/۷	۱/٤۸	۰/۸۸	۱/۱۱	۰/٦٦	۰/۰۷

تکنیک مکبث، اهمیت مؤلفه‌های هر دو رویکرد را بین ۰ تا ۱ در نظر گرفته است و بر این اساس تراکم جمعیتی بین مؤلفه‌های رشد هوشمند امتیاز ۱ را به خود اختصاص داده است و سایر مؤلفه‌ها نیز نسبت به آن اولویت‌بندی شده‌اند و همچنین پراکندگی و استحکام نیز بین مؤلفه‌های پدافند غیرعامل امتیاز ۱ را کسب نموده و سایر مؤلفه‌ها نیز نسبت به آن‌ها اولویت‌بندی شده است.

جدول۳. ماتریس بی‌مقیاس شده موزون داده‌های مؤلفه‌های پدافند غیرعامل

محلات	کوچک سازی	استتار	محصوریت معابر	ترافیک	دسترسی به مراکز امداد رسانی	مرمت پذیری	استحکام	پراکندگی
سعدآباد	۳/۰۵	۱/۳	۰/۹٦	۰/٦٦	۲/۹٦	۰/۲	۳	٤
راهنمایی	۳/۰۵	۱/۳	۱/٤٤	۰/٤٤	۳/۷	۰/۲	٤	۳
کلاهدوز	۳/۰۵	۱/۳	۱/۹۲	۰/۸۸	۲/۹٦	۰/۲	۵	٤
ارشاد	۳/۰۵	۱/۳	۱/۹۲	۰/۸۸	۲/۲۲	۰/۲	۵	۳
آبکوه	۳/۰۵	۱/۳	۱/٤٤	۰/٦٦	۰/۲۲	۰/۲	۳	٤

محلات	کوچک سازی	استتار	محصوریت معابر	ترافیک	دسترسی به مراکز امداد رسانی	مرمت پذیری	استحکام	پراکندگی
سجاد	۳/۰۵	۱/۰٤	۱/۹۲	۰/۸۸	۲/۲۲	۰/۲	۵	۳
گوهرشاد	۳/۰۵	۱/۳	۱/۹۲	۰/٤٤	۲/۲۲	۰/۲	٤	٤
احمدآباد	۲/٤٤	۰/۷۸	۰/٤	۰/۲۲	۲/۹٦	۰/۲	۵	۱
فلسطین	۳/۰۵	۱/۰٤	۲/٤	۰/٤٤	۳/۷	۰/۲	۵	۳
سناباد	۳/۰۵	۱/۳	۱/٤٤	۰/۲۲	۳/۷	۰/۲	٤	٤
بهشتی	۳/۰۵	۱/۰٤	۲/٤	۰/٦٦	۳/۷	۰/۲	٤	۳

تعیین مجموعه‌ی هماهنگی و ناهماهنگی: در این مرحله تمامی گزینه‌ها نسبت به تمام شاخص‌ها، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و مجموعه‌ی ماتریس‌های "هماهنگ و ناهماهنگ" تشکیل می‌شود. مجموعه هماهنگ از گزینه‌های K.1 که با SK.1 نشان داده می‌شود، مشتمل بر کلیه شاخص‌هایی خواهد بود که در آن‌ها، گزینه‌های AK بر گزینه‌ی A1 به ازای آن‌ها مطلوبیت بیشتری داشته باشد. در این ماتریس شاخص‌هایی که در دو گزینه مقداری مساوی را نشان می‌دهند در مجموعه هماهنگ قرار می‌گیرند چون شاخص‌های ذکر شده همه از نوع مثبت هستند، در مجموعه ماتریس‌های مثبت خواهیم داشت:

$$(S_{k1})\{j|x_{kj} \geq x_{1j}\} \Rightarrow \quad j = 1,2,3,\ldots, n \qquad (۱)$$

و همچنین در ماتریس‌های ناهماهنگ داریم:

$$(D_{k1})\{j \int x_{kj} < x_{1j}\} = j - (S_{k1}) \qquad (۲)$$

جدول ٤. مجموعۀ مؤلفه‌های هماهنگ و ناهماهنگ مؤلفه‌های رشد هوشمند

گزینه ۱ محله سعدآباد	s12:{1,4,5,7} D12:{2,6}	s13:{1,5} D13;{2,3,4,6,7}	S14:{1,3,4,5} D14:{2,6,7}	S15:{1,4,5,6,7} D15:{2,3}	S16:{1,3,4} D16:{2,5,6,7}
	S17:{1,3,5,7} D17:{2,4,6}	S18:{1,2,3} D18:{4,5,6,7}	S19:{1,2,4,7} D19:{3,5,6}	S1.10:{1,2,3,4,5,6} D1.10:{7}	S1.11:{2,3,4,5,7} D1.11:{1,6}
گزینه ۲ محله راهنمایی	S21:{2,3,4,6,7} D21:{1,5}	S23;{2,3,6} D23:{1,4,5,7}	S24:{1,3,4,6} D24:{2,5,7}	S25;{1,2,4,6,7} D25;{3,5}	S26:{1,3,4,5,6} D26:{2,7}
	S27:{1,3,5,7} D27:{2,4,6}	S28:{2,3} D28:{1,4,5,6,7}	S29:{1,2,3,4,6,7} D29:{5}	S2.10:{2,3,4,6} D2.10:{1,5,7}	S2.11:{1,2,3,4,6,7} D2.11:{5}
گزینه ۳ محله کلاهدوز	S31:{2,3,4,5,6,7} D31;{1}	S32:{1,2,3,4,5,7} D32:{6}	S34:{1,3,4,5,7} D34:{2,6}	S35:{1,2,4,5,6,7} D35:{3}	S36:{1,3,4,5} D36:{2,6,7}
	S37:{1,3,4,5,6,7} D37:{2}	S38:{1,2,3,4,7} D38:{5,6}	S39:{1,2,3,4,7} D39:{5,6}	S3.10:{2,3,4,5,6,7} D3.10:{1}	S3.11:{1,2,3,4,5,6,7}
گزینه ٤ محله ارشاد	S41:{2,4,5,6,7} D41:{1,3}	S42:{1,4,5,6,7} D42:{2,3}	S43:{2,5,6,7} D43:{1,3,4}	S45;{2,4,5,6,7} D45:{1,3}	S46:{2,4,5,6} D46:{1,3,7}
	S47;{2,5,6,7} D47:{1,3,4}	S48:{2,7} D48:{1,3,4,5,6}	S49:{2,4,6,7} D49:{1,3,5}	S4.10:{2,4,5,6,7} D4.10:{1,3}	S4.11:[2,4,5,6,7} D4.11:{1,3}
گزینه ۵ محله آبکوه	S51:{2,3,5,6,7} D51:{1,4}	S52:{1,2,4,5,6,7} D52:{4,6}	S53:{2,3,5} D53:{1,4,6,7}	S54:{1,3,5} D54:{2,4,6,7}	S56:{1,3,5} D56:{2,4,6,7}
	S57:{3,5,7} D57:{1,2,4,6}	S58:{2,3} D58:{1,4,5,6,7}	S59:{1,2,3,7} D59:{4,5,6}	S5.10:{2,3,5,6} D:{1,4,7}	S5.11:{1,2,3,4,5,7} D:{6}
گزینه ٦ محله سجاد	S61:{2,3,4,5,7} D61{1,6}	S62:{1,2,4,5,6,7} D62:{3}	S63:{2,6,7} D63:{1,3,4,5}	S64:{1,3,4,6,7} D64:{2,5}	S65:{1,2,4,6,7} D65:{3,5}
	S67:{2,3,5,6,7} D67:{1,4}	S68:{2,3,7} D68:{1,4,5,6}	S69:{1,2,4,6,7} D69:{3,5}	S6.10:{2,3,4,6,7} D6.10:{1,5}	S6.11:{1,2,3,4,6,7} D6.11:{5}
گزینه ۷ محله گوهرشاد	S71:{2,3,4,6,7} D71:{1,5}	S72:{1,2,4,5,7} D72:{3,6}	S73:{1,2,4,6} D73:{3,5,7}	S74:{1,3,4} D74:{2,5,6,7}	S75:{1,2,4,6,7} D75:{3,5}
	S76:{1,2,3,4,5} D76:{6,7}	S78:{1,2,3,4} D78:{5,6,7}	S79:{1,2,4,7} D79:{3,5,6}	S7.10:{2,3,4,6} D7.10:{1,5,7}	S7.11:{5} D7.11:{1,2,4,6,7}
گزینه ۸ محله احمدآباد	S81:{2,3,4,5,6,7} D81:{1}	S82:{1,4,5,6,7} D82:{2,3}	S83:{1,4,5,6,7} D83:{2,3}	S84:{1,3,4,5,6,7} D84:{2}	S85:{1,4,5,6,7} D85:{2,3}
	S86:{1,3,4,5,6} D86:{2,7}	S87:{1,3,4,5,6,7} D87:{2}	S89:{1,2,4,5,67} D89:{3}	S8.10:{2,3,4,5,6,7} D8.10:{1}	S8.11:{1,2,3,4,6,7}
گزینه ۹ محله فلسطین	S91:{2,3,4,5,6,7} D91:{1}	S92:{1,3,4,5,6,7} D92:{2}	S93:{3,5,6} D93:{1,2,4,7}	S94:{1,3,4,5,6} D94:{2,7}	S95:{1,4,5,6,7} D95:{2,3}
	S96:{1,3,4,5,6} D96:{2,7}	S97:{3,5,6,7} D97:{1,2,4}	S98:{2,3,5} D98:{1,4,6,7}	S9.10:{2,3,4,5,6} D9.10:{1,7}	S9.11:{1,2,3,4,5,6,7}
گزینه ۱۰ محله ستاباد	S10.1:{1,3,4,5,6,7} D10.1:{2}	S10.2:{1,4,5,7} D10.2:{2,3,6}	S10.3:{1,5,7} D10.3:{2,3,4,6}	S10.4:{1,3,4,5,7} D10.4:{2,6}	S10.5:{1,4,5,6,7} D10.5:{2,3}
	S10.6:{1,3,4,5} D10.6:{2,6,7}	S10.7:{1,3,5,7} D10.7:{2,4,6}	S10.8:{1,3,7} D10.8:{2,4,5,6}	S10.9:{1,4,7} D10.9:{2,3,5,6}	S10.11:{1,3,4,5,7} D10.11;{2,6}
گزینه ۱۱ محله بهشتی	S11.1:{2,3,5,6,7} D11.1:{1,4}	S11.2:{1,5,6,7} D11.2:{2,3,4}	S11.3:{5,6} D11.3:{1,2,3,4,7}	S11.4:{1,3,5} D11.4:{2,4,6,7}	S11.5:{1,4,5,6,7} D11.5:{2,3}
	S11.6:{1,3,5} D11.6:{2,4,6,7}	S11.7:{3,5,6,7} D11.7:{1,2,4}	S11.8:{2,3} D11.8:{1,4,5,6,7}	S11.9:{1,2,7} D11.9:{3,4,5,6}	S11.10:{2,3,5,6} D11.10:{1,4,7}

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

جدول۵. مجموعۀ مؤلفه‌های هماهنگ و ناهماهنگ مؤلفه‌های پدافندغیرعامل

گزینه ۱ محله سعدآباد	s12:{3,5,7} D12:{1,2,4,6,8}	s13:{1,2,5,6,8} D13:{3,4,7}	S14:{1,2,5,6,8} D14:{3,4,7}	S15:{1,2,4,5,6,7,8} D15:{3}	S16:{1,3,4,5,6,8} D16:{2,7}
	S17:{1,2,4,5,6,8} D17:{3,7}	S18:{2,4,5,6,8} D18:{1,3,7}	S19:{1,4,6,8} D19:{2,3,5,7}	S1.10:{1,2,4,6,8} D1.10:{3,5,7}	S1.11:{1,4,6,8} D1.11:{2,3,5,7}
گزینه ۲ محله راهنمایی	S21:{1,2,3,5,6,7} D21:{4,8}	S23;{1,2,5,6} D23:{3,4,7,1}	S24:{1,2,5,6,8} D24:{3,4,7}	S25;{1,2,3,5,6,7}D25;{4,8}	S26:{1,2,5,6,8} D26:{3,4,7}
	S27:{1,2,4,5,6,7} D27:{3,8}	S28:{1,2,4,5,6,8} D28:{3,7}	S29:{1,2,3,4,5,6,8} D29:{7}	S2.10:{1,2,3,4,5,6,7} D2.10:{8}	S2.11:{1,3,5,7,8} D2.11:{2,4}
گزینه ۳ محله کلاهدوز	S31:{1,2,3,4,5,6,7,8}	S32:{1,2,3,4,6,7,8} D32:{5}	S34:{1,2,3,4,5,6,7,8}	S35:{1,2,3,4,5,6,7,8}	S36:{1,3,4,5,6,7,8} D36:{2}
	S37:{1,2,3,4,5,6,7,8}	S38:{1,2,4,5,6,7,8} D38:{3}	S39:{1,2,4,6,7,8} D39:{3,5}	S3.10:{1,2,3,4,6,8} D3.10:{5,7}	S3.11:{1,2,4,6,7,8} D3.11:{3,5}
گزینه ٤ محله ارشاد	S41:{1,2,4,6,7} D41:{3,5,8}	S42:{1,2,3,4,6,7,8} D42:{5}	S43:{1,2,3,4,6,7} D43:{5,8}	S45:{1,2,3,4,5,6,7} D45:{8}	S46:{1,2,3,4,5,6,7,8}
	S47:{1,2,3,4,5,6,7} D47:{8}	S48:{1,2,4,6,7,8} D48:{5}	S49:{1,2,4,6,7,8} D49:{3,5}	S4.10:{1,2,3,4,5,6} D4.10:{7,8}	S4.11:{1,2,3,4,5,6} D4.11:{7,8}
گزینه ۵ محله آبکوه	S51:{1,2,3,4,6,7,8} D51:{5}	S52:{1,2,3,4,6,8} D52:{5,7}	S53:{1,2,6,7,8} D53:{3,4,5}	S54:{1,2,5,6,8} D54:{3,4,7}	S56:{1,2,5,6,8} D56:{3,4,7}
	S57:{1,2,4,5,6,8} D57:{3,7}	S58:{1,2,4,5,6,8} D58:{3,5,7}	S59:{1,2,3,7} D59:{5,7}	S5.10:{1,2,3,4,6,8} D5.10:{5,7}	S5.11:{1,2,4,6,8} D:{3,5,7}
گزینه ٦ محله سجاد	S61:{1,4,6,7} D61{2,3,5,8}	S62:{1,3,4,6,8} D62:{2,5,7}	S63:{1,3,4,6,7} D63:{2,5,8}	S64:{1,3,4,5,6,7} D64:{2,8}	S65:{1,3,4,5,6,7} D65:{2,8}
	S67:{1,3,4,5,6,7,8} D67;{2}	S68:{1,2,4,6,7,8} D68:{3,5}	S69:{1,2,4,6,7,8} D69:{3,5}	S6.10:{1,2,3,5,6} D6.10:{4,7}	S6.11:{1,2,4,5,6,7,8} D6.11:{3}
گزینه ۷ محله گوهرشاد	S71:{1,2,5,6,7} D71:{3,4,8}	S72:{1,2,3,4,6,7,8} D72:{5}	S73:{1,2,3,6,8} D73:{4,5,7}	S74:{1,2,3,5,6,7,8} D74:{4}	S75:{1,2,3,5,6,7,8} D75:{4}
	S76:{1,2,3,5,6,8} D76:{4,7}	S78:{1,2,4,6,8} D78:{3,5,7}	S79:{1,2,4,6,8} D79:{3,5,7}	S7.10:{1,2,3,4,6,7,8} D7.10:{5}	S7.11:{1,5,6,7,8} D7.11:{2,3,4}
گزینه ۸ محله احمدآباد	S81:{3,5,6,7} D81:{1,2,4,8}	S82:{3,6,7} D82:{1,2,4,8}	S83:{3,5,6,7} D83:{1,2,4,8}	S84:{3,5,6,7} D84:{1,2,4,8}	S85:{3,5,6,7} D85:{1,2,4,8}
	S86:{3,5,6,7} D86:{1,2,4,8}	S87:{3,5,6,7} D87:{1,2,4,8}	S89:{3,6,7} D89:{1,2,4,5,8}	S8.10:{3,4,6,7} D8.10:{1,2,5,8}	S8.11:{3,5,6,7} D8.11:{1,2,4,5}
گزینه ۹ محله فلسطین	S91:{1,3,5,6,7} D91:{2,4,8}	S92:{1,3,4,5,7,8} D:{2,6}	S93:{1,3,5,6,7} D93:{2,4,8}	S94:{1,2,4,5,6,7,8} D94:{3}	S95:{1,3,5,6,7} D95:{2,4,8}
	S96:{1,2,3,5,6,7,8} D96:{4}	S97:{1,3,4,5,6,7} D97:{2,8}	S98:{1,2,3,4,5,6,7,8}	S9.10:{1,3,4,5,6,7} D9.10:{2,8}	S9.11:{1,2,3,5,6,7,8} D9.11:{4}
گزینه ۱۰ محله ستاباد	S10.1:{1,2,3,5,6,7,8} D10.1:{4}	S10.2:{1,2,3,5,6,7,8} D10.2:{4}	S10.3:{1,2,5,6,8} D10.3:{3,4,7}	S10.4:{1,2,5,6,8} D10.4:{3,4,7}	S10.5:{1,2,3,5,6,7,8} D10.5:{4}
	S10.6:{1,2,5,6,8} D10.6:{3,4,7}	S10.7:{1,2,5,6,7,8} D10.7:{3,4}	S10.8:{1,2,4,5,6,8} D10.8:{3,7}	S10.9:{1,2,5,6,8} D10.9:{3,4,7}	S10.11:{1,2,5,6,7,8} D10.11:{3,4}
گزینه ۱۱ محله بهشتی	S11.1:{1,3,4,5,6,7 D11.1:{2,8}	S11.2:{1,3,4,5,6,7,8} D11.2:{2}	S11.3:{1,3,5,6} D11.3:{2,4,7,8}	S11.4:{1,3,5,6,8} D11.4:{2,4,7}	S11.5:{1,3,4,5,6,7} D11.5:{2,8}
	S11.6:{1,2,3,5,6,8} D11.6:{4,7}	S11.7:{1,3,4,5,6,7} D11.7:{2,8}	S11.8:{1,2,3,4,5,6,8} D11.8:{7}	S11.9:{1,2,3,4,5,6,8} D11.9:{7}	S11.10:{1,3,4,5,6,7} D11.10:{8}

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷)

محاسبه‌ی ماتریس هماهنگی: در این مرحله ماتریس هماهنگی با جمع وزن‌های هر یک از شاخص‌های متعلق به مجموعه هماهنگ ایجاد می‌شود. سپس هر یک از مقادیر در جای خود در درون ماتریس قرار داده می‌شود.

جدول٦. ماتریس هماهنگی شاخص‌های پدافند غیرعامل

۸۷/۱	۱۳/۲	۸۷/۱	۲٦/۲	۸۷/۲	۰۹/۳	۸۷/۳	٦٥/۲	٦٥/۲	۱۳/۲	_
۸۷/۳	۳٥/۳	۳٥/۳	۸۷/۲	۸۷/۲	٦٥/۲	۱۳/۳	٦٥/۲	٦٥/۱	_	۱۳/۳
۱۳/۳	٦۱/۲	۱۳/۳	۸۷/۳	۳٥/٤	۰۹/٤	۳٥/٤	۳٥/٤	_	٦۱/۳	۳٥/٤
۳٥/۲	۳٥/۲	۳٥/۲	۱۳/۳	۳٥/۳	۳٥/٤	۳٥/۳	_	٦۱/۲	٦۱/۳	۱۳/۲
۱۳/۲	٦۱/۲	٦۱/۲	۱۳/۲	۸۷/۲	٦٥/۲	_	٦٥/۲	۹۱/۲	٦۱/۲	٦۱/۳
۸۷/۳	۱۳/۳	۱۳/۳	۱۳/۳	۰۹/٤	_	۰۹/۳	۰۹/۳	۳٥/۲	۳٥/۲	۸۷/۱
۳۹/۳	٦۱/۳	۱۳/۲	۱۳/۲	_	۱۳/۳	۱۳/٤	۱۳/٤	۳۹/۲	٦۱/۳	٦٥/۲
۸۳/۱	٦۱/۲	٥۲/۱	_	۲٦/۲	۲٦/۲	۲٦/۲	۲٦/۲	۲٦/۲	٥۲/۱	۲٦/۲
۱۳/٤	۰۹/۳	_	۳٥/٤	۰۹/۳	۱۳/٤	۸۷/۲	۸۷/۳	۸۷/۲	۰٥/٤	۸۷/۲
٦٥/۳	_	٦٥/۲	۸۷/۲	٦٥/۳	٦٥/۲	۱۳/٤	٦٥/۲	٦٥/۲	۱۳/٤	۱۳/٤
_	۰۹/۳	۳٥/۳	۳٥/۳	۰۹/۳	۱۳/۳	۰۹/۳	۸۷/۲	۸۷/۱	۰۹/٤	۰۹/۳

جدول۷. ماتریس هماهنگی شاخص‌های رشد هوشمند

٤۷/۲	٦۲/۳	۳٦/۲	٥۹/۲	۱۸/۲	۹٦/۱	۱/۲	٥٥/۲	۳۷/۱	۸۸/۱	_
۳۷/۰	۲٥/۲	۳۲/۳	٥۹/۱	۱۸/۲	۷۷/۲	٥۸/۲	٤/۲	۸۱/۱	_	۳۲/۲
٦۹/۳	٦۹/۲	۱/۳	۱/۳	۸٤/۲	٥٥/۲	۹٥/۲	٦۲/۲	_	٤۷/۳	٦۹/۲
۹٥/۱	۹٥/۱	٥۸/۱	۹۲/۰	٥۱/۱	۸۸/۱	۹٥/۱	_	٥۱/۱	۱/۲	۹٥/۱
٤۷/۳	۱۸/۲	٦٦/۲	٥۹/۱	۱۸/۱	۱۱/۲	_	۱۱/۲	۹٦/۱	۰۳/۳	۲٥/۲
۳۲/۳	۳۲/۲	٥۸/۲	٦٦/۱	۲٥/۲	_	٥۸/۲	٤۷/۲	۱٤/۱	۹٥/۲	٤۷/۲
۳۲/۳	۲٥/۲	۳٦/۲	۳/۰	_	٤/۳	٥۸/۲	۱۸/۲	٥۱/۲	۷۳/۲	۳۲/۲
٦۹/۳	٦۹/۲	۹٥/۲	_	۸٤/۲	۷۷/۲	۱/۲	۸٤/۲	۱/۲	۱/۲	٦۹/۲
٦۹/۳	٦۲/۲	-	۹٦/۱	٤/۱	۷۷/۲	۱/۲	۷۷/۲	۳۲/۱	۸٤/۲	٦۹/۲
٦۲/۲	_	٥۱/۱	۸۱/۱	۱۸/۲	٥٥/۲	۱/۲	٦۲/۲	٤٤/۱	۸۸/۱	۸٤/۲
_	۱۸/۲	۹۲/۱	٥۹/۱	٤/۱	۱۱/۲	۱/۲	۱۱/۲	٥۹/۰	٦٦/۱	۲٥/۲

محاســبه‌ی ماتریس ناهماهنگی: در این مرحله با اســتفاده از مقادیر ماتریس بی‌مقیاس موزون و از طریق رابطه زیر ماتریس ناهماهنگی تشکیل می‌گردد.

$$NI_{k1} = \frac{\max\limits_{j \in D_{k1}} \left| V_{kj} - V_{1j} \right|}{\max\limits_{j \in j} \left| V_{kj} - V_{1j} \right|} \qquad (۵)$$

پس از محاسبه تمامی مجموعه‌های ناهماهنگ هر یک از مقادیر در داخل ماتریس قرار می‌گیرد.

جدول۸. ماتریس ناهماهنگ شاخص‌های پدافند غیرعامل

٤٨/٢	٢٢/٢	٤٨/٢	٠٩/٢	٤٨/١	٢٦/١	٤٨/٠	٧/١	٧/١	١٣/٢	_
٤٨/٠	١	١	٤٨/١	٤٨/١	٧/١	٢٢/١	٧/١	٧/٢	_	٢٢/١
٢٢/١	٧٤/١	٢٢/١	٤٨/٠	٠	٢٦/٠	٠	٠	_	٧٤/٠	٣٥/٤
٢	٢	٢٢/١	٢٢/١	١	٠	١	_	٧٤/١	٧٤/٠	٢٢/٢
٢٢/٢	٧٤/١	٧٤/١	٢٢/٢	٤٨/١	٧/١	_	٧/١	٤٤/١	٧٤/١	٧٤/٠
٤٨/٠	٢٢/١	٢٢/١	٢٢/١	٢٦/٠	_	٢٦/١	٢٦/١	٢	٢	٤٨/٢
٩٦/٠	٧٤/٠	٢٢/٢	٢٢/٢	—	٢٢/١	٢٢/٠	٠,٢٢	٩٦/١	٧٤/٠	٧/١
٨٣/١	٦١/٢	٨٣/٢	_	٠٩/٢	٠٩/٢	٠٩/٢	٠٩/٢	٠٩/٢	٠٩/٢	٠٩/٢
٢٢/٠	٢٦/١	_	٠	٢٦/١	٢٢/٠	٤٨/١	٤٨/٠	٤٨/١	٣/٠	٤٨/١
١٧/٠	_	٧/١	٤٨/١	٧/٠	٧/١	٢٢/٠	٧/١	٧/١	٧/٠	٧/٠
_	٢٦/١	١	١	٢٦/١	٢٢/١	٢٦/١	٤٨/١	٤٨/٢	٢٦/٠	٢٦/١

جدول۹. ماتریس ناهماهنگ شاخص‌های رشد هوشمند

٢٢/١	٠٧/٠	٣٣/١	١/١	٥١/١	٥١/١	٥٩/١	١٤/١	٣٢/٢	٠٧/١	_
٣٧/٠	٤٤/١	٣٧/٠	١/٢	٥١/١	٩٢/٠	١١/١	٢٩/١	٨٨/١	—	٣٧/١
٠	١	٥٩/٠	٥٩/٠	١٤/١	١٤/١	٧٤/٠	٠٧/١	_	٠	١
٧٤/١	٧٤/١	١١/٢	٧٧/٢	١٨/٢	٨١/١	٧٤/١	_	١٨/٢	٥٩/١	٧٤/١
٢٢/٠	٥١/١	٠٣/١	١/٢	٥١/٢	٥٨/١	_	٥٨/١	٧٣/١	٦٦/٠	٤٤/١
٣٧/٠	٣٧/١	١١/١	٠٣/٢	٤٤/١	_	١١/١	٢٢/١	٥٥/٢	٧٤/٠	٢٢/١
٣/٠	٤٤/١	٣٣/١	٦٦/٠	_	٢٩/٠	١١/١	٥١/١	١٨/١	٩٦/٠	٣٧/١
٠	١	٧٤/٠	_	٨٥/٠	٩٢/٠	٥٩/١	٨٥/٠	٥٩/١	٥٩/١	١
٠	٠٧/١	_	٧٣/١	٢٩/٢	٩٢/٠	٥٩/١	٩٢/٠	٣٦/٢	٨٥/٠	١
٠	_	١٨/٢	٨٨/١	٥١/١	١٤/١	٥٩/١	٠٧/١	٢٥/٢	٨١/١	٨٥/٠
_	٥١/١	٧٧/١	١/٢	٢٩/٢	٥٨/١	٥٩/١	٥٨/١	١/٣	٠٣/٢	٤٤/٠

محاســبه‌ی ماتریس هماهنگ مؤثر(H): برای ایجاد این ماتریس باید یک حد آســتانه را تعیین کرد و اگر هر عنصر ماتریس I بزرگتر یا مساوی آن باشد، آن مؤلفه در ماتریس هماهنگ مؤثر مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر به خود می‌گیرد:

تعداد مقادیر ماتریس هماهنگ / جمع مقادیر ماتریس هماهنگ =I

جدول۱۰. ماتریس هماهنگ مؤثر پدافند غیرعامل

_	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۱	_	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱
۱	۱	_	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱
۰	۱	۰	_	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰
۱	۰	۰	۰	_	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۰	۰	۰	۱	۱	_	۱	۱	۱	۱	۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	_	۰	۰	۰	۰
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	_	۰	۰	۰
۰	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	_	۱	۱
۱	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	_	۱
۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	_

جدول۱۱. ماتریس هماهنگ مؤثر رشد هوشمند

_	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱
۰	_	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰
۱	۱	_	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۰	۰	۰	_	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۰	۱	۰	۰	_	۰	۰	۰	۱	۰	۱
۱	۱	۰	۱	۱	_	۰	۰	۱	۰	۱
۰	۱	۱	۰	۱	۱	_	۱	۰	۰	۱
۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	_	۱	۱	۱
۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	_	۱	۱
۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	_	۱
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	_

محاســبه‌ی ماتریس ناهماهنگ مؤثر(G): این ماتریس که با G نشــان داده می‌شــود، همانند ماتریس هماهنگ مؤثر به‌دســت می‌آید. حد آستانه این ماتریس با تقسیم مجموع مقادیر عناصر آن تعداد عناصر آن به دست می‌آید. عناصری از ماتریس ناهماهنگ که بیشــتر یا مساوی با مقدار حد آستانه باشند، چون نشان‌دهنده‌ی ناهماهنگی بیشتر با مجموعه هستند مقدار عددی صفر می‌گیرند و عناصری که کوچکتر از حد آستانه هستند، چون نشان‌دهنده‌ی ناهماهنگی کمتر با مجموعه هستند عدد یک را به خود می‌گیرند.

N1= تعداد مقادیر ماتریس ناهماهنگ / جمع مقادیر ماتریس ناهماهنگ

جدول۱۲.ماتریس ناهماهنگ مؤثر شاخص‌های پدافند غیرعامل

_	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱	_	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱
۰	۱	_	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱
۰	۱	۰	_	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰
۰	۰	۰	۰	_	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۰	۰	۰	۱	۱	_	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۰	۱	۱	۰	_	۰	۰	۱	۱
۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	_	۰	۰	۰
۰	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۰	_	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	–	۱
۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	_

جدول۱۳. ماتریس ناهماهنگ مؤثر شاخص‌های رشد هوشمند

_	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱
۱	_	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱
۱	_	_	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	_
۰	۰	۰	_	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱	۱	۰	۰	_	۰	۰	۰	۱	۰	۱
۱	۱	۰	۱	۱	_	۱	۰	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	_	۱	۱	۱	۱
۱	۰	۰	۱	۰	۱	۱	_	۱	۱	_
۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	—	۱	_
۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	_	_
۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	_

محاســبه ماتریس کلی(F) : در این مرحله، با ضــرب ماتریس هماهنگ مؤثر(H) و ماتریس ناهماهنگ مؤثر(G)، ماتریس کلی مؤثر به‌دست می‌آید که به صورت زیر می‌باشد:

جدول۱٤. ماتریس کلی شاخص‌های پدافند غیرعامل

۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۳	۲	۲	۱	۱	۱	۱	۲
۳	٤	۱	٥	٤	٤	٤	۳	۳	۳	٤
۲	۱	۰	۳	۳	٥	۱	۱	۲	۲	۳
۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۳	٥	۱	٤	٥	٤	٤	٤	۳	٤	٤
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
٤	٥	۱	٥	٥	٥	٥	٤	٤	٤	٥
٤	۳	۱	٤	٥	۳	۳	۲	۲	۲	۳
٤	٥	۲	٦	٦	٤	٤	۳	۳	٤	٥

جدول۱٥. ماتریس کلی شاخص‌های رشد هوشمند

۳	۱	۰	۳	۱	٤	۱	۰	۲	۲	۳
۳	۳	۰	٤	۱	۲	۰	۱	۲	۳	٥
٤	٤	۱	٥	۲	٤	۱	۱	۳	۲	٦
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱	۱	۰	۲	۱	۲	۰	۰	۱	۱	۱
۲	۳	۱	٤	۲	٤	۰	۲	۲	۲	٥
٥	٤	۰	٦	۳	٥	۲	۲	٥	٤	۷
۲	۳	۱	٤	۲	۳	۰	۲	۱	۲	٥
۲	۱	۰	۳	۲	۲	۰	۱	۲	۱	۳
۱	۱	۰	۲	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۲
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

رتبه‌بندی گزینه‌ها: در پایان با توجه به امتیازات کســب شــده، رتبه‌بندی محلات مطابق با جدول ارائه شــده است. بدین منظور جمع ســطرها در ماتریس F به عنوان امتیاز مثبت و جمع ســتون‌ها در ماتریس F به عنوان امتیاز منفی خواهد بود و تفاضل امتیاز مثبت و منفی، امتیاز کل هر محله را مطرح می‌دارد.

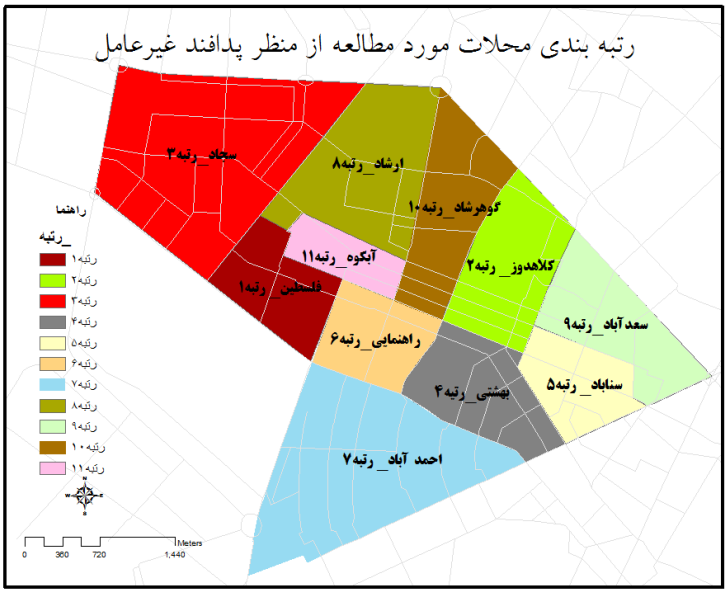

شکل۳. رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه از منظر رشد هوشمند

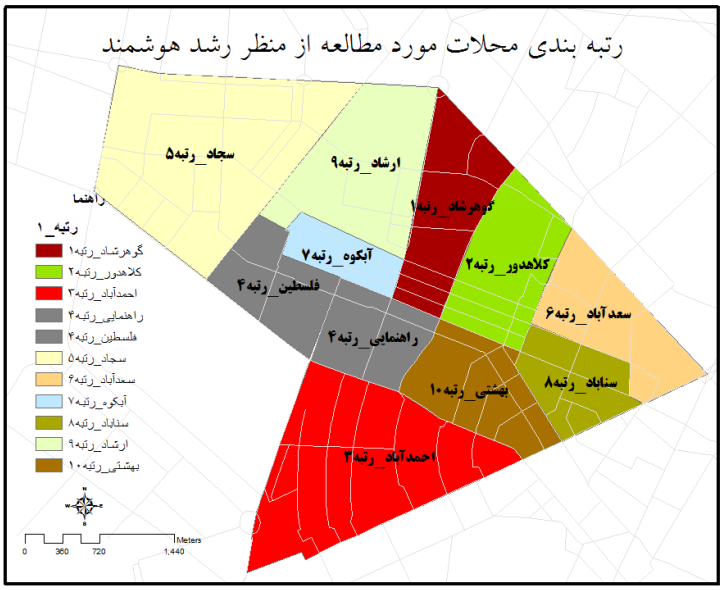

شکل٤. رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه از منظر پدافند غیرعامل

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که محله‌ی گوهرشاد از منظر رشد هوشمند دارای بیشترین امتیاز است و رتبه یک را کسب کرده است و محله‌ی بهشتی نیز دارای کمترین امتیاز و آخرین رتبه است. از منظر پدافند غیرعامل نیز محله‌ی فلسطین بیشترین امتیاز و رتبه یک و محله‌ی آبکوه کمترین امتیاز و رتبه را کسب کرده است. رتبه‌بندی کلی محلات منطقه یک شهر مشهد به تفکیک دو رویکرد رشد هوشمند و پدافند غیرعامل به صورت جدول شماره ۱٦ است:

جدول۱٦. رتبه‌بندی محلات بر اساس دو رویکرد رشد هوشمند و پدافند غیرعامل

رتبه	رشد هوشمند	پدافند غیر عامل
۱	گوهرشاد	فلسطین
۲	کلاهدوز	کلاهدوز
۳	احمد آباد	سجاد
٤	فلسطین_راهنمایی	بهشتی
۵	سجاد	سناباد
٦	سعد آباد	راهنمایی
۷	آبکوه	احمد آباد
۸	سناباد	ارشاد
۹	ارشاد	سعد آباد
۱۰	بهشتی	گوهرشاد
۱۱	_	آبکوه

٤. بحث

اغلب مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته مانند لاگرسا و همکاران (۲۰۱۱)، عبداللهی و فتاحی (۱۳۹٦) و صداقتی و فارسی (۱۳۹۵)، توسعه شهر را بر مبنای اصول رشد هوشمند سنجیده و وضعیت محلات یا مناطق شهری را بر اساس این اصول بررسی و آن‌ها را رتبه‌بندی نموده است و این نتیجه حاصل شده است که توسعه اکثر نمونه‌های مورد مطالعه با اصول رشد هوشمند منطبق نیست. همچنین، پژوهش‌های انجام شده در زمینه پدافندغیرعامل مانند کاو و ژانگ (۲۰۱۸)، ارکان و کیل (۲۰۱۷) و اکرت (۲۰۱۰) بر تامین امنیت کل کشور تمرکز یافته و روش‌ها و تکنولوژی‌های جدیدی را برای مقابله با تهدید پیشنهاد داده‌اند. لازم به ذکر است که به ارتباط این دو مقوله در هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی پرداخته نشده است، لذا در این پژوهش با تاکید بر مقیاس محله، ارتباط پدافندغیرعامل و رشد هوشمند در راستای توسعه پایدار ارزیابی شده است.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش در راستای پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر مقایسه‌ی محلات مورد مطالعه بر مبنای اصول رشد هوشمند و پدافند غیرعامل در سطح محلات منطقه یک شهر مشهد حاکی از این است که درمحلاتی که از منظر رشد هوشمند در رتبه‌ی بالاتری قرار گرفته‌اند، اصول و تدابیر پدافند غیرعامل درجهت حفظ و پایداری این توسعه به کار بسته نشده است. ابتدا اهمیت اصول رشد هوشمند نسبت به یکدیگر و همچنین اولویت اصول پدافند غیرعامل

در تکنیک MACBETH مشخص شد و نتایج حاصل از استفاده از این تکنیک اصول رشد هوشمند را به ترتیب تراکم جمعیتی، تراکم ساختمانی، سرانه کاربری مختلط، سرانه کاربری‌های خدماتی، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، کیفیت پیاده‌رو و سرانه کاربری فضای‌سبز اولویت‌بندی نمود. به همین ترتیب در میان اصول پدافند غیرعامل نیز استحکام و پراکندگی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و امتیاز یکسانی کسب نمودند و اصول دسترسی به مراکز امداد رسانی، کوچک‌سازی، محصوریت معابر، استتار، ترافیک و مرمت‌پذیری ساختمان‌ها در درجات بعدی اهمیت قرار گرفتند. وزن‌هایی که طبق این تکنیک به هر یک از این اصول تعلق گرفت، وارد روش الکتره شده و محلات مورد مطالعه بر اساس این اصول و با کاربرد روش الکتره رتبه‌بندی شدند. نتیجه حاصل از این رتبه‌بندی نشان می‌دهد که بین محلات مورد مطالعه، محله گوهرشاد بیش از سایر محلات از رشد هوشمند برخوردار است که از جمله دلایل این امر می‌تواند وجود کاربری‌های مختلط و خدماتی، کیفیت مناسب پیاده‌رو و بالا بودن سرانه فضای‌سبز در این محله باشد و این در حالی است که این محله از منظر پدافند غیرعامل به دلیل عدم دسترسی مناسب به مراکز امدادرسانی و پایین بودن استحکام ساختمان‌ها از سطح قابل‌قبولی برخوردار نبوده و در رتبه‌ی دهم قرار گرفته است، همچنین محله کلاهدوز تنها محله‌ای است که از منظر رشد هوشمند و پدافند غیرعامل رتبه دوم را کسب نموده است لذا می‌توان گفت که از هر دو نظر قابل‌قبول است. محله‌ی کلاهدوز بین محلات مورد بررسی، تنها محله‌ای است که علاوه‌بر بالا بودن تراکم جمعیتی، تراکم ساختمانی، دسترسی مناسب به سیستم حمل‌ونقل عمومی و وجود کاربری‌های مختلط و خدماتی زیاد، به مراکز امدادرسانی نیز دسترسی مناسبی داشته و همچنین ساختمان‌های مستقر در این محله از استحکام بالا و قدرت مرمت‌پذیری بیشتری نیز برخوردارند.

در بین یازده محله مورد بررسی، در محله بهشتی کاربری‌های مختلط و خدماتی به میزان کمی وجود دارد و دسترسی به حمل‌ونقل عمومی آن نسبت به سایر محلات ضعیف‌تر می‌باشد، پیاده‌روهای این محله در میان سایر محلات از کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند و همچنین با کمبود فضای سبز و پارک مواجه هستیم که این عوامل باعث شده است این محله در رابطه با اصول رشد هوشمند در مرتبه‌ی آخر قرار بگیرد، اما از منظر پدافند غیرعامل رتبه چهارم را کسب نموده است. از طرف دیگر، محله‌ی آبکوه با دیدگاه پدافندغیرعامل، کمتر از سایرمحلات، اصول مربوطه را دارا می‌باشد که این می‌تواند به دلیل قدمت زیاد ساختمان‌ها و لذا استحکام پایین آن‌ها باشد. محصوریت زیاد معابر و بافت غیر منظم و ارگانیک این معابر نیز امدادرسانی را در مواجه با خطر با مشکل مواجه ساخته و لذا از میزان ایمنی و امنیت این محله کاسته است. این محله با وجود تراکم جمعیتی و ساختمانی بالا به علت عدم وجود کاربری‌های خدماتی و مختلط کافی، دسترسی نامناسب به سیستم حمل‌ونقل عمومی و پایین بودن کیفیت پیاده‌روها و همچنین سرانه فضای‌سبز، در رویکرد رشد هوشمند در رتبه‌ی هفتم قرار می‌گیرد و بیانگر این است که از وضعیت نسبتا مطلوبی در رابطه با این رویکرد برخوردار نمی‌باشد، همچنین فلسطین، محله‌ای است که به دلیل استحکام بالای ساختمان‌ها، پراکنده بودن کاربری‌های با اهمیت از منظر پدافند غیرعامل، عدم محصوریت معابر و دسترسی مناسب به مراکز امدادرسانی از تطابق بیشتری با اصول دفاع غیرعامل برخوردار است و این در حالی است که این محله از

بعد برخورداری از رشـد هوشمند در جایگاه چهارم قرار می‌گیرد. در نهایت پس از بررسی محلات منطقه یک مشهد بر اسـاس اصـول رشـد هوشـمند و پدافند غیرعامل، داده‌های موجود نشان‌دهنده تفاوت آشکار و گسستگی این دو رویکرد در محلات اسـت، بدین مفهوم که در این محلات رعایت اصـول رشـد هوشمند الزاما به معنی رعایت اصول پدافند غیرعامل نمی‌باشـد در صـورتی که برای افزایش پایداری توسعه آن‌ها، پیاده‌سازی اصول پدافند غیرعامل امری ضروری است. لذا باید با توجه به پتانسیل‌های موجود در محلات علاوه بر اقداماتی جهت ارتقا اصول رشد هوشمند، به پیاده‌سـازی اصول پدافند غیرعامل نیز در راستای حفظ و تقویت هوشمندی محلات پرداخته شود. به همین جهت اصلاح مکان‌یابی مراکز مهم مانند بیمارستان‌ها، کنترل رشد و تعدیل توزیع زیر ساخت‌ها و کانون‌های تمرکز جمعیت، پراکنش مناسـب، مقاوم‌سازی و ایمن‌سازی تأسیسات زیربنایی و خدمات روبنایی مهم در محلات مذکور پیشنهاد می شود. از آن‌جایی‌که طرح‌های توسعه شهری ظرفیت‌هایی هستند که در آن برای موضوعات مهم مدیریت شهری ازقبیل نظام کاربری‌ها و حمل‌ونقل برنامه‌ریزی می‌شود، این طرح‌ها نقش مؤثری در ارتقا کیفیات محلات شهری دارند. مرور این طرح‌ها نشـان می‌دهد که مباحث دفاعی و امنیت شـهر در آن سـهم قابل ملاحظه‌ای ندارد. لذا یکپارچه‌سـازی عملکردی، برنامه‌ای، سـیاسـتی و نهادی میان موضـوعات پدافند غیرعامل، رشـد هوشمند و طرح‌های توسعه شهری، امری ضروری است.

کتاب‌نامه

۱. اجزا شـکوهی، م.، و پورعماد، م. (۱۳۹۳). بررسـی شـاخص‌های رشـد هوشـمند اسلامی در حوزه مرکزی مشهد. *نشریه مشهد پژوهی*، ٦(۸)، ۱۰۸_۷۹.

۲. اخباری، م.، واحمدی مقدم، م.ع. (۱۳۹۳) . بررسی پدافند غیرعامل در مدیریت شهری. *فصلنامه ژئوپلتیک*، ۱۰(۲)، ٦۹-۳٦.

۳. باغبان، س.، دانشـور، م.، و دشـتی، ز. (۱۳۹٦). شـناسـایی وجوه انطباق ملاحظات پدافند غیرعامل و مشخصه‌های طراحی شهری. تهران: پنجمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری.

٤. بزی، خ.، موسـی زاده، ح.، میرکتولی، ج.، و فرخ نژاد، م. (۱۳۹٥). امکان‌سنجی توسعه شهر هوشمند پایدار (مطالعه موردی: شهر گرگان). تهران: اولین همایش بین‌المللی اقتصاد شهری با رویکرد اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل.

٥. پارسـوماش. (۱۳۸۸). *الگوی توسـعه و طرح تفصـیلی حوزه‌ی میانی غربی*. مشـهد: نهاد مطالعات و برنامه‌ریزی و توسعه و عمران شهر مشهد.

٦. تقوایی، م.، وارثی، ح. ر.، و نریمانی، م. (۱۳۹٤). اسـتراتژی توسـعه فیزیکی و شکل پایدار شهر اصفهان با رویکرد رشد هوشمند و شهر فشرده. *فصلنامه‌ی مدیریت شهری*، ٤۱، ۳٥۸-۳۳۹.

۷. حبیبی، م.، شـیخی، م. ر.، شیرازکیان، م.، و تراج، ا. (۱۳۹۳). پدافند غیرعامل در بافت شهری رهیافت ارتقاء امنیتی شهرهای مرزی. زاهدان: همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها.

۸. حسین‌زاده دلیر، ک.، وصفری، ف. (۱۳۹۱). تاثیر برنامه‌ریزی هوشمند بر انتظام فضایی شهر. *مجله جغرافیا و توسعه شهری، ۱*، ۱۳۳_۱۰۰.

۹. حسینی، ب.، وکاملی، م. (۱۳۹۱). معیارهای پدافند غیرعامل در طراحی معماری ساختمان‌های جمعی شهری. *نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۵*، ۳۹_۲۷.

۱۰. دفتر مقررات ملی ساختمان. (۱۳۹۱). *مبحث بیست و یکم: پدافند غیرعامل*. تهران: توسعه ایران.

۱۱. رستم‌پور، ه.، محمدی یگانه، ب.، وحیدری، ح. (۱۳۸۹). تبیین سازمان‌یابی فضایی سیستم‌های شهری (مطالعه موردی: دو استان بوشهر و فارس). *فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط*، (۱۱)، ۲۵-۱.

۱۲. رهنما، م. ر.، وحیاتی، س. (۱۳۹۳). تحلیل شاخص‌های رشد هوشمند شهری در مشهد. *فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، ۱*(٤)،۹۱_۷۸.

۱۳. سرایی، م. ح.، وجمشیدی، ز. (۱۳۹٦). بررسی الگوهای رشد کالبدی شهر ارومیه و ارائه یک الگوی بهینه به منظور افزایش فشردگی. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۵*(۲)، ۲۸۷_۲٦۵.

۱٤. عبداللهی، ع.، و فتاحی، ف. (۱۳۹٦). سنجش شاخص‌های رشد هوشمند شهری با استفاده از تکنیک الکتره (مطالعه موردی: مناطق شهر کرمان). *نشریه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۱*(۲)، ۱۷۱_۱٤۷.

۱۵. فاضل نیا، غ.، زابلی، ز.، خداداد، ع.، و کیانی، ا. (۱۳۹۱). جایگاه ملاحظات پدافند غیرعاهل در دستیابی به توسعه پایدار شهری با تأکید بر مناطق مرزی. زاهدان: همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها.

۱٦. کامران، ح.، مرادی، م.، و حسینی امینی، ح. (۱۳۹۱). ارزیابی بافت قدیم شهرها مبتنی بر اصول پدافند غیر عامل. *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ٤*(۱۲)، ۱۳-۱.

۱۷. کامران، ح.، و حسینی امینی، ح. (۱۳۹۱). کاربرد پدافند غیرعامل در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای(نمونه موردی: شهریار). *فصلنامه علمی_ پژوهشی فضای جغرافیایی، ۱۲*(۳۸)، ۲۳۷_۲۱۵.

۱۸. کیانی، ا.، وریسی، ا. (۱۳۹٦). بررسی توسعه فیزیکی_کالبدی شهر فنوج بر اساس راهبرد رشد هوشمند. *نشریه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۱*(۵۹)، ۲۸۰-۲٦۳.

۱۹. مافی، ع.، وقلی‌زاده سرایی، ش. (۱۳۹٤). رتبه‌بندی مناطق شهری مشهد بر اساس شاخص تلفیقی رشد هوشمند شهری. *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۱۳*(۲)، ٤٤_۲۹.

۲۰. معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد (۱۳۹۵). *آمارنامه شهر مشهد*. مشهد: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه سرمایه انسانی شهرداری مشهد با نظارت مدیریت آمار، تحلیل و ارزیابی عملکرد.

۲۱. مومن‌زاده، ر. (۱۳۸٦). مفاهیم اساسی در رابطه جغرافیا و امنیت ملی . *مجله سپهر، ۱٦*(٦٤)، ۳٤_۲۵.

22. Alexander, D., & Tomalty, R. (2002). Smart growth and sustainable development: Challenges, solutions, and policy directions. *Local environment*, *7*(4), 397_409.

23. Bena e Costa C, A., Vansnick J, C., (1997). *A theoretical framework for measuring attractiveness by a categorical based evaluation technique(MACBETH), Multicriteria Analysis. In: Clímaco, J. (eds) Multicriteria Analysis*. Berlin: Springer.

24. Cao, Y., & Zhang, Y. (2018). The fractal structure of the Ming Great Wall Military Defense System: A revised horizon over the relationship between the Great Wall and the military defense settlements. *Journal of Cultural Heritage*, *31*, 24-32.
25. Cowan, R. (2005). This Land: the Battle over Sprawl and the Future of American: Johns press. The Dictionary of Urbanism: Streetwise Press, 20.
26. Ercan, C., & Kale, I. (2017). The role of space in the security and defence policy of Turkey. A change in outlook: Security in space versus security from space. *Space policy*, *10*, 1-9.
27. Harrison, M. E., Stanwyck, B., Bekingham, O., Starry, B., Hanlone, and J. Ewcomerc. (2011). Smart growth and the Septic Tank: Wastewater Treatment and Growth Management in the Baltimore Region. *Land Use Policy*, *29*, 483-492.
28. La Greca, P., L. Barbarossa, M. Ignaccolo, G. Inturri, & F martinico. (2011). The Density Dilemma, A proposal for introducing Smart Growth Principled in a sprawling Settelment with in Catania metropolitan Area. *Cities 28*(6), 527-535.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال دهم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱٤۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: 10.22067/ JGUSD. 2022.71414.1069
مقالهٔ پژوهشی

تحلیل تطبیقی از تأثیر برنامه های تلویزیونی شبکه دو و شبکه تهران بر شاخص حس تعلق مکانی شهروندان مناطق (۱و۱۲و۲۰) کلانشهر تهران

افشین منتظرالقائم (دانشجوی دکتری تخصصی گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)
am_irib@yahoo.com
مهری اذانی (استادیارگروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، نویسنده مسئول)
mehri.azani@gmail.com
احمد خادم الحسینی (دانشیارگروه جغرافیاو، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)
a.khademolhoseiny@yahoo.com
امیرگندمکار (دانشیارگروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)
aagandomkar@gmail.com
مریم منتظرالقائم (دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ایران)
afshin_irib@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱٤۰۰/۰۵/۰۳ **تاریخ تصویب: ۱٤۰۰/۱۰/۲۱**
صص ۳۷-۲۳

چکیده

در پژوهش سعی شده از روش توصیفی و تحلیلی تأثیر برنامه های تلویزیونی رسانه ملی که در پیام و محتوای خود، سبک زندگی هویت منطقه ای و شهری را ترویج می کنند. بر میزان و سطح برخورداری از شاخص حس تعلق مکانی شهروندان مناطق ۱، ۱۲ و ۲۰ کلانشهر تهران ارزیابی گردد لذا بر اساس مأموریت شبکه های تلویزیونی ، برنامه های شاخص شبکه های دو و شبکه تهران مورد ارزیابی قرار گرفت و از آنجا که مناطق منتخب، از نظر موقعیت جغرافیایی،شاخص های اقتصادی و درآمدهای شهروندان ونیز سبک زندگی شهروندی متفاوتند لذا منطقه یک به عنوان منطقه مرفه شهری و منطقه ۱۲ بعنوان منطقه متوسط نشین شهری و منطقه ۲۰ به عنوان منطقه کم برخوردار شهر تهران انتخاب شد. نتایج نشان داد، تأثیر برنامه های تلویزیونی بر شاخص حس تعلق مکانی در سه منطقه مورد مطالعه بر اساس آنالیز واریانس چند متغیرANOVA متفاوت است.همچنین بمنظورتحلیل اولویت رسانه برای ارتقاء شاخص حس تعلق مکانی در سه منطقه یاد شده از مدل تاپسیس فازی FTOPSIS استفاده شد و نتایج نشان دادکه ترویج و تبلیغ مؤلفه سبک زندگی شهروندی و در برنامه های تلویزیونی، بیشترین اثرگذاری را در هر سه منطقه منتخب دارد بنابراین رسانه تلویزیون می توانداز طریق برنامه سازی با رویکرد بهبود سبک زندگی شهروندی،احساس تعلق مکانی شهروندان را ارتقا دهد همچنین ازدیدگاه شهروندان تنها در منطقه ۱ شهر تهران شاخص حس تعلق مکانی مطلوب می باشد. لذاپیشنهاد

می شـود ترویج مطالبات محلی و منطقه ای شهروندان مناطق ۱۲ و ۲۰ کلانشهر تهران باید. موضوع برنامه های تلویزیونی باشد.

کلیدواژه‌ها: تاب آوری اجتماعی، تحلیل تطبیقی، حس تعلق مکانی، کلانشهر تهران.

۱. مقدمه

یکی از مهمترین شـــاخص های جغرافیایی اثرگذار بر تاب آوری شـــهری، مؤلفه و شـــاخص حس تعلق مکانی شـهروندان است .از طرفی در ذیل مأموریت های رسانه ملی، برخی شبکه های تلویزیونی مانند شبکه های استانی و شـبکه های سراسری دو وشبکه تهران مکلف به ارتقای حس تعلق مکانی شهروندان می باشند چرا که مناسب بودن شـاخص حس تعلق مکانی در بین شهروندان مناطق مختلف شهری می تواند باعث کاهش شکافهای زیستی در بین شهروندان شود و به نوعی موجب عدالت شهری گردد.

در این بین شـــاخص های اثرگذار بر تاب آوری شـــهری، شـــاخص حس تعلق مکانی از مهمترین مؤلفه های اثرگذار می باشد.(حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۵۰).

ادگـار[1] حس تعلق مکانی را شـــاخص زیر مجموعه تاب آوری اجتماعی می داند ومی گوید حس تعلق مکانی یعنی رضایت از مکان سکونت و تمایل به ماندن در همان مکان است.

انســـتیتو مطالعات جامعه و تاب آوری منطقه ای (CARRI) حس تعلق مکانی را از مهمترین مؤلفه های اثرگذار بر تاب آوری اجتماعی شهروندان تعریف می کند. (بسطامی نیا و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲۰۱).

ابریســـت[2] و همکاران (۲۰۱۰) و کک و ســـاکداپولراک[3] (۲۰۱۳) حس تعلق مکانی شـــهروندان را از مهمترین شـــاخص های تاب آوری شـــهری می دانند که مؤلفه هایی مانند ســـطح زیســـت پذیری منطقه ای ، روابط ســـازنده شهروندان با یکدیگر و هویت تاریخی منطقه را از مهمترین مؤلفه های تشکیل دهنده آن می دانند.

هر چند در مطالعات مختلف مانند ادگار (۲۰۰۰)، اوبریســـت و همکاران (۲۰۱۰)، مک لین[4] و همکاران (۲۰۱٤) شـاخص های متعددی برای ارزیابی مؤلفه حس تعلق مکانی ذکر شـده اسـت ولیکن در همه تحقیقات، مؤلفه حس تعلق مکانی یکی از مهمترین شـاخص های موثر در تاب آوری شـهری معرفی شده است. در همه مطالعات ، مؤلفه حس تعلق مکـانی بـه عنوان معیارهای ســـازگاری و انعطاف مندی جامعه در بعد بیرونی آن مطرح بود که به برنامه ریزی ارتقائ تاب آوری شهری کمک می کند و با ارتقای تاب آوری اجتماعی ارتباط پیدا می کند.

این پژوهش قصـد دارد تا تأثیر برنامه های تلویزیونی باموضوع ارتقاء حس تعلق مکانی و هویت مندی منطقه ای را بر شاخص حس تعلق مکانی مورد سنجش قرار دهد و اولویت اثرگذاری آنها را بر شاخص حس تعلق مکانی را

1. Edgar
2. Obrist
3. Keck & Sackdabolarck
4. Mack Lean

در سه منطقه منتخب شهر تهران تحلیل نماید . در این پژوهش منطقه ۱۲ تهران بعنوان یکی از قدیمی ترین و فعالترین مناطق مرکزی شهر تهران، بعنوان یکی از مکانهای مورد مطالعه در نظر گرفته شده است، و مطالعه برروی این منطقه ، بدلیل آنکه توزیع متناسبی از کاربریهای شهری و جمعیتی و تنوع در سطح زیستی و درآمدی شهروندان شهر تهران را در خود دارد لذا یکی از مناطق منتخب منظور می شود . همچنین منطقه ۱ شهر تهران ، شامل مهمترین محلات شمال شهر تهران و شمیرانات است و منطقه ۲۰ شهر تهران هم که از قدیم تاکنون به شهر ری موسوم بوده است و بعنوان بزرگترین و قدیمی ترین منطقه جنوبی شهر تهران می باشد. با تحلیل تطبیقی این سه منطقه می توان به نتایج مهم و قابل استنادی برای راهبرد ارتقاء حس تعلق مکانی شهروندان شهر تهران دست یافت.

از طرفی یکی از مأموریت های رسانه ملی برای شبکه های تلویزیونی استانی و برخی شبکه های سراسری مانند شبکه دو سیما و شبکه تهران ارتقای حس تعلق مکانی شهروندان می باشد لذا تأثیر گذاری برنامه های تلویزیونی این شبکه ها بر مخاطبان و شهروندان بسیار اهمیت دارد بنابراین سازمان های فرهنگی و رسانه ای برای تأثیر گذاری بر مخاطبان بایدشناخت درست و علمی از جغرافیای تحت پوشش خود داشته باشند، یعنی علاوه بر تولید محتوای رسانه ای باید مشخصات جغرافیایی جامعه هدف خود را بشناسند تا بدانند برای کدام مخاطب و با چه نوع سبک زندگی و با چه قدرت اقتصادی و با کدام ارزشها می خواهند برنامه سازی کنند. بنابراین برنامه ریزان رسانه هم بایدشناخت کامل و جامع از منطقه تحت پوشش خود را داشته باشند تا محتوای برنامه رسانه با ویژگیهای مخاطبان و جغرافیای زیستی و سبک زندگی آنها متناسب باشد واز این طریق تأثیر گذاری رسانه بیشتر گردد.

این پژوهش می‌کوشد تا تأثیر برنامه های تلویزیونی را برای شبکه های تلویزیونی که مکلف به افزایش حس تعلق مکانی شهروندان شهر تهران هستند ، (مانند شبکه های دو و تهران) را مورد سنجش قرار دهد و اثرگذاری آنها را بر شاخص حس تعلق مکانی را در سه منطقه منتخب شهر تهران تحلیل نماید . بنابراین پرسش‌های پژوهش بدین صورت است که تأثیر برنامه های تلویزیونی بر شاخص تعلق مکانی ساکنان منطقه ۲۰ شهر تهران بعنوان نماینده منطقه فرودست شهر تهران نسبت به منطقه ۱۲ نماینده طبقه متوسط شهر تهران و منطقه ۱ تهران نماینده طبقه مرفه نشین شهر تهران چگونه است؟

در این پژوهش فرضیه اول آن است که تأثیر برنامه های تلویزیونی بر شاخص حس تعلق مکانی شهروندان مناطق (۱، ۱۲ و ۲۰) کلانشهر تهران با یکدیگر متفاوت است.

فرضیه دوم هم آن است که ترویج مؤلفه سبک زندگی شهروندی در برنامه های تلویزیونی بشترین تأثیر را برای ارتقاء شاخص حس تعلق مکانی شهروندان دارد.

در خصوص مطالعات پیشین مرتبط با موضوع پژوهش حاضر موارد زیر را می توان نام برد:

ابریست و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه ای در شهر لندن با عنوان « تاب آوری اجتماعی، رویکردی جدید در تحقیقات مربوط به کاهش آثار حوادث» نقش رسانه های شهر لندن را درمؤلفه های تاب آوری شهری مانند مؤلفه

حس تعلق مکانی مهم و تأثیر گذار می دانستند و تاکید کردند که ارتقاء حس تعلق مکانی شهر لندن باید در اولویت برنامه ریزی راهبردی شهر باشد و همراهی رسانه ها با آن به برنامه ریزی توسعه فرهنگی شهر لندن کمک می کند.

مک لین و همکاران (۲۰۱٤) در مطالعه ای در شهر کوئینزلند استرالیا با عنوان «شش ویژگی از تاب آوری اجتماعی» این گونه آورده اند که مفهوم انعطاف پذیری در چند وقت اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. و حس تعلق مکانی مردم مناطق مختلف می تواند شکاف تاب آوری اجتماعی و تاب آوری شهری را ایجاد نماید.

پرتوی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه ای با عنوان «طراحی شهری و تاب آوری اجتماعی؛ بررسی موردی: محله جلفا اصفهان» ذکر کرده اند که حس تعلق مکانی شهروندان محله جلفای اصفهان، مهمترین مؤلفه از تاب آوری اجتماعی محله جلفا است ودر پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که حس تعلق مکانی شهروندان جلفا از میانگین شهر اصفهان بالاتر است.

سرایی وهمکاران (۱۳۹۵)درمطالعه ای باعنوان«ارزیابی شاخص حس تعلق مکانی محلات شهر کاشان؛» این گونه ذکر کرده اند که حس تعلق مکانی شهروندان محله شهر کاشان در محلات مختلف با میزان سبک زندگی و درآمد شهروندان و بافت محلات متفاوت است و همچنین نقش سازنده رسانه های عمومی در افزایش سواد شهروندی و نیز سطح زیستی محله، و حس هویت محلی از جمله پارامترهای اثر گذار برحس تعلق مکانی شهروندان می باشد.

فرقانی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه ای درخصوص رسانه و تغییر در سبک زندگی میزان هویت شهروندی حس تعلق خاطر مکانی و تاب آوری فرهنگی مردم شهر تهران مطالعاتی را انجام دادند و مشخص کردند بین مؤلفه های توسعه فرهنگی و سبک زندگی همچون تغییر سلیقه در نوع پوشش، تغییر در شیوه تغذیه، تغییر در سبک خرید، تغییر حس تعلق مکانی شهروندان و تغییر در تعاملات کاربران با میزان استفاده رسانه رابطه وجود دارد به طوری که با افزایش ساعات استفاده از رسانه تغییر در هر یک از مؤلفه ها نیز بیشتر می شود.

کپلند[1] و همکاران(۲۰۲۰) در مطالعه ای بر شهر شیکاگو با عنوان «اندازه گیری تاب آوری اجتماعی:تجارت ، چالش ها و فرصت های مدل های شاخص در تحول در جوامع»، نتیجه گرفتند که رسانه ها از طریق آگاهی بخشی می توانند به ارتقای حس تعلق مکانی مردم در شهر شیکاگو کمک کنند و به سازمانهای رسانه ای شهر شیکاگو پیشنهاد داده بودند جغرافیای رسانه ای شهر خود را بدرستی تحلیل و شناسایی کنند تا تأثیرات محتوای پیام آنها بر مخاطبان شهری بیشتر شود

درکلیه پژوهشهای قبلی صرفا تأثیر رسانه ها بر سبک زندگی شهروندی و تاب آوری اجتماعی و در نتیجه آنها حس تعلق مکانی شهروندان تایید شده بود ولیکن درهیچ کدام از پژوهشهای قبلی رسانه و حس تعلق مکانی شهروندان، در یک منطقه جغرافیای مشخص به عنوان اهداف یک پژوهش مستقل قرار نگرفته بود. و وزن دهی و اولویت هر کدام از مؤلفه های مرتبط با حس تعلق مکانی شهروندان بصورت مستقل سنجش نشده بود لذا این سنجش و اولویت سنجی، نوعی خلاقیت و ابتکاری در پژوهش حاضر محسوب می شود. از طرفی در هیچ کدام از

1. Copeland

پژوهشـــهای قبلی رســـانه های مورد مطالعه در قبال اثرگذاری بر حس تعلق مکانی مکلف نبوده اند درصـــورتی که پژوهش حاضـر تکلیفی برای رسـانه ملی می باشدو نتایج آن برای ارزیابی عملکرد شبکه های تلویزیونی دو و تهران می باشد.

دلیل انتخاب رســـانه و برنامه های تلویزیونی مرتبط با پژوهش: در مأموریت رســـانه ملی افزایش حس تعلق مکانی شهروندان برای شبکه های تلویزیونی استانی و برخی شبکه های سراسری مانند شبکه دو سیما و شبکه تهران تکلیف شـده اسـت. همچنین در مأموریت و رسـالت شبکه های تلویزیونی دو و تهران، تعامل و هم افزایی با سایر نهادهای شـهری و فرهنگی شـهر تهران تاکید شـده اسـت. لذا در زمان پژوهش و بمنظور تفهیم مصـاحبه شوندگان ،کنداکتور برنامه های شـاخص شـبکه های دو و تهران در بهار ۱٤۰۰ ارایه گردیدو برنامه هایی مورد سـنجش قرار گرفت ،که علاوه بر آنکه مهمترین هدفشان ارتقای حس تعلق مکانی و اصلاح سبک زندگی بود ، باید از جمله برنامه ها ی شـاخص شبکه نیزمحسوب شوند و اقبال عمومی و مخاطبان مشخصی نیزداشته باشند. لذا بر اساس نظرسنجی های مرکز پژوهشهای رسانه ملی، برنامه شاخص تلویزیون باید بیش از ۵۰ درصد از شهروندان تهرانی مخاطب برنامه مذکور بوده و میزان رضایت و اقبال مردمی هم بالاتر از ۵۰ درصد باشد، و همچنین بعنوان یک برنامه مستمر و روتین در آنتن شبکه پخش شوند تا بعنوان برنامه منتخب مورد پژوهش قرار گیرند(منتظرالقائم،۱٤۰۰، ص. ۱۹)

لذا در جدول شـماره (۱) نام اهم برنامه های منتخب و شـاخص و دلایل انتخاب آنها جهت معرفی به مصاحبه شوندگان ارایه گردید.

جدول ۱. برنامه های منتخب وشاخص شبکه تهران و شبکه دو مرتبط با مأموریت و تکلیف شبکه در راستای ارتقای حس تعلق مکانی شهروندان

عنوان برنامه تلویزیونی	ساختار	تاریخ پخش	علت گزینش شامل: خلاصه محتوایی بر اساس اثرگذاری بر حس تعلق مکانی و میزان مخاطبان و درصد رضایت از برنامه بر مبنای نظرسنجی های مرکز پژوهشهای رسانه ملی در بهار ۱٤۰۰
مجموعه تلویزیونی همبازی 	سریال نمایشی	بهار ۱٤۰۰ (فروردین و اردیبهشت)	این برنامه با توجه به مأموریت شبکه تهران و تاکید بر سبک زندگی ایرانی اسلامی و لزوم هویت مکانی و تعلق خاطر مکانی شهروندان تولید و پخش می گردد. ضمنا براساس نظرسنجی ها ٥٤ درصد مردم شهرتهران مخاطب این برنامه بودند و ٤٤ درصد میزان رضایت از برنامه بوده است.
گفتگوی تلویزیونی محاکات 	مسابقه تلویزیونی	بهار و تابستان ۱٤۰۰	روایت داستان‌هایی از زندگی افراد مختلف و یک چالش صمیمی از حکایت‌هایی است که روایتگر آن خود مردم هستند، هدف این برنامه رضایت شهروندان از نحوه زندگی و مکانهای سکونتی خودشان و ارتباط مطلوب همشهریان می باشد. ضمنا براساس نظرسنجی ها ۵۹ درصد مردم شهرتهران مخاطب این

عنوان برنامه تلویزیونی	ساختار	تاریخ پخش	علت گزینش شامل: خلاصه محتوایی بر اساس اثرگذاری بر حس تعلق مکانی و میزان مخاطبان و درصد رضایت از برنامه بر مبنای نظرسنجی های مرکز پژوهشهای رسانه ملی در بهار ۱٤۰۰
			برنامه بودند و ٦۹ درصد میزان رضایت از برنامه بوده است.
برنامه با هم برای هم 	ساختار ترکیبی نمایشی	اسفند ۹۹ تا بهار ۱٤۰۰	این برنامه پیرامون تعامل مطلوب همشهریان و هم محله ای ها بایکدیگر و ایجاد هویت مکانی و ترویج سبک زندگی و آشنایی خانوادهها با این مقوله تولید شده است و سبک زندگی سالم و بانشاط را ترویج کرده است. ضمنا براساس نظرسنجی ها ۵۱ درصد مردم شهرتهران مخاطب این برنامه بودند و ٥٤ درصد میزان رضایت از برنامه بوده است.
برنامه در شهر	گزارشی ترکیبی	بهار ۱٤۰۰ (فروردین و اردیبهشت)	برنامه چالشی با هدف مطالبه گری از مسوولین شهر تهران در قبال مشکلات مناطق مختلف شهر تهران
گفتگوی تلویزیونی زنده باد زندگی 	ساختار گفتگو محور و ترکیبی	بهار و تابستان ۱٤۰۰	در این برنامه تلاش می شود خانواده و سبک زندگی به مفهوم رایج ایرانی در همه جغرافیای ایران به نمایش گذاشته شود و با گروههای مختلف مردم درباره حس تعلق مکانی آنها گفتگو شود و الگوسازیهایی صورت گیرد ، ضمنا براساس نظرسنجی ها ٦۱ درصد مردم شهرتهران مخاطب این برنامه بودند و ۷۱ درصد میزان رضایت از برنامه بوده است.

۲. روش شناسی

پژوهش حاضـراز نوع پژوهشـهای کاربردی و با روش توصـیفی- تحلیلی می باشد که برای گردآوری اطلاعات توصیفی یا نظری، از خوانش محتوایی اسناد و مقالات معتبر استفاده شده و برای گردآوری داده های تحلیلی از روش پیمایشی با ابزار پرسشنامه استفاده شده است.

با توجه به سـؤال های اصـلی طرح شـده برای پژوهش حاضر برای پاسخ و سنجش تأثیر برنامه های تلویزیونی، برشاخص حس تعلق مکانی در مناطق منتخب از تحلیل واریانس چند متغیره(ANOVA) استفاده شد. همچنین، برای پاسـخ به چگونگی اولویت های برنامه ریزی در رسـانه برای تحقق و افزایش شاخص حس تعلق مکانی در مناطق منتخب کلانشهر تهران مدل تاپسیس فازی(FTOPSIS) استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش حاضـر کلانشـهر تهران و حجم نمونه ۳۸۱ نفر از شـهروندان این کلانشـهر می باشد که بر اسـاس فرمول کوکران در سـطح اطمینان ۹۵ درصد و درصد تجانس (p) ۰/۵ به دست آمده است. همانطور که گفته شد، برای تشخیص و تعیین مناطق مرفه، متوسط و فرودست اجتماعی در کلانشهر تهران، با توجه به آمارنامه کلانشهر

تهران و مبنا قرار دادن قیمت زمین و مسکن و درآمد افراد ساکن و رنج آن، مناطق ۲۲ گانه کلانشهر تهران به سه طبقه مرفه (۱، ۲ و ۳)، متوسط (۷، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱٤، ۵ و ۲۲) و کمتر برخوردار یا فرودست (۱۵، ۱٦، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱) تقسیم بندی شدند که در جدول شماره(۲) بصورت مؤلفه های اقتصادی آمده است.

جدول۲. مؤلفه های اقتصادی سکونتی و معیشتی خانوارهای شهری در ایران و تهران

شاخص های اقتصادی در مکان مورد بررسی	متوسط ارزش آپارتمانهای مسکونی معامله شده (قیمت در مترمربع) آخرین گزارش بهار۱٤۰۰	متوسط متراژ آپارتمانهای مسکونی معامله شده (متر مربع) آخرین گزارش بهار۱٤۰۰	متوسط درآمد خانوار شهری در سال (متوسط درآمد سال برحسب ملیون تومان) آخرین گزارش پایان سال۹۸	متوسط هزینه خانوار شهری در سال (متوسط هزینه سال برحسب ملیون تومان) آخرین گزارش پایان سال ۹۸
کل کشور	متری ۱٦ ملیون تومان	۱۱٦ متر	۵٤ملیون تومان	٤۷ ملیون تومان
کلان شهر تهران	متری ۲۹ ملیون تومان	۸۹ متر	۸۱ملیون تومان	۷۲ ملیون تومان
منطقه ۱	متری ٦٦ ملیون تومان	۱۱۹ متر	۹٦ ملیون تومان	۸۹ ملیون تومان
منطقه۱۲	متری ۳۱ ملیون تومان	۸۷ متر	۸۳ ملیون تومان	۷٦ ملیون تومان
منطقه ۲۰	متری ۲۵ ملیون تومان	۷۹ متر	٦۹ ملیون تومان	۵۹ ملیون تومان

مأخذ: (درگاه مرکز آمار ایران، ۱٤۰۰)

همچنین از روش نمونه گیری تصادفی استفاده گردیدو منطقه ۱ به عنوان نماینده مناطق مرفه شهری، منطقه ۱۲ به عنوان نماینده مناطق متوسط و منطقه ۲۰ به عنوان نماینده مناطق فرودست شهری انتخاب و بر حسب حجم جمعیت انها نمونه به این مناطق از حجم نمونه کل تخصیص یافت (جدول ۳).

جدول۳. حجم نمونه در مناطق مورد مطالعه

میزان درصدنمونه	حجم نمونه اختصاص یافته	منطقه منتخب شهری
٪۳۹	۱٤٦	نمونه منطقه ۱
٪۱۹	۷٤	نمونه منطقه ۱۲
٪٤۲	۱٦۱	نمونه منطقه ۲۰
٪۱۰۰	۳۸۱	کل حجم نمونه

بر اساس ادبیات نظری و تحلیل محتوای صورت گرفته از منابع مرتبط با حس تعلق مکانی شهروندان ٦ شاخص اصلی در قالب ۱۸ گویه مورد انتخاب قرار گرفت (جدول٤) تا در قالب پرسشنامه طراحی شده بر اساس طیف لیکرت ۵ مقیاس (۱ ، برابر با خیلی ضعیف تا ۵ برابر با خیلی مناسب) مورد استفاده قرار گیرد.همچنین آزمون داده ها نشان داد پرسشنامه از قابلیت اطمینان و روایی مناسبی برخوردار است به طوری که ضریب KMO و بارتلت برای پرسشنامه برابر با ۰/۹۱۲ و برای آلفا کرونباخ برابر با ۰/۹۳۱ به دست آمد.

جدول ٤. شاخص ها و متغیرهای تبیین کننده حس تعلق مکانی

شاخص	متغیر
حس تعلق مکانی	احساس مسولیت شهروندان نسبت به منطقه
	حس هویت مندی و تعلق خاطر در منطقه
	میزان عملکرد سازمانهای شهری در قبال منطقه
	ارتباطات عمومی و روابط سازنده بین مردم هر منطقه
	سبک زندگی شهروندی در هر منطقه
	سطح زیست پذیری منطقه

مأخذ: (روستا و همکاران، ۱۳۹۷؛ بسطامی نیا و همکاران، ۱۳۹۷؛ حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹؛ پرتوی و همکاران، ۱۳۹۵؛ رحیمی و کارگر، ۱۳۹۹)

۳. یافته ها

برای پژوهش حاضـــر، ابتدا تلاش شـــده اســـت تا تفاوت تأثیر برنامه های تلویزیونی که در پیام خود حس تعلق مکانی شـــهروندان را ترویج و تبلیغ می کردند برکیفیت برخورداری از مؤلفه های حس تعلق مکانی در ســـه منطقه منتخب کلانشـــهر تهران مورد بررســـی قرار گیرد. و سپس به ارزیابی اولویت های تأثیر برنامه های تلویزیونی منتخب برمؤلفه حس تعلق مکانی در این مناطق پرداخته شـــود. برای تحلیل کیفیت تأثیر برنامه های تلویزیونی برتحقق مؤلفه حس تعلق مکانی در مناطق ۱، ۱۲ و ۲۰ کلانشهر تهران از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده گردید. که نتایج آن در (جدول ۵) تشریح شده است.

نتایج به دست آمده از تحلیل واریانس، تأثیرپذیری برنامه های تلویزیونی رسانه ملی (باتاکید بر برنامه های منتخب ونمونه) بر شاخص حس تعلق مکانی در سه منطقه یادشده را تایید نموده و این تفاوت معنادار می باشد.

جدول ۵. تحلیل کیفیت تأثیر برنامه های تلویزیونی منتخب بر مؤلفه های حس تعلق مکانی در مناطق ANOVA

مؤلفه ها		Sum of Squares	df	Mean Square	F
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر احساس مسولیت شهروندان نسبت به منطقه	بین گروهی	۸٤۵/۹۱٤	۲	٤۲/۱۹۵۷	۵۳/٦۲۵
	درون گروهی	۳۰۱۳/۰٤۷	۲۷۹	۷/۸۸۹	–
	کل	۳۸۵۸/۹۷۱	۳۸۱	–	–
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر حس هویت مندی و تعلق خاطر در منطقه	بین گروهی	۳۸۷/۸۰۸	۲	۱۹۳/۹۱٤	۲۷/۷۹۸
	درون گروهی	۲٦٦۵/۵٦۹	۲۷۹	٦/۹۷٦	–
	کل	۳۰۵۳/۳۷۷	۳۸۱	–	–
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر میزان عملکرد سازمانهای شهری در قبال منطقه	بین گروهی	۷۹۱/۷۹۹	۲	۳۹۵/۸۹۸	۷۷/۸۵۵
	درون گروهی	۱۹٤۲/۷۳۹	۲۷۹	۵/۳۸۷	–

مؤلفه ها		Sum of Squares	df	Mean Square	F
	کل	۲۷۳٤/٥۳٥	۳۸۱	–	–
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر ارتباطات وروابط سازنده بین مردم هر منطقه	بین گروهی	۲۳۳/۸۲۷	۲	۱۱٦/۹۹٤	۳۱/٤۷٦
	درون گروهی	۱٤۱۹/۳۲۱	۲۷۹	۳/۷۱۹	–
	کل	۱٦٥۳/۱٥۸	۳۸۱	–	–
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر ترویج سبک زندگی شهروندی در هر منطقه	بین گروهی	۱۲٥۸/۰٦۳	۲	٦۲۹/۰۳٥	٥۰/٤۷۷
	درون گروهی	٤۷٦۰۳/۸	۲۷۹	۱۲/٤٦۹	–
	کل	٦۰۱۸/۷۹۱	۳۸۱	–	–
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر سطح زیست پذیری منطقه	بین گروهی	۱۰٦/۸۱۳	۲	٥۳/٤۱۹	۹٦/۹۸
	درون گروهی	۲۱۲٥/۳٤۷	۲۷۹	٥/٥٥٤	–
	کل	۲۲۳۲/۱٤۷	۳۸۱	–	–

در ادامه تلاش شـده اسـت به صـورت مقایسه ای سنجش تفاوت در میزان تحقق شاخص حس تعلق مکانی از طریق برنامه های تلویزیونی در بین سـه منطقه یاد شـده در کلانشـهر تهران مورد تحلیل قرار گیرد. در این راسـتا، از آزمون تحلیل تفاوت توکی در قالب تحلیل واریانس چند متغیره اقدام شده است.

نتایج استفاده از مدل توکی نشان می‌دهد که در مؤلفه تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر ترویج سبک زندگی شـهروندی در هر منطقه ، تفاوت بین منطقه ۱ و ۱۲ به عنوان نمایندگان مناطق مرفه و متوسـط شـهری معنادار نبوده ولی با منطقه ۲۰ به عنوان نماینده مناطق کم برخوردارشهری تفاوت معنادار می باشد.

در مؤلفه و متغیر تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر حس هویت مندی و تعلق خاطر در منطقه نیزتفاوت بین منطقه ۱ به عنوان نماینده مناطق مرفه شـهری با منطقه ۱۲ به عنوان نماینده مناطق متوسـط شهری معنادار نیست ولی این تفـاوت بـا منطقه ۲۰ معنادار اسـت. در متغیر تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر ارتباطات عمومی و روابط سازنده بین مردم هر منطقه بین منطقه ۱۲ و ۲۰ تفاوت معنادار نیست. ولی این تفاوت با منطقه ۱ معنادار می باشد. در متغیر تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر احسـاس مسـولیت شـهروندان نسبت به منطقه بین منطقه یک به عنوان نماینده مناطق مرفه شـهری با منطقه ۱۲ به عنوان نماینده مناطق متوسط شهری تفاوت معنادار نیست ولی تفاوت بین منطقه ۱ و ۲۰ و منطقه ۱۲ با ۲۰ معنادار است.

تحلیل اولویت تحقق مؤلفه های حس تعلق مکانی: در این بخش تلاش شد با استفاده از مدل ایده آل فازی یا همان تاپسـیس فازی اولویت سـنجی تأثیر برنامه های تلویزیونی برهرکدام از متغیر های وابسته شاخص حس تعلق مکانی در مناطق سـه گانه کلانشـهر تهران تحلیل گردد. در این راستا نظرات گردآوری شده از مشارکت کنندگان با توجه به جدول ٦ به اعدادفازی تبدیل شد تا وارد مدل شده و اقدام به اولویت سنجی مؤلفه ها در مناطق سه گانه گردد.

جدول٦. تبدیل متغیرهای زبانی به اعداد فازی

متغیر	عدد فازی
خیلی ضعیف	(۱ ، ۱ ، ۳)
ضعیف	(۱ ، ۳ ، ۵)
متوسط	(۳ ، ۵ ، ۷)
مناسب	(۵ ، ۷ ، ۹)
خیلی مناسب	(۷ ، ۹ ، ۹)

در ادامه تلاش شـد اقدام به تشکیل ماتریس بی مقیاس شده فازی و ماتریس وزن دار فازی برای مؤلفه‌های حس تعلق مکانی در سه منطقه ۱ ، ۱۲ و ۲۰ کلان‌شهر تهران گردید. این فرایند در جدول ۷ تا ۹ برای هر سه منطقه تشریح شده است.

جدول۷. اولویت بندی نهایی تأثیربرنامه های تلویزیونی برمتغیرهای وابسته به شاخص حس تعلق مکانی منطقه ۱ بر حسب مدل تاپسیس فازی(FTOPSIS)

رتبه	CC_i	S^-	S^+	متغیرهای وابسته بر شاخص حس تعلق مکانی
۱	۰/۵۲۱٦	۲/۷۰٤	۲/٤۷۹	تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر احساس مسولیت شهروندان نسبت به منطقه
٤	۰/۵۳٤۵	۲/۷۳٦	۲/۳۸۳	تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر ارتباطات و روابط سازنده بین مردم هر منطقه
۵	۰/۵٤۷۷	۳/۳٤۲	۲/۷۵۹	تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر میزان عملکرد سازمانهای شهری در قبال منطقه
۳	۰/۵۳٦٤	۲/٤۲۰	۲/۰۹۱	تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر حس هویت مندی و تعلق خاطر در منطقه
٦	۰/۵۵۱۸	۵/٦۷۳	٤/٦۰۷	تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر ترویج سبک زندگی شهروندی در هر منطقه
۲	۰/۵۲۷۷	۲/۵۳۳	۲/۲٦٦	تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر سطح زیست پذیری منطقه

نتایج به دسـت امده از تحلیل فازی هرکدام از متغیرهای وابسـته به شاخص حس تعلق مکانی منطقه ۱ کلانشهر تهران نشـان می دهد که تأثیر برنامه های تلویزیونی بر متغیرافزایش حس مسـولیت شـهروندی با کمترین وزن در شـرایط نامناسـب تری نسـبت دیگر مؤلفه ها و متغیرهای حس تعلق مکانی در منطقه۱ کلانشـهر تهران قرار داشته و متعاقباً دارای اولویت بیشـتری نسـبت به دیگر مؤلفه ها می باشـد. و راهبرد رسانه برای منطقه یک نماینده شهروندان طبقه مرفه شهر تهران ، باید تولید پیام و ساخت برنامه های تلویزیونی با هدف ایجاد انگیزه و افزایش حس مسولیت شـهروندی باشـد. این در حالی است که تأثیر برنامه های تلویزیونی برمتغیر وابسته سبک زندگی شهروندی در منطقه دارای بیشـترین وزن نسـبت به دیگر متغیر ها می باشـد. در ادامه و در جدول اولویت نهایی مؤلفه های حس تعلق مکانی در منطقه ۱۲ به عنوان یکی از مناطق متوسـط نشـین در کلانشهر تهران بر اساس نتایج مدل فازی تشریح شده است.

جدول ۸. اولویت بندی نهایی تأثیر برنامه های تلویزیونی برمتغیرهای وابسته به حس تعلق مکانی در منطقه ۱۲ بر حسب مدل تاپسیس فازی(FTOPSIS)

متغیرهای وابسته بر شاخص حس تعلق مکانی	S^+	S^-	CC_i	رتبه
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر احساس مسولیت شهروندان نسبت به منطقه	۲/۸۴۳	۳/۵۵۵	۰/۵۵۵۷	۲
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر ارتباطات و روابط سازنده بین مردم هر منطقه	۲/۸۱٤	۳/۵٦۹	۰/۵۵۹۱	٤
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر میزان عملکرد سازمانهای شهری در قبال منطقه	۲/۷۸۸	۳/۵۸٤	۰/۵٦۲٤	۵
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر حس هویت مندی و تعلق خاطر در منطقه	۲/۲۹۵	۲/۸۳۷	۰/۵۵۲۷	۱
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر ترویج سبک زندگی شهروندی در هر منطقه	٤/۵٤٤	۵/۹٦٤	۰/۵٦۷۵	٦
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر سطح زیست پذیری منطقه	۲/۸٤۲	۳/۵۵۵	۰/۵۵۷۸	۳

نتایج مدل فازی در این مرحله نشان می دهد که در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران، تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر حس هویت مندی و تعلق خاطر در منطقه در بین مؤلفه های تأثیر گذار بر حس تعلق مکانی دارای شرایط نامطلوبی بوده و اولویت بیشـــتری برای توجه برنامه ســـازان رســـانه در خصـــوص ارتقاء و بهبود آن را دارد،البته تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر ترویج سبک زندگی شهروندی به مانند منطقه ۱ بیشترین وزن را به دست آورده است.در ادامه این فرایند برای منطقه ۲۰ تشریح شد.

جدول۹. اولویت بندی نهایی تأثیر برنامه های تلویزیونی بر متغیرهای وابسته به حس تعلق مکانی منطقه ۲۰ بر حسب مدل تاپسیس فازی(FTOPSIS)

متغیرهای وابسته بر شاخص حس تعلق مکانی	S^+	S^-	CC_i	رتبه
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر احساس مسولیت شهروندان نسبت به منطقه	۳/۰۳۳	٤/۸٦۸	۰/٦۱٦۱	۲
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) برارتباطاتو روابط سازنده بین مردم هر منطقه	۲/۹۸۰	٤/۹۰۰	۰/٦۲۱۸	٤
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) برعملکرد سازمانهای شهری در قبال منطقه	۲/۸۵۱	۵/۰۰۱	۰/٦۳٦۹	۵
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر حس هویت مندی و تعلق خاطر در منطقه	۲/٤۵۵	۳/۸۸۰	۰/٦۱۲٤	۳
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر ترویج سبک زندگی شهروندی در هر منطقه	٤/٤٦۷	۸/۱۲۳	۰/٦٤۵۱	٦
تأثیر برنامه های تلویزیونی(منتخب) بر سطح زیست پذیری منطقه	۳/۱٤٦	٤/۷۷۰	۰/٦۰۲٦	۱

تحلیل فازی وضـــعیت مؤلفه های حس تعلق مکانی نشـــان می دهد که تأثیر برنامه های تلویزیونی (منتخب) بر متغیرســطح زیست پذیری در منطقه ۲۰ دارای وضعیت مناسبی نبوده و پایین تر از بقیه متغیرها وزن دهی شده و تأثیر برنامه های تلویزیونی (منتخب) بر متغیر ترویج سبک زندگی شهروندی به مانند دو منطقه پیشین دارای مطلوب ترین شـرایط می باشـد.در مجموع در راسـتای اولویت بندی موضوعات برنامه های تلویزیونی برای ارتقاء شاخص حس تعلق مکانی، تولید برنامه هایی با هدف کمک به افزایش ســـطح زیســـت پذیری شـــهروندان منطقه ۲۰ در رتبه اول اهمیت، قرار دارد همچنین تولید برنامه اثر گذار بر متغیرمســـوولیت پذیری شـــهروندان در رتبه دوم و ترویج هویت

تاریخی و تعلق خاطر مکانی در رتبه سوم اولویت در مناطق کم برخوردار در کلانشهر تهران و به طور خاص منطقه ۲۰ قرار دارند.

٤. بحث

با بررسی یافته های پژوهش و تحلیل آنها در کنار سایر مطالعات انجام گرفته به مدلها و چارچوبهای مشترکی می توان دست یافت در زمینه حس تعلق مکانی دیدگاه هاو مدل های متعددی ارایه شده است که نشان می دهد چگونه جامعه می تواند در برابر حوادث و بحران ها تاب آور باشد.

برای مثال در مدل مکانی ادگار به عنوان یکی از معروف ترین مدلهاست که با محور قرار داردن حس تعلق مکانی، سازگاری و انعطاف مندی سیستم های اجتماعی را مورد تاکید قرار می دهد. و مانند پژوهش حاضر بر حس تعلق مکانی یکپارچه شهری تاکید دارد. البته در پژوهشهایی مانند ابریست بر روی شهر لندن و مک لین و همکاران بر روی شهر کویینزلند استرالیا هم می توان تفاوت های برخورداری از میزان حس تعلق مکانی را با توجه به ساختار و کالبد و اقتصاد محلات مشاهده کرد. ولیکن مهمترین تحلیل این پژوهشها آن است که برای دستیابی به توسعه پایدار شهری باید عدالت زیستی را در شهر اجرا نمود لذا ارتقای حس تعلق مکانی و افزایش سطح زیست پذیری شهری از مهمترین شاخص های تأثیر گذار است و در کنار آن باید به به تنوع ساختاری و کالبدی و جمعیتی مناطق شهری توجه نمود و میزان برخورداری از سطح تعلق مکانی را در مناطق مختلف شهری بررسی کرد .

اما مهمترین تفاوت پژوهش حاضر با پژوهشهای قبلی که درواقع نوآوری این پژوهش هم محسوب می شود. تاکید و تمرکز بر نقش رسانه های عمومی با تاکید بر تلویزیون و سنجش تأثیر پذیری رسانه تلویزیون درارتقا شاخص حس تعلق مکانی است. در پژوهش حاضر بصورت مشخص اثبات شد که رسانه تلویزیون می تواند در تعدیل ویکپارچه نمودن شاخص تعلق مکانی همه مناطق شهری به برنامه ریزان شهری بویژه در کلانشهر تهران کمک نماید. وباید رسانه یک عنصر مهم توسعه پایدار شهری تلقی گردد.جنبه دیگر تمایز این پژوهش تمرکز بر کلانشهر تهران می باشد.بنابراین ضرورت بررسی شاخص حس تعلق مکانی کلانشهر تهران بعنوان یکی از مهمترین پایتخت ها و کلانشهرهای جهان در کنار شهرهای مهم کشورهای انگلستان و استرالیا و... بحث اصلی این پژوهش بود .

اما در پژوهش حاضر که سه منطقه متفاوت شهری کلانشهر تهران بررسی شد، یافته های تحلیلی زیر را می توان مورد بحث و تحلیل قرارداد. نتایج یافته های به دست آمده از تحلیل واریانس، به طور کلی تفاوت در کیفیت اثرگذاری برنامه های تلویزیونی بر تحقق مؤلفه حس تعلق مکانی در مناطق مرفه، متوسط و فرودست کلانشهر تهران را تایید نموده و این تفاوت معنادار است. با این نتیجه می توان این گونه تفسیر کرد که سطح تحقق و داشتن حس تعلق مکانی در مناطق با طبقه اجتماعی وسطح برخورداری متفاوت، در تهران با هم تفاوت دارد. تحلیل مقایسه ای از میزان تأثیر برنامه های تلویزیونی بر شاخص حس تعلق مکانی در بین سه منطقه یاد شده در کلانشهر تهران با استفاده از مدل توکی نشان می دهد که در مؤلفه تأثیر برنامه های تلویزیونی بر هویت مندی منطقه ای و حس تعلق خاطر

مکانی تفاوت بین منطقه ۱۲و۱ معنادار نمی باشد ولی این فرایند با منطقه ۲۰ تفاوت معناداری را نشان می دهد. و این نشـــان می دهد که بین میزان رضـــایت مردم از منطقه و تعلق آنها به منطقه زندگی خود و میزان کیفیت منطقه و مرفه نشـین بودن آن و ارتباط وجود دارد و طبقات متوسط نشین و فرودست تهران از میزان تعلق خاطر زیستی در مناطق خودراضی نیستندوبرنامه های تلویزیونی هم نتوانسته است شکاف تعلق خاطر مکانی شهروندان را بین مناطق مرفه و ســـایر مناطق ترمیم دهد. همچنین مخاطبان و مردم مناطق ۱۲ و۲۰ تهران تأثیر برنامه های تلویزیونی را در راســـتای کمک به زیســـت پذیری شـــهری مطلوب ارزیابی نکرده بودند و این شـــکاف معنا داری را درشـــاخص تعلق مکانی شهروندان در شهر تهران را نشان می دهد که تعدیل حس تعلق مکانی در همه مناطق شهری تهران باید اساس برنامه ریزی های راهبردی رسـانه ملی و سـایر نهادهای شـهری در سـطح شهر تهران باشد، چرا که اگر دو طبقه اجتماعی فرودســت و طبقه متوسط نشین رضایت مکانی از منطقه سکونت خود نداشته باشند ، مشکلات جبران ناپذیری را به شـــهر وارد می کند. و شـکاف بین شهری را افزایش می یابد و شهرها از نظر سطح زیستی دوقطبی یا چند قطبی می شـــود، و درنتیجه موجب مهاجرتهای منطقه ای و نارضـــایتی اجتماعی شـــهروندان تهرانی می گردد، همچنین هرچند تحلیل یافته های پژوهش حاضـــر ، تأثیر برنامه های تلویزیونی را برشـــاخص حس تعلق مکانی در مناطق منتخب کلانشـهر تهران نشان دادولی از نظر اولویت بندی مؤلفه های اثر گذار بر شاخص حس تعلق مکانی، تأثیر برنامه هایی با هدف ارتقاء ســـطح زیســـتی منطقه، تولید برنامه هایی با هدف افزایش احســـاس مســـوولیت شـــهروندی، ترویج موضـــوعاتی با هدف افزایش حس هویت منطقه، تولید برنامه های تلویزیونی با هدف مطالبه گری از مســـوولین در ایجاد زیر سـاخت های شهری و و برنامه هایی باهدف تشریح عملکرد نهادهای شهری وهمچنین ترویج برنامه های تلویزیونی اثر گذار بر سبک زندگی شهروندی در اولویت بودند

و هرکدام می تواند راهبردهای برنامه ریزی ارتقای تاب آوری شـهر تهران باشد وجایگاه رسانه ملی را در توسعه پایدار شـهری و عدالت زیسـتی در همه مناطق شهری ارتقاء دهد، در نتیجه راهکارهای پژوهش برای تقویت جایگاه شاخص حس تعلق مکانی در مناطق مورد مطالعه پژوهش موارد زیر می باشند:

- جهت گیری برنامه های تلویزیونی در رسانه و در حل مسایل شهری باید رویکرد مطالبه گر باشد.
- برنـامـه هـای تلویزیون بـاید احســـاس هویت منطقه ای افزایش داده و موجب بهبود روابط ســـازنده شهروندان بایکدیگر شود.
- آموزش مسـولیت پذیری شـهروندی، و آموزش قوانین و مقرارات و حقوق شهروندی می تواند بسیار تأثیرگذار باشد
- ترویج سـبک زندگی ایرانی و اسـلامی ومتناسـب با سـطح زیسـتی و سطح درآمدی مردم می تواند از اولویت های فرهنگی و رسانه ای در برنامه ریزی شهری کلانشهر تهران باشد.
- برنامه های تلویزیون می تواند شاخص مشارکت های مردمی را در شهرها افزایش دهد .

- ایجاد و توسعه بسترهای تعاملی بین نهادهای تصمیم ساز و مردم مناطق مختلف شهری می تواند موجب افزایش انگیزه حس تعلق مکانی در مناطق منتخب کلانشهر تهران باشد

۵. نتیجه گیری

نتایج نشان داد که کیفیت تأثیر برنامه های تلویزیونی منتخب به عنوان برنامه های شاخص برای هویت مندی منطقه ای بر میزان برخورداری از شاخص حس تعلق مکانی در مناطق یاد شده بر اساس تحلیل آنوا ANOVA متفاوت بوده و این تفاوت معنادار است وفرضیه اول تایید می شود.همچنین اولویت سنجی شاخص در سه منطقه یاد شده نشان داد تأثیر برنامه های تلویزیونی بر متغیر سطح زیستی در منطقه ۲۰ به عنوان منطقه فرودست شهری دارای وضعیت نامطلوب تری بود بنابراین باید در اولویتهای برنامه ریزی قرار گیرد .ضمن آنکه فاصله دار بودن میزان رضایت از محل سکونت در بین مناطق ۱۲ و ۲۰ با منطقه ۱ شهری نشان می دهدکه طبقات اجتماعی متوسط وفرودست شهر تهران از حس تعلق مکانی بالایی برخوردار نیستندومیزان رضایت مکانی بالایی ندارند ودرشهر تهران فقط گروههای مرفه از کیفیت زیستی و تعلق مکانی زندگی در منطقه ای که در آن ساکن هستند ابراز رضایت دارند. لذا کاهش این شکاف نگرشی وافزایش رضایت اجتماعی می تواند یکی از اهداف شبکه های تلویزیونی در حل مشکلات و مسائل شهری باشد . همچنین رسانه می تواند در کنار برنامه ریزی های توسعه شهری قرار گرفته و با تولید برنامه های آگاهی دهنده و تأثیر گذارموجب افزایش دانش و سواد شهروندی شود ، همچنین رویکرد برنامه های تلویزیونی باید مطالبه گر باشد و برنامه های توسعه فرهنگی و اجتماعی شهرها راتحلیل و گزارش پیشرفت آنها را به مردم توضیح دهد. همچنین افزایش حس تعلق مکانی شهروندان باید رویکردمهم تلویزیونی به ویژه در شبکه های دو و تهران و مراکز استانها باشد.

اما در تحلیل اولویت مؤلفه های تاب آوری در سه منطقه یاد شده بر اساس مدل تاپسیس فازی ودر هر سه منطقه کلانشهر تهران مشخص شد که تأثیر برنامه های تلویزیونی بر سبک زندگی شهروندی بیشترین تأثیر را پذیرفته است، و فرضیه دوم هم تایید شد، بنابراین در برنامه های تلویزیونی توجه به سبک زندگی شهروندی از اولویت های اصلی در ارتقای سطح حس تعلق مکانی شهروندان کلانشهر تهران است ، همچنین یکپارچه کردن و همگن نمودن شرایط زیستی در هر منطقه عامل مهمی در عدالت زیستی شهروندان می باشد. لذا ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی باید از مهمترین رویکردهای برنامه سازی در شبکه های تلویزیونی استانی و شبکه تهران و شبکه سراسری دو باشد.در پایان و با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می گردد محققان حوزه های شهری در مطالعات آتی برروی ارایه مدل و الگویی جهت نقشه راه ارتقای حس تعلق مکانی شهری، مطالعه نمایند ویا نسبت به تدوین الگوی ارتقای تاب آوری اجتماعی در شهر تهران اقدام کنند، همچنین محققان حوزه های فرهنگی می توانند در خصوص تدوین الگوی سبک زندگی شهروندی در شهرهای ایران پژوهش های کاربردی نمایند.

کتاب‌نامه

۱. آروین، م. (۱۳۹۸). ارزیابی اثرات دلبستگی مکانی بر میزان تاب آوری اجتماعی در شهرها (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلانشهر تهران). *فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری*، *۳۸*، ۷٦ –۸۸

۲. بسطامی نیا، ا.، رضایی، م.، و سرایی، م. (۱۳۹۷). تبیین و تحلیل تاب آوری اجتماعی برای مقابله با سوانح طبیعی. *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، *۳* ، ۲۰۹ –۲۲٤.

۳. پرتوی، پ.، بهزادفر، م.، و شیرانی، ز. (۱۳۹۵) طراحی شهری و تاب آوری اجتماعی؛ بررسی موردی: محله جلفا اصفهان. *نشریه نامه معماری و شهرسازی*، *۱۷*، ۹۹ –۱۱٦.

٤. حاتمی نژاد، ح.، پوراحمد، ا.، وزبردست، ک. (۱۳۹۹). سنجش میزان تاب آوری اجتماعی در منطقه ۹ کلان شهر تهران. *فصلنامه مسکن و محیط روستا*، ۱۷۱، ٤۹ –٦۰.

۵. درگاه ملی مرکز آمار ایران (۱٤۰۰). *نتایج طرح آمارگیری قیمت مسکن و اجاره و قدرت خرید شهروندان در شهرهای منتخب از ۱۳۸۸ تاکنون*. تهران: مرکز آمار ایران. www.amar.org

٦. رحیمی، م.، و کارگر، ب. (۱۳۹۹). تبیین الگوی تاب آوری اجتماعی در سکونتگاه های غیررسمی با تاکیدبر کیفیت زندگی نمونه موردی محله خط ٤ حصارکرج. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، *۱۱*(۱)، ۷۵ –۹۱.

۷. روستا م.، ابراهیم زاده ع.، و ایستگلدی، م . (۱۳۹۷). ارزیابی میزان تاب آوری اجتماعی شهری موردشناسی شهر زاهدان. *نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری*، *۳۲*، ۱–۱٤.

۸. سرایی، م.، روستا، م. (۱۳۹۵). ارزیابی شاخص تعلق مکانی کاشان. *جغرافیا و برنامه ریزی محیطی سیستان و بلوجستان*، ۱–٤.

۹. فرقانی، م.، و مهاجری، ر. (۱۳۹۷). رابطه بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و تغییر درسبک زندگی جوانان. *مطالعات رسانه‌های نوین*، *٤*(۱۳)، ۲۹۲–۲۵۹.

۱۰. منتظرالقائم، ا. (۱٤۰۰). مأموریت و رسالت شبکه دوکتاب اسناد مأموریت ی رسانه ملی. ***شبکه دو***، ۱–۲۰.

11. Adger, W. N. (2000). Social and ecological resilience: are they related? *Progress in Human Geography,24*(3), *347-364.*
12. Alavi Vafa, S. (2017) Challenges and Strategic Issues of National Media in Horizon. *Communication Research Quarterly, 24*(89), 41-64.
13. Copeland, S., Comes, T., Bach, S., Nagenborg, M., Schulte, Y., & Doorn, N. (2020). Measuring social resilience: Trade-offs, challenges and opportunities for indicator models in transforming societies. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, *51*, 41-99.
14. Keck, M., & Sakdapolrak, P. (2013). What is social resilience? Lessons learned and ways forward. *Erdkunde, 67*(1), 5-19.
15. Kim, D. (2018). *Media Governance: Chapter in the book of Media Governance in Korea 1980–2017*. London: Springer publication.
16. Obrist, B., Pfeiffer, C. & Henley, R. (2010). Multi-layered social resilience: A new approach in mitigation research. *Progress in Development Studies*, *10*, 273-288.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال دهم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: 10.22067/ JGUSD.2022.70545.1049
مقالهٔ پژوهشی-مطالعه موردی

تحلیلی بر فقر شهری و عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی و گسترش آن در شهر تبریز[1]

مریم رضایی (دانشجوی دکتری جغرافیا وبرنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)
rezaee8897@yahoo.com
علی پناهی (استادیارگروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)
panahin@yahoo.com
رضا ولی‌زاده (استادیارگروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)
valizadehreza60@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۹ **تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷**
صص ۵۵-۳۹

چکیده

امروزه، ارزیابی و تحلیل فقر شهری و شناسایی عوامل و نیروهای تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی و گسترش این پدیده، از اصول اساسی سیاست‌گذاری و مدیریت توسعه‌ی انسانی اکثر کشورها محسوب می‌گردد. با توجه اهمیت موضوع، هدف از تحقیق حاضر بررسی فضایی فقر شهری و همچنین شناسایی عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی این پدیده در شهر تبریز می‌باشد. در این راستا، روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و رویکرد حاکم بر آن تحلیل فضایی می‌باشد. بدین‌منظور برای گردآوری داده‌های تحقیق از اطلاعات موجود در بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۵ شهر تبریز و پرسشگری از نخبگان دانشگاهی و مدیران شهری و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق از شاخص نزدیکترین همسایه (NNI) و Hot Spot Analysis در نرم‌افزار GIS و همچنین مدل تحلیل معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که پهنه‌های فقیرنشین شهر تبریز در مرکز و حاشیه‌ی شهر گسترش یافته و توزیع این پهنه‌ها بر مبنای شاخص Z، خوشه‌ای بوده است. از طرفی دوگانگی فضایی فقر بین شرق و غرب شهر و مناطق حاشیه‌ای و مرکزی قابل مشاهده است. از عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقیرنشین شهر نیز می‌توان در سطح کلان به متغیرهای سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه‌ی توزیع غیرعادلانه‌ی منابع قدرت، ثروت و درآمد و افزایش فاصله‌ی طبقاتی بین اقشار مختلف و در سطح خرد به متغیرهای افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت شهر تبریز و ناکارآمدی

---

۱. مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری تحت عنوان تحلیلی بر سازمان‌یابی فضایی فقر شهری در ایران (مطالعه موردی: کلان‌شهر تبریز)، با همکاری نویسندگان می‌باشد.

بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر تبریز اشاره داشت که به ترتیب ارزش این متغیرها بـر مبنـای مـدل سـاختاری ۰/۸۳، ۰/۷۷، ۰/۶۹ و ۰/۶۳ می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فقر، فقر شهری، سازمان‌یابی فضایی، کلان‌شهر تبریز.

۱. مقدمه

از انقلاب صنعتی در اواخر قرن ۱۸ میلادی، جمعیت جهان به‌طور نمایی با سرعت حیرت‌انگیـزی افـزایش یافتـه است (وو[1] و همکاران، ۲۰۱۱، ص.۲). افزایش روزافزون جمعیت شهری در تمامی کشورها بـه‌ویـژه کشـورهای در حال توسعه، سبب رشد توأمان جمعیتی – کالبـدی بسـیاری از نقـاط شـهری شـده (مارشـال[2] و همکـاران، ۲۰۰۵، ص.۲۸۴) و تقاضای عظیمی نیز برای زیرساخت‌های اساسی و پایه به‌وجود آورده است (اسچوتن و ماتِنگ[3]، ۲۰۱۰، ص.۸۱۵). همچنین این میزان از افزایش جمعیت، باعث بروز مشکلات متعددی همچون نـابرابری اجتمـاعی، توزیـع نابرابر فرصت‌های شغلی و اختلاف طبقاتی، بدمسکنی و بی‌مسکنی گردیده و ضعف مدیریتی و ناتوانی دولـت‌هـا در کنترل این مسائل موجب شکل‌گیری و گسترش محلات فقیرنشین شهری شـده اسـت (گیلبـرت[4]، ۲۰۱۴، ص.۲۵۹؛ ویارِی[5] و همکاران، ۲۰۱۷، ص.۴۲۷). همچنین، می‌توان گفت شهرنشینی سـریع در کشـورهای درحـال توسـعه بـا محدودیت منابع فیزیکی، زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی و همچنین ناکارآمدی سیستم‌های حمایتی باعث افـزایش فقر شده اسـت (بیکـر[6]، ۲۰۰۸، ص.۱۱؛ کوبینـا[7] و همکـاران، ۲۰۱۵، ص.۱۹؛ کـوهِن[8]، ۲۰۰۶، ص.۶۴؛ راوالیـون[9] و همکاران، ۲۰۰۷، ص.۱). در این راستا، از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، بحث فقر در کشورهای درحـال توسـعه بـا نهادهـای ضعیف، مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان متعددی بوده است (آکِموغلو و رابینسون[10]، ۲۰۱۲، ص.۲؛ آکِموغلو و همکاران، ۲۰۰۱، ص.۱۳۷۰؛ کالو[11]، ۲۰۰۴، ص.۵۲۸؛ نورث[12]، ۱۹۹۰، ص.۱۴) و کاهش فقر به یک نگرانی جهانی و یکی از مهمترین اهداف کشورهای کم‌درآمد و مؤسسات مالی بین المللـی تبـدیل شـده اسـت (سـیملِر[13]، ۲۰۰۳، ص.۱). در این بین، یکی از مهمترین عوامل در راستای کاهش فقر شـهری، شناسـایی دقیـق پهنـه‌های فقیرنشـین در مناطق مختلف و همچنین دلایل ایجاد و گسترش این پهنه‌ها می‌باشد. بنابراین با توجه به اهمیـت موضـوع، هـدف از تحقیق حاضر بررسی فضایی فقر در شهر تبریز به‌منظور شناسایی پهنـه‌های فقیرنشـین و همچنـین عوامـل مـؤثر بـر

1. Wu
2. Marshal
3. Schouten & Mathenge
4. Gilbert
5. Vearey
6. Baker
7. Cobbinah
8. Cohen
9. Ravallion
10. Acemoglu & Robinson
11. Kalu
12. North
13. Simler

گسترش این پدیده می‌باشد. در شهر تبریز مانند سایر شهرهای ایران، همزمان با اصلاحات ارضی (١٣٤٠) و صنعتی شدن کشاورزی، افزایش جمعیت شهری شدت گرفته است. در این بین، مهاجرت جمعیت عظیمی از مناطق روستایی به شهر با مهارت فنی و تحصیلات پایین از یک‌سو و عدم نظارت بر توسعه‌ی فیزیکی از سوی دیگر باعث توسعه‌ی نامتوازن شهر تبریز و شکل‌گیری مناطق حاشیه‌ای و فقیرنشین با گسست کالبدی و اجتماعی این مناطق با سایر نقاط شهر شده است. با توجه به وجود نارسایی‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی در این سکونتگاه‌ها، عدم کنترل، مدیریت و ارتقای آنها باعث تحمیل آسیب‌های جدی به کل شهر در ابعاد مختلف خواهد گردید.

می‌توان گفت که در راستای موضوع فقر و فقر شهری در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی پژوهش‌های متعددی انجام گرفته که خلأ پژوهشی در بین این مطالعات، عدم بررسی عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی فضایی فقر با بهره‌گیری از متغیرهای کلان و خرد بوده است. بنابراین تحقیق حاضر با هدف پر کردن این خلأ پژوهشی مورد نگارش قرار گرفته است. در ادامه به مهمترین پژوهش‌های مرتبط با فقر شهری اشاره می‌گردد.

محمدی و همکاران (١٣٩١)، در پژوهش خود به فراتحلیل مطالعات فقر در ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش نشان داده شده که بخش عمده‌ای از مطالعات فقر در ایران، مطالعات اقتصادی بوده است که غالباً از دو رویکرد کلی استفاده کرده‌اند: یکی، رویکردهای بررسی کننده‌ی عوامل فقر و دیگری رویکردهای مربوط به اندازه‌گیری فقر که به نظر می‌رسد عمدتاً مطالعاتی مکانیکی و به دور از زندگی اجتماعی مردم کوچه‌بازار باشد. رضایی و همکاران (١٣٩٣)، در تحقیقی به شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که ١٢/٢ درصد از محلات شهر یزد خیلی فقیر، ١٩/٥درصد فقیر، ٢٦/٨ درصد متوسط، ٣٦/٦ درصد مرفه و فقط ٤/٩ درصد در سطح خیلی مرفه قرار دارند. ملکی و همکاران (١٣٩٥)، در پژوهشی سازمان‌یابی فضایی و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر تبریز را مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سازمان‌یابی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تبریز در قبل از دهه‌ی ١٣٤٠، بیشتر بر اثر نیروهای سیاسی-طبیعی، بعد از دهه‌ی ١٣٤٠، بر اثر عوامل کلان (ساختاری) و نیروهای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و بعد از سال ١٣٦٢، ناشی از عوامل ساختاری و غیرساختاری و نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده است. سازمان‌یابی این سکونتگاه‌ها نیز در سطح شهر تبریز نشان می‌دهد که پهنه‌های غیررسمی شمال شهر دارای سابقه‌ی طولانی‌تر از سایر پهنه‌ها می‌باشد. پهنه‌های جنوب‌غربی نیز مربوط به توسعه‌ی شهر در دوره‌های اخیر و ادغام روستاهای اطراف در متن کلان‌شهر تبریز و دارای سابقه‌ی اندکی می‌باشند. زادولی (١٣٩٧)، در پژوهشی تحت عنوان سنجش الگوی گستردگی فقر شهری با رویکرد آینده‌پژوهی، شهر تبریز را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در سه دوره یعنی سال‌های ١٣٧٥، ١٣٨٠ و ١٣٩٠ فقر شهری در بلوک‌های آماری به صورت لکه‌ای پراکنده شده و در هر دوره به تعداد بلوک‌های فقیر افزوده شده است. همچنین ٧ عامل کلیدی مهم در ارتباط با الگوی گسترش فقرشهری عبارتند از بیکاری زنان، بیکاری مردان، جمعیت فعال اقتصادی، جمعیت غیرفعال

اقتصادی، فعالیت عمومی، مشارکت اقتصادی زنان و مشارکت اقتصادی. همچنین چامهوری[1] و همکاران (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان چارچوب مفهومی کاهش فقر شهری، بررسی ادبیات، بـه ایـن موضـوع اشـاره دارنـد کـه در سال‌های اخیر، یک ادبیات گسترده در تعریف، اندازه‌گیری و تحلیل فقر شهری به‌وجود آمـده اسـت. همچنـین ایـن پژوهش نشان می‌دهد که در سیر زمانی، بررسی مفهوم، آسـیب‌پذیری و پویـایی فقـر شـهری موجبـات شـکل‌گیری رویکردها و مباحث کاهش فقر شهری گردیده است. دوکو[2] و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی بـه انـدازه‌گیـری فقـر درون‌شهری با استفاده از معیارهای کاربری زمین و پراکنش حاصل از داده‌های سـنجش از راه دور در شـهر مـدلین[3] کلمبیا پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اولاً شکل ظاهری یک شهرک شهری بازتابی از جامعه است و ثانیـاً افرادی که در مناطق شهری با شرایط مسکن فیزیکی مشابه زندگی می‌کنند، دارای ویژگی‌های اجتمـاعی و جمعیتـی مشابه هستند. لانجو و مارا[4] (۲۰۱۸)، در پژوهش خود فقر را در شهرهای کوچک و بزرگ ویتنام مورد بررسـی قـرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بایستی سیاست‌گذاری مناسب در مقابله با فقر در شهرهای کوچـک بـه‌منظور جلوگیری از مهاجرت به شهرهای بزرگ و ارتقای دسترسی به خدمات اساسی در ایـن شـهرها مـدنظر قـرار گیـرد. میوبا[5] (۲۰۱۹)، نیز در تحقیق خود تحت عنوان سرمایه‌ی نهادی، فقر شهری و ثروت خانوار، شهر کیپ‌تاون آفریقای جنوبی را مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سـرمایه‌ی نهـادی متکـی بـه حاکمیـت قـانون، خدمات عمومی، نهادهای اقتصادی و رهبری سیاسی بوده و از سرمایه‌ی اجتماعی متمایز می‌باشـد. تأکیـد بیشـتر بـر حاکمیت قانون و ارائه‌ی خدمات عمومی و نهادهای اقتصادی، ثـروت بیشـتر خانوارهـا را بـه‌دنبال خواهـد داشـت، درحالی‌که اتکای بیشتر به رهبری سیاسی موجب کاهش ثروت خانوارها و افزایش فقر شهری خواهد گردید.

بررسی ادبیات فقر حاکی از آن است که تاکنون تعریف‌های گوناگونی از فقر بسـته بـه شـرایط مکـانی و زمـانی مختلف بیان شده است (طارمی، ۱۳۸۷، ص.۱۶). در این بین، فقر شهری بیش از یک سده است کـه موضـوع مـورد بحث جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و سیاست‌مداران می‌باشد. می‌توان گفت فقـر شـهری پدیـده‌ی چندبعـدی اسـت و شهرنشینان به‌خاطر بسیاری از محرومیت‌ها؛ از جمله عدم دسترسی به فرصت‌های اشتغال، مسکن و زیرسـاخت‌های مناسب، نبود تأمین اجتماعی و دسترسی بـه بهداشـت، آمـوزش و امنیـت فـردی در رنـج و مضـیقه‌اند (بهـاراُغلو و کسیدِس[6]، ۲۰۰۲، ص.۲). همچنین فقر شهری با مشخصه‌هایی چون، درجات تجاری‌سازی بالا، خطـرات سـلامتی و محیطی بالاتر، گسیختگی اجتماعی، جرم و جنایت، تضادها و برخوردها با حکومت و ... شناخته می‌شـود (زاینـال[7] و همکاران، ۲۰۱۲، ص.۸۲۸) و ساختار اجتماعی و الگوی فضایی در مناطق شـهری را دگرگـون می‌کنـد (لیـو و وو[8]،

1. Chamhuri
2. Duque
3. Medellin
4. Lanjouw & Marra
5. Muyeba
6. Baharoglu & Kessides
7. Zainal
8. Liu & Wu

٢٠٠٦، ص.٦١٠). در راستای شکل‌گیری پهنه‌های فقیرنشین نظریات مختلفی ارائه شده است. اکولوژیست‌ها شکل‌گیری نواحی فقیرنشین را به پستی ژن ساکنان آن نواحی نسبت داده‌اند. نظریه‌پردازان این گروه معتقدند که حتی اگر گروه‌های مهاجر قومی و نژادی دیگری نیز در این محله‌ها ساکن شوند، باز این نواحی فقیر باقی خواهند ماند؛ بنابراین، مشکل این محله‌های فقیرنشین به نواحی خاص آن‌ها بر می‌گردد، نه به افرادی که در این نواحی ساکن‌اند (رِن[1]، ٢٠١١، ص.٤١). اسکار لوئیس در دیدگاه فرهنگ فقر بیان می‌کند که فقدان فرصت اقتصادی، باعث به وجود آمدن معایب ساختاری می‌شود که به تغییراتی در فرهنگ اجتماع و شکل‌گری فقر منجر می‌گردد (کیورلی[2]، ٢٠٠٥، ص.٢٩). این تغییرات، واکنش‌هایی فرهنگی به دنبال دارد که از طریق وراثت و نسل، درونی می‌گردد و به آینده انتقال می‌یابد (کاپلان[3] و همکاران، ١٣٩١، ص.٣٧). نظریه‌ی انتقادی شهری سازمان اجتماعی شهرها، عقلانیت بروکراتی، روابط و واسطه‌های سیاسی و ایدئولوژیک را از عوامل تأثیرگذار بر گسترش فقرش شهری ذکر می‌کند (بِرنر[4]، ٢٠٠٠، ص.٥٥٦). اقتصاد سیاسی فضا، شکل‌گیری پهنه‌های فقیرنشین را در جهان سوم معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرت‌های مسلط جهانی از یک‌سو و ویژگی‌های ملی از دیگرسو می‌داند (الحَداری و سَمَت[5]، ٢٠١٤، ص.٢١٤). تعارض‌گرایان نیز با تأکید بر تضاد و تنازع گروه‌های مختلف بر سر قدرت، ثروت و منزلت، فرد را در کانون توجه خود قرار داده و هرکسی را مسئول اعمال خود می‌داند (داکلاس و آرار[6]، ٢٠٠٦، ص.٢٩). بنابراین از دیدگاه این گروه، ویژگی‌های فردی نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش فقر شهری دارند.

٢. روش‌شناسی

٢. ١. روش تحقیق

روش تحقیق در مطالعه‌ی حاضر از نظر هدف کاربردی و رویکرد حاکم بر آن تحلیل فضایی می‌باشد. در این راستا، ابتدا با استفاده از بلوک‌های آماری سال ١٣٩٥ و با بهره‌گیری از شاخص نزدیکترین همسایه (NNI) و Hot Spot Analysis در نرم‌افزار GIS به بررسی پهنه‌های فضایی فقر در شهر تبریز (در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی) پرداخته شده و سپس عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر در شهر با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS مورد بررسی قرار گرفته است. قابل ذکر است به‌منظور تهیه‌ی نقشه‌های شاخص‌های مورد بررسی «١٤ شاخص تحت عنوان شاخص‌های کالبدی (تراکم جمعیت، تراکم خالص مسکونی، تراکم نفر در واحد مسکونی و تراکم اتاق در واحد مسکونی)، شاخص‌های اجتماعی (بعد خانوار، میزان فعالیت عمومی، نسبت جوانی جمعیت، جمعیت باسواد و نرخ بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم) و شاخص‌های

1. Ren
2. Curley
3. Kaplan
4. Berner
5. Elhadary and Samat
6. Duclos & Araar

اقتصادی (بار تکفل، نرخ بیکاری، نرخ بیکاری مردان، مشارکت اقتصادی زنان و ضریب اشتغال)»، ابتدا در شیب‌فایل بلوک‌های آماری سال ۱۳۹۵ شهر تبریز هر یک از لایه‌های شاخص‌ها به فایل‌های رستری (feature to raster) تبدیل گردیده، سپس با طبقه‌بندی آنها (Reclassify) و هم‌پوشانی لایه‌ها، نقشه‌های نهایی به‌دست آمده است. در بخش دوم تحقیق (شناسایی عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر) نیز از نخبگان دانشگاهی و مدیران شهری پرسشگری به‌عمل آمده است که با توجه به مشخص نبودن تعداد حجم جامعه‌ی آماری از فرمول کوهن[1] در سطح اطمینا ۹۵ درصد برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است.

فرمول کوهن:

$$n = \frac{z^2 S^2}{d^2}$$

در این فرمول Z یک مقدار ثابت است که به فاصله‌ی اطمینان و سطح خطا (α) بستگی دارد. با توجه به تعیین فاصله‌ی اطمینان ۹۵ درصد بنابراین d برابر ۰/۰۵ و Z برابر با ۱/۹۶ می‌باشد. S نیز واریانس نمونه‌ی اولیه می‌باشد که با پرسشگری از ۲۰ نمونه‌ی اولیه از حجم نمونه به‌دست می‌آید. بر مبنای محاسبات صورت گرفته واریانس نمونه‌ی اولیه ۰/۲۵۵ به‌دست آمده و با جاگذاری در فرمول فوق حجم نمونه ۱۰۰ نفر برآورد شده که روش دسترسی به این حجم نمونه بر مبنای روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند بوده است.

n= (۳/۸٤۱٦ × ۰/۰٦٥۰) ÷ ۰/۰۰۲٥= ۱۰۰

همچنین پرسشنامه‌ی پژوهش حاضر در دو دوسته‌ی کلان و خرد تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر در شهر تبریز به شرح جدول شماره ۱ و بر مبنای طیف لیکرت ۵ مقیاسی طراحی شده است.

جدول ۱. مؤلفه‌های تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی پهنه‌های فقر

متغیرها	گویه‌ها
عوامل کلان (Macro)	ضعف ساختار شهرنشینی در ایران با توجه به تأثیرات نظام برون‌زا و مدرنیزاسیون و در نتیجه بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی Mac1، افزایش دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری و سرازیر شدن جمعیت به سمت شهرها Mac2، سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه‌ی توزیع غیرعادلانه‌ی منابع قدرت، ثروت و درآمد و افزایش فاصله‌ی طبقاتی بین اقشار مختلف Mac3، بی‌ثباتی اقتصاد کلان ناشی از شوک‌ها و سیاست‌های نامناسب Mac4، هزینه‌های بالای زندگی در شهرها و افزایش چندبرابری تورم طی سال‌ها و دهه‌های گذشته Mac5، غلبه‌ی روح تکنوکراسی در نظام مدیریتی ایران و در حاشیه قرار گرفتن اقشار کم‌درآمد Mac6، کارایی نداشتن بازار کار و درنتیجه محدودیت در رشد مشاغل Mac7 .
عوامل خرد (Micro)	مهاجرت و افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت به شهر تبریز Mic1، عدم مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی مناسب در مهاجرین Mic2، ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر تبریز Mic3، عدم سرمایه‌گذاری در شهر برای

1. Cohen

متغیرها	گویه‌ها
	توسعه‌ی اشتغال به‌ویژه برای اقشار کم‌درآمد Mic4، دسترسی ناچیز اقشار کم‌درآمد به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن Mic5، عدم کفایت مدیریت شهری در مورد طرح‌های توانمندسازی بافت‌های نابسامان و قوانین زمین Mic6، ناتوانی مدیریت شهری در نظارت و کنترل ساخت‌وسازها و غلبه‌ی باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین Mic7.

درنهایت با توجه به مطالعات و پژوهش‌های گذشته، همچنین دیدگاه‌های مطروحه در راستای موضوع فقر و گسترش آن، می‌توان مدل مفهومی تحقیق در راستای عوامل تأثیرگذار بر سازمان‌یابی و گسترش فقر شهری را به شرح شکل شماره ۱ ترسیم نمود.

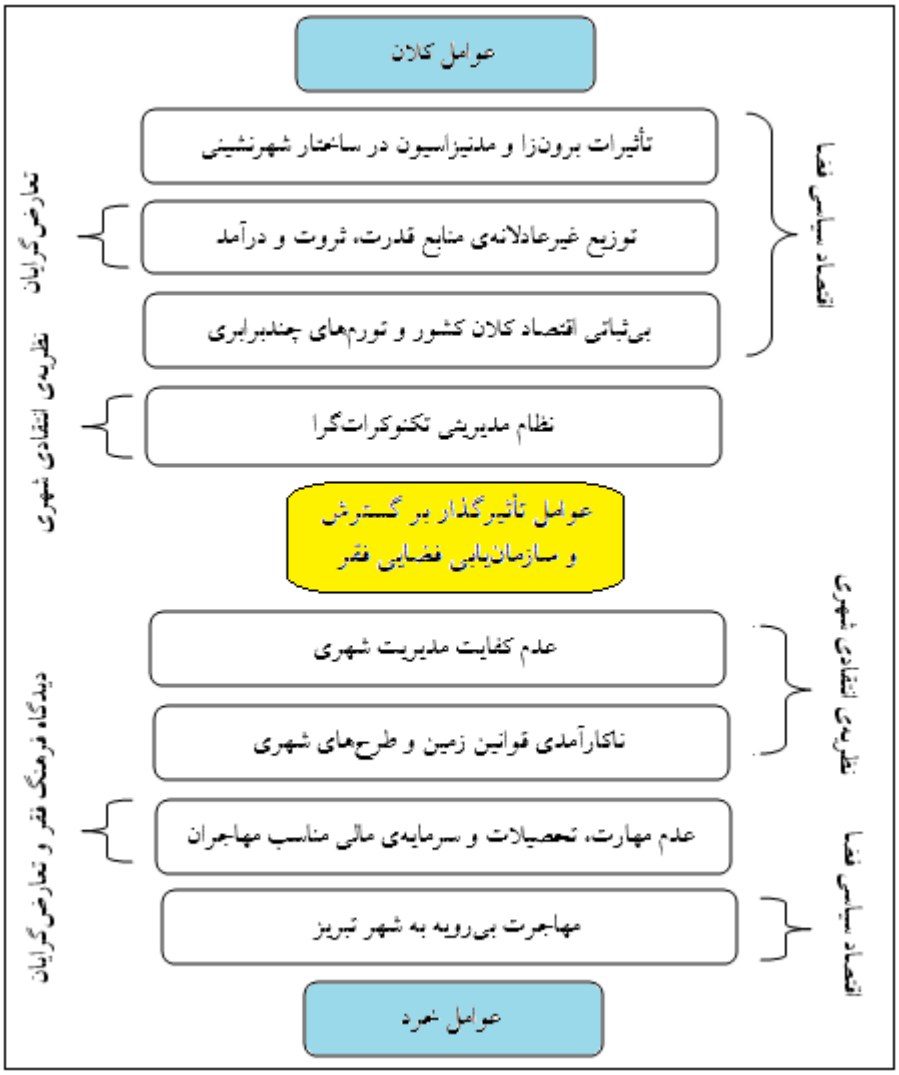

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق (عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر)

۲. ۲. محدوده مورد مطالعه

در راستای قلمرو پژوهش می‌توان گفت که تبریز، بزرگترین شهر شمال غـرب ایـران و مرکـز اسـتان آذربایجـان شرقی می‌باشد که بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ دارای ۱۷۷۳۰۳۳ نفر جمعیت بوده و ششـمین شهر پرجمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، کرج و شیراز محسوب می‌شود. ارتفاع متوسط این شهر از سطح آب‌های آزاد حدود ۱۳٤۰ متر بوده و از نظر موقعیت جغرافیایی در ٤۱ درجه و ۲۵ دقیقه‌ی طـول شـرقی و ۳۸ درجه و ۲ دقیقه‌ی عرض شمالی از نصف‌النهار مبدأ قـرار دارد. بررسـی رشـد فیزیکـی و جمعیتـی تبریـز نشـان می‌دهد که در فاصله زمانی ٦۰ساله (۱۳۹۵–۱۳۳۵)، مساحت این شهر از ۱۱۷۰ هکتار به ۱۹۰۰۰ هکتـار و جمعیـت آن از ۲۸۹۹۹٦ نفر به ۱۷۷۳۰۳۳ نفر رسیده است. یعنی جمعیت آن قریب به ٦ برابر و توسعه‌ی فیزیکی آن حدود ۱٦ برابر رشد داشته است. همچنین بیش از ٤۰۰ هزار نفر[1] از جمعیت شهر در سکونتگاه‌های غیررسمی در چهار پهنـه‌ی شمال، جنوب، شمال غرب و جنوب غرب اسکان و گسترش یافته‌اند.

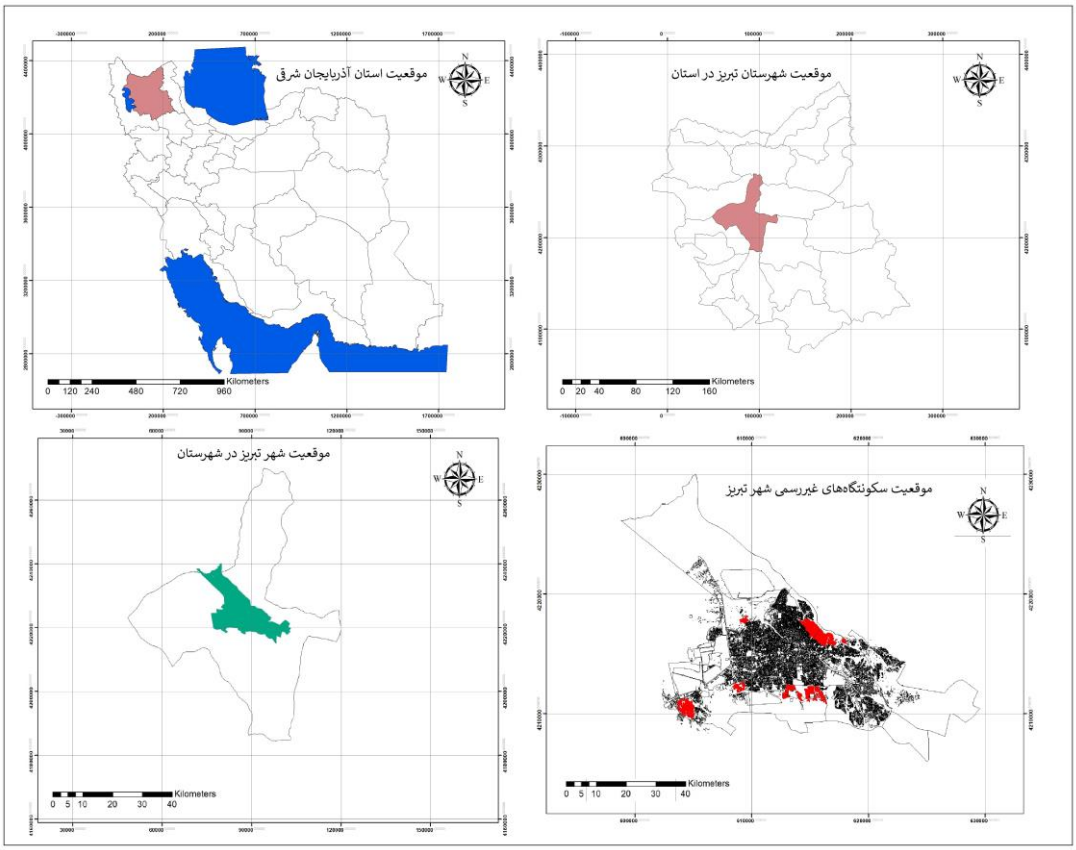

شکل ۲. موقیت جغرافیایی شهر تبریز و سکونتگاه‌های غیررسمی آن

۱. اداره کل راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی (۱۳۹٤) گزارش وضعیت مناطق نابسامان شهری و عملکرد ستادهای استانی و شهرستانی، دبیرخانه‌ی ستاد بازآفرینی پایدار محدوده‌ها و محلات هدف استان آذربایجان شرقی.

۳. یافته‌ها

در راستای تحلیل فضایی فقر در شهر تبریز، پس از تبدیل اطلاعات بلوک‌های آماری شهر به لایه‌های رستری در شاخص‌های مختلف و تجمیع این لایه‌ها در فایل نهایی، وضعیت شهر تبریز از منظر فقر به شرح شکل شماره ۳ آمده است.

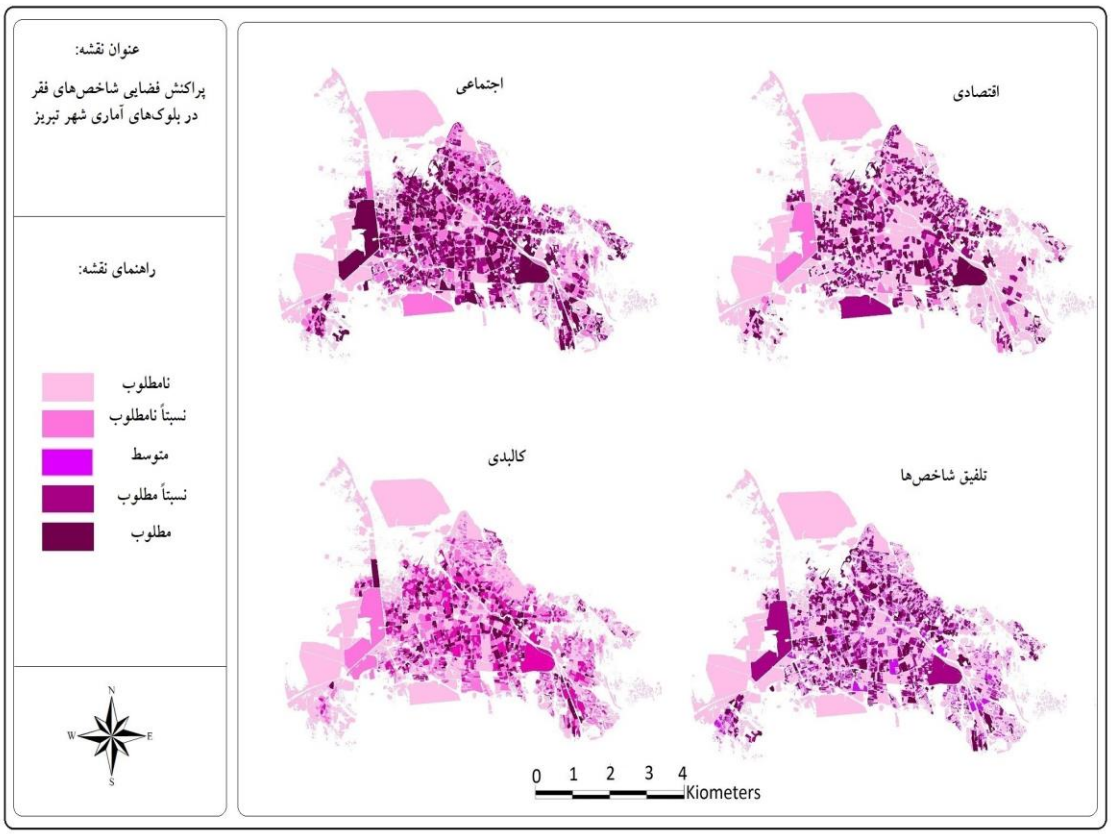

شکل ۳. وضعیت بلوک‌های شهر تبریز از منظر شاخص‌های سنجش فقر

بر مبنای شکل شماره ۳ می‌توان گفت که مناطق مرکزی و حاشیه‌ای شهر تبریز در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و پهنه‌های فقیرنشین شهر تبریز در مرکز و حاشیه‌ی شهر به‌ویژه سکونتگاه‌های غیررسمی و بافت‌های فرسوده جای گرفته‌اند.

همچنین به‌منظور شناسایی الگوی توزیع فضایی پهنه‌های فقر شهری در تبریز نیز از شاخص نزدیکترین همسایه (NNI)[1] استفاده شده است. اگر نتیجه‌ی آزمون شاخص نزدیکترین همسایه برابر با یک باشد، داده‌های مورد مطالعه به صورت تصادفی توزیع شده است، اگر نتیجه کوچکتر از یک باشد بیانگر خوشه‌ای بودن پراکنش داده‌ها و اگر

1. Nearest Neighbor Index

نتیجه بزرگتر از یک باشد، نشانگر توزیع یکنواخت و تصادفی داده‌ها است. همچنین اگر شاخص Z عدد کمتر از ۱ و منفی باشد نیز نشان دهنده‌ی توزیع خوشه‌ای می‌باشد.

نتایج حاصل از آزمون شاخص نزدیکترین همسایه برای داده‌های مورد مطالعه حاکی از آن است که ارزش آزمون شاخص نزدیکترین همسایه و همچنین شاخص Z در آزمون برای مؤلفه‌های مورد مطالعه کمتر از یک بوده و نشان از توزیع خوشه‌ای پهنه‌های فقیرنشین در شهر تبریز دارد.

جدول ۲. شاخص نزدیکترین همسایه و نمره Z برای نقاط فقیرنشین در شهر اردبیل

شاخص‌ها	شاخص نزدیکترین همسایه	P-value	Z-sore
کالبدی	۰/۲۳۹	۰/۰۰۰	-۲/۷۵۶
اجتماعی	۰/۶۰۳	۰/۰۲۱	۰/۰۰۹
اقتصادی	۰/۳۸۱	۰/۰۰۸	-۱/۹۰۶
مجموع	۰/۴۱۷	۰/۰۰۳	-۲/۲۴۵

به‌منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فقر شهری در تبریز نیز از نرم‌افزار مدل‌سازی معادلات ساختاری AMOS گرافیک استفاده شده است. برای این منظور ابتدا ارتباط ساختاری جزئی برای این رابطه و سپس صورت کلی و نهایی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارتباط ساختاری جزئی یا درونی به ارزیابی ارتباط ساختاری ناشی از میزان تأثیر متغیرهای کلان و خرد به‌عنوان متغیر مستقل بر روی گسترش و سازمان‌یابی فقر شهری در تبریز به‌عنوان متغیر وابسته بوده که برای ورود به بحث کلی و نهایی ابتدا مورد آزمون جداگانه قرار گرفته است.

جدول ۳. تحلیل پایایی تبیینی متغیر مستقل و وابسته در مدل‌سازی معادلات ساختاری

متغیرها	CR[1]	AVE[2]	CA[3]	P	Mac	Mic
گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر (P)	۰/۷۱	۰/۶۳۲	۰/۸۳	۰/۸۴۵	-	-
عوامل کلان (Mac)	۰/۷۴	۰/۶۵۱	۰/۷۸	**۰/۶۳۷	۰/۸۰۷	-
عوامل خرد (Mic)	۰/۷۶	۰/۶۵۵	۰/۷۴	**۰/۶۱۴	*۰/۵۹۳	۰/۷۸۱

**p < 0.01; *p < 0.05.

ورود عوامل تبیین‌کننده‌ی ارتباط ساختاری برای ارزیابی نقش متغیرهای کلان و خرد بر گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر تبریز نشان می‌دهد میزان پایایی ترکیبی (CR) و ضریب پایایی (CA) به‌دست آمده بیش از ۰/۷ و میزان میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE) که در قطر خطی جدول شماره ۳ مشخص شده است بیش از ۰/۶ می‌باشد.

1. Composite Reliabilities
2. Average Variance Extracted
3. Cronbach's Alpha

همچنین همبستگی متغیرهای تحقیق که با رنگ تیره مشخص گردیده است در بازه ۰/۷۸ تا ۰/۸۵ بوده که ورود عوامل را برای تبیین گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر تبریز به میزان قابل ملاحظه‌ای تشریح می‌کند.

جدول ٤. آماره‌ی ساختار عاملی تأییدی ارتباط ساختاری متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	x^2	df	P	x^2/df	CFI	IFI	RMSEA
گسترش و سازمان‌یابی فضایی فقر (P)	٢٢٤/٧٣	٩٩	٠/٠٠٠	٢/٢٧	٠/٩١٧	٠/٩٣١	٠/٠٣
عوامل کلان (Mac)	٢٣١/٦٦	٩٩	٠/٠٠٠	٢/٣٤	٠/٩٤٥	٠/٩١٦	٠/٠٢
عوامل خرد (Mic)	٢٣٥/٦٢	٩٩	٠/٠٠١	٢/٣٨	٠/٩٢٣	٠/٩٢٨	٠/٠٥

مهم‌ترین سنجه‌های شکل‌دهنده‌ی آماری در ساختار عاملی تأییدی سنجه‌ی خی‌دو یا کای اسکوئر (x^2) نسبت کای اسکوئر بر درجه آزادی، شاخص برازش تطبیقی[1] (CFI) و شاخص برازش افزایشی[2] (IFI) و در نهایت ریشه‌ی میانگین مربعات تقریبی[3] (RMSEA) می‌باشد. این سنجه‌ها دارای مقدار معینی بوده که تحلیل را معنادار ساخته و به تشریح ارتباط ساختاری متغیرهای به‌دست آمده می‌پردازد. به علت متورم شدن میزان کای‌اسکوئر در نمونه‌های تحلیلی، اکثر تحلیل‌گران از نسبت کای اسکوئر بر درجه آزادی استفاده می‌کنند که نمونه‌های دقیق تحلیل‌شده برای شناسایی ساختار را به‌دست می‌دهد. مقدار این نسبت باید ترکیب نیمی از داده‌ها را دربر گیرد. به دیگر سخن نباید کمتر از دو باشد تا بتوان به معناداری داده‌های به کار رفته اطمینان داشت. نتایج تحلیل ساختار ارتباطی سه متغیر شناسایی شده در این سنجه نشان از قابل قبول بودن آن دارد. شاخص‌های برازش تطبیقی و افزایشی مطابق با استانداردهای آماری تعیین‌شده هرچه به سمت ۱ میل کنند برازش از سطح نکویی بالایی برخوردار خواهد بود. نتایج این دو شاخص برای متغیرها و تبیین ارتباط ساختاری آن‌ها قابل قبول به‌دست آمده است. شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA نیز آخرین سنجه‌ی ساختارشناسی در این مرحله است که در الگوهای قابل‌قبول مقدار ۰/۰۸ یا کمتر دارد. برازش الگوهایی که مقادیر بالاتر از ۰/۱ دارند، ضعیف برآورد می‌شوند. همان‌طور که در جدول شماره ٤ مشاهده می‌شود، مقدار این شاخص برای الگوی اندازه‌گیری کمتر از ۰/۰۸ است که نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب الگوها، توسط داده‌ها است. در نهایت، با توجه به مطالب یادشده می‌توان نتیجه گرفت الگوهای اندازه‌گیری برازش خوبی دارند و به این معناست که متغیرهای آشکار به‌خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند.

1. Comparative Fit Index
2. Incremental Fit Index
3. Root-Mean-Square-Error of Approximation

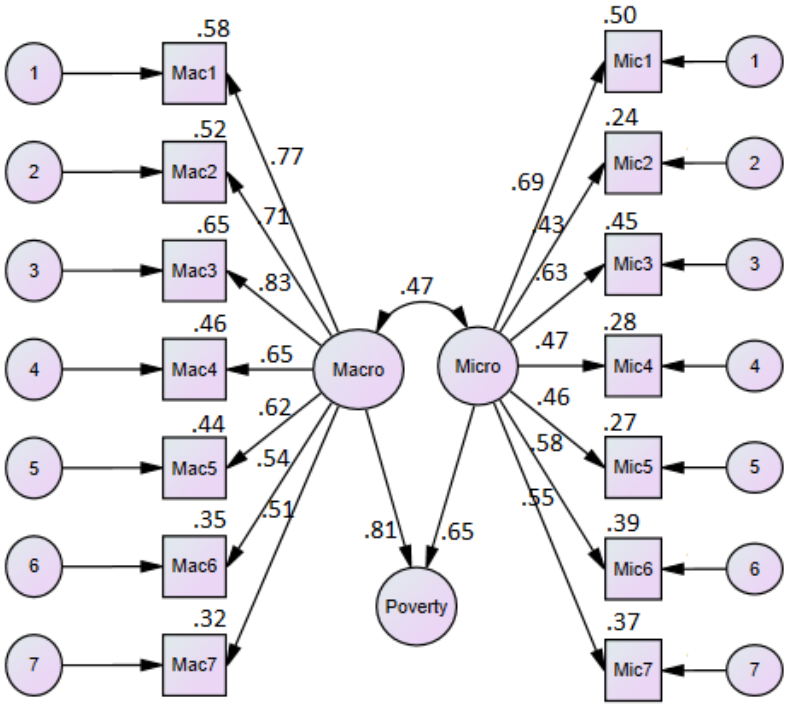

شکل ٤. معماری ساختار ارتباطی تأثیر متغیرهای کلان و خرد بر گسترش و سازمان‌یابی فقر

بر اساس نتایج به‌دست آمده تأثیرگذاری متغیرهای کلان و خرد بر گسترش و سازمان‌یابی فقر شهری در تبریز به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/٦٥ می‌باشد. همچنین در بین متغیرهای فرعی کلان بیشترین تأثیرگذاری بر گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر تبریز مربوط به متغیرهای سازوکار تبعیض‌آمیز و فقرزا بر پایه‌ی توزیع غیرعادلانه‌ی منابع قدرت، ثروت و درآمد و افزایش فاصله‌ی طبقاتی بین اقشار مختلف، ضعف ساختار شهرنشینی در ایران با توجه به تأثیرات نظام برون‌زا و مدرنیزاسیون و در نتیجه بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی و افزایش دافعه‌های روستایی و جاذبه‌های شهری و سرازیر شدن جمعیت به سمت شهرها به ترتیب با ارزش ۰/۸۳، ۰/۷۷ و ۰/۷۱، و در بین متغیرهای فرعی خرد مهاجرت و افزایش بی‌رویه‌ی جمعیت به شهر تبریز و ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر تبریز با ارزش ۰/٦٩ و ۰/٦٣ می‌باشد.

پس از بررسی و تأیید الگوهای اندازه‌گیری برای آزمون معناداری فرضیه‌ها دو شاخص جزئی مقدار بحرانی و P به کار گرفته شده است. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵ مقدار بحرانی می‌بایست بیشتر از ۱/۹٦ باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو، با اهمیت شمرده نمی‌شود. همچنین، مقادیر کوچک‌تر از ۰/۰۵ برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان است. بر اساس نتایج مدل مقدار بحرانی برای متغیرهای کلان ۳/٤۲۱ و متغیرهای خرد ۲/۸۵۲ در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است.

٤. بحث

فقر شهری پدیده‌ای چندبعدی است که افراد بی‌بضاعت شهری را با محرومیت‌ها و محدودیت‌های مختلف زندگی و چالش‌های روزمره همچون محدودیت در دسترسی به فرصت‌های اشتغال و درآمد، مسکن و خدمات ناکافی و ناامن، محیط‌های خشن و ناسلامت، فقدان سازوکارهای حمایت اجتماعی و دسترسی محدود به فرصت‌ها و خدمات آموزشی و بهداشتی مواجه می‌سازد. این مسائل و چالش‌های موجود برای فقرای شهری ریشه در عدم توزیع عادلانه و دسترسی به منابع، سیاست‌گذاری ناکافی دولتی و حکومتی در دو سطح کلان و خرد و نقصان در برنامه‌ریزی و مدیریت رشد دارد. از این‌رو، می‌توان گفت که شکل‌گیری و گسترش فقر در برخی موارد ناشی از نابرابری‌های موجود در جامعه می‌باشد. در این راستا، برخی محققین اعتقاد دارند که نابرابری‌های به وجود آمده، ناشی از توسعه‌ی مبتنی بر نابرابری است. بر این اساس، شهرها دوقطبی شده و گروهی همه‌ی ثروت و قدرت اقتصادی و اجتماعی در اختیار داشته و بخش زیادی نیز در حاشیه قرار گرفته و فاقد هر نوع قدرت و ثروت لازم هستند (صابری‌فر، ۱۳۹۹، ص.۱٤٥-۱٤٤). از طرفی برخی از مکتب‌ها همچون اکولوژیست‌ها و تعارض‌گرایان گسترش فقر را ناشی از ویژگی‌های فردی فقیران و مناطقی که در آن ساکن‌اند، بیان کرده‌اند. به هر حال، گسترش فقر شهری و سازمان‌یابی آن در شهرهای امروزی ناشی از عوامل کلان و خرد متعددی می‌باشد که یکی از مهمترین آنها توسعه‌ی مبتنی بر نابرابری و عدم تحقق عدالت فضایی و اجتماعی است. در شهر تبریز طی دهه‌های اخیر با توجه به سیاست‌های کلان دولتی و برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نامناسب شاهد افزایش اقشار کم‌درآمد و فقیر شهری می‌باشیم که اکثراً مناطق حاشیه‌ای و زمین‌های غیررسمی را برای سکونت خود انتخاب کرده‌اند. عوامل متعددی بر افزایش قشر فقیر و سازمان‌یابی پهنه‌های فقیرنشین در تبریز تأثیرگذارند که در سطح کلان می‌توان به ضعف ساختار شهرنشینی در ایران و بروز عدم تعادل در نظام شهری و روستایی، اصلاحات ارضی و سرازیر شدن جمعیت روستاهای استان به سمت شهرها به‌ویژه شهر تبریز، عدم توزیع عادلانه‌ی منابع قدرت، ثروت و درآمد و افزایش فاصله‌ی طبقاتی اقشار شهر، ناتوانی و عدم کارایی اقتصاد کلان کشور و افزایش چندبرابری تورم طی سال‌ها و دهه‌های گذشته، عدم کارایی بازار کار و در سطح خرد به عدم مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی مناسب مهاجران شهر تبریز و گرایش آنها به مناطق حاشیه‌ای و غیررسمی، عدم کارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن و سرمایه‌گذاری برای توسعه‌ی اشتغال مناسب در شهر تبریز، مناسب نبودن قوانین زمین و طرح‌های توسعه‌ی شهری و همچنین حاکمیت رویکرد متمرکز و تکنوکراسی در نظام مدیریتی شهر همچون سایر شهرهای ایران و نقش پررنگ دلالان و سوداگران زمین در کنترل قیمت زمین و مسکن نقاط مختلف شهر اشاره کرد.

می‌توان گفت که نتایج تحقیق حاضر با توجه به بهره‌گیری از متغیرهای کلان و خرد و دیدگاهی جامع به‌دنبال شناسایی عوامل تأثیرگذار بر گسترش و سازمان‌یابی فقر در شهر تبریز بوده و با توجه به شرایط یکسان اکثر شهرهای بزرگ ایران در چند دهه‌ی اخیر (به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی) قابل تعمیم به شهرهای دیگر نیز بوده است. با این حال، محدودیت‌هایی نیز در انجام تحقیق، با توجه به چندبعدی بودن مفهوم فقر و بهره‌گیری از شاخص‌های مختلف

در سنجش این پدیده از یک‌سو و همچنین تفاوت‌های موجود بین مفهوم فقر و نابرابری از سوی دیگر وجود داشته است. به‌طور کلی نیز بر اساس یافته‌های به‌دست آمده می‌توان گفت که نتایج تحقیق حاضر در توزیع پهنه‌های فقیرنشین و سازمان‌یابی این پهنه‌ها در شهر تبریز همسو با نتایج مطالعات و پژوهش‌های ملکی و همکاران (۱۳۹۵)، در راستای تأثیر عوامل کلان و خرد در سازمان‌یابی فضایی و گسترش این پهنه‌ها، زادولی (۱۳۹۷)، خوشه‌ای بودن پهنه‌های فقیرنشین، و میوبا (۲۰۱۹)، عدم کارایی ساختارهای کلان کشوری و مدیریت شهری بر افزایش فقر شهری می‌باشد. از طرفی نتایج حاصل تأییدی بر نظریات و دیدگاه‌های مکتب اقتصاد سیاسی فضا، یعنی تأثیر الگوی توسعه‌ی وابسته و برونزا و جریان صنعتی شدن وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگون بر گسترش فقر و در نتیجه انتقال فقر و محرومیت روستا به شهر و دیدگاه تعارض‌گرایان و نظریه‌ی انتقادی شهری یعنی شکل‌گیری پهنه‌های فقر ناشی از عدم کفایت مدیریت شهری و حاکمیت رویکرد تکنوکراسی و همچنین عدم مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی مناسب مهاجران می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

بررسی‌های به‌عمل آمده در راستای تحلیل فضایی فقر در شهر تبریز حاکی از آن است که سیاست‌های نامناسب در حوزه‌ی کلان و همچنین کاستی در نظام مدیریتی شهر و شکل‌گیری نابرابری‌های توسعه‌ای از یک‌سو و ویژگی‌های فردی فقیران (مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی) از سوی دیگر باعث سازمان‌یابی و گسترش پهنه‌های فقر در شهر تبریز گردیده و جهت‌یابی آنها به سمت مناطق حاشیه‌ای، مرکز و تا حدودی غرب شهر بوده است و بیشتر بافت‌های فرسوده و غیررسمی را شامل می‌شود. همچنین جهت سازمان‌یابی پهنه‌های فقر موجب قطبی‌شدن شهر در برخورداری از امکانات و خدمات شهری گردیده و مناطق غربی و حاشیه‌ای را در برابر مناطق مرکزی و شرق شهر قرار داده است. عواملی مختلفی طی چند دهه‌ی اخیر به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی و صنعتی شدن کشاورزی تا عصر حاضر بر گسترش و سازمان‌یابی پهنه‌های فقیر در شهر تبریز تأثیرگذار بوده است که در حوزه‌ی کلان می‌توان به عدم تعادل در نظام شهری و روستایی و سرازیر شدن جمعیت به سمت شهرها، عدم دسترسی عادلانه به منابع قدرت، ثروت و درآمد، بی‌ثباتی اقتصاد کلان ناشی از شوک‌ها و سیاست‌های نامناسب و افزایش چندبرابری تورم طی سال‌ها و دهه‌های گذشته و در حوزه‌ی خرد به افزایش مهاجران به شهر تبریز با مهارت، تحصیلات و سرمایه‌ی مالی پایین، ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن شهر، ناتوانی نظام مدیریتی شهر در توسعه‌ی اشتغال، توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و نظارت بر کنترل ساخت‌وسازها اشاره کرد.

با توجه به گسترش پدیده‌ی فقر شهری در تبریز طی دهه‌های گذشته و همچنین شدت یافتن آن به‌ویژه در سال‌های اخیر با توجه به تحریم‌های گسترده‌ی بین‌المللی علیه ایران از یک‌سو و شیوع و گسترش پاندمی کرونا و افزایش مشکلات اقتصادی بین اقشار متوسط و کم‌درآمد جامعه از سوی دیگر می‌توان راهکارهای زیر را در راستای بهبود وضعیت موجود شهر هرچند به‌صورت جزئی به کار بست:

- سیاست‌های کلان در حوزه‌ی برنامه‌ریزی داخلی و روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران نیازمند بازنگری بوده و با توجه به وضعیت موجود ایران در عرصه‌ی بین‌المللی و تحریم‌های گسترده از یک‌سو و پاسخ‌گو نبودن توجه صرف به نفت در ارزآوری و بودجه‌بندی کشور، تغییرات در ساختارها و همچنین الگوهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری کشور در راستای دست‌یابی به یک منبع درآمدی پایدار به‌منظور افزایش اشتغال‌زایی و بهبود وضعیت معیشتی مردم و ایجاد برنامه‌هایی در راستای تحقق روابط سیاسی مناسب با کشورهای همسایه و شکل‌گیری تفاهم‌نامه‌های همکاری‌های اقتصادی دوجانبه و چندجانبه و تغییر نقش دولت از رویکردهای اجرایی به سیاست‌گذاری و نظارتی و واگذاری فعالیت‌های اجرایی به سازمان‌ها و نهادهای خصوصی و مردمی در راستای توسعه‌ی شاخص‌های انسانی اجتناب‌ناپذیر ضرورتی می‌باشد. همچنین برنامه‌ریزی منطقه‌ای با رویکرد آمایش سرزمین باید در دستورکار سازمان‌های دولتی و اجرایی کشور قرار گیرد تا با توسعه‌ی مناطق مختلف کشور (روستاها، شهرهای کوچک و میانی و مادرشهرها و کلان‌شهرها) تا حدود زیادی از مهاجرت بی‌رویه به شهرهای بزرگ جلوگیری به‌عمل آید.
- در حوزه‌ی خرد و نظام مدیریتی شهر تبریز می‌توان عنوان کرد که توانمندسازی اقشار کم‌درآمد و فقیر شهر بایستی با دیدگاه چندبعدی (و عدم توجه صرف به ابعاد کالبدی) صورت پذیرد. در سال‌های اخیر ایجاد دفاتر تسهیل‌گری در بافت‌های فرسوده و غیررسمی اجرایی شده و هدف از آنها توانمندسازی این اجتماعات می‌باشد. این امر به‌نحوی علاوه بر توسعه‌ی نهادهای اجتماعی-فرهنگی به‌دنبال تحقق‌پذیری رویکرد مشارکت و همچنین افزایش اعتماد مردم به مسئولان شهری می‌باشد. در طرح جامع شهر (مصوب سال ۱۳۹۵) راهبردهایی همچون گسترش خدمات پزشکی-گردشگری و توسعه‌ی روابط با کشورهای حوزه‌ی قفقاز و ترکیه تنها قشر معدودی از جامعه را پوشش می‌دهد و نتایج آن برای همه‌ی افراد جامعه قابل دسترسی نمی‌باشد. از این‌رو ضروری است که منافع حاصل از این راهبردها در صورت اجرایی‌شدن، به کلیه‌ی شهروندان و سطوح شهر اختصاص یابد و به سمت دهک‌های بالای جامعه سوق نیابد. از طرفی طرح‌های شهری از حالت ایستا و جامع به طرح‌های راهبردی پویا تغییر یافته و با بهره‌گیری از نیروهای مستعد بودمی به تهیه‌ی این طرح‌ها اقدام نمود (در حال حاضر طرح‌های توسعه‌ی شهر تبریز توسط مهندسین مشاور غیربومی تهیه می‌گردد). همچنین بایستی به تغییر در شیوه‌های مدیریت شهر همچون عدم برنامه‌ریزی برای موضوعات و جزئیات برنامه‌ناپذیر، استفاده از روش‌شناسی برنامه‌ریزی استراتژیک و الگوی طرح‌های راهبردی-ساختاری، توجه به نظرات کارشناسان رشته‌های مرتبط و توجه به موضوع‌شناسی مناسب طرح‌های توسعه در ابعاد مختلف و کاهش نابرابری اقدام نمود.

کتاب‌نامه

۱. رضایی، م.ر.، علیان، م.، و خاوریان، ا. (۱۳۹۳). شناسایی و ارزیابی گستره‌های فضایی فقر شهری در شهر یزد. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۳ (٤٦)، ٦٩٥-٦٧٧ .

۲. زادولی، ف. (۱۳۹۷). *سنجش الگوی گستردگی فقر شهری با رویکرد آینده‌پژوهی، نمونه موردی: کلان‌شهر تبریز*. رساله‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، تبریز: دانشگاه تبریز.

۳. صابری‌فر، ر. (۱۳۹۹). واکاوی احساس نابرابری و اثر آن بر مشارکت شهروندان در اداره‌ی کلان‌شهرها (موردشناسی: شهر مشهد). *جغرافیا و آمایش شهری-منطقه‌ای*، ۱۰(۳۵)، ۱٦۲-۱٤۳.

٤. طارمی، ع. (۱۳۸۷). *سنجش فقر شهری در محله‌ی اسلام‌آباد زنجان با استفاده از GIS*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، زنجان: دانشگاه زنجان.

۵. کاپلان، د.، اچم جیمز، ا.، و ویلرم استیون آر، ه. (۱۳۹۱). *جغرافیای شهری*. ترجمه‌ی حسین حاتمی‌نژاد و عبدالمطلب برات‌نیا. تهران: انتشارات سمت.

٦. محمدی، م.ع.، ودادهیر، ا.، سیفی، ع.، و مشتاق، ر. (۱۳۹۱). فراتحلیل مطالعات فقر در ایران. *رفاه اجتماعی*، ۱۲(٤٥)، ٤٨-۷.

۷. ملکی، س.، امان‌پور، س.، و زادولی خواجه، ش. (۱۳۹۵). سازمان‌یابی فضایی و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی در کلان‌شهر تبریز. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۵(۱)، ۱۰٤-۸۷.

8. Acemoglu, D., & Robinson, J. A. (2012). *Why nations fail: The origins of power, prosperity and poverty*. New York: Crown Business.
9. Acemoglu, D., Johnson, S., & Robinson, J.A. (2001). The colonial origins of comparative development: An empirical investigation. *American Economic Review*, *91*, 1369–1409.
10. Baharoglu, D. & Kessides, C. (2002). *Urban Poverty*. Volume 2 – Macroeconomic and Sectoral Approaches, Chapter 16 – Urban Poverty, pp. 124-159.
11. Baker, J.L. (2008). *Urban poverty: A global view*. Urban papers; no. UP-5. Washington, DC: World Bank.
12. Berner, E. (2000). Poverty alleviation and the eviction of the poorest: towards urban land reform in the Philippines. *International Journal of Urban and Regional Research*, *24*(3), 554–566.
13. Chamhuri, N.H., Abdul Karim, H., & Hamdan, H. (2012). Conceptual framework of urban poverty reduction: A review of literature. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *68*, 804-814.
14. Cobbinah, P.B., Erdiaw-Kwasie, M.O., & Amoateng, P. (2015). Rethinking sustainable development within the framework of poverty and urbanisation in developing countries. *Environmental Development*, *13*, 18–32.
15. Cohen, B. (2006). Urbanisation in developing countries: Current trends, future projections, and key challenges for sustainability. *Technology in Society*, *28*, 63–80.
16. Curley, A. (2005). *Theories of urban poverty and implications for public housing policy*. J. Soc. & Soc. Welfare.
17. Duclos, J. Y., & Araar, A. (2006). *Poverty and equity: Measurement policy and estimstion with DAD*. New York: Springer.

18. Duque, J.C., Patino, J.E., Ruiz, L.A., & Pardo-Pascual, J.E. (2015). Measuring intra-urban poverty using land cover and texture metrics derived from remote sensing data. *Landscape and Urban Planning*, *135*, 11-21.
19. Elhadary, Y. A. E., & Samat, N. (2014). Political economy and urban poverty in the developing countries: Lessons learned from Sudan and Malaysia. *Journal of geography and Geology*, *4*(1), 212-223.
20. Gilbert, A. (2014). *Environment studies*. Chapter 5:6 - Housing the Urban Poor in The companion to development studies, pp 257-262.
21. Kalu, K.N. (2004). Embedding African democracy and development: The imperative of institutional capital. *International Review of Administrative Sciences*, *70*(3), 527–545.
22. Lanjouw, P., & Marra, M.R. (2018). Urban poverty across the spectrum of Vietnam's towns and cities. *World Development*, *110*, 295-306.
23. Liu, Y. & Wu, F. (2006). Urban Poverty Neighborhoods: Typology and Spatial Concentration under China's Market Transition, a Case Study of Nanjing. *Geoforum*, *37*(4), 610-626.
24. Marshall J.D., McKone, T.E., Deakin, E. & Nazaroff, W.E. (2005). Inhalation of motor vehicle emissions: effects of urban population and land area. *Atmospheric Environment*, *39*(2), 283-295.
25. Muyeba, S. (2019). Institutional capital, urban poverty and household wealth in Cape Town. *World Development Perspectives*, *16*(123), 1-13.
26. North, D. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge: Cambridge University Press.
27. Ravallion, M., Chen, S., & Sangraula, P. (2007). *New evidence on the urbanisation of global poverty*. In Policy research paper No. 4199. Washington, D.C: World Bank.
28. Ren, C. (2011). *Modeling poverty dynamics in moderate-poverty neighborhoods: a multi-level approach*. Doctoral dissertation, The Ohio State University.
29. Schouten, M.A.C. & Mathenge, R.W. (2010). Communal sanitation alternatives for slums: a case study of Kibera, Kenya. *Journal of Physics and Chemistry of Earth*, *35*(13-14), 815-822.
30. Simler, K., Harrower, S., & Massigarela, C. (2003). *Estimating poverty indices form Simple indicators surveys*. Development Research Group World Bank, Washington Dc, USA
31. Vearey, J., Thomson, K., Sommers, T., & Sprague, C. (2017). Analysing local-level responses to migration and urban health in Hillbrow: the Johannesburg Migrant Health Forum. *BMC public health*, *17*(3), 427.
32. Wu, J.G., Jenerette, G.D., Buyantuyev, A., & Redman, C.L. (2011). Quantifying spatiotemporal patterns of urbanization: The case of the two fastest growing metropolitan regions in the United States. *Ecological Complexity*, *8*, 1, 1–8.
33. Zainal, N.R., Gurmit, K., NorAisah, A., & Jamaliah M.K. (2012). Housing conditions and quality of life of the urban poor in Malaysia. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, *15*(50), 827 – 838.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال دهم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: 10.22067/ JGUSD. 2022.72417.1103
مقالهٔ پژوهشی

سناریوهای تحقق شهر خلّاق در شهر مشهد با تأکید بر شاخص کیفیت زندگی

افسانه غلامی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
afsane.gholamii@gmail.com
روح الله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)
asadir@ferdowsi.um.ac.ir
اکبر حیدری تاشه‌کبود (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
heydaritk@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸ **تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۰/۱۴**
صص ۷۴-۵۷

چکیده

نظریه شـهر خلاق سـعی دارد تا کیفیتی را شـرح دهد که تصویر ذهنی یک شهر را برای شهروندان زیباتر و خاطره آن را ماندگارتر نماید. هدف از مطرح کردن مفهوم کیفیت‌زندگی شـهری در این نظریه، اصـلاح تکامل توسـعه شـهری از مفهوم رشـد کمی به توسعه پایدار شهری است. پژوهش‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر نشان می‌دهد، شهر مشهد با وجود زیرسـاخت‌های مناسـب فرهنگی، مذهبی، دانشـگاهی، صـنعتی و ... در مقایسـه با شهرهای موفق فاصله زیادی دارد ولی ظرفیت تبدیل شـدن به شـهر خلّاق را داراست. این که با وجود ظرفیت‌های موجود، چه آینده‌ای برای شهر مشهد متصور اسـت، نیازمند مطالعاتی به‌روز اسـت، در این راسـتا پژوهش حاضـر به بررسـی سـناریوهای تحقق شهر خلّاق با تأکید بر شاخص کیفیت‌زندگی پرداخته می‌شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات با روش اسنادی-کتابخانه‌ای انجام شـده اسـت. با مطالعه منابع تخصـصـی ۳۷ متغیر مرتبط با موضـوع شـناسایی و با درنظر گرفتن جنبه‌های مکانی و غیرمکانی، گویه‌های اقتصـادی، فرهنگی، کالبدی، مدیریتی، فن‌آوری و زیست‌محیطی دسته‌بندی گردید. مهم‌ترین عامل در دسـتیابی شهر مشهد به خلاقیت، «میزان تعامل این شهر با سایر شهرهای دارای گردشگری مذهبی» معرفی گردید. براساس نتایج نرم‌افزار سـناریو ویزارد، چهار سـناریو قوی برای کلانشـهر مشهد شناسایی و از میان ٤٤ وضعیت موجود در مورد تمام سـناریوها، تعداد ۲۵٪ وضعیت ارتقا، ۲۹/۵۵٪ وضعیت ایستا و ٤۵/۵٪ وضعیت کاهشی دارند. سناریو مشهد خلاق با مطلوبیت ۱۱ عامل کلیدی و با عدد سـازگاری ۵، محتمل‌ترین سـناریو از نگاه متخصـصـان بوده و ایده‌آل‌ترین وضعیت در چشم‌انداز ۱۰ ساله جهت ایجاد شهر خلاق در کلانشهر مشهد را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت شهری، سناریو، شهرخلاق، کیفیت زندگی، کلانشهرمشهد

۱. مقدمه

در دنیای مدرن امروزی، رقابت عاملی پویا است و خلّاقیت و نوآوری به‌عنوان مهم‌ترین عناصر آن در عصر جهانی‌شدن می‌باشند. در عصر حاضر، غلبه بر رکود اقتصادی در بسیاری از شهرهای دنیا بدان معناست که ما نسل جدیدی از شهرها را داریم (رودریگز و فرانکو[1]، ۲۰۱۸،ص. ۱) که با داشتن یک فلسفه و ایدئولوژی متمرکز برخلاقیت، خواستار تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی هستند و دارای ویژگی‌های گشودگی، تحمل‌پذیری و تنوع می‌باشند (رومین و تریپ[2]، ۲۰۰۹، ص. ۱۵). این شهرها به روشی هوشمندانه به منظور بهبود کیفیت‌زندگی ساکنان سعی در خلاق و نوآور شدن دارند (آلبینو، براردی و دنگلیسو[3]، ۲۰۱۵، ص. ۵). شهرهای خلاق به‌عنوان مراکز خلاقیت، نوآوری و تبدیل ایده به ثروت قلمداد می‌شوند. این شهرها به‌عنوان یک مکان با شکوفایی قوی فرهنگ، هنر، نوآوری و خلاقیت (جلالی، ۱۳۹۰، ص. ۷) با پیش فرض چهارگانه سرمایه انسانی خلاق، سرمایه اجتماعی، زمینه‌های نوآوری و کیفیت‌زندگی و در جهت به کارگیری شاخص‌های توسعه پایدار می‌باشند (هاتر[4]، ۲۰۱۳، ص. ۱۸). از این‌رو، در میان این مولفه‌های چهارگانه، کیفیت‌زندگی به‌عنوان محور اصلی پژوهش می‌باشد که چهار بعد اساسی زندگی انسان یعنی اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی و در نهایت فرهنگی‌و اجتماعی را دربرگرفته است و حد استانداردی از انتظارات فرد را تأمین می‌کند (فرجی ملایی، عظیمی و زیاری، ۱۳۸۹، ص. ٦). از این رو با توجه به پتانسیل‌های کلانشهر مشهد، این که چه آینده‌ای برای کیفیت زندگی شهروندان و تحقق شهر خلّاق در مشهد متصور است، نیازمند پژوهشی به روز و مدوّن است که تاکنون در زمینه سناریونویسی برای شهر خلاق در مشهد صورت نگرفته است، در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی مفاهیم خلاقیت با تأکید بر شاخص کیفیت‌زندگی و سپس بررسی سناریوهای تحقق شهر خلّاق در کلانشهر مشهد و پاسخ به سوال‌های زیر انجام گردیده است.

- عوامل و عدم‌قطعیت‌های مؤثر بر شاخصِ کیفیت‌زندگی شهر خلّاق در کلانشهر مشهد کدام است؟
- سناریوهای متصور برای کیفیت‌زندگی در شهر خلّاق در کلانشهر مشهد چیست؟
- راهبردهای مناسب برای تحقق کیفیت‌زندگی در سناریوی مطلوب شهرخلّاق در مشهد کدام است؟

مباحث مرتبط با خلاقیت در زمینه شهرسازی از اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز گردید و در اواسط دهه بعد به صورت رایج مورد استفاده قرار گرفت. نظریه شهر خلاق به‌صورت علمی برای اولین بار از سوی ریچارد فلوریدا مطرح شد که در نظریه وی، عصر خلاق در قالب انقلابی اجتماعی و مهارنشدنی شناخته شد. این نظریه پرداز، شهر خلاق را بر

1. Rodrigues & Franco
2. Romein & Trip
3. Albino, Berardi & Dangelico
4. Hutter

پایه سه متغیر کلی تحمل[1]، توانایی[2] و تکنولوژی[3] که در اصطلاح 3T توسعه اقتصادی نام دارند، پایه گذاری نموده است(فلوریدا[4]، ۲۰۰۲، ص. ٤٠). به باور او، جذب طبقه خلاق سبب قدرت بیشتر شهرها و رشد اقتصادی آن‌ها می‌گردد (مشکینی، مهدنژاد و پرهیز، ۱۳۹۳،ص. ۲). همچنین برای فلوریدا، مکان عنصر کلیدی سازمان‌دهنده زمانی، اجتماعی و اقتصادی است که کیفیت فضای شهری را تعالی می‌بخشد و علت جذب طبقه خلاق، کیفیت عوامل مکانی می‌باشد. همچنین علاقه‌مندی او در تغییر نگرش از شرکت‌ها و صنایع به خود مکان به‌عنوان ظرفی برای نوآوری و خلاقیت متأثر از نظریه جیکوبز (۱۹۸٤) بود که تأکید می‌نمود اگر شرکت‌ها و صنایع اثربخشی خود را از طریق خلق کارها و محصولات جدید بهبود دهند، نوآوری در مکان‌ها روی می‌دهد (فلوریدا، ۲۰۱٤، ص. ۱۹۷). اولین کتاب فلوریدا در سال ۲۰۰۲ با عنوان «ظهور طبقه خلّاق[5]» به چاپ رسید و در سال ۲۰۰۵ نیز کتاب دیگری برای تقویت موضوع ایده خلاق منتشرکرد(رفیعیان، ۱۳۸۹، ۱۲). در سال ۲۰۰۰ چارلز لاندری نیز در کتاب «شهر خلاق، جعبه‌ابزاری برای نوآوران شهری[6]» راه‌هایی را برای تفکر و عمل خلاقانه در برنامه‌ریزی ارائه می‌دهد وچارچوبی ملموس‌تر برای عمل برنامه‌ریزان فراهم می‌آورد. لاندری با تأکید بر نهادینه کردن مفاهیم نوینی همچون تلفیق ایده‌ها در برابر تفکیک نظرات، طراحی در مقابل ساخت، ایجاد ارزش‌افزوده بیشتر به جای سعی در کاهش هزینه‌ها، بهره‌گیری از فناوری و تفکر و هنر ساخت در شهر و نیز به‌دنبال نتایج بهتر بودن و نه تنها استفاده بیشتر منابع و امکانات است(لاندری [7]، ۲۰۰٦، ۱۱). همچنین پیترهال در کتابی با عنوان «شهرهای شاهکار در شهرنشینی » بیان می‌کند پدیده‌ی شهر خلّاق در هر دوره‌ای می‌تواند وجود داشته باشد ولی هیچ محیط شهری تا ابد به شکل خلّاق باقی نمی‌ماند (هاسپرز[8]، ۲۰۰۳، ص. ۱۱). اما از نظر جیکوبز شهری خلّاق است که در ابتکار صنعتی و نوآوری موفق است و بر مهم بودن شهرهای خلّاق جهت توسعه اجتماعی- اقتصادی اصرار می‌ورزد و بر این باور است که محیط انسان‌ساخت می‌تواند شانس‌های خلاقیت شهری را ارتقاء بخشد. این موضوع از نظر هاسپرز به ویژگی‌ها و شرایطی نیاز دارد که بتوان زمینه ایجاد شهر خلاق را با وجود آن‌ها فراهم نمود و تمرکز، تنوع و تحرک از مهم‌ترین آن‌ها است(همان، ۲۰۰۳، ص. ۳۱). از این‌رو، وی انواع شهر خلاق را به شهرهای تکنولوژیکی– نوآور، شهرهای فکری– فرهنگی، شهرهای فرهنگی– فناورانه و شهرهای فناورانه– سازمانی دسته‌بندی می‌کند(هاسپرز، ۲۰۰۳، ص. ۲٦۳). افزون بر این دیدگاه‌ها، در سال‌های اخیر نیز پژوهش‌هایی در حوزه شهر خلاق در سراسر دنیا انجام گردیده است.

– مقاله‌ای در ارتباط با این موضوع توسط کیخا، ملاشاهی و جلال‌زایی در سال ۱۳۹۷ تحت عنوان «نقش شهر خلاق در توسعه خدمات شهری و کیفیت‌زندگی شهروندان(مورد مطالعه: شهر زاهدان)» چاپ گردیده است که به بررسی

1. Tolerance
2. Talent
3. Technology
4. Florida
5. The Rise of the Creative Class
6. The Creative City: a Toolkit for Urban Innovators
7. Landry
8. Hospers

ارزیابی شـاخص‌های شـهر خلاق در پی اثرگذاری آن بر کیفیت زندگی و توزیع مناسـب خدمات شـهری در مناطق پنج‌گانه زاهدان پرداخته و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ازنظر میزان دستیابی به خدمات و امکانات شهری در میان مناطق شهری، تفاوت بسیاری وجود دارد.

– در مقاله کلانتری، رجایی و فتوحی مهربانی در سـال ۱۳۹۵ با عنوان «تحلیلی بر برخورداری کلانشهرهای ایران از شـاخص‌های شـهر خلّاق»، نتایج حاکی از آن است که کلانشهر تهران در رتبه اول و کلانشهرهای کرج، قم، اصفهان، مشـهد، شـیراز، تبریز و اهواز به ترتیب رتبه‌های بعدی از لحاظ برخورداری از شـاخص‌های شـهر خلّاق هسـتند و همچنین از بین ابعاد چهارگانه‌ی شـاخص شـهر خلّاق ایرانی، عامل طبقه‌ی خلّاق و امکانات محلی، مهم‌ترین عامل بوده و شـاخص مهاجران خارجی وارد شـده به عنوان مهم‌ترین شاخص در تحقق مفهوم شهر خلّاق در کلانشهرهای کشور است.

۲. روش‌شناسی

۲. ۱. روش پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش و مؤلفه‌های مورد بررسی، نوع پژوهش کاربردی و روش بررسی آن توصیفی–تحلیلی اسـت. گردآوری اطلاعات مورد نیاز در دو مرحله اسـنادی–کتابخانه‌ای و بررسـی‌های میدانی انجام شـده اسـت. در مرحله میدانی از ابزارهای پرسـشـنامه و مصـاحبه اسـتفاده گردیده اسـت. با توجه به گستردگی جامعه هدف و لزوم انتخاب نمونه جامع از طریق شـیوه گلوله‌برفی، ابتدا یک نفر از مدیران اجرایی و اساتید در هر سازمان انتخاب گردید و سـپس هر یک از آن‌ها، افراد مطلع و صاحب‌نظر در این زمینه را معرفی کرده و این روند تکرار گردید تا در نهایت ۳٤ نفر از نخبگان علمی و دانشـگاهی، شـامل اساتید، مدیران اجرایی و کارشناسان مطلع در مورد شهر خلّاق، جهت تجزیه‌وتحلیل مرتبط با موضـوع انتخاب شـدند. در نهایت با روش آینده‌پژوهی و با استفاده از نرم‌افزار سناریوویزارد، وضعیت آینده شهر خلّاق درمشهد در افق ۱٤۱۰به تصویر کشیده می‌شود.

جدول۱.جامعه آماری پژوهش

سن	فراوانی	درصد
۲۵–۳۵	۲۰	٪۵۹
۳۵–٤۵	۱۱	٪۳۲
بیش از ٤۵	۳	٪۹
جنسیت	**فراوانی**	**درصد**
مرد	۱۸	٪۵۳
زن	۱٦	٪٤۷
مجموع	۳٤	٪۱۰۰

جدول۲. توزیع فراوانی جنسیت و سن کارشناسان

کارشناسان	فراوانی	درصد
شهرداری مشهد	۱٦	٪٤۷
مرکز نوآوری مشهد	٤	٪۱۲
اقتصادی	۸	٪۲۳
دانشگاهی	٦	٪۱۸
مجموع	۳٤	٪۱۰۰

۲. ۲. شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

با بررسی‌های انجام شده در خصوص شهر خلاق، یکی از مهمترین اهداف شهر خلاق افزایش کیفیت زندگی شهروندان است. از این‌رو مهمترین محورهای کیفیت‌زندگی در پژوهش حاضر، شامل وضعیت تفریحی‌وگردشگری، اقتصادی، کالبدی، فرهنگی‌واجتماعی، سیاست‌گذاری‌ومدیریت‌شهری، زیست‌محیطی و فن‌آوری اطلاعات مشخص شدند. سپس لیستی از مهم‌ترین روندهای اثرگذار شهر خلاق در ابعاد روندهای کیفیت‌زندگی شناسایی شدند و با نظر نخبگان، تعدادی از این عوامل با یکدیگرادغام شدند و عوامل دارای اهمیت کمتر حذف گردیده و در پایان یک لیست منسجم از متغیرهای بیرونی و درونی سیستم تهیه شد؛ در نهایت ۳۷ متغیر حاصل از جلسات با نخبگان و نظرات آنها برای پژوهش حاضر انتخاب شدند و در قالب پرسشنامه با توجه به امتیازدهی نسبت به دو معیار میزان اثرگذاری و میزان عدم‌قطعیت به نخبگان اقدام شد. پس از جمع‌آوری نتایج حاصل از پرسشنامه، مهم‌ترین عوامل اثرگذار و روندها شناسایی شدند و وارد ماتریس اثرگذاری/عدم‌قطعیت گردیدند. با توجه به نحوه قرارگیری آن‌ها در ماتریس، اثرگذاری و عدم‌قطعیت‌ها در سطح پایین، بالا و متوسط طبقه‌بندی شدند؛ که در این بین نیروهای دارای تأثیر زیاد/ عدم قطعیت زیاد به منظور تدوین سناریوها مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان عوامل کلیدی پژوهش تعیین گردیدند. سپس هر یک از این عوامل با در نظر گرفتن سه وضعیت احتمالی شامل ارتقا، ثبات و یا کاهش مطلوبیت در آینده، جهت ساخت ماتریس اثرات متقابل استفاده شدند که نتایج حاصل از این پرسشنامه ماتریسی برای تحیل سناریوها وارد نرم افزار سناریو ویزارد شد و در نهایت منجر به تعیین سناریوهای متصور برای کیفیت زندگی شهر خلّاق در مشهد و در افق ۱٤۱۰ گردید.

جدول۳. متغیرهای پژوهش

ردیف	منابع اشاره شده	محورها	متغیرها
۱	لینچ، ۱۳۷٦، ۱۵۲ کوکبی، ۱۳۸٤، ٤ ربانی خوراسگانی وکیان‌پور،۱۳۸٦، ۱۲ موسوی و دیگران، ۱۳۹۱، ٦	کالبدی	۱. کیفیت مسکن(زیرساخت‌ها، مصالح به‌کار رفته، معماری و نمای ساختمان، کیفیت ساخت و دید و اشراف).۲. کیفیت خیابان‌ها و مبلمان شهری(شامل نیمکت‌ها، سطل‌های زباله، کفپوش خیابان‌ها و معابر، آب‌نماها و ...). ۳. کیفیت نورپردازی و روشنایی خیابان‌ها، معابر و فضاهای عمومی شهر. ٤. ایجاد و بهبود فضاهای خلاقانه شهری و سرزندگی محیط. ۵. دسترسی به خدمات شهری(آموزشی، درمانی، تجاری). ٦. گزینه‌های متنوع حمل‌ونقل و دسترسی مناسب. ۷. انعطاف‌پذیری و نفوذ پذیر بودن بافت شهر. ۸. تنوع و اختلاط کاربری‌ها.
۲	کوکبی و همکاران، ۱۳۸٤، ٤ باسخا و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۰۰ آفتاب و همکاران، ۱۳۹٦، ۱۹۷	اقتصادی	۱. تولید و اشتغال خلاق با توجه خاص به نیروی کار با تحصیلات عالی. ۲. درصد افزایش تولید ناخالص داخلی. ۳. افزایش مراکز دانش محور و صنعتی خلاق (طراحی، رسانه، موسیقی، نرم‌افزار و ...) ٤. افزایش پتانسیل‌ها جهت جذب سرمایه-گذاری و افزایش خصوصی‌سازی.

ردیف	منابع اشاره شده	محورها	متغیرها
۳	کاستانزا[1] و دیگران، ۲۰۰۷، ۲۶۹ براتی و شاه‌آبادی، ۱۳۹۰، ۱۶ کیخا وهمکاران، ۱۳۹۷، ۵۳	زیست‌محیطی	۱. ارتقاء خدمات بهداشتی (کیفیت آب آشامیدنی، کیفیت هوا، پاکیزگی خیابان‌ها و جمع‌آوری مواد زائد و دسترسی به امکانات بهداشتی درمانی). ۲. هماهنگی بین انواع سیستم حمل‌ونقل عمومی(حمل‌ونقل هوشمند). ۳. استفاده از انرژی‌های پاک، تامین سوخت ازطریق سوخت زیستی، انرژی زباله‌ها و فاضلاب. ٤. کیفیت دفع فاضلاب، زباله و آب‌های سطحی و استفاده از طرح‌های ابتکاری در مدیریت پسماند. ۵. صیانت از عرصه‌های طبیعی شهر . ٦. توسعه فضای سبز و جلوگیری از تخریب گسترده کاربری‌های سبز و تبدیل آن‌ها به عناصر مسکونی و تجاری.
٤	نجات، ۱۳۸۷، ۲ بدلفیم[2] و همکاران، ۲۰۰٦، ٤۱۵ براتی و شاه‌آبادی، ۱۳۹۰، ۱٦	فرهنگی و اجتماعی	۱. میزان ارتباط دانشگاه‌ها و مراکز آموزش‌عالی با جامعه در راستای ارتقای خلاقیت شهری. ۲. کتابخانه‌های عمومی، سینماها، سالن‌های نمایش و موزه‌ها برای پشتوانه-سازی فرهنگی. ۳. ارتقاء هنرهای جدید و تقویت میراث‌های هنری قدیمی شهر. ٤. راهبردهای مناسب برای جذب و نگهداری استعدادها. ۵. برگزاری جشن‌ها و آیین‌های ملی. ٦. توسعه مراکز تحقیقاتی پژوهشی از جمله ایجاد پارک‌های فناوری و... ۷. امنیت شهری.
۵	ضرابی و همکاران، ۱۳۹۳، ٦ مافی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۸	تفریحی و گردشگری	۱. بهبود کیفیت اقامتگاه‌ها (موقعیت، خدمات و نزدیکی به مقصد). ۲. برنامه‌های تفریحی و سرگرمی مانند کنسرت‌های موسیقی. ۳. بهبود کمی‌وکیفی و تنوع خدمات ورزشی. ٤. دسترسی سه‌گانه حمل ونقل هوایی، ریلی و زمینی. ۵. میزان تعامل این شهر با سایر شهرهای دارای گردشگری مذهبی دنیا.
٦	خان سفیدی، ۱۳۹۱، ۹۲ مطلبیان و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۵۳	سیاست‌گذاری و مدیریت‌شهری	۱. همکاری سازمان‌های دولتی در انجام پروژه‌های زیرساختی. ۲. میزان ادراک مسئولان از شهرخلاق و سودمندی‌های آن و مشارکت‌دهی شهروندان. ۳. وجود مدیریت یکپارچه و هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده در زمینه شهر خلاق. ٤. انتساب افراد شایسته، متخصص و دارای اطلاعات به‌روز در سازمان‌های مرتبط با مسائل شهری.
۷	آزاد و همکاران، ۱۳۹۷، ۱٦۷ هارتلی[3] و همکاران، ۲۰۱۲، ۲٦ فلوریدا، ۲۰۰۲، ٤۰	فن‌آوری و اطلاعات	۱. آموزش مناسب شهروندان در زمینه مهارتهای ICT در شهر و توسعه اطلاعات و دانش عمومی (جهت ارائه خدمات ناوبری راه‌ها، هواشناسی آنلاین، خرید شبکه‌ای و ...). ۲.میزان به‌کارگیری فناوری‌های برتر و کسب‌وکارهای دانش‌محور در شهر. ۳. میزان ارتباطات اینترنتی دارای پهنای باند گسترده و رضایت از دسترسی ارزان و سریع به خدمات مبتنی بر فناوری اطلاعات

۲. ۳. قلمرو جغرافیایی پژوهش

کلانشـهر مشـهد براسـاس تقسیمات شهرداری، دارای ۱۳ منطقه و ۳۷ ناحیه و ۱۷۰ محله می‌باشد (آمارنامه شهر مشـهد،۱۳۹۷، ۲۸). این شـهر به جهت موقعیت اقتصادی، صنعتی و مذهبی با جمعیت ۳۰٦۲۲٤۲ نفر و مساحت۳۵۱

1. Costanza
2. Delfim
3. Hartley

کیلومتر مربع(مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) پس از تهران، عنوان دومین شهر پرجمعیت و بزرگ ایران را به خود اختصاص داده است. همچنین شهر مشهد به دلیل دارا بودن مراکز آموزش عالی و دانشگاهی مختلف، به خصوص دانشگاه فردوسی مشهد با بیش از ۲۳ هزار دانشجوی داخلی و خارجی و دانشگاه علوم پزشکی مشهد (دانشگاه فردسی مشهد، ١٤٠٠) به‌عنوان دومین قطب دانشگاهی کشور پس از کلانشهر تهران است. این شهر دارای ظرفیت‌های مناسبی در زمینه اقتصادی، علمی‌وفرهنگی، گردشگری، زیرساخت‌ها و مکان‌های مرتبط با شهر خلاق است و دارای اقتصادی عمدتا وابسته به گردشگری مذهبی با محوریت حرم مطهر است، به گونه‌ای که یکی از صنایع پررونق در این شهر، صنعت هتل‌داری می‌باشد و بیشتر گردشگران خارجی که به ایران می‌آیند، از شهر مشهد دیدن می‌کنند.

۳. یافته‌ها

۳. ۱. محورهای هفت‌گانه

در سنجش معیارها و شاخص‌های شهر خلاق، وضعیت فرهنگی، گردشگری، اجتماعی، کالبدی، مدیریتی، فن‌آوری و زیست‌محیطی مورد تاکید بوده که همگی ذیل چتر کیفیت زندگی قرار می گیرند، از این رو در این پژوهش، توجه شایانی به زیست‌پذیری مناسب و ارتقای کیفیت زندگی شده است. بر این اساس پس از شناخت اجمالی شهر مشهد و بررسی مولفه‌های اثرگذار بر ارتقاء کیفیت‌زندگی در شهر خلاق، ۳۷ عامل مهم در قالب ۷ محور در توسعه شهرخلّاق شناسایی و به کمک پرسشنامه در معرض نظرخواهی از ٣٤ نفر از نخبگان قرار گرفتند و نسبت به امتیازدهی آنها با توجه به دو معیار میزان اثرگذاری و عدم قطعیت (کم، متوسط و زیاد) اقدام شد که ترکیب نتایج این دو نمره ملاکی برای گزینش متغیرها در این پژوهش است.

بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه ها، میانگین اثرگذاری بالای ٦٠٪ همه محورها بیانگر مهم بودن تمامی آن‌ها و زیر مجموعه‌های آن‌ها می‌باشد که در این میان سه حوزه کالبدی، تفریحی-گردشگری و زیست‌محیطی با اختلاف کم دارای بیشترین اهمیت هستند. همچنین میانگین درصد عدم‌قطعیت بالاتر سه حوزه تفریحی-گردشگری، کالبدی و اقتصادی نشان دهنده مبهم و نامشخص‌تر بودن وضعیت این مسائل برای شهر مشهد در ۱۰ سال آینده است. متغیرهای کالبدی با ۸ متغیر از میان ۳۷ متغیر، دارای بیشترین تعداد در پژوهش می‌باشند. همچنین از نظر میزان اهمیت کل نیز، میانگین اثرگذاری آن٦٨/٠١٪ است که بیشترین مقدار در محورهای هفت‌گانه موضوعات مرتبط با شهر خلاق مشهد است. محور کالبدی از نظر میزان عدم‌قطعیت پس از مسائل تفریحی وگردشگری با ٥٠/٧٤٪ در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. متغیر **گزینه‌های متنوع حمل‌ونقل و دسترسی مناسب** با ۸۲ ٪ اثرگذاری و عدم‌قطعیت ٦٢ ٪ با در نظر گرفتن هر دو این عوامل، عنوان دومین متغیر در میان ۳۷ متغیر پژوهش را به خود اختصاص داد. محور تفریحی وگردشگری، از نظر میزان عدم‌قطعیت با میانگین ٥٥/٢٩ ٪ در رتبه نخست قرار دارد و **میزان تعامل این شهر با سایر شهرهای دارای گردشگری مذهبی دنیا** با عدم‌قطعیت ٦٥ ٪، مهم‌ترین و مبهم‌ترین عامل پژوهش محسوب می‌شود.

جدول ٤. درصد اهمیت و عدم‌قطعیت مسائل مرتبط با شهر خلاق با تاکید بر مفهوم کیفیت زندگی در مشهد

محور	تعداد	اثرگذاری			عدم‌قطعیت		
		کمینه	بیشینه	میانگین	کمینه	بیشینه	میانگین
کالبدی	٨	٪۵۸/۸۲	٪۸۲/۳۵	٪۶۸/۰۱	٪۴۴/۱۲	٪۶۱/۷۶	٪۵۰/۷۴
تفریحی و گردشگری	٥	٪۵۵/۸۸	٪۷۶/۴۷	٪۶۵/۵۹	٪۵۰/۰۰	٪۶۴/۷۱	٪۵۵/۲۹
زیست‌محیطی	٦	٪۵۸/۸۲	٪۶۹/۱۲	٪۶۵/۴۴	٪۴۲/۶۵	٪۵۷/۳۵	٪۴۷/۵۵
فرهنگی‌واجتماعی	٧	٪۵۷/۳۵	٪۷۳/۵۳	٪۶۴/۰۸	٪۴۱/۱۸	٪۵۲/۹۴	٪۴۷/۰۶
اقتصادی	٤	٪۵۸/۸۲	٪۶۷/۶۵	٪۶۳/۶۰	٪۴۷/۰۶	٪۵۴/۴۱	٪۴۹/۶۳
سیاست گذاری و مدیریت شهری	٤	٪۶۰/۲۹	٪۶۶/۱۸	٪۶۲/۱۳	٪۴۷/۰۶	٪۵۰/۰۰	٪۴۸/۱۶
فن‌آوری و اطلاعات	٣	٪۵۲/۹۴	٪۶۴/۷۱	٪۵۹/۳۱	٪۴۱/۱۸	٪۵۰/۰۰	٪۴۵.۱۰

۳. ۲. عوامل کلیدی

با توجه به نتایج پرسشنامه‌ها و جداول ارائه شده، مهم‌ترین عوامل اثرگذار و روندها شناسایی شده و وارد ماتریس اثرگذاری/عدم‌قطعیت (جدول۵) گردیدند. بر اســاس نحوه قرارگیری آن‌ها در ماتریس، اثرگذاری و عدم‌قطعیت‌ها در ســطح پایین، متوسط و بالا (۱، ۲ و۳) طبقه‌بندی شدند؛ در این بین نیروهای دارای تأثیر زیاد/عدم‌قطعیت زیاد (عوامل بالاتر از ۲ در هر دو شــاخص) برای تدوین ســناریوها مورد توجه قرار گرفته و از میان ۳۷ عامل ۱۱متغیر(جدول٤) به‌عنوان عوامل کلیدی پژوهش و پیشران‌های بحرانی سناریو تعیین شدند.

جدول۵. جدول عدم‌قطعیت و سطح تاثیر پیشران‌ها

میزان عدم قطعیت: زیاد | متوسط | کم

میزان اثرگذاری: زیاد | متوسط | کم

پیشران‌های بحرانی سناریو	پیشران‌های مهم سناریو	موضوعات مرتبط با برنامه‌ریزی بحرانی
پیشران‌های مهم سناریو	موضوعات مهم برنامه‌ریزی	موضوعات مهم برنامه‌ریزی
نظارت، ارزیابی مجدد، تأثیر	نظارت	نظارت

مأخذ: (فهی و راندال[1]، ۱۹۹۸، ص. ۸۹)

بــا توجه به نتایج حاصـــل از (جدول ۵)، عواملی که دارای مقدار میانگین بیش از ۲ در هر دو معیار اثرگذاری و عدم‌قطعیت هستند، به‌عنوان پیشران در مطالعه در نظر گرفته می‌شوند. در مورد برخی از عوامل هرچند اثرگذاری قابل توجهی توسـط خبرگان تعیین شـده اسـت اما میزان عدم‌قطعیت آن‌ها پایین است و برای تحلیل و سناریوسازی، تنها متغیرهایی در نظر گرفته می‌شـوند که در هر دو شاخص از اهمیت بالایی برخوردار باشند. بنابراین در ادامه با توجه به

1. Fahey & Randall

جدول ٦، به بررسی نمره‌ی تعیین شده در مورد شاخص‌هایی که علاوه بر اثرگذاری بالا، دارای عدم قطعیت بالاتر از حد متوسط هستند، پرداخته شده است.

جدول ٦ . مهم ترین عوامل اثرگذار و عدم‌قطعیت‌های مؤثر بر آینده شهر خلّاق مشهد(عوامل کلیدی پژوهش)

محورها	متغیرها	میزان اثر			درجه عدم‌قطعیت تا سال ١٤١٠		
		میانگین	میانه	انحراف-معیار	میانگین	میانه	انحراف معیار
کالبدی	ایجاد و بهبود فضاهای خلاقانه شهری و سرزندگی محیط	٢/٣٨	٣/٠٠	٠/٨١٧	٢/٠٩	٢/٠٠	٠/٧١٢
	دسترسی به خدمات شهری (آموزشی، درمانی، تجاری)	٢/٥٠	٣/٠٠	٠/٦٦٣	٢/١٢	٢/٠٠	٠/٦٨٦
	گزینه‌های متنوع حمل‌ونقل و دسترسی مناسب	٢/٦٥	٣/٠٠	٠/٥٤٤	٢/٢٤	٢/٠٠	٠/٦٩٩
اقتصادی	درصد افزایش تولید ناخالص داخلی	٢/١٨	٢/٠٠	٠/٦٧٣	٢/٠٩	٢/٠٠	٠/٧١٢
زیست-محیطی	توسعه فضای سبز و جلوگیری از تخریب گسترده آن	٢/٢٦	٢/٠٠	٠/٧١٠	٢/١٥	٢/٠٠	٠/٧٤٤
فرهنگی‌و-اجتماعی	راهبردهای مناسب جذب و نگهداری استعدادها	٢/٤١	٣/٠٠	٠/٧٤٣	٢.٠٦	٢/٠٠	٠/٨١٤
	توسعه مراکز تحقیقاتی پژوهشی	٢/٤٧	٣/٠٠	٠/٦٦٢	٢.٠٣	٢/٠٠	٠/٧٥٨
تفریحی وگردشگری	بهبود کیفیت اقامتگاه‌ها	٢/٤١	٢/٠٠	٠/٦٠٩	٢.٠٩	٢/٠٠	٠/٦٢١
	بهبود کمی‌و کیفی و تنوع خدمات ورزشی	٢/٢١	٢/٠٠	٠/٥٩٢	٢.٠٣	٢/٠٠	٠/٦٢٧
	دسترسی سه‌گانه حمل‌ونقل ریلی، هوایی و زمینی	٢/٥٣	٣/٠٠	٠/٦١٥	٢.١٢	٢/٠٠	٠/٦٨٦
	میزان تعامل این شهر با سایر شهرهای دارای گردشگری	٢/٢٩	٢/٠٠	٠/٦٧٦	٢.٢٩	٢/٠٠	٠/٧١٩

مأخذ: (یافته‌های پژوهش)

با توجه به آنچه از نتیجه‌ی پرسشنامه‌ی خبرگان حاصل شده است، مهم‌ترین عامل شناسایی شده پژوهش « **میزان تعامل این شهر با سایر شهرهای دارای گردشگری مذهبی**» بوده که در محور تفریحی‌وگردشگری قرار گرفته و امکان وقوع این امر با عدم‌قطعیت بیشتری در ١٠ سال آتی مواجه است. در این عامل میزان عدم‌قطعیت با میزان اثرگذاری یکسان است. بهبود دسترسی در این بخش سبب افزایش خلاقیت گردشگری می‌شود و به نظر می‌رسد می‌توان به آینده‌ی تعاملات در کلانشهر مشهد امید داشت. متغیر«**گزینه‌های متنوع حمل‌ونقل و دسترسی مناسب** » دیگر عاملی است که در خلاقیت کالبدی شهر بسیار موثر است و عدم‌قطعیت بالایی در این زمینه وجود دارد. متغیر دیگری که وضعیت آن در سال‌های آینده مبهم است، «توسعه فضای سبز و جلوگیری از تخریب گسترده آن» است که در حوزه زیست‌محیطی قرار می‌گیرد. می‌توان گفت بین افزایش سرانه فضای سبز در شهر و ارتقاء کیفیت‌زندگی شهروندان رابطه مستقیمی وجود دارد. در ادامه دو عامل «دسترسی به خدمات شهری (آموزشی، درمانی، تجاری)» و «

دسترسی سه‌گانه حمل‌ونقل ریلی، هوایی و زمینی» دیگر متغیرهایی هستند که دارای اثرگذاری زیاد و عدم‌قطعیت بالایی می‌باشند. این دو متغیر که به ترتیب مربوط به حوزه‌های کالبدی و تفریحی‌وگردشگری می‌باشند دارای اثرگذاری و عدم قطعیت یکسانی هستند. همچنین سه عامل «ایجاد و بهبود فضاهای خلاقانه شهری و سرزندگی محیط»، «درصد افزایش تولید ناخالص داخلی» و «بهبود کیفیت اقامتگاه ها» دیگر عواملی هستند که وضعیت آن‌ها در آینده نامشخص است و دارای عدم قطعیت یکسانی می‌باشند.

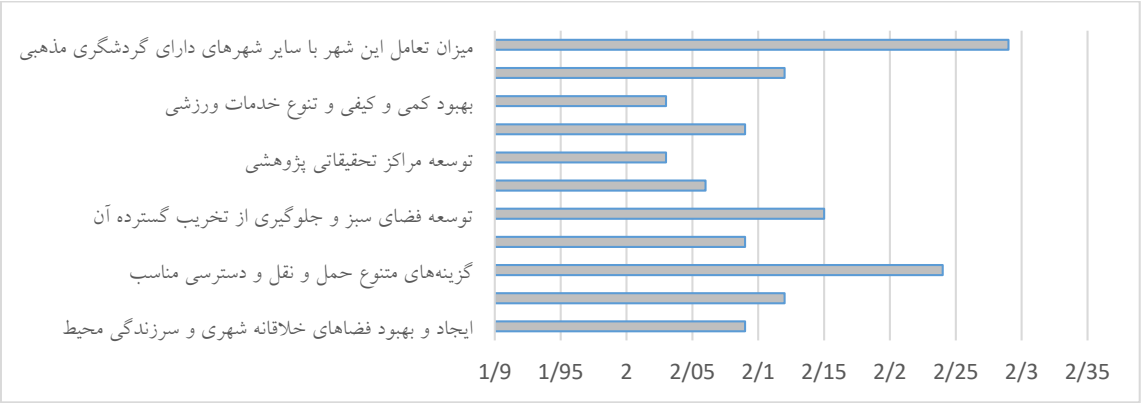

شکل ٤. میزان عدم‌قطعیت عوامل کلیدی پژوهش

در گام بعد به منظور تبیین ساختار سناریوهای پیش رو، از نرم‌افزار سناریو ویزارد بهره گرفته شده است. ابتدا تعداد ۱۱ عامل کلیدی شناسایی شده، با در نظر گرفتن وضعیت‌های احتمالی شامل بهبود و ارتقا، ثبات و یا کاهش مطلوبیت در آینده، جهت ساخت ماتریس اثرات متقابل استفاده شده‌اند. با طراحی هر یک از این وضعیت‌ها مطابق ۱۱ پیشران مورد مطالعه ماتریس با ابعاد ۳۳×۳۳ طراحی شده و در اختیار خبرگان قرار گرفته است. در نهایت نیز پاسخ‌های ارائه شده توسط خبرگان تجمیع شده و در قالب مقادیر بین (۳-) تا (۳) و به صورت یک ماتریس متقاطع وارد نرم‌افزار سناریو ویزارد شده است. در روش ماتریس اثرات متقابل، هدف اصلی تحلیل شبکه‌ای از اثرات است. با ترکیب روش‌های کیفی(هنگام شناسایی توصیف‌گرها، حالت‌ها و اثرات متقابل) و روش‌های کمی(روش‌های حل ماتریسی و شاخص‌های شبکه‌ای) تلاش می‌شود روابط بین عوامل مختلف در شبکه تاثیرات شناسایی شود تا تصویری سازگار از رفتار شبکه به‌دست آید.

۳. ۳. تعیین سناریوها

نرم افزار سناریوویزارد، از میان سناریوهای مختلف به شناسایی سناریوهای قوی یا محتمل، سناریوها با سازگاری بالا (سناریوهای باورکردنی) و سناریوهای ضعیف (سناریوهای ممکن) می‌پردازد. براساس منطق تحلیل در نرم‌افزار سناریو ویزارد، سناریوهای باورکردنی شامل سناریوهای قوی نیز هستند. بر همین اساس ٤ سناریو شناسایی شده‌اند

که در ادامه به بررسی و بازخوانی آن‌ها پرداخته شده است. در جدول ۷، وضعیت هر یک از عوامل کلیدی به تفکیک هر سناریو نشان داده شده است.

جدول۷. توصیف سناریوهای آینده ایجاد شهر خلاق

سناریوها / عوامل کلیدی		سناریو ۱ وضعیت	سناریو ۲ وضعیت	سناریو ۳ وضعیت	سناریو ٤ وضعیت
ایجاد و بهبود فضاهای خلاقانه شهری و سرزندگی محیط		کاهشی	کاهشی	کاهشی	ارتقا
دسترسی به خدمات شهری (آموزشی، درمانی، تجاری)		کاهشی	ایستا	ایستا	ارتقا
گزینه‌های متنوع حمل‌ونقل و دسترسی مناسب		کاهشی	ایستا	ایستا	ارتقا
درصد افزایش تولید ناخالص داخلی		کاهشی	ایستا	ایستا	ارتقا
توسعه فضای سبز و جلوگیری از تخریب گسترده آن		کاهشی	کاهشی	کاهشی	ارتقا
راهبردهای مناسب جذب و نگهداری استعدادها		کاهشی	کاهشی	کاهشی	ارتقا
توسعه مراکز تحقیقاتی پژوهشی		کاهشی	کاهشی	کاهشی	ارتقا
بهبود کیفیت اقامتگاه ها		کاهشی	کاهشی	ایستا	ارتقا
بهبود کمی‌وکیفی و تنوع خدمات ورزشی		کاهشی	ایستا	ایستا	ارتقا
دسترسی سه‌گانه حمل‌ونقل ریلی، هوایی و زمینی		کاهشی	ایستا	ایستا	ارتقا
میزان تعامل این شهر با سایر شهرهای دارای گردشگری مذهبی		کاهشی	ایستا	ایستا	ارتقا
جمع بندی	ارتقا	۰	۰	۰	۱۱
	ایستا	۰	٦	۷	۰
	کاهشی	۱۱	۵	٤	۰

از میان ٤٤ وضـعیت موجود در مورد تمام سناریوهای حاضر تعداد ۱۱ وضعیت ارتقا (۲۵ ٪)، ۱۳ وضعیت ایستا (۲۹/۵۵ ٪) و ۲۰ وضـعیت کاهشی (٤۵/۵ ٪) را شاهد هستیم. به عبارت دیگر تنها حدود ۲۵ درصد موارد وقوع ارتقا در عوامل کلیدی مورد بررسـی را نشـان می‌دهند. نزدیک به ۳۰ درصد وضعیت‌های مشاهده شده بیانگر ایستایی این عوامل بوده و بیش از ٤۵ درصـد وضـعیت‌های تعیین شده گویای وقوع کاهش در مطلوبیت عوامل کلیدی در ایجاد شـهر خلاق تا افق ۱٤۱۰ برای شهر مشهد است. در جدول ۸ ضرایب، تعداد و درصد وضعیت‌ها به تفکیک سناریوها بیان گردیده است.

جدول ۸. ضرایب، تعداد و درصد هر یک از وضعیت‌ها به تفکیک هر سناریو براساس طیف سه‌گانه

		تعداد وضعیت‌ها به تفکیک				ضرایب وضعیت‌ها			وضعیت‌های مطلوب			وضعیت‌های نامطلوب		
سناریو	نمره اثرگذاری کل	نمره سازگاری	ارتقا	ایستا	کاهشی	۳	۱	-۳	میزان مطلوب	امتیاز ایده آل	درصد مطلوبیت	میزان شرایط کاهشی	حداکثر شرایط نامطلوب	درصد شرایط نامطلوب
S4	٥٦	٥	١١	٠	٠	٣٣	٠	٠	٣٣	٣٣	١٠٠	٠	-٣٣	٠
S3	٢٢	٠	٠	٧	٤	٠	٧	-١٢	٠	٣٣	٠	-١٢	-٣٣	٣٦/٣٦
S2	٣٠	٠	٠	٦	٥	٠	٦	-١٥	٠	٣٣	٠	-١٥	-٣٣	٤٥/٤٥
S1	١٣٣	٢	٠	٠	١١	٠	٠	-٣٣	٠	٣٣	٠	-٣٣	-٣٣	١٠٠

۱.۳.۳. گروه‌بندی و تحلیل سناریوهای قوی

سناریوهای مختلف را براساس میزان تشابه آن‌ها می‌توان گروه‌بندی نمود. هر یک از این گروه‌ها شامل سناریوهایی با ویژگی‌های نزدیک به یکدیگر هستند که تنها در تعداد اندکی از وضعیت‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. با بررسی نتایج حاصل از نرم افزار سناریوویزارد سه گروه سناریو شناسایی شده است. از میان سناریوهای حاصل یک سناریو وضعیتی بسیار مطلوب دارد. یک سناریو وضعیتی بحرانی را متصور می‌شود و دو سناریوی دیگر نیز روند نامطلوبی را نشان می‌دهند.

توصیف سناریوهای گروه اول (مشهد خلاق)

این گروه شامل سناریوی شماره ٤ است که حداکثر مطلوبیت را دارد. در این سناریو تمام ١١ عامل کلیدی مورد بررسی در وضعیت ارتقا قرار داشته‌اند. تحقق این سناریو ایده‌آل‌ترین وضعیت را جهت ایجاد شهر خلاق به وجود می‌آورد. نمره‌ی اثرگذاری این سناریو ٥٦ و نمره‌ی سازگاری[1] آن ٥ حاصل شده است.

توصیف سناریوی گروه دوم (مشهد خاکستری)

روندهای مربوط به سناریوهای ٢ و ٣ را می‌توان به‌عنوان روندهای نامطلوب توصیف نمود. شرایط کاهش و وضعیت نامطلوب در عوامل کلیدی در سناریوی شماره ٢ مقدار ٤٥ درصد بوده است. در این سناریو وضعیت عوامل کلیدی شامل «ایجاد و بهبود فضاهای خلاقانه شهری و سرزندگی محیط»، «توسعه فضای سبز و جلوگیری از تخریب گسترده آن»، «راهبردهای مناسب جذب و نگهداری استعدادها»، «توسعه مراکز تحقیقاتی پژوهشی» و «بهبود کیفیت اقامتگاه ها» در وضعیت کاهشی قرار دارند. سایر عوامل نیز به صورت ایستا قرار گرفته‌اند. در مورد سناریوی ٢ مقدار درصد اینکه وضعیت نامطلوب حاکم باشد برابر ٤٥ درصد محاسبه شده است. در مورد سناریوی ٣ نیز ٣٦ درصد

۱. اندازه سازگاری یک عامل کلیدی به تفاوت بین بالانس‌های اثر مربوط به وضعیت احتمالی منتخب عامل کلیدی و بالاترین بالانس اثر مربوط به همه وضعیت‌های احتمالی جایگزین همان عامل کلیدی تعریف می‌شود. بنابراین اگر مثبت باشد بیان کننده وضعیت احتمالی منتخب عامل کلیدی می‌باشد.

گزارش شـده اسـت. تفاوت این سـناریو نسـبت به سـناریوی ۲ که قبلا توضیح داده شد تنها در عامل «بهبود کیفیت اقامتگاه‌ها» اسـت. عامل نام برده در سـناریوی ۳ به صـورت ایسـتا لحاظ شده است. لازم به ذکر است که در این دو سناریو نمره سازگاری صفر بوده است.

توصیف سناریوی گروه سوم (مشهد آشفته)

دیگر سـناریویی که از بررسـی سـناریو ویزارد حاصل شده است، سناریوی ۱ بوده که وضعیتی کاملا نامطلوب و بحرانی را به تصـویر می‌کشـد. در این سـناریو تمامی عوامل کلیدی مورد بررسـی در وضعیت افول و نامطلوبی قرار دارند. در این سـناریو نمره اثرگذاری کل برابر ۱۳۳ و نمره سازگاری ۲ گزارش شده است. بنابراین احتمال وقوع این سناریو نیز وجود دارد ولی تحقق آن بعید به نظر می‌رسد.

٤. بحث

شـهر مشـهد به‌عنوان دومین کلانشـهر کشـور با نقش و جایگاهی ویژه در عرصـه ملی و بعضـاً بین‌المللی، سهم عمده‌ای در فعالیت‌های نوآورانه و میدان اقتصـاد خلّاق دارد و با نقش گردشگری مذهبی قوی در منطقه خاورمیانه و همچنین نقش فرامنطقه‌ای در بخش شـمال شـرقی کشـور این ظرفیت را دارد تا از طریق پیوند و تعامل با شـهرهای دیگر در سـراسر دنیا، فرایند جهانی شدن را تسریع بخشند. ولی با این وجود پژوهش‌های صورت گرفته در سال‌های گذشـته نظیر پژوهش فرزین‌راد (١٣٩٤) و حسـین‌پور (١٣٩٤) نشـان می‌دهد شـهر مشـهد با وجود زیرساخت‌های مناسـب فرهنگی، مذهبی، دانشگاهی و صنعتی و ... آمادگی تبدیل به شهر خلاق در کوتاه مدت را ندارد ولی ظرفیت تبدیل شـدن به شـهر خلّاق را داراسـت که با پژوهش حاضـر همخوانی نسـبی دارد. پتانسـیل‌های گردشـگری در کیفیت‌زندگی و کیفیت‌زندگی در ایجاد شهر خلاق مؤثر هستند و ایـن نتیجـه بـا پژوهش نیل، ایسال و سرجی[1] (٢٠٠٧) که افـراد طبقـهٔ خلاق به سمت مناطقی کشیده مـی‌شـوند کـه سـطح بالایی از کیفیت‌زندگی دارند و همچنین پژوهش حاضر تطابق دارد. با توجه به تاکید پژوهش بر کیفیت‌زندگی در تحقق شهر خلاق مشهد، دسته‌بندی هفت‌گانه عوامل اثرگذار نشان می‌دهد حوزه عوامل تفریحی‌وگردشگری با بالاترین میزان عدم‌قطعیت و اثرگذاری بالا نقشی اساسی را در تحقق شهر خلاق در کلانشهر مشهد در افق ١٤١٠ ایفا می‌نمایند که از این میان، عامل میزان تعامل شـهر مشـهد با سـایر شهرهای دارای گردشگری مذهبی دنیا عنوان مهم‌ترین و مبهم‌ترین موضوع پژوهش را به خود اختصـاص داده اسـت. در این راسـتا الگوی پیشنهادی توسعه دانش محور شهر مشهد توسط فقیه سبزواری (١٣٩٥) نشـان می‌دهد اگر چه شـهر مشـهد در حال حاضـر از نظر شـبکه‌های فناوری اطلاعات و ضرورت درک مسئولان و شـهروندان از گردشـگری دانش‌محور در وضـعیت مناسـبی قرار ندارد، ولی در خصـوص زیرساخت‌های شهری و طراحی شـهری وضـعیت نسبتا مطلوبی دارد. عاشوری کاریزکی(١٣٩٥) نیز در سناریوهای گردشگری شهر مشهد در افق ١٤٠٤، تحقق سـناریو مطلوب با عنوان "شهر بهشت" را مستلزم توجه به اصلی‌ترین عوامل رقابتی و اضافه کردن

1. Neal, Uysal & Sirgy

جاذبه گردشگری انسان ساخت، تعریف تور گردشگری و سازماندهی سفرها با هدف افزایش ماندگاری عنوان نموده است که راهبردهای پیشنهادی آن مطابق با این پژوهش می‌باشد. با توجه به مطالب بیان شده آنچه عیان است قابلیت گردشگری غالب این شهر است که مهم‌ترین محور پژوهش می‌باشد. پس از حوزه گردشگری، عوامل کالبدی نیز با عدم‌قطعیت بالا و بیشترین اثرگذاری، از دیگر محورهای مهم پژوهش می‌باشند. در پژوهش کالور[1](۲۰۱۷) بر روی تراموا به‌عنوان یک پروژه شهر خلّاق بیان می‌کند که تراموا می‌تواند به‌عنوان یک ابزار توسعه شهر خلّاق درک شود و این موضوع به‌عنوان راهکاری برای عامل گزینه‌های متنوع حمل‌ونقل و دسترسی مناسب راهگشا بوده و با پژوهش حاضر هم راستا می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از پژوهش توکلی، رهنما و شکوهی (۱۳۹۸) بیانگر اهمیت نسبی معیارهای مکانی به غیرمکانی و جاذبه بیشتر فعالیت‌های باز، همه‌شمول و مشارکتی برای طبقه خلاق است. اما علیرغم جذابیت این فعالیت‌ها، کیفیت انجام آن‌ها در شهر مشهد مطلوب ارزیابی نمی‌شود که همسو با این پژوهش می‌باشد. یکی از مصادیق خلاقیت شهری در دنیا، پروژه «شهرک بدون ماشین» در شهر وین در سال ۲۰۰۰ بود، که با هدف «تغییر محیط شهری با جهت‌گیری ساخت محیط انسانی و افزایش تعاملات اجتماعی » اجرا گردید. نمونه دیگر خلاقیت شهری پروژه «پرواز زباله‌ها به زیرزمین» در پارک اکسپو ۲۰۱۰ در شانگهای چین بود که این سیستم علاوه پاکیزه نگه داشتن پارک، بر روی اکسپو که «شهر بهتر، زندگی بهتر» می‌باشد تاکید گردیده بود. در شهر مشهد نیز با شکل‌گیری ایده‌های همچون ایجاد کارخانه نوآوری، فضایی مناسب برای حضور و خلاقیت بازیگران اصلی زیست‌بوم نوآوری و فعالیت‌های آنان، پدید می‌آید. ایجاد و افزایش چنین فضاهایی بستر مناسبی برای گردآوری منابعی قدرتمند نظیر: سرمایه‌گذاران خطرپذیر، شتاب‌دهنده‌ها، استارتاپ‌ها، تامین‌کنندگان خدمات و... می‌باشد و می‌تواند نقش موثری در شکل‌گیری شهری خلاق و نوآور داشته باشد و در نتیجه سبب افزایش تولید ناخالص داخلی می‌گردد. همچنین در سال‌های اخیر با طراحی و اجرای پروژه‌های ابتکاری نظیر کوه‌پارک، کوهسار، رود پارک، زیست‌پارک، پارک مادروکودک و ... با هدف زیباسازی شهر، ایجاد آرامش، کاهش آلودگی هوا و در یک کلام توسعه پایدار شهر و ارتقاء کیفیت‌زندگی شهروندان، گام‌های موثری در حرکت به سوی خلاقیت برداشته شده است که دقیقا هم راستا با محورهای اصلی پژوهش نظیر افزایش تعاملات در زمینه گردشگری، توسعه فضای سبز و ایجاد فضاهای خلاقانه شهر و سرزندگی می‌باشد و می‌توان با ایجاد و افزایش چنین فضاهایی وهمچنین بهبود وضعیت حمل‌ونقل شهری، دسترسی مناسب به خدمات و سایر راهبردهای پیشنهادی در سناریوی مرجع، شهر مشهد در افق ۱٤۱۰ به سناریوی مطلوب یا همان " مشهد خلاق " دست یابد.

۵. نتیجه‌گیری

توسعه‌ی جهانی همواره تصویری آرمانی از شهر ارائه داده و به تقویت این ایده تاکید داشته که شهرها باید گهواره‌ای برای خلاقیت باشند. اگر صحنه برنامه‌ریزی شهر مشهد را برای پیوستن به شهر خلاق طیف وسیعی از

1. Culver

شرایط بحرانی تا مطلوبیت کامل برای چشم‌انداز ۱۰ ساله این شهر در نظر بگیریم، می‌توان بیان کرد که بازیگران اصلی این صحنه ۱۱ عامل کلیدی (بهبود فضاهای خلاقانه شهری، دسترسی به خدمات شهری، گزینه‌های متنوع حمل‌ونقل، درصد افزایش تولید ناخالص داخلی، توسعه فضای‌سبز، جذب و نگهداری استعدادها، توسعه مراکز تحقیقاتی پژوهشی، بهبود کیفیت اقامتگاه‌ها، بهبود خدمات ورزشی، دسترسی سه‌گانه و گردشگری) منتخب خبرگان می‌باشند. سناریوی " مشهد خلاق " یا همان سناریوی مرجع که وضعیت ارتقاء تمامی ۱۱عامل کلیدی را شامل می‌شود، مطلوب‌ترین آینده پیش‌روی کلانشهر مشهد را بیان می‌کند. از این رو انتخاب سناریوی مطلوب به‌عنوان هدف و چارچوبی مناسب برای ۱۰ سال آینده شهر مشهد مورد توجه قرار می‌گیرد و منجر به ارتقاء کیفیت‌زندگی شهروندان خواهد شد که در نتیجه این بهبود وضعیت، موجب حفظ و جذب استعدادها (شامل نخبگان، هنرمندان و ...) و افزایش گردشگر در شهر می‌گردد که از این طریق افزایش تولید ناخالص داخلی و رشد بالای اقتصادی برای شهر مشهد محقق می‌شود. از این‌رو شاید بتوان گفت مهم‌ترین عامل در تحقق این سناریو، ایجاد پیوستگی میان نیروهای خلاق در حوزه‌های فرهنگی، هنری، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. قطعا هر یک از شاخص‌های مورد نظر در این سناریو که طرحی را برای افق ۱۰ ساله پیش‌رو فراهم می‌آورد، از زوایای مختلف قابل بررسی و پیگیری است. به بیان دیگر در کنار فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم، مدیریت منابع قوی و کارآمد، بکارگیری نیروهای خلاق و دارای توانایی‌های علمی، تنوع و همچنین بودجه‌بندی مناسب در هر زمینه نیز قابل اهمیت هستند. بنابراین راهبردهای مناسب در این زمینه می‌تواند به قرار ذیل مطرح شوند:

- ایجاد مدیریت شهری قوی و منسجم در حوزه‌های شهری از جمله شورای‌شهر، شهرداری و زیرمجموعه‌های مرتبط.
- ایجاد پیوستگی علمی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری شهری.
- انجام مطالعات تخصصی در زمینه‌های اقتصاد شهری، زیبایی‌شناسی، اجتماعی‌وفرهنگی و محیط‌زیست از طریق بکارگیری پتانسیل‌های دانشگاهی از جمله اساتید و دانش‌آموختگان حوزه‌های مرتبط.
- تقویت ارتباط با مراکز دانشگاهی و پژوهشی در زمینه‌های مختلف که علاوه بر ایجاد امکان استفاده از نیروهای خلاق، سبب جذب افراد مستعد در حوزه‌های مختلف و رونق هر چه بیشتر مراکز تحقیقاتی و پژوهشی خواهد شد، همچنین این‌روند در بهبود سایر ساختارها نیز موثر است.

کتاب‌نامه

۱. آزاد، ن.، ناظمی، ا.، و علیرضانژاد، س. (۱۳۹۸). تحلیل آینده‌پژوهانه سیاست‌گذاری شهر خلاق، مطالعه‌ای در شهر تهران. *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۹ (۳۲). ۱۵۷-۱۸۰.

۲. آفتاب، ا.، نظم‌فر، ح.، غفاری‌گیلانده، ع.، و موسوی، م. (۱۳۹٦). برنامه‌ریزی و تدوین راهکارهای تحقق شهرهای خلاق در ایران، مطالعه موردی: شهر ارومیه. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۲ (٤)، ۱۸۸-۲۰۹.

۳. باسخا، م.، کهنه شهری، ل.ع.، مسائلی، ا. (۱۳۸۹). رتبه‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی در استان‌های کشور. *فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۰* (۳۷)، ۹۵-۱۱۲.

٤. براتی، ن.، یزدان‌پناه شاه‌آبادی، م.ر. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری، نمونه موردی: شهر جدید پردیس. *مجله جامعه پژوهی فرهنگی*، ۲(۱)، ٤۹-۲۵.

۵. توکلی، س. (۱۳۹۸). *آفرینش فضای شهری: رهیافتی بر بازشناسی مکان‌های جاذب طبقه خلاق در مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

٦. توکلی، س.، رهنما، م. ر.، اجزاء شکوهی، م. (۱۳۹۸). بازآفرینی مکان‌های جاذب طبقه خلاق در شهر مشهد. کنفرانس ملی معماری و شهرسازی معاصر ایران.

۷. جلالی، د. (۱۳۹۰). بررسی ویژگی اقتصادی طبقه خلاق جامعه شهری کشور در سال ۱۳۸۷. *مجله شهرداری‌ها*، ۱۲(۸)، ۱٦-۳۰.

۸. حسین پور، س.ع. (۱۳۹٤). *تبیین نقش و جایگاه شاخص های کالبدی در شکل گیری شهر خلاق مشهد*. رساله دکتری، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۹. خان سفید، م. (۱۳۹۱). مدیریت شهری و شهر خلاق. *مجله منظر*، ۱۹، ۹۲ -۹۵.

۱۰. ربانی خوراسگانی، ع.، کیانپور، م. (۱۳۸٦). مدل پیشنهادی برای سنجش کیفیت زندگی، مطالعه موردی: شهر اصفهان. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی*، ۱۵(۵۷-۵۸)، ۱۰۸-٦۷.

۱۱. رفیعیان، م. (۱۳۸۹). درآمدی برمناطق و شهرهای خلاق. *ماهنامه شهرداریها*، ۱۱(۱۰۰)، ۱۲-۱۵.

۱۲. عاشوری‌کاریزکی، س. (۱۳۹۵). *ارزیابی سناریوهای گردشگری شهر مشهد در افق ۱٤۰٤*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۳. فرجی ملائی، ا.، عظیمی، آ.، و زیاری، ک.ا. (۱۳۸۹). *تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران*. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۱(۲)، ۱-۱٦.

۱٤. فرزین‌راد، ر. (۱۳۹٤). *ارزیابی میزان آمادگی شهر مشهد جهت تبدیل شدن به شهر خلّاق*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۵. فقیه سبزواری، ع. (۱۳۹۵). *ارائه الگوی پیشنهادی توسعه دانش محور شهر مشهد با رهیافت گردشگری*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۱٦. کلانتری، م.، رجایی، س.ع.، و فتوحی مهربانی، ب. (۱۳۹۵). تحلیلی بر برخورداری کلانشهرهای ایران از شاخص‌های شهر خلاق. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ٤(٤)، ۵۸۷ -٦۱۲.

۱۷. کوکبی، ا.، پورجعفر، م.ر.، و تقوایی، ع.ا. (۱۳۸٤). برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها. *فصلنامه جستارهای شهرسازی*، ۱۲، ٦-۱۳.

۱۸. کیخا، ح.، ملاشاهی، ح.، و جلال‌زایی، ع.ر. (۱۳۹۷). نقش شهر خلاق در توسعه خدمات شهری و کیفیت زندگی شهروندان (مورد مطالعه: شهر زاهدان). *فصلنامه پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی*، ۲ (۱٦)، ۳۹ -٦۲.

۱۹. لینچ، ک. (۱۳۷٦). *تئوری شکل خوب شهر*. ترجمه حسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. مافی، ر.، قدمی، م.، مظاهری، م. م.، و فراهانی، ف. (۱۳۹۷). ارائه الگوی مطلوب شـــهر خلاق در کلانشـــهر تهران. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. *۱۱*(۱)، ۳۳-٦۱.
۲۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲۲. مرکز آمار شهرداری مشهد. (۱۳۹۷). *آمارنامه شهر مشهد*. مشهد: معاونت برنامه‌ریزی و توسعه.
۲۳. مشکینی، ا.، مهدنژاد، ح.، و پرهیز، ف. (۱۳۹۳). *شهر خلاق: الگویی نوین برای توسعه دانش بنیان در حوزه مدیریت شهری*. تهران: آراد کتاب.
۲٤. مطلبیان، خ.، رحمانی، ب.، و شـــمس، م. (۱۳۹۹). چالش‌های شـــهر خلاق از منظر ســـیاســـت‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری، مطالعه موردی: شهر اصفهان. *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، *۱۲*(۳)، ۳۳۸-۳٦٤.
۲۵. موسوی، م.ن.، حسنی، م.، و منوچهری میاندوآب، ا. (۱۳۹۱). تحلیل سرمایه اجتماعی شهروندان و تاثیر آن بر کیفیت زندگی، مطالعه موردی: محله‌های شهر میاندوآب. *مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، *٤۵*(٤)، ۱۹۷-۲۲۰.
۲٦. نجات، س. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی و اندازه‌گیری آن. *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، *٤* (۲)، ۵۷-٦۲.

27. Albino, V., Berardi, U., & Dangelico, R.M. (2015). Smart cities: definitions, dimensions, performance, and initiatives. *Journal of Urban Technology*. *22*(1), 3-21.
28. Bourne, L. S., Hutton, T. A., Shearmur, R., & Simmons, J. (2011). *Canadian urban regions: Trajectories of growth and change*. Toronto: Oxford University Press.
29. Costanza, R., Fisher, B., & Ali, S. (2007). Quality of life: An approach integration opportunity, human needs, and Subjective Well- being. *Ecological Economics*, *61* (2-3), 267-276.
30. Culver, G. (2017). Mobility and the making of the neoliberal "creative city": The streetcar as a creative city project? *Journal of Transport Geography*, *58*(c),22 – 30.
31. Delfim S., L., Isabel, m. (2006). Monitoring urban quality of life experience. *Social Indicators Research*,*80*, 411-425.
32. Fahey, L., & Randall, R. M. (1998). *Learning from the future, competitive Foresight Scenarios*. London: Wiley.
33. Florida, R. (2002). *The Rise of the Creative Class and How It's Transforming Work, Leisure, Community and Everyday Life*. New York: Basic Books.
34. Florida, R. (2014). Creative class and economic development. *Economic Development Quarterly*, *28*(3) 196 – 205.
35. Hall, P. (2000). Creative cities and economic development. *Urban Studies*, *37*(4), 639-649.
36. Hospers, G.J. (2003). Creative cities: Breeding places in the knowledge economy. *Technology and Policy*, *16* (3), 143-162.
37. Hartley, J., Potts, J., MacDonald, T., Erkunt, C., & Kufleitner, C. (2012). The CCI Creative City Index 2012. *Cultural Science Journal*, *5* (1), 1-138.
38. Hutter, M. (2013). Creative production in the creative industries. A chapter in The Two Sides of Innovation. *Springer*, 159-165.
39. Landry, Ch. (2006). *The Creative City: A Toolkit for Urban Innovators*. London: Earthscan.
40. Neal, J., Uysal, M., & Sirgy, M. (2007). The effect of tourism services on travelers quality of life. *Journal of Travel Research*, *46*, 154-163.
41. Romein, R., & Trip, J. (2009). Key elements of creative city development: An assessment of local policies in Amsterdam and Rotterdam. *City Futures*, *8* (1), 15-27.
42. Rodrigues, M., & Franco, M. (2018). Measuring the performance in creative cities: Proposal of a multidimensional model. *Journals Sustainability*, *10*(11), 1-21.

43. Shoshanah, B. D., &Goldberg. M. (2019). Creative city strategies on the municipal agenda in New York. *Journal City, Culture and Society, 17*, 26-37.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال دهم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: 10.22067/ JGUSD.2022.73022.1118
مقالهٔ پژوهشی

تحلیل ابعاد هویتی شهرک‌های جدید و اثرگذاری آن بر احساس تعلق شهروندان (مطالعه‌موردی: سپاهان‌شهر اصفهان)

احمد شاهیوندی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران)
a_shahivandi@yahoo.com
نوشین بیگدلی (کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه هنر اصفهان،اصفهان، ایران)
n.bigdeli69@yahoo.com
افسانه طالبی ورنوسفادرانی (پژوهشگر دکترای شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)
talebi.af@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ **تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸**
صص ۹۶-۷۵

چکیده

بحران هویت به عنوان یکی از پیامدهای پدیده جهانی شـدن به ویژه در شـهرهای جدید مشـهود اسـت و یکی از موانع جذب جمعیت این شـهرهای بی‌روح اسـت. این شـهرها در بهترین حالت خوابگاهی هستند که باعث ایجاد حس‌تعلق و هویت در سـاکنان نمی‌شـود. این موضـوع را می‌توان در اصـول اولیه طراحی این شهرها که شامل شکل‌گیری به صورت نقشـه‌های تفکیکی و به توجهی خصوصیات تاریخی و اقلیمی محیط و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افرادی است که قرار اسـت در آن سـاکن شـوند، مشاهده نمود. با ایجاد ویژگی‌های مکانی و هویتی می‌توان حس تعلق فرد به مکان یا شهر را ایجاد و تقویت نمود. بر این اساس این پژوهش با هدف تحلیل ابعاد هویت شهری و اثرگذاری آن‌ها بر حس‌تعلق شـهروندان سپاهان‌شهر انجام شده و در پی پاسخ به این پرسش است که چه شاخص‌هایی بر هویت‌بخشی به شهرک‌های جدید مؤثر اسـت؟ و این شـاخص‌ها تا چه حد بر افزایش حس‌تعلق شهروندان اثرگذار است؟ روش پژوهش به صورت توصـیفی-تحلیلی اسـت و تحلیل داده‌های به دست آمده از توزیع پرسشنامه در بین ۱۵۰ نفر از ساکنان سپاهان‌شهر، نیز با روش مدلسـازی معادلات سـاختاری در نرم‌افزار آموس‌گرافیک انجام شـده اسـت. نتایج نشـان می‌دهد که شـاخص‌های اجتماعی و عملکردی به ترتیب با بار عاملی ۰/۶۸۳ و ۰/۴۳۰ به صـورت مسـتقیم بر احساس‌تعلق ساکنان سپاهان‌شهر و شـاخص طبیعی- محیطی با بار عاملی ۰/۳۸۶ بر شاخص عملکردی و شاخص‌های کالبدی- فضایی و تاریخی- فرهنگی به ترتیب با بار عاملی ۰/۲۵۶ و ۰/۲۳۲ بر متغیر اجتماعی و از آن طریق بر احساس‌تعلق شهروندان اثرگذار هستند.

کلیدواژه‌ها: اصفهان، حس تعلق، سپاهان‌شهر، شهرک‌های جدید، هویت.

۱. مقدمه

هویت یک حوزه است که به افراد کمک می‌کند مکان را به یاد بیاورند و آن را از مکان‌های دیگر تشخیص دهند (لینچ، ۱۳۹۵). هر شـهری دارای هویتی خاصـی اسـت که باعث تمایز آن شهر با سایر شهرها می‌گردد و به جمعیت ساکن در آن معنا می‌بخشد (نصر، ۱۳۹۵، ص.۲۰). این نوع از هویت دارای ابعاد کمّی و کیفی، ذهنی و عینی، مادی و معنوی، نمادین و غیرنمادین، زمانی و مکانی، قدرت دعوت‌کنندگی و تشـخص‌بخش محیط در ابعاد گوناگون اسـت که افراد تعلقات خاصـی به آن دارند، این هویت در زمان حال و گذشـته ریشـه دارد و در آینده به اشکال گوناگونی پدیدار می‌شـود (سـفردوسـت، ۱۳۸٤، ص. ۲٤۸) و زمانی معنادار خواهد بود که نمود عینی آن در کالبد بیرونی شهر قابل مشـاهده باشد و این کالبد نشان‌دهنده هویت شهر باشد (نوفل و همکاران،۱۳۸۸، ص. ۵۸). در این زمینه لینچ به یک هویت کالبدی–فضـایی اشـاره می‌کند که بافت و سـاختار اصـلی شـهر بر مبنای آن شکل می‌گیرد (لینچ، ۱۳۸٤، ص.۱٦۸–۱٦۹). به عبارتی لینچ به هویت به عنوان پدیده‌ای "معنا دهنده" به فضـاهای شـهری نگاه کرده در حالی که رلف بحث هویت را در جهت فهم پدیده "مکان" مطرح کرده اسـت (بنی‌هاشـمی، ۱۳۹۳، ص.۷). در مجموع می‌توان گفت هویت مکان به عناصر سه گانه محیط فیزیکی (فرم)، فعالیت (عملکرد) و معنا برمی‌گردد. این سه عنصر در نحوه دریافت ما از مکان‌های مختلف به هم مرتبط هستند (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص.۷۳).

در گذشـته هر یک از شـهرها از هویت ویژه‌ای برخوردار بودند اما شهرهای کنونی تنها به صورت مجموعه‌ای از سـاختمان‌ها، پارک‌ها و خیابان‌ها در ذهن سـاکنان نقش بسـته و بحران هویت شـهری را ایجاد نموده است (نوفل و همکاران، ۱۳۸۸، ص.۵۵). درواقع می‌توان گفت بحران مکان به مفهوم بحران معنای اجتماعی از فضـا و زمان، از بارزترین مشکلات شهرسازی معاصر است. بحرانی که در ایجاد فضاهای شهری فاقد هویت، تاریخ و اعتبار ظهور پیدا کرده است (قلعه‌نوئی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۲۷۳). به عبارتی در دوران معاصر ساختن برای زیستن صورت نگرفته و به همین دلیل فرصـتی برای توجه به زمینه مهمی چون هویت در شـهرسـازی به وجود نیامده اسـت (شـاطریان و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۱٤). این تحولات، به دلیل سیاست‌های اقتصادی محلی است که به سمت ایجاد تصویر یکنواخت و اسـتاندارد هدایت می‌شود. در نتیجه، ساختمان‌ها برای ارتباط با یکدیگر یا برای تاثیر کلی شهر طراحی نمی‌شوند و فضاهای بین آن‌ها نامرئی، نامطلوب و غیرقابل زندگی هستند (اکتای[1]، ۲۰۰۲، ص.۲٦۱).

بحران هویت به ویژه در شهرهای جدید مشهود است و یکی از موانع جذب جمعیت این شهرهای بی‌روح است (پژوهـان و همکـاران[2]، ۲۰۱۵، ص.۸۳). این شـهرهـای جدید در بهترین حالت به عنوان خوابگاهی در نظر گرفته می‌شـود که باعث ایجاد حس تعلق و هویت در ساکنان نمی‌شود. این موضوع را می‌توان در اصول اولیه طراحی این شهرها که تنها شامل شکل‌گیری به صورت نقشه‌های تفکیکی و به توجهی به شرایط و خصوصیات تاریخی و اقلیمی محیط و شـرایط اقتصـادی، اجتماعی و فرهنگی افرادی اسـت که قرار اسـت در آن سـاکن شـوند (معلمی، ۱۳۸٦،

1. Oktay
2. Pazhuhan

ص.۹۳) در این زمینه دست‌اندرکاران توسعه در شهرهای جدید در فرانسه نیز بر این موضوع تأکید دارند که در شهرهای جدید تنها کنار هم چیدن عناصر کارکردی کافی نیست و برای دستیابی به پویایی لازم است این کارکردها با یکدیگر تعامل و ارتباط داشته باشند. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که با زندگی در شهرهای جدید در ذهن شهروندان تصویری شکل می‌گیرد که اگر این تصویر درست نباشد، بعدها امکان تغییر دادن آن به سختی وجود دارد (میشل و وارنیه، ۱۳۸۳: ۲۵).

چپ‌من معتقد است که از آن‌جایی که در شهرهای جدید، ساخت امکانات اجتماعی و تفریحی به تأخیر انداخته می‌شود مردم از شهر بیگانه شده و به دلیل یکنواختی نیز از آن انتقاد می‌کنند (چپ‌من[1]، ۲۰۰۵). در این رابطه گذاری بر اندیشه‌های شکل‌دهنده شهرهای جدید نشان می‌دهد که در این شهرها، سازندگان و برنامه‌ریزان از شکل‌دهی به فضاهای شهری که باعث شکل‌گیری خاطره در ذهن شهروندان می‌گردد، غفلت کردند. این در حالی است که در شهر جدید، ساکنان به دنبال ایجاد خاطره‌سازی هستند زیرا در مکانی ساکن شده که خاطره‌ای از آن در ذهن ندارد این خاطره‌سازی در نهایت منجر به دستیابی به هویت شهروندی می‌گردد. علاوه بر این شهر نیز در مکانی مستقر شده که قبل از آن فضایی باز بوده و به هین دلیل این شهر نیز خاطره‌ای از خود ندارد و به دنبال ساخت هویت مکانی است. این هویت مکانی و شهروندی بدون یکدیگر ایجاد نمی‌گردند بر این اساس با ایجاد هر دوی آن‌ها هم شهر در حافظه شهروندان می‌نشیند، و هم شهروند مکانی را می‌شناسد که از آن خاطره‌ها در ذهن دارد. بر این اساس می‌توان گفت: بی‌توجهی سازندگان به این خاطره‌سازی در شهرهای جدید است که باعث شده تعداد زیادی از این تجارب شکست بخورند. (حبیبی، ۱۳۸۵، صص.۱٤۷– ۱٤٥).

با وجود تمامی مشکلات شهرهای جدید، با توجه به رشد شهرها و شهرنشینی شتاب‌زده، نیاز به اسکان جمعیت در محدوده‌های شهری بوجود آمد، که یکی از راه‌های پاسخ به این نیاز، احداث شهرک‌های جدید در اطراف محدوده شهر بود. بر این اساس بی‌توجهی به هویت‌بخشی به این شهرها که بخش زیادی از جمعیت کلانشهرها را به سمت خود جذب می‌کند، باعث بروز خودبیگانگی در افراد می‌گردد و به دنبال آن معضلات اجتماعی بروز خواهد کرد. بر این اساس شناسایی عوامل و شاخص‌هایی که باعث هویت‌بخشی به شهرها و افزایش حس تعلق می‌گردد، حائز اهمیت است.

طبق روال پیش گفته، شهرک سپاهان شهر در جهت کاهش جمعیت و کاهش بار ترافیکی جمعیتی کلان شهر اصفهان، شکل گرفته است. این شهرک در سال‌های اخیر به دلیل وجود کاربری‌های جاذب جمعیت و همچنین پروژه‌های تجاری انجام شده نظیر سیتی‌سنتر، پارک آبی و ... توانسته جمعیت زیادی را به خود جذب کند به گونه‌ای که حتی ساکنین اصفهان نیز برای خرید و یا تفریح به این شهرک مراجعه می‌نمایند. توانایی این شهر در هویت‌بخشی به ساکنان و ایجاد حس تعلق برای آنان باعث جذب جمعیت بیشتر و ماندگاری جمعیت موجود شهر خواهد شد. بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی عوامل هویت‌زای شهری و از طرف دیگر علل ناتوانی شهرهای

1. Chapman

جدید اقماری موجود در شکل دادن به هویت ساکنان خود، به اصول و مبانی مورد نیاز در طراحی شهرهای جدید به منظور حصول هویت بپردازد و به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- چه شاخص‌هایی بر شکل‌گیری هویت در شهرک‌های جدید مؤثر هستند؟
- دیدگاه ساکنین سپاهان‌شهر در ارتباط با ابعاد مختلف هویت شهری چیست؟
- ابعاد هویت‌ساز شهرک سپاهان‌شهر چگونه بر احساس تعلق ساکنین اثرگذار هستند؟

در رابطه با هویت‌بخشی به شهرهای جدید تحقیقات زیادی در ایران و سایر کشورها انجام شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

وارثی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید»، در محدوده شهر گلبهار به این نتیجه رسیده است که مؤلفه‌های هویت‌بخش در شهر گلبهار ضعیف است و نوعی همبستگی متوسط و مستقیم بین مدت زمان سکونت، مؤلفه‌های هویت‌بخش و احساس تعلق وجود دارد. در همین راستا ربانی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهش «بررسی عوامل موثر بر هویت اجتماعی شهرهای جدید (مطالعه موردی شهر پردیس تهران)» به این نتیجه رسیده‌اند که به ترتیب متغیرهای خدمات و فعالیت‌های تولیدی، فضای اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی، امنیت عاطفی و روانی شهروندان و وجود راه‌های ارتباطی بیشترین تأثیر را بر هویت اجتماعی ساکنان داشته و این هویت برحسب متغیرهای نوع منزل مسکونی، قومیت و تحصیلات افراد متفاوت است. نتیجه پژوهش «تحلیل و ارزیابی احساس هویت ساکنان در شهرهای جدید(نمونه موردی: شهر جدید فولادشهر)» که توسط وارثی و همکاران در سال ۱۳۹۰ انجام شده، نشان‌دهنده آن است که بین مدت زمان زندگی ساکنین در شهر، میزان رضایت از دسترسی به خدمات شهری و احساس تعلق همبستگی وجود دارد، اما بین سطح تحصیلات و احساس هویت همبستگی وجود ندارد. نتایج پژوهش سرایی و همکاران (۱۳۹٤) با عنوان «ارزیابی هویت محله‌ای در جهرم» نیز نشان داده که به ترتیب عوامل کیفیت خدمات‌رسانی، شناخت هویت کالبدی محله امنیت، میزان مشارکت و همبستگی‌های درونی ساکنان محله، مخاطرات زیبایی‌شناختی محله و تعهد در حفظ کالبد محله در دستیابی به هویت محله‌ای حائز اهمیت هستند. خلیلی و دهقانی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «سنجش و تحلیل فضایی هویت شهری در مقیاس نواحی شهر جدید هشتگرد» به این نتیجه رسیده‌اند که مهمترین عوامل مؤثر بر ایجاد هویت در این شهر به ترتیب خاطره‌انگیزی و احساس وابستگی به مکان، کیفیت فضای شهری و پیوندهای اجتماعی است. به عبارتی کیفیات کالبدی تنها یک بعد از تجربه مکان هستند و ارتباطات اجتماعی به عنوان عواملی مهمتر باید مورد توجه قرار گیرد. اسماعیل[1] و همکاران (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی با عنوان «ارزیابی ادراک هویت ساکنان در شهر جدید پوتراجایا[2]» با ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی به این نتیجه رسید که در شهر پوتراجایا طراحی محیط و خیابان و ...(عناصر فیزیکی) باعث افزایش هویت شهروندان نشده است.

1. Ismail
2. Putrajaya

در این زمینه نتایج پژوهش عزیزی و ارباب[1] (۲۰۱۲) با عنوان «مطالعه هویت و حس مکان در شـــهرهای جدید» در محدوده شـهر جدید هشـتگرد تهران با روش توصـیفی و تحلیلی نشـان داده که وضـعیت هویت و حس مکان در هشـتگرد به طور کلی ضـعیف تا متوسـط ارزیابی شـده است که به دلیل اهمیت مدت زمان سکونت در ایجاد حس هویت اسـت، این درحالی اسـت که این شـهر در حدود دو دهه پیش سـاخته شـده و سابقه سکونت طولانی ندارد. پژوهان[2] و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش دیگری با عنوان «هویت شهری و شهرهای جدید ایران»، بر اساس اصول و معیارهای مکتب اصـفهان و با روش کیفی به این نتیجه رسیده است که از بین ۱۰ شهر جدید منتخب، به ترتیب شهر جدید بهارسـتان، اندیشـه و پردیس از نظر مکانیابی و اصـول طراحی شـهری بیشـترین هماهنگی را با شاخص‌های مکتب اصفهان دارند و از نظر ساکنان هویت‌مند هستند.

بررســی پیشــینه‌های موجود در رابطه با تحلیل ابعاد هویت در شــهرهای جدید نشــان‌دهنده نگاهی تک بعدی و توصـیفی به پدیده هویت اسـت. به این معنا که در پژوهش‌های بررسی شده اولاً یک پژوهش جامع و کامل راجع به بحران هویت در شــهرهای جدید وجود ندارد که هویت را از همه‌ی جنبه‌ها مورد بررســی قرار داده باشــد؛ به این صـورت که در اغلب آن ها تنها یک بعد هویت مثلاً بعد کالبدی یا اجتماعی بررسـی شـده اسـت. ثانیاً تنها با بررسی وضـعیت میانگین عوامل مؤثر بر هویت‌بخشی به شهرهای جدید، وضعیت تنوع در این شهرها بررسی شده و سپس همبسـتگی آن‌ها با متغیرهایی نظیر سن، تحصیلات و مدت سکونت سنجیده شده است. در حالی که در این پژوهش علاوه بر سـنجش وضـعیت عوامل هویت‌بخش در شـهرک سـپاهان‌شـهر، میزان اثرگذاری متغیرها بر یکدیگر و بر حس‌تعلق سنجیده شده و به عبارتی نقش هر یک در ارتقای حس‌تعلق مشخص گردیده است که بر مبنای آن می‌توان به اولویت‌بندی هر یک از عوامل پرداخت.

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش مورد استفاده نیز توصیفی-تحلیلی است. به منظور تحلیل توصیفی داده‌ها پس از تعیین شاخص‌ها و متغیرهای ارتقای هویت بر مبنای مطالعه منابع موجود و چارچوب نظری مربوط به هویت و به ویژه هویت در شـهرهای جدید، از آزمون میانگین و نرم‌افزار SPSS نسـخه ۲۰ و به منظور تعیین اثربخشـی هر یک از متغیرها بر متغیرهای دیگر از روش تحلیل عاملی تأییدی و نرم‌افزار آموس گرافیک[3] استفاده شده است. تحلیل عاملی تکنیکی اسـت که کاهش تعداد زیادی از متغیرهای وابسـته به هم را به صورت تعداد کوچکتری از ابعاد پنهان (عامل‌ها) امکان‌پذیر می‌سـازد به طوری که در آن کمترین میزان گم شـدن اطلاعات وجود داشته باشد. تحلیل عاملی، برخلاف رگرسـیون چندگانه، تحلیل تشـخیصـی یا همبستگی کانونی (که در آنها تعداد زیادی متغیر مستقل و یک یا چند متغیر وابسته وجود دارد) روشی هم وابسته است که در آن کلیه متغیرها به صورت همزمان مدنظر قرار می‌گیرند.

1. Azizi & Arbab
2. Pazhuhan
3. Amos Graphic

با استفاده از این مدل تعدادی از معیارهای ناهمبسته با شاخص‌ها حذف گردیده و تنها معیارهایی که دارای هبستگی کامل و با معنا با شاخص‌های مورد مطالعه بودند باقی ماندند (موسوی و حکمت‌نیا، ۱۳۸٤، ص.۵۹). در نهایت مدل ارتباط این شاخص‌ها و معیارهای هر شاخص و بارعاملی آن‌ها با یکدیگر ترسیم می‌گردد.

جدول ۱. جمع‌بندی شاخص‌های هویت‌مندی شهرها، شهرهای جدید و محلات

ابعاد	عوامل	شاخص ها	منبع
عینی و ملموس	محیطی و طبیعی (اکولوژیک)	بستر جغرافیایی، طول و عرض، مقر شهر، انطباق با محیط طبیعی، عامل ایجاد شهر، توپوگرافی، هیدروگرافی، آسایش اقلیمی، نوع اقلیم، جهت تابش آفتاب، جهت جریان باد، کوه و تپه، رود، دریاچه، دره، پوشش گیاهی، تنوع خاک، مسیر آب، گونه‌های جانوری، شکل طبیعی، پاکیزگی، ارتباط با طبیعت	(گیفورد، ۱۳۷۸)، دانشپور (۱۳۷۹)، (جنکینز، ۱۳۸۱)، (قاسمی، ۱۳۸۳)، (شولتز، نوربرگ و شولتز، سیدنی‌الن ، ۱۳۸۳)، (میرمقتدایی، ۱۳۸۳)، (لینچ، ۱۳۸٤)، (حبیبی، ۱۳۸۵)، (پاکزاد، ۱۳۸۵)، (بهزادفر، ۱۳۸٦)، (حبیب و همکاران، ۱۳۸۷)، (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹)، (عزیزی، ۱۳۸۹)، (معیدفر و مقدم، ۱۳۸۹)، (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹)، (امین‌زاده، ۱۳۸۹)، (بهزادفر، ۱۳۹۰)، (رحیمیون، ۱۳۹۰)، (وحیدا و نگینی، ۱۳۹۱)، (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۲)، (پوردیهیمی و نورتقانی، ۱۳۹۲)، (مبهوت و همکاران، ۱۳۹۲)، (برزگران و همکاران،۱۳۹۲)، (پروشانسکی[1]، ۱۹۸۳)، (مارکوس[2]، ۲۰۰۰)، (وودوارد[3]، ۲۰۰۰)، (فوث[4]، ۲۰۰٤)، (راپاپورت[5]، ۲۰۰۵)، (کاظمی[6]، ۲۰۱٤)
	کالبدی و انسان ساخت	بافت کالبدی، ساختار مکانی-فضایی،شکل،ساخت اصلی، عناصر و اجزا، عناصر خطی، نشانه‌ها، گره‌ها، لبه‌ها، محلات، میادین، ورودی‌ها، نمادهای شهری، کالبد مصنوع، انتظام عوامل کالبدی، شبکه راه‌ها، شالوده شهر، فضاهای عمومی، مبلمان شهری ، طرح و شکل ساختمان‌ها، نماها، محل قرارگیری نشانه‌ها، ارتباط با کالبد، مقیاس انسانی، محصوریت فضاها، چیدمان محیط ساخته شده، توجه به ارزش‌های معمارانه، نمایانی، قدرت دعوت‌کنندگی، فضاهای سبز شهری	
ذهنی و انتزاعی	تاریخی - فرهنگی	استمرار و تداوم تاریخی، حافظه تاریخی، قدمت و سابقه تاریخی، به گوش رسیدن آوای گذشته، تداوم حضور، زمان، ارزش‌های تاریخی و فرهنگی موجود، نحوه اعمال آداب و رسوم، اعتقادات، توجه به میراث فرهنگی	
	اجتماعی	احساس تعلق، خاطره‌انگیزی، رضایتمندی از محله، تعاملات اجتماعی ساکنان، تعامل انسان و محیط شهری، روابط همسایگی، آسودگی خاطر، همبستگی، سرزندگی، انعطاف‌پذیری، احساس تعهد، راحتی، ایمنی و امنیت، خودمانی بودن، دنجی، مشارکت فعال، رویدادها، مکان‌های عمومی،کانون تشکیل جلسات، تکرار مستمر الگوی خاص از رویدادها، حضور فعال مردم، حس مالکیت، رعایت سلسله مراتب عرصه‌های خصوصی-عمومی، خیابان‌های ایمن، عدالت، رفاه، اختلاط اجتماعی ، نظارت اجتماعی، معنا، حس مکان، آرامش و آسایش	
	ادراکی	تصویر ذهنی یکپارچه و روشن، غنای حسی، آزادی انتخاب، ایجاد وحدت بصری، مفاهیم نمادها در محیط، تشخص، تشخیص، خودآگاهی، تمایز با زمینه، مشابهت، مجاورت، شمول، تجربه، خوانایی، جهت‌یابی، نشانه‌های	

1. Proshansky
2. Marcus
3. Woodward
4. Foth
5. Rapoport
6. Qazimi

ابعاد	عوامل	شاخص ها	منبع
		شهری، دلبستگی به محیط، شخصی‌سازی محیط، داشتن حس خوب به محله، شادی‌بخش بودن، خوشایندی بصری، تعهدات ساکنان نسبت به محیط	
	عملکردی	فعالیت‌های اقتصادی، سهولت دسترسی به خدمات، کارایی و عدالت، سازگاری، انطباق فرم و عملکرد، دسترسی مناسب، سرزندگی و تنوع، تعامل کارکردها، تقویت فعالیت‌های بومی، صنایع دستی، تنوع حضور عملکردها، آزادی انتخاب	
	شناختی	همانندی و تشابه،ویژگی متمایز کننده،تمایز از غیر و تشابه با خودی،تشابه در عین تمایز،تداوم در عین تحول،وحدت در عین کثرت،یگانگی و وحدت،موجودیتی مستقل و عینی،عینیتی توأم با ذهنیت،ایجاد موجودیت مستقل برای مکان،هماهنگی بین معماری و زمینه،کیفیت و کمیت اطلاع از فضای شهر	
	اقتصادی	نرخ مسکن در بافت، رفاه، در آمد، نوع شغل	

لازم به ذکر است که از بین عوامل ۸گانه عامل شناختی و ادراکی به دلیل نزدیک بودن معیارها در تدوین پرسش‌ها با یکدیگر ادغام شـدند و با عنوان عامل ادراکی مطرح شـدند و عامل اقتصـادی نیز به دلیل عدم پاسـخگویی توسط ساکنین در ۱۵ نمونه اولیه و عدم دسترسی به اطلاعات صحیح و کامل از بین شاخص‌ها حذف گردید.

جامعه آماری این پژوهش تمامی سـاکنین سپاهان‌شهر است. این شهرک که در فاصله ۸ کیلومتری جنوب دروازه شیراز شهر اصفهان، در انتهای محدوده قانونی شهر واقع شده و دارای مساحت حدود ۱۱۰۰ هکتار است (که در حال حاضـر ٤٠٠ هکتار از این اراضـی سـاخته شـده اسـت) در حال حاضـر یکی از بخش‌های منطقه ۵ شهر اصفهان به حساب می‌آید. بر طبق آمارنامه شهرداری اصفهان جمعیت این شهرک در سال ۱۳۹۹ برابر با ۳۹۷۷۷ نفر است.

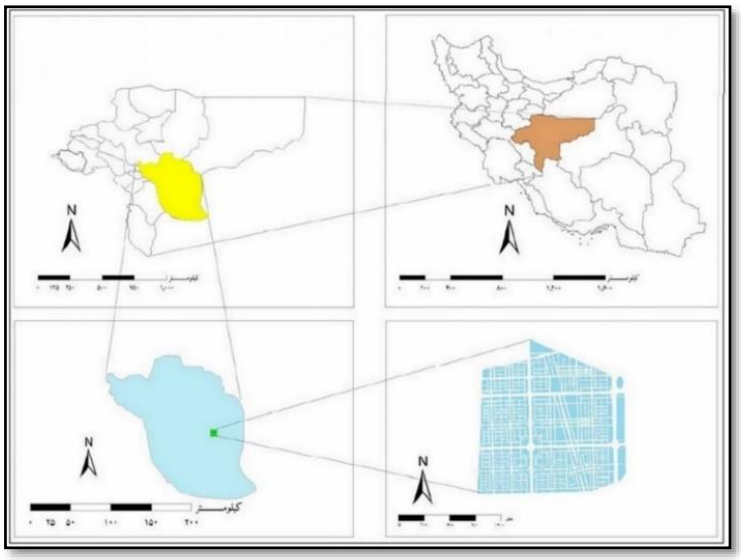

شکل۱. موقعیت فضایی استقرار محدوده مورد مطالعه در کشور، استان و شهرستان اصفهان

بـه منظور تعیین تعداد نمونه از فرمول حجم نمونه برای میانگین جامعه متناهی به روش دقت (فاصـــله اطمینان) استفاده شده است. بر طبق این فرمول تعداد نمونه آماری برای شهرک سپاهان‌شهر ۱۳۶ پرسشنامه به دست آمده که به منظور افزایش دقت ۱۵۰ پرسشنامه به صورت تصادفی در بین ساکنین شهرک توزیع گردید.

$$n = \frac{N * S^2 * t^2_{1-\frac{a}{2}}}{(N-1) * d^2 + S^2 * t^2_{1-\frac{a}{2}}} = \frac{39777 * 0.30^2 * 1.96^2}{39776 * 0.05^2 + 0.30^2 * 1.96^2} = 136$$

- n: حجم نمونه آماری
- a: دامنه آزمون (برای سطح اطمینان ۹۵٪ مقدار آلفا برابر ۱٪ است)
- t: مقدار تعیین شده از روی جدول توزیع t بر اساس سطح اطمینان
- d: خطای برآورد میانگین
- N: حجم جامعه
- S^2: انحراف معیار (عمیدی، ۱۳۸۸)

۳. یافته‌ها

۳. ۱. یافته‌های توصیفی توصیفی

براساس معیارهای به دست آمده از مبانی نظری، معیارهای هویت‌بخش به شهرهای جدید در قالب پرسشنامه در اختیار ۱۵۰ نفر از ساکنان سپاهان‌شهر قرار داده شد. نتایج حاصل از بررسی این پرسشنامه‌ها در هر یک از ابعاد ٦ گانه حاکی از آن است که:

- **شـاخص‌های محیطی و طبیعی:** سپاهان‌شهر به طور کلی، از نظر این شاخص‌ها در وضعیت خوبی قرار گرفته اسـت و سـاکنین در سـپاهان‌شـهر با اختلاف قابل توجهی در تمامی متغیرها بالاترین درصـد را به گزینه خوب اختصاص داده‌اند.
- **شـاخص‌های کالبدی و فضـایی:** به طور کلی سـاکنین سـپاهان‌شـهر از وضـع کالبدی و فضایی سپاهان‌شهر رضایت داشته و تمامی متغیرها در جمع‌بندی، امتیاز متوسط به بالا (خوب) گرفته است.
- **شاخص‌های تاریخی-فرهنگی:** از بین متغیرهای تاریخی و فرهنگی آن چه موجب هویت‌بخشی به سپاهان‌شهر شده است، تداوم سکونت ساکنان اولیه در شهر است، اما به علت نوساز بودن شهرک، قدمت نقش زیادی در هویت‌بخشی ایفا نکرده و ساکنان آن را متوسط و نسبتاً مناسب ارزیابی کردند.
- **شاخص‌های اجتماعی:** بر خلاف تصوری که اکثر افراد از شهرک‌های نوساز دارند مبنی بر این‌که ساکنان دیدگاه منفی نسبت به محل سکونتشان داشته و احساس تعلق خاطر به آن ندارند، با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته، مشاهده می‌شود که اغلب ساکنین، احساس تعلق خاطر زیادی به سپاهان‌شهر داشته و شاخص‌های اجتماعی را در مجموع خوب و متوسط رو به بالا ارزیابی کرده‌اند.
- **شاخص‌های ادراکی:** از بین متغیرهای ادراکی، ساکنین سپاهان‌شهر، وضعیت آسایش و آرامش ساکنان، آسایش و آرامش افراد پیاده، شـادی‌بخش بودن محیط را خوب و متوسط به بالا توصیف کردند. هرچند در مورد شادی بخش بودن محیط سـپاهان‌شـهر عده‌ای نیز اعلام نارضـایتی کرده و علت آن را فقدان فعالیت‌های اجتماعی و گروهی، کمبود برنامه‌های تفریحی و فرهنگی در محیط شهربیان کردند.
- **شـاخص‌های عملکردی:** از نظر سـاکنین سـپاهان‌شـهر، وجود فعالیت‌های اقتصـادی به منظور تأمین نیازهای سـاکنان و همچنین سهولت دسترسی به این خدمات برای افراد پیاده و سواره، مطلوب است. کارایی و عملکرد خدمات و فعالیت های اقتصـادی در سپاهان‌شهر نسبتاً مطلوب بوده و اغلب ساکنان از وضع خدمات و بازارها و مراکز خرید راضـی هسـتند اما به علت تمرکز و تجمع اغلب کاربری‌ها و خدمات در بلوار غدیر، تا حدودی اصل دسترسی عادلانه از تمام نقاط سپاهان‌شهر به این کاربری‌ها رعایت نشده است.

جدول۲. میانگین معیارهای هویت‌بخش در سپاهان‌شهر

ابعاد	معیار	میانگین	ابعاد	معیار	میانگین
محیطی طبیعی	موقعیت قرارگیری در محدوده شهر	٤/٠٨	اجتماعی	میزان سرزندگی و پویایی شهر	٣/٤٨
	فاصله تا اصفهان	٣/٨٧		نظارت اجتماعی بر فضاها توسط ساکنان	٣/٠٣
	انطباق با محیط طبیعی	٣/٦٧		همه شمول بودن فضاهای عمومی	٣/١٤
	توپوگرافی و شیب معابر	٣/٥		حس مالکیت و تعهد بر محیط	٣/٥٥
	آسایش اقلیمی	٣/٦٧		خودمانی و دنج بودن اماکن عمومی	٣/٤١
	وجود کوه‌ها و تپه‌های اطراف	٣/٤٥		احساس راحتی	٣/٦٥

ابعاد	معیار	میانگین
	کیفیت پوشش‌گیاهی و درختان معابر	۳/۵۷
	کیفیت پاکیزگی معابر و فضاهای باز	۳/۸۱
	نبود نخاله‌های ساختمانی و ضایعات	۳/۳۱
کالبدی و فضایی	بافت کالبدی	۳/۹٦
	رعایت سلسله مراتب معابر	۳/۹۳
	نفوذپذیربودن بافت	۳/۹٤
	کیفیت کفسازی معابر	۳/۵۲
	مناسب بودن معابر برای عبور کم‌توانان	۳/۱٤
	وجود مسیرهای دوچرخه و پیاده مناسب	۳/۲
	دسترسی به معابر برای رسیدن به فضاهای جمعی	۳/۵۳
	دسترسی به معابر برای رسیدن به مراکز خرید	۳/۷۱
	کیفیت کالبد و ساختار مراکز جمعی	۳/٦۱
	وضع میادین از نظر ساختار کالبدی	۳/٦۲
	وجود ورودی‌های منحصر به فرد	۳/۵۳
	تعداد و کیفیت مناسب مبلمان‌شهری	۲/۹۹
	وجود سطل زباله در فواصل مناسب	۳/۲۵
	وجود کیوسک تلفن در فواصل مناسب	۳/۱۵
	کیفیت فضاهای عمومی	۳/٤٦
	قابلیت تفکیک مرزهای محدوده از اطراف	۳/۵۷
	وضعیت نماهای بیرونی ساختمان‌ها	۳/۵٦
	محل قرارگیری و در دید بودن نشانه‌ها	۳/۳٦
	رعایت مقیاس انسانی در ساخت و سازها	۳/۵۷
	درمعرض دیدبودن فضاها و عدم‌وجود گوشه‌های پنهان	۳/۱۳
	قدرت دعوت‌کنندگی فضاهای عمومی	۳/٤۵
	کیفیت فضاهای سبز	۳/۵۸
	تفاوت بین ساختمان‌ها و بناها	۳/۲
	تفاوت بین بلوارهای موجود	۳/٤۹
	تفاوت بین بازارچه‌های هر محله	۳/۲۹
	تفاوت مراکز خرید و مغازه‌ها	۳/٤۲
	محصوریت فضاها	۳/٦٦
	میزان رضایت از سیما و وضع ظاهری	۳/۷
تاریخی	وضعیت قدمت، استمرار و سابقه تاریخی	۳/۰۵
	تداوم حضور ساکنان اولیه تا به امروز	۳/۷۵

ابعاد	معیار	میانگین
	ارزش‌های مشترک بین ساکنان	۳/۰۳
	اهمیت به برپایی مراسم‌های جمعی مذهبی	۳/۳٤
	تعداد مکان‌ها برای برگزاری جلسات عمومی	۲/۹۹
	رعایت مرز فضاهای عمومی و خصوصی	۳/٤۹
	میزان برخورداری از رفاه و عدالت	۳/۳۱
	رضایت از ساعات فعال بودن مراکز عمومی	۳/۳۳
	کنترل محدوده توسط تشکل‌های سیاسی	۳/۲۲
	سهولت دسترسی به تسهیلات و امکانات	۳/۷۳
	رعایت حریم خصوصی زندگی افراد	۳/۵۵
	استمرار الگوی خاصی از رویدادهای اجتماعی و فرهنگی	۳/۱۵
	امکان زندگی اجتماعی و خصوصی در کنار هم	۳/٦۱
	وضعیت ایمنی و آرامش خیابان‌های محدوده	۳/٤۳
	وضعیت و کیفیت کاربری‌های روزانه	۳/۷۷
	سازگاری مراکز خرید و عدم تداخل فعالیت‌ها	۳/۷۷
	وضعیت پویایی کاربری‌های شبانه	۳/۵٦
ادراکی	آسایش و آرامش ساکنان در محیط محدوده	۳/۸۲
	شادی بخش بودن محیط	۳/٤٦
	تأثیر نشانه‌ها در معنابخشی به محدوده	۳/۳۱
	خوانایی تابلوهای هدایت و راهنمایی رانندگی	۳/۵۷
	وضعیت آسایش و آرامش افراد پیاده	۳/۵۲
	آزادی انتخاب در استفاده از فضاهای عمومی	۳/٦۳
	خاطرات، احساس‌ها و ارزش‌های یکپارچه	۳/۲۹
	وجود تصویر ذهنی یکپارچه و روشن	۳/۵۲
	حضور فعال ساکنان در فعالیت‌های مختلف	۳/۳۸
	وجود المان و نشانه‌ها برای خوانایی	۳/۲۳
	وجود المان‌های هنری در فضاهای عمومی	۲/٤۱
	میزان خوشایندی بصری	۳/٤۷
	کیفیت خدمات پزشکی، بهداشتی و درمانی	۳/۱٤
	میزان خوانایی سپاهان‌شهر	۳/٦۵
	جهت‌یابی آسان مسیر	۳/۸۳
	میزان استفاده از عناصر شاخص در آدرس‌دهی	۳/۵۸
	میزان احساس خوب	۳/٦۸
	میزان رضایت از نام شهر	۳/٦۹

ابعاد	معیار	میانگین	ابعاد	معیار	میانگین
	تداوم سکونت ساکنان در سال‌های طولانی	۳/۷۳		تأثیر موقعیت قرارگیری عناصر شاخص در خوانایی	٤/۱۲
	وجود ارزش‌های تاریخی و فرهنگی	۲/٦٥	عملکردی	عدم نیاز به سفر به کلانشهر	۳/۷۳
	وجود اعتقادات و آداب و رسوم خاص	۲/۹٦		وضعیت وجود خدمات روزانه	۳/٦٥
	وضعیت توجه به میراث فرهنگی	۲/٤٦		عملکرد مناسب فعالیت‌های اقتصادی	۳/٥٥
اجتماعی	احساس تعلق خاطر و دلبستگی به محدوده	۳/۷۱		دسترسی عادلانه از تمام نقاط به خدمات	۳/٤٤
	تشویق دیگران به سکونت و ادامه سکونت	۳/٦۳		انطباق عملکرد با فرم ظاهری ساختمان‌ها	۳/٦۲
	تداوم در استفاده از مراکز خرید و بازارچه-ها	۳/٦٥		وجود کاربری‌های مختلط و تنوع در کاربری‌ها	۳/٤٥
	میزان وابستگی به شهر	۳/٦۸		تعامل مناسب بین کاربری‌ها و عملکردها	۳/٥٤
	میزان شناخت از همسایگان	۲/۷۱		آزادی انتخاب در هنگام خرید و تأمین نیازها	۳/۷۱
	میزان خاطره‌انگیزی	۳/۳۲		کیفیت عملکردهای مذهبی	۳/٥۲
	میزان رضایتمندی از شهر	۳/٦۹		کیفیت عملکردهای فرهنگی و تفریحی	۳/۳۳
	تمایل به ماندگاری در شهر	۳/٦٥		کیفیت عملکردهای ورزشی	۳/۱۷
	تمایل به داشتن ارتباط و تعاملات اجتماعی	۳/۱۷		کیفیت مراکز خرید زنجیره‌ای	۳/٥۸
	اهمیت به واحدهای همسایگی و خانوارهای اطراف	۳/۲۷		تحریک احساس‌ها و هیجانات، با حضور در فضاهای عمومی	۳/۲۷
	میزان ارتباط با فضاهای مذهبی-فرهنگی موجود	۳/۰۳		مستقل بودن نسبت به کلانشهر	۳/۷۷
	تأثیر حضور در مجتمع‌های چندواحدی در همبستگی ساکنان	۳/۰٤		وضعیت قیمت زمین و مسکن	۲/۹۹
	ارتباط با فضاهای تفریحی و ورزشی موجود	۳/۳۸		وضعیت رفاه اقتصادی	۳/۱۱
	مشارکت ساکنان در فعالیت‌های اجتماعی	۲/۹۷		رونق کسب و کار و فعالیت‌های تجاری موجود	۳/۳۲

۳. ۲. یافته‌های استنباطی

شش بعد هویت بخش به شهرهای جدید، به همراه حس تعلق به عنوان متغیر وابسته ۷ متغیر مدل تحلیل عاملی برای این پژوهش هستند که به صورت مدل تحلیل مسیر در محیط نرم‌افزار AG ترسیم شده است. این مدل در واقع یک مدل ساختاری است که دارای متغیرهای مشاهده شده بیرونی و درونی هستند؛ که ضمن سنجش آلفا، به نحوه ارتباط بین متغیرها پرداخته شده است. پس از تدوین مدل پژوهش، میزان اثربخشی آن‌ها و در نتیجه میزان تأثیرگذاری بر متغیر وابسته احساس تعلق (Y_5) پرداخته شده است. کواریانس بدین مفهوم است که، اگر با تغییر مثبت یا منفی متغیر مستقل، متغیر وابسته نیز دچار تغییر شود، بنابر این ارتباط معناداری بین آن ها وجود دارد؛ و مقدار P.VALUE

آن بایستی کمتر از ۰/۰۵ باشد که به این مفهوم است که، این رابطه دارای تفاوت معناداری با صفر است. با توجه به (شکل ۲)، که در آن مقادیر مربوط به هریک از متغیرها لحاظ شده، مشخص شده که ارتباط و هم تغییری بین برخی متغیرها وجود ندارد. که این متغیرها به این شرح است: $X_1 \rightarrow Y_5$ ، $X_1 \rightarrow Y_2$ ، $X_2 \rightarrow Y_2$ ، $X_2 \rightarrow Y_5$ ، $Y_1 \rightarrow Y_5$ و $Y_3 \rightarrow Y_5$. بنابراین ٦ مسیر از مدل اولیه حذف شده تا بر این اساس مدل به برازش مطلوبی برسد.

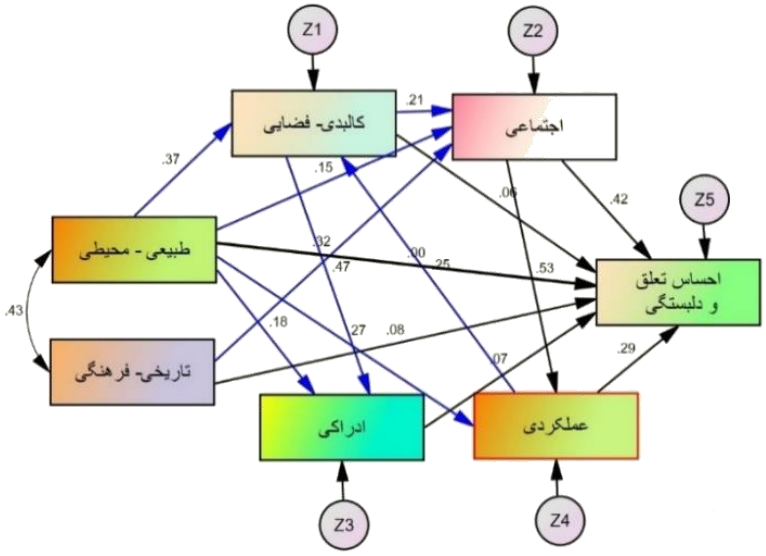

شکل ۲. ارزش‌های مدل مفروض

شکل ۳ امتیاز استاندارد شده متغیرها را نشان داده، اگر مقایسه‌ای با شکل (۲) که غیراستاندارد است داشته باشیم، می‌بینیم که مقادیر استاندارد پایین‌تر از مقادیر غیراستاندارد است. به عنوان مثال ارتباط بین X1→Y2 در مدل غیر استاندارد ۰/٤۸ است، که برای استاندارد شده برابر با ۰/۳۹ است. بنابراین در مدل استاندارد شده نهایی، مقادیر خطاها، ارتباط بین متغیرها را کم می‌کند و به واقعیت بسیار نزدیک‌تر است.

جدول ۳ وزن رگرسیونی متغیرها را نشان می‌دهد. متغیرهایی که مقادیر بتا (Estimate) بالاتری داشته باشد و مقدار P.VALUE آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ باشد، دارای اثربخشی بیشتری بر متغیر وابسته هستند. با توجه به این جدول مشخص است که در شهرک سپاهان‌شهر دو متغیر اجتماعی (Y2) و عملکردی (Y4)، به صورت مستقیم بر روی احساس تعلق اثرگذار بوده، و سایر متغیرها (طبیعی–محیطی، تاریخی–فرهنگی، کالبدی و ادراکی) به صورت غیرمستقیم بر دلبستگی و احساس تعلق ساکنان اثرگذار بوده است.

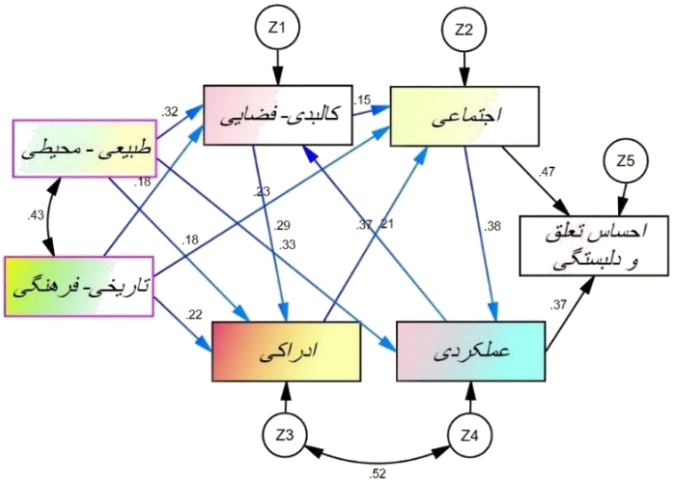

شکل ۳. وزن‌های رگرسیونی استاندارد

جدول ۳. وزن رگرسیونی ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته

			ضریب بتا	خطای معیار از میانگین	نسبت بحرانی	سطح معناداری
کالبدی-فضایی	<---	طبیعی-محیطی	۰/٤٨١	۰/۰٩٤	٥/۰٩٧	***
عملکردی	<---	طبیعی-محیطی	۰/٣٨٦	۰/۰٨٦	٤/٥۰٧	***
اجتماعی	<---	تاریخی-فرهنگی	۰/٢٣٢	۰/۰٤٦	٥/۰۰٤	***
احساس تعلق	<---	اجتماعی	۰/٦٨٣	۰/۱۰۱	٦/٧٣۰	***
احساس تعلق	<---	عملکردی	۰/٤٣۰	۰/۰٨٢	٥/٢٧٧	***
ادراکی	<---	طبیعی-محیطی	۰/٢٨١	۰/۱٢٢	٢/٢٩٩	۰/۰٢۱
ادراکی	<---	کالبدی-فضایی	۰/٦١٩	۰/۱۰۰	٦/١٨٩	***
اجتماعی	<---	کالبدی-فضایی	۰/٢٥٦	۰/۰٧٢	٣/٥٦۰	***
کالبدی-فضایی	<---	عملکردی	۰/۱٩٢	۰/۰٧٦	٢/٥١٤	۰/۰۱٢
عملکردی	<---	اجتماعی	۰/٦٥٣	۰/۰٧٩	٨/٢٧٣	***

بر این اساس دو مسیر مستقیم بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (احساس تعلق Y5) وجود دارد:

مسیر شماره ۱: Y5←Y2، بیانگر اثربخشی متغیرهای اجتماعی بر احساس تعلق است. همانطور که در تحلیل‌های توصیفی نیز بیان شد، از بین متغیرهای اجتماعی، بالاترین امتیاز مربوط به احساس رضایتمندی، دلبستگی و وابستگی ساکنان سپاهان‌شهر و همچنین تمایل ساکنان به ماندگاری و ادامه سکونت در سپاهان‌شهر است. همچنین درصد بالایی از ساکنان دیگران را تشویق به سکونت در سپاهان‌شهر می‌کنند. ساکنان این حس تعلق خاطر بالا را ناشی از احساس راحتی و رفاه و عدالت در سپاهان‌شهر می‌دانند.

مسیر شماره ۲: Y5←Y4، بیانگر ارتباط و اثربخشی متغیرهای عملکردی بر روی متغیر احساس تعلق و دلبستگی است. با توجه به تحلیل‌های توصیفی، ساکنان از فعالیت‌های اقتصادی و مراکز تجاری سپاهان‌شهر نسبتاً رضایت داشته و کارایی آن‌ها را مطلوب ارزیابی کرده‌اند. همچنین اکثر ساکنان نیازهای روزانه و ماهانه خود را از سپاهان‌شهر تأمین می‌کنند و سپاهان شهر را از نظر عملکردی شهرکی مستقل می‌دانند. متغیر دیگری که ساکنان از آن احساس رضایت کرده تنوع کاربری‌ها و وجود کاربری‌های مختلط در سپاهان‌شهر است که به ساکنان آزادی انتخاب داده و سلایق مختلف ساکنان را در نظر گرفته است. همچنین ساکنان کیفیت سایر کاربری‌ها اعم از مذهبی، فرهنگی، ورزشی، تفریحی و ... را نیز مطلوب می‌دانند.

سایر متغیرها به صورت مستقیم ارتباط معناداری با متغیر وابسته احساس تعلق و دلبستگی نداشته اند، بنابراین از مدل پژوهش حذف شده‌اند.

برای سنجش برازش مدل، از جدول کای اسکوئر استفاده شده است. با توجه به مقدار کای اسکوئر که برابر با ۹۱/۲۷ است و از مدل استقلال فاصله زیادی دارد، نتیجه می‌شود که مدل مناسب است. هرچند ممکن است در پاره‌ای از موارد نیاز به اصلاح داشته باشد.

جدول ٤. مقدار خی ۲ و سطح معناداری آن

مدل	تعداد پارامتر	کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معناداری	کای اسکوئر نسبی
مدل مفروض	۱۸	۹۱/۲۷۸	۱۰	۰/۰۰۰	۹/۱۲۸
مدل اشباع شده	۲۸	۰/۰۰۰	۰		
مدل استقلال	۷	۵۲۵/۰۸۹	۲۱	۰/۰۰۰	۲۵/۰۰٤

٤. بحث

شهرها و شهرک‌های جدید که به عنوان راه‌حلی برای برون‌رفت از مشکل افزایش تراکم جمعیتی در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها در سراسر دنیا ایجاد شده‌اند، امروزه تنها به عنوان خوابگاهی برای ساکنان به حساب می‌آیند. این در حالی است که شهرها به عنوان مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط‌های شناخته شده توسط انسان؛ دارای هویتی خاصی است. هویتی که شهر را از سایر شهرها متمایز می‌سازد و به جمعیت ساکن در آن معنا می‌بخشد. در این رابطه پژوهش‌های مختلف انجام شده که در آن‌ها بر ابعاد مختلف در ایجاد هویت شهرها تأکید شده است. والتر بور[1]، بر قابلیت بازشناسی یک مکان، و حس دلبستگی و حساسیت به محیط اشاره می‌کند که از طریق ایجاد تنوع در شکل و نحوه قرارگیری فضاها، دسترسی به فضاها و کاربری‌ها به وجو می‌آید. به عبارتی هویت‌بخشی از طریق ابعاد ادراکی حاصل می‌شود که برای دستیابی به آن می‌توان از تغییر در ابعاد کالبدی و

1. Boore

عملکردی بهره برد (کاظمی[1]، ۲۰۱٤). علاوه بر این نتایج پژوهش انجام شـــده توســـط وارثی و همکاران در ســـال ۱۳۹۰در فولادشـهر اصـفهان، سـرایی و همکاران در سال ۱۳۹٤ در جهرم و ربانی و همکاران در سال ۱۳۸۹ در شهر جدید پردیس نیز نشـان‌دهنده همبسـتگی مثبت بین میزان رضـایت سـاکنین از دسترسی به خدمات شهری، احساس تعلق و هویت شـهری اسـت (وارثی و همکاران،۱۳۹۰، سـرایی و همکاران، ۱۳۹٤ و ربانی و همکاران ۱۳۸۹). نتایج این تحقیق نیز نشـان‌دهنده ارتباط مستقیم و مثبت بین شاخص‌های عملکردی هویت شهری بر ایجاد و افزایش حس تعلق اسـت تاجایی که بخشی از رضایت ساکنان در شاخص‌های هویت‌بخش در سپاهان‌شهر مربوط به شاخص‌های عملکردی اسـت. به گونه‌ای که سـاکنان سـپاهان شـهر را از نظر عملکردی شـهرکی مستقل می‌دانند و معتقدند تنوع کاربری‌ها به سـاکنان آزادی انتخاب داده و سلایق مختلف ساکنان را در نظر گرفته تا نیازهای آن‌ها را بر اساس سلایق مختلف برطرف کند.

از ســوی دیگر در پژوهش‌های دیگر این هویت چیزی بیشــتر از ابعاد کالبدی و به عنوان زیرســاختی از هویت شـخصـی شـامل هویت اجتماعی و جنسـیتی و شناخت محیط کالبدی تعریف می‌گردد. این شناخت نیز به افکار و ارزش‌های افراد مختلف در رابطه با مکان و ارتباط میان مکان‌ها بسـتگی دارد (پروشـانسـکی[2]، ۱۹۸۳). در این رابطه فوث به اهمیت روابط اجتماعی اشاره می‌کند و معتقد است این روابط در شهرهای قدیمی از طریق مکان‌های عمومی مرکزی به عنوان کانون تشـکیل جلسات سنتی (میدان و بازار)، ایجاد می‌شد. به عبارتی حس هویت و احساس تعلق دیگر خیلی کمتر از آجرها و مصالح به کار رفته در ساختمان‌ها مشتق می‌شود (فوث[3]، ۲۰۰٤). پژوهان و همکاران نیز بر اهمیـت عوامل کالبدی و توجه به ویژگی‌های شـــهرســـازانه در ایجاد و تقویت حس هویت تأکید نموده اســـت (پژوهان[4] و همکاران، ۲۰۱۵). این در حالی اســـت که نتایج پژوهش اســـماعیل و همکاران(۲۰۰۸) در شـــهر جدید پوتراجایا نشان‌دهنده عدم تأثیر عوامل کالبدی و نحوه طراحی شهرها در ایجاد حس تعلق به محیط است (اسلامی[5] و همکاران، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش خلیلی و دهقانی نیز مؤید این نکته اســـت که کیفیات کالبدی تنها یک بعد از تجربه مکان هســـتند و ارتباطات اجتماعی به عنوان عواملی مهمتر باید مورد توجه قرار گیرد (خلیلی و دهقانی، ۱۳۹۹). در این رابطه ترابی و سـیما در پژوهش خود بر ۳ بعد معنا، فعالیت و کالبد تأکید دارند (ترابی و سـیما[6]، ۲۰۱۳).شاخص اجتماعی نیز در این پژوهش به عنوان یکی دیگر از شـاخص‌های هویت‌بخش به دسـت آمده که به طور مسـتقیم بر افزایش حس‌تعلق تأثیرگذار هسـتند. ساکنان این شهرک بر خلاف دیدگاه غالبی که در رابطه با این شهرها وجود دارد، نسـبت به شـهر احساس رضایت دارند و تمایل به سکونت در این شهر دارند و دیگران را نیز به زندگی در این شهر

1. Qazimi
2. Proshansky
3. Foth
4. Pazhuhan
5. Ismail
6. Torabi & Sima

تشـــویق می‌کنند. این امر بر اســـاس نتایج به دســـت آمده از پژوهش و بالاتر بودن میانگین متغیرهای حس تعلق و دلبستگی به محیط و تشویق ساکنین به حضور در شهرک سپاهان از ۳ (حد متوسط طیف لیکرت) مشخص است.

در شـــهرهای جدید موضـــوع دیگری که مورد تأکید قرار می‌گیرد و عمدتا به عنوان نقطه ضـــعف باعث کاهش هویت شهرها می‌گردد، قدمت پایین این شهرها و نداشتن سابقه سکونت طولانی است (عزیزی و عرب[1]، ۲۰۱۲). در سپاهان‌شهر نیز این عامل به عنوان یکی از نقاط منفی بوده اما در عوض تداوم سکونت ساکنان اولیه در سپاهان‌شهر به عنوان یک عامل مثبت باعث تقویت حس هویت و تعلق به سپاهان‌شهر شده است.

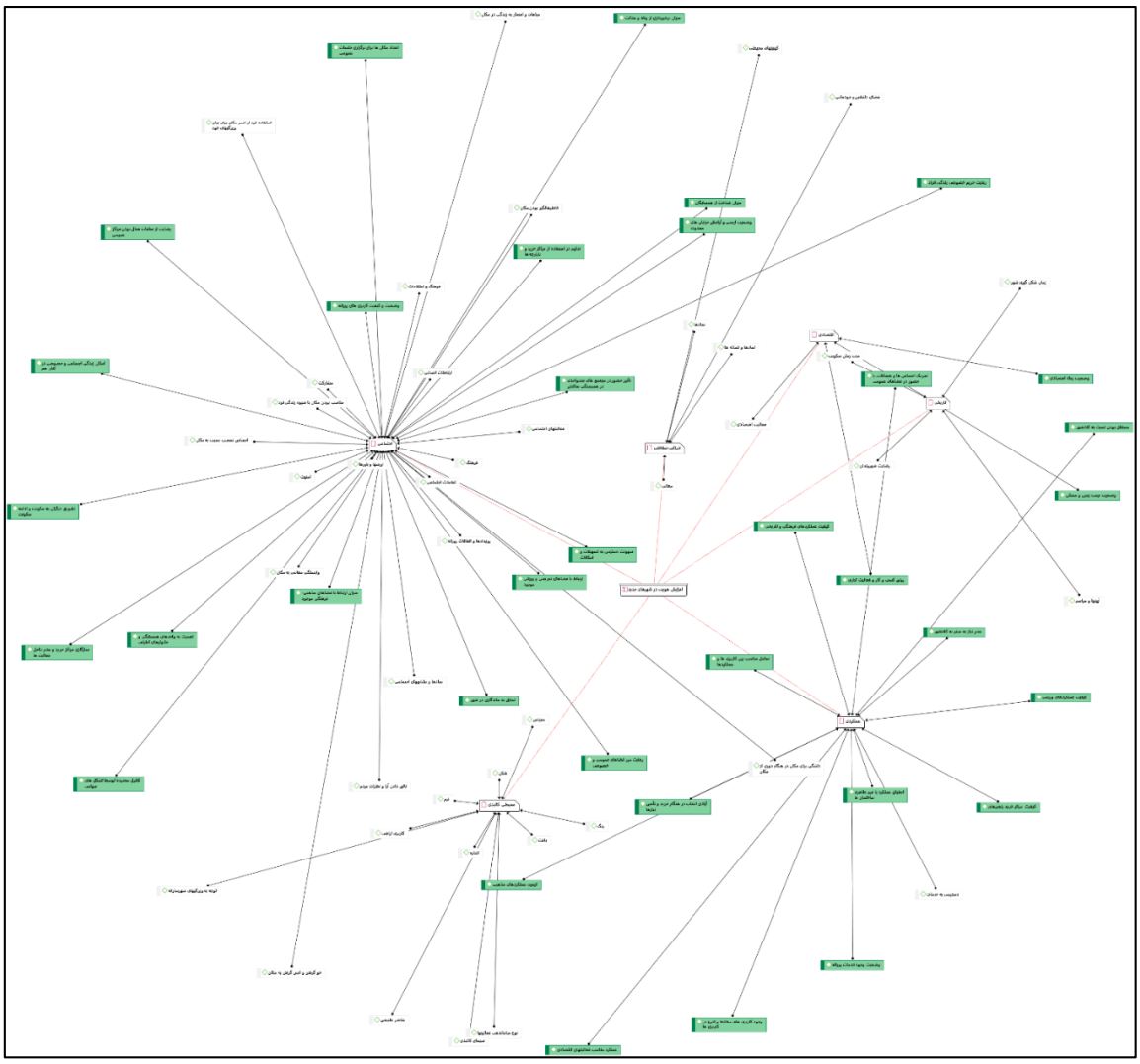

شکل ٤. فراتحلیل یافته‌های پژوهش‌های مشابه در مقایسه با پژوهش حاضر

1. Azizi & Arab

بر اساس عوامل پیش‌گفته می‌توان به این نتیجه رسید که این پژوهش ترکیبی از نتایج به دست آمده از تحقیقات پیشین را در قالب مدل عوامل مؤثر بر ایجاد حس‌تعلق به دست آورده است. بر اساس این مدل دو عامل عملکردی و اجتماعی به صورت مستقیم و سایر عوامل و ابعاد از طریق این دو عامل بر ایجاد حس‌تعلق اثرگذار هستند.

۵. نتیجه‌گیری

امروزه با توجه به پیشرفت‌های دنیای جدید و افزایش جمعیت و گسترش شهرها و همچنین شکل‌گیری شهرهای جدید و پیرامونی، به مساله هویت و ایجاد حس تعلق ساکنان به شهر کمتر توجه شده است. این موضوع باعث شده که ویژگی و هویت مکانی ساکنان شهرها از بین برود و جامعه به یک فضای فرهنگی بی‌هویت، بدون تشخص و پیچیده تبدیل شود. با ایجاد ویژگی‌های مکانی و هویتی می‌توان حس تعلق فرد به مکان خاص و یا شهر را ایجاد و تقویت نمود. این موضوع به ویژه در شهرهای جدید حائز اهمیت است. چرا که در این شهرها عموما مجموعه‌ها به صورت شطرنجی، بدون همخوانی با محیط پیرامونی و بدون توجه به مسائل بوم‌شناختی، اقلیمی و نیز ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی قشری که قرار است سکنی داده شوند، ساخته شده‌اند و معمولا نقش خوابگاهی بزرگ را ایفا می کنند و هیچ گونه تعلقی در ساکنان به وجود نمی‌آورد بر این اساس این پژوهش با هدف تحلیل ابعاد هویت شهری و اثرگذاری آن‌ها بر حس تعلق شهروندان در شهرک جدید سپاهان شهر اصفهان انجام شده است. مهمترین یافته‌های این پژوهش در پاسخ به پرسش‌های پژوهش نشان‌دهنده موارد زیر است:

- شاخص‌های مؤثر بر هویت‌بخشی به شهرک‌های جدید بر مبنای مطالعه مبانی نظری در ۸ گروه محیطی-طبیعی، کالبدی-فضایی،تاریخی، اجتماعی، ادراکی، عملکردی، شناختی و اقتصادی قابل طبقه‌بندی هستند. که در این پژوهش ۲ شاخص شناختی و ادراکی به دلیل شباهت در معیارها و گویه‌ها با یکدیگر ادغام شده و شاخص اقتصادی نیز به دلیل عدم پاسخگویی توسط ساکنان در ۱۵ نمونه اولیه و در نتیجه عدم دسترسی به اطلاعات حذف شده است.
- با توجه به پرسش‌های انجام گرفته از ساکنین شهرک سپاهان‌شهر، ساکنین در مجموع از شاخص‌های محیطی-طبیعی، کالبدی-فضایی، تاریخی-فرهنگی، اجتماعی، ادراکی راضی بوده‌اند و این شاخص‌ها به ترتیب در مجموع امتیاز ۳/٦٦، ۳/٤٨، ۳/۱، ۳/۳۸، ۳/٤۹ و ۳/٤٦ (متوسط به بالا) را به خود اختصاص داده است. لازم به ذکر است که در بین معیارهای شاخص تاریخی- فرهنگی آن چه موجب هویت‌بخشی به سپاهان‌شهر شده است، تداوم سکونت ساکنان اولیه در شهر است، اما به علت نوساز بودن شهرک، قدمت نقش زیادی در هویت‌بخشی ایفا نکرده است و ساکنان آن را متوسط و نسبتاً مناسب ارزیابی کردند. علاوه بر این در شهرک عدم وجود نشانه و المان، عدم شناخت ساکنان و همسایگان از یکدیگر و روابط و تعاملات ضعیف بین آن‌ها و همچنین وجود ساختمان‌ها و بناهای

مشـابه و عدم وجود تمایز و تفاوت مناسـب که موجب شـاخص شـدن آن‌ها از یکدیگر شـود باعث نارضایتی و کاهش احساس تعلق و دلبستگی ساکنان به شهرک و پایین آمدن هویت شده است.

- شاخص‌های اجتماعی و عملکردی به ترتیب با بارهای عاملی ۰/٦٨٣ و ۰/٤٣٠ بیشترین تأثیر را بر روی احسـاس تعلق سـاکنان شـهرک سـپاهان‌شـهر داشـته‌اند؛ که به طور واضـح‌تر می‌توان به کیفیت بالای کاربری‌ها و عملکردهای موجود در سپاهان شهر، به خصوص کاربری‌های تجاری، مذهبی- فرهنگی و فضـای سـبز، رضـایتمندی زیاد ساکنان و احساس آرامش و آسایش در محیط و تمایل بالای ساکنان به ادامه سـکونت در سـپاهان‌شهر اشاره کرد. این دو شاخص از بین شش شاخص اشاره شده به صورت مسـتقیم بر افزایش حس تعلق شـهروندان اثرگذار هستند. لازم به ذکر است که از بین دیگر شاخص‌ها، شـاخص طبیعی- محیطی با بار عاملی ۰/۳٨٦ بر شاخص عملکردی و شاخص‌های کالبدی- فضایی و تاریخی- فرهنگی به ترتیب با بار عاملی ۰/۲٥٦ و ۰/۲۳۲ بر متغیر اجتماعی و از آن طریق بر احسـاس تعلق شـهروندان اثرگذار هسـتند و به عبارتی رابطه‌ای غیر مسـتقیم با احساس تعلق دارند. لازم به ذکر اسـت که نتایج تحلیل توصـیفی نیز نشـان‌دهنده آن است که به علت نوساز بودن شهرک سپاهان‌شهر و پایین بودن قدمت آن از اهمیت تاثیر شـاخص تاریخی- فرهنگی بر احسـاس تعلق ساکنان کاسته شده است.

بر این اسـاس برای افزایش هویت در شهرهای جدید سپاهان‌شهر اقداماتی در شکل ٥ پیشنهاد شده است. لازم به ذکر است که با توجه به اینکه عامل اجتماعی و عملکردی تأثیری مستقیم بر احساس تعلق شهروندان دارند، به منظور ارتقای حس تعلق شهروندان لازم است اقدامات مربوط به این دو عامل در اولویت قرار گیرد.

بعد	اقدامات
محیطی-طبیعی	- ارتقا حمل و نقل عمومی با افزایش تعداد و کیفیت اتوبوس‌ها - طراحی مسیرهای مخصوص پیاده با شیب مناسب - افزایش پوشش‌گیاهی و طراحی آب‌نما در فضاهای عمومی - تزریق کاربری تفریحی، ورزشی و گردشگری به منظور شاخص کردن شهرها - تدوین مقرراتی برای در معرض دید نگذاشتن نخاله‌های ساختمانی
کالبدی-فضایی	- طراحی مسیرهای خاص برای عبور ناتوانان و کفسازی مناسب آن‌ها - طراحی مسیر دوچرخه و پیاده با پوشش گیاهی و کف سازی مناسب به منظور تبدیل نمودن آن به مسیر تفریحی- ورزشی - استفاده از عناصر شاخص در میدان مرکزی و ایجاد تمایز با استفاده از پوشش‌گیاهی خاص برای تبدیل شدن به یک عنصر هویت بخش - طراحی سردر و طاق‌های متفاوت و متناسب با زمینه شهرها - بهبود وضعیت مبلمان در فضاهای شهری - تکمیل پارک‌های مرکزی شهری به منظور ارائه خدمات مناسب به ساکنان - ارائه ضوابطی به منظور تنوع در نماسازی ساختمان‌ها - طراحی عناصر شاخص متناسب با زمینه و در معرض دید قرار دادن آن‌ها به منظور افزایش کیفیت-های خوانایی و تشخص - بازسازی مجدد بازارچه‌ها و استفاده از تزئینات و جزئیات متفاوت برای آن‌ها و همچنین استفاده از المان‌ها برای متمایز ساختن این بازارچه‌ها - افزایش امنیت از طریق طراحی فضاهای گمشده و طراحی برای افزایش کنترل و نظارت عمومی

بعد	اقدامات
تاریخی	- برگزاری مراسم‌های خاص به منظور ترویج ارزش-ها در بین ساکنان - تدوین ضوابط به منظور استفاده از اشکال هندسی سنتی در ساخت و سازها
اجتماعی	- برگزاری جلسات عمومی، همایش ها و ... به منظور افزایش تعاملات اجتماعی - ساماندهی فضاهای عمومی و تزریق فضاهای تفریحی- ورزشی و فرهنگی در سطح شهر - درنظر گرفتن مکان‌های مناسب برای برگزاری مراسم های عمومی - طراحی مناسب مکان‌های تجمع برای افزایش قدرت دعوت کنندگی این اماکن - درنظر گرفتن گشت‌های دوره‌ای در سپاهان شهر در ساعات مختلف شبانه روز در مکان‌هایی که امکان کنترل و نظارت توسط مردم وجود ندارد -در نظر گرفتن کاربری های فعال شبانه در بازارچه-های محلات به منظور ارتقا پویایی و امنیت - تأسیس شورای محلی در شهرها از ساکنان به منظور افزایش تعهد و در نتیجه افزایش حس تعلق ساکنان
ادراکی	- طراحی و جانمایی المان‌های مناسب و متنوع در فضاهای عمومی - استفاده از رنگ‌های مهیج و نورپردازی‌های خاص در طراحی فضاهای عمومی - مکانیابی درست عناصر خاص برای تقویت حس جهت‌یابی و در نتیجه هویت
عملکردی	- بهبود کیفیت کاربری‌های موجود و ارائه خدمات متنوع از طریق آن‌ها به ساکنان - تأسیس کاربری‌های آموزشی، فرهنگی، درمانی و ورزشی در شهرها به منظور افزایش رضایتمندی ساکنان

شکل ۵. اقدامات پیشنهادی هویت‌بخشی به شهرهای جدید

٦. تقدیر و تشکر

ما از همه افراد برای مشاوره علمی در این مقاله سپاسگزاریم.

۷. تضاد منافع

نویسندگان هیچ گونه تضاد منافعی را اعلام نکردند.

کتاب‌نامه

۱. امین‌زاده، ب. (۱۳۸۹). ارزیابی زیبایی و هویت مکان. *نشریه هویت شهر*، ٤ (۷) ، ١٤-۳.

۲. برزگران، ش.، حسن‌زاده، س.، مرادخانی، ا.، و داناسالم، م. (۱۳۹۲). بازخوانی شاخص‌های مؤثر در هویت شهری و محله‌ای(با نگرشی بر برنامه‌ریزی در جهت ارتقا هویت محله سرتپوله سنندج). اولین همایش منطقه‌ای معماری و شهرسازی، سقز: مرکز آموزش عالی علمی کاربردی سقز.

۳. بنی‌هاشمی، م. (۱۳۹۲). هویت مکان از دیدگاه کوین لینچ و ادوارد رلف (با نگاهی بر نظرت افرادی چون اریکسون، اوژه، نایرن، کمیوس، اشتراسر، پونتی، دوبوس، لارنس و ...). بازیابی ۳/۱۸/ ۱۳۹۸ از (www.shahrsaz.ir)

٤. بهزادفر، م. (۱۳۹۰). *هویت شهر (نگاهی به هویت شهر تهران)*. چاپ سوم. تهران: مؤسسه نشر شهر.

۵. پاکزاد، ج. (۱۳۸۵). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. جلد ۱. تهران: انتشارات شهیدی.

٦. پوردیهیمی، ش.، و نورتقانی، ع. (۱۳۹۲). هویت و مسکن؛ بررسی سازوکار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی. *فصلنامه علمی- پژوهشی مسکن و محیط روستا*، ۳۲ (١٤١)، ۱۸- ۳

۷. جنکینز، ر. (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی*. (تورج یاراحمدی مترجم). تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

۸. جوان فروزنده.ع.، و مطلبی. ق (۱۳۸۹)، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن. *نشریه هویت شهر*، ۵ (۸)، ۳۷-۲۷.

۹. حبیب، ف.، نادری، م.، و فروزانگهر، ح. (۱۳۸۷). پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت (کالبد شهر تابع هویت یا هویت تابع کالبد شهر؟). *نشریه هویت شهر*، ۲ (۳)، ۱۳- ۲۳.

۱۰. حبیبی، ح. (۱۳۸۵). *شهر جدید آستانه‌ای برای تکوین خاطره و حافظه شهری. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید*. جلد دوم، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.

۱۱. خلیلی، ا.، و دهقانی، م. (۱۳۹۹)، سنجش و تحلیل فضایی هویت شهری در مقیاس نواحی شهر جدید هشتگرد. *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، (۲۸)، ۸۷-٦۹.

۱۲. ربانی، ر.، کریمی‌زاده، س.، و نظری، ج. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی شهرهای جدید(مطالعه موردی شهر پردیس تهران). *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۱(۳)، ۱۲۸-۱۰۱.

۱۳. رحیمیون، ع. ا. (۱۳۹۰). هویت‌بخشی به شهر از طریق بهره‌گیری از عناصر طبیعی (نمونه موردی شهر همدان). *هویت شهر*، ۵(۹)، ۹۳- ۱۰٤.

١٤. سرایی، م. ح.، روستا، م.، و اشنویی، ا. (١٣٩٤). ارزیابی هویت محله‌ای در جهرم. *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۳(۱)، ۸٤-٦۹.

۱۵. سفردوست، ا. (١٣٨٤). *پژوهش در شناخت هویت کالبد شهر رشت*. چاپ اول. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی سازمان عمران و بهسازی شهری.

١٦. شولتز، د.، شولتز، و س.ا. (۱۳۸۳). *نظریه‌های شخصیت*. (یحیی سیدمحمد مترجم) تهران: موسسه نشر.

۱۷. عزیزی، م.م.، و ارباب، پ. (۱۳۸۹). شناسایی و ارزیابی فرآیند شکل‌گیری هویت در شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد). *هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۲ (۴۲)، ۴۷- ۵۸.

۱۸. قاسمی اصفهانی، م. (۱۳۸۳). *اهل کجا هستیم؟ (هویت‌بخشی به بافت‌های مسکونی)*. تهران: انتشارات روزنه.

۱۹. قاسمی، و.، و نگینی، س. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی با تأکید بر هویت محله‌ای در شهر اصفهان. *جغرافیا: مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۲ (۷)، ۱۱۳- ۱۳۶.

۲۰. قلعه‌نوئی، م.، صالحی‌نیا، م.، و پیمانفر، س. (۱۳۹۲). معنای فضای شهری در دو طیف مسلمان و یهودی. *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، (۱۷)، ۱۸۴-۱۷۳.

۲۱. گیفورد، ر. (۱۳۷۸). روان‌شناسی محیط مسکونی. *فصلنامه معماری و فرهنگ*. (۲و۳).

۲۲. لینچ، ک. (۱۳۸٤). *تئوری شکل خوب شهر*. (سید حسین بحرینی مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۳. لینچ، ک. (۱۳۹۵). *سیمای شهر*. (منوچهر مزینی مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲٤. مبهوت، م. ر.، منتظری، ز.، و طوسیان، ح. (۱۳۹۲). تأثیرگذاری المان‌های شهری بر هویت فضای شهری. همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار. مشهد: موسسه آموزش عالی خاوردان.

۲۵. مشکینی، ا.، قاسمی، ا.، حمزه‌نژاد، م. (۱۳۹۳)، ارزیابی حس تعلق به مکان ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد). *فضای جغرافیایی*، *۱٤*(٤۸)، ٥٦-٤۱.

۲٦. معلمی، م. (۱۳۸٦)، هویت شهری، هویت مسکونی، مفاهیم گمشده امروزی. *ماهنامه راه و ساختمان*، (٤۸).

۲۷. معیدفر، س.، و مقدم، غ.ر. (۱۳۸۹). نقش هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای نابهنجار اجتماعی در شهر (مطالعه محله‌های شهر تهران). *مجله مسائل اجتماعی ایران*، (۲)، ۱۱۵- ۱٤۳.

۲۸. موسوی، م.، و حکمت‌نیا، ح. (۱۳۸٤)، تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌ها در تعیین عوامل مؤثر بر توسعه انسانی نواحی ایران. *مجله جغرافیا و توسعه*، ۳(٤)، ٦۹-٥٥.

۲۹. میرمقتدایی، م. (۱۳۸۳). معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها. *هنرهای زیبا*، (۱۹)، ۲٦-۱۷.

۳۰. میشل. ژ.، و وارنیه. ب. (۱۳۸۳). *شهرهای جدید* (محمد تقی زاده مطلق و رضا کربلایی نوری مترجم)، جلد سوم (شهرهای جدید)، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.

۳۱. نصر، ط. (۱۳۹۵). جایگاه نشانه‌های شهری در واکاوی مؤلفه‌های هویت و فرهنگ در سیمای شهر ایرانی (مطالعه موردی: بررسی سیمای شهر شیراز). نشریه هویت شهر، *۱۱*(۲۹)، ۲۸-۱۷.

۳۲. نوفل، ع.ر.، کلبادی، پ.، و پورجعفر، م.ر. (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی شاخص‌های موثر در هویت شهری. *آرمانشهر*، ۲ (۳)، ٦۹-٥۷.

۳۳. وارثی، ح. ر.، عامل بافنده، م.، و محمدزاده، م. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلبهار). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۲(۱)، ۱۷- ۳٦

۳٤. وارثی، ح.ر.، علی‌زاده، ج.، و صـــالحی، م. (۱۳۹۰). تحلیـل و ارزیابی احســـاس هویت ســـاکنین در شـــهرهای جدید(نمونه موردی: شهر جدید فولاد شهر). *مجله علمی-تخصصی برنامه‌ریزی فضایی*، ۱(۳)، ٦۲-۳۷.

۳۵. وحیدا، ف.، و نگینی، س. (۱۳۹۱). ساخت و اعتباریابی مقیاس هویت محله‌ای، *مطالعات شهری*، ۲ (۲)، ۵۸- ۳۵.

36. Azizi, M., & Arbab, P. (2012). Study of the identification and sense of place in new environments. *International Scientific Journal Architecture and Engineering*.
37. Chapman. D. (2005). *Creating Neighborhoods and Places in the Built Environment*. second edition, London: Routledge, Taylor & Francis.
38. Foth, M. (2004). *Designing networks for sustainable neighborhoods: A case study of a student apartment complex*. Prato Centre for Community Networking Research.
39. Ismail, I., Shamsuddin, Sh., & Sulaiman, B. (2008). An evaluation of residents' perception of identity in Putrajaya New Town. *Jurnal Alam BinaI*, *4*, 37-51.
40. Marcus, C. C. (2000). Site planning, building design and a sense of community: An analysis of six cohousing in Denmark, Sweden, and the Netherlands. *Journal of Architectural and Planning Research*, *17* (2), 146-163.
41. Oktay, D. (2002). The quest for urban identity in the changing context of the city. *Cities*, *19* (4), 261-271.
42. Pazhuhan, .M, Ziari. K., Ghasemzadeh. B., & Qurbani. H (2015). Urban identity and Iranian new towns. *Journal of Urban and Regional Analysis*, *7*(1), 83-100.
43. Proshansky, H.M. (1983). Place identity: Physical words socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, *34*, 260-272.
44. Qazimi, Sh. (2014). Sense of place and place identity. *European Journal of Social Sciences Education and Research*, *1*, 306-310.
45. Rapoport, A. (2005). *Culture, Architecture, and Design*. Chicago: Locke science publishing company. Inc
46. Torabi, Z., & Sima.Y. (2013). Urban identity in the entrance of city. *International Journal of Architecture and Urban Development*. *3*(4), 47-54
47. Woodward, K. (2000). *Questions of identity in Kath Woodward (Ed.) Questioning identity, gender, class, nation*. London: Routledge

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال دهم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱٤۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: 10.22067/ JGUSD.2022.71879.1084
مقالهٔ پژوهشی

سنجش و رتبه بندی مناطق کلانشهر اهواز در زمینهٔ تناسب با شاخص های رشد هوشمند شهری

مهیار سجادیان (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، نویسنده مسئول)
mahyarsajadian@yahoo.com
احمد پوراحمد (استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)
apoura@ut.ac.ir
محمد علی فیروزی (استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)
m.alifiroozi@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۱/۰۹ **تاریخ تصویب: ۱٤۰۱/۰٦/۰۹**
صص ۱۱۱-۹۷

چکیده

افزایش لجام گسیخته جمعیت شهرها، به ویژه میل به شهرنشینی در کلان شهرهای کشورهای در حال توسعه، موجب رشد بی برنامه و ناموزون شهرها شده است؛ و عوارض منفی کتعددی را برای آنها به بار آورده است. لذا، امروزه راهبرد «رشد هوشمند» به عنوان الگویی نوین و جامع نگر از برنامه ریزی شهری در سطح جهان، در راستای حل معضل رشد پراکندهٔ شهری ناشی از شهرنشینی بی مهابا مطرح شده است. کلانشهر اهواز نیز که همواره در سالیان اخیر از عواقب چنین رشدی در رنج بوده است، قاعدتاً نمی تواند از این الگو مستثنی باشد. لذا این پژوهش به سبب اهمیت موضوع، به هدف سنجش و رتبه بندی مناطق کلانشهر اهواز در زمینهٔ تناسب با شاخص های رشد هوشمند شهری به تحقیق پرداخت. نوع پژوهش کاربردی بوده که با روشی توصیفی- تحلیلی مبتنی بر مطالعات اسنادی و مشاهدات میدانی انجام یافته است. جامعهٔ آماری پژوهش مناطق ۸ گانهٔ کلانشهر اهواز بوده که در نتیجهٔ مطالعات اسنادی، ۸۱ شاخص در چارچوب ٤ معیار کالبدی- کاربری اراضی، اجتماعی- اقتصادی، دسترسی- حمل و نقل و زیست محیطی انتخاب گردید و داده ها با استفاده از منابع موجود استخراج گردیدند. سپس داده ها با استفاده از تلفیق روش وزن دهی آنتروپی شانون و تکنیک ELEKTRE مورد تجزیه و تحلیل واقع گردیدند. بر مبنای نتایج پژوهش، بین مناطق کلانشهر اهواز در زمینهٔ تناسب با شاخص های رشد هوشمند شهری، تفاوت قابل توجهی وجود دارد؛ و در این زمینه، منطقهٔ ۵ کلانشهر اهواز تناسب ضعیفی با رشد هوشمند شهری دارد، لذا در مقایسه با سایر مناطق این کلانشهر شایستهٔ توجهٔ جدی تری می باشد. در انتها نیز بر اساس یافته های تحقیق، راهکارهایی پیشنهاد گردید.

کلیدواژه‌ها: آنتروپی شانون، اهواز، تکنیک ELEKTRE، رشد هوشمند، شاخص.

۱. مقدمه

افزایش لجام گسیخته جمعیت شهرها، به ویژه میل به شهرنشینی در کلان شهرهای کشورهای در حال توسعه، موجب رشد بی برنامه و ناموزون شهرها شده است؛ گه موجب پیامدهای ناگوار زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی شده و برای شهرهایی که با آن دست در گریبان هستند به مسئله ای بغرنج تبدیل شده است (ربانی ابوالفضلی و همکاران، ۱۳۹۷، ص.۹۲).

جهت ساماندهی چنین توسعه ای، الگوهای نوین برنامه ریزی شهری از جمله «رشد هوشمند» مطرح گردیده است (مهاجری و زنگنه، ۱۳۹۱، ص.۱). این الگوی برنامه ریزی شهری، علاوه بر ملاحظات محیطی، ملاحظات اجتماعی و اقتصادی را نیز در بر می گیرد و به توسعه ای پایدار در عرصه های شهری می انجامد (هاوارد و ریچارد[1]، ۲۰۰٤، ص.۲۰٤).

مفهوم رشد هوشمند در دهۀ ۱۹۹۰، در ادامه مباحث مدیریت رشد که در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در نظام برنامه ریزی به کار گرفته شده بود، پدیدار شد.از آن زمان مطالعات متعددی در سطح جهان انجام یافته است؛ که هر یک از دیدگاهی به رشد هوشمند در شهرها نگریسته اند. شاید یکی از جامع ترین تعاریف ارائه شده از رشد هوشمند را بتوان در تعریف «انجمن بین المللی مدیریت شهری» (ICMA) یافت. به اعتقاد این انجمن، رشد هوشمند، رشدی است که اقتصاد، اجتماع و محیط زیست را در بر می گیرد و قالبی را ایجاد می کند که در چهارچوب این قالب، رشد هدایت می شود. یعنی رشد در کجا و چگونه اتفاق افتد (جی. هیویسی[2]، ۲۰۰٤، ص.۲۱).

در این چهارچوب، به اعتقاد فلینت (۲۰۰٦)، شهرسازی جدید، رشد هوشمند و توسعۀ پایدار، همگی در راستای مدیریت رشد عمل می کنند. کلارک و همکاران (۲۰۰٦)، رشد هوشمند شهری را مجموعه ای از برنامه ریزی، نظم دهی و شیوه های توسعه که در آن فرم ساختمان فشرده، توسعۀ درونزا و تعدیل در استانداردهای خیابان و پارکینگ، که از زمین مؤثرتر استفاده می شود، می دانند (حیدری،۱۳۹۱،ص.۷۱). از نظر بولارد (۲۰۰۷)، رشد هوشمند در جستجوی مدیریت رشد از راه ایجاد جوامع سالم، قابل سکونت و پایدار است (بولارد[3]، ۲۰۰۷، ص.۳). در این راستا، آژانس حفاظت از محیط زیست ایالات متحدۀ آمریکا (۲۰۱۲)، با ارائۀ گزارشی تحت عنوان «رشد هوشمند و موفقیت اقتصادی: مزایای توسعه دهندگان املاک، سرمایه گذاران، کسب و کارها و دولت های محلی»، به این نتیجه دست یافت؛ که ارزیابی و امکان سنجی؛ و توجه به شاخص های زیست محیطی، حمل و نقل و دسترسی، اجتماعی- اقتصادی و کالبدی- کاربری اراضی در یک نگاه سیستمی، در راستای دستیابی به رشدی هوشمند ضرورت دارد (آژانس حفاظت از محیط زیست آمریکا، ۲۰۱۲).

1. Howard,Richard
2. G.Hevesi
3. Bullard

از جمله مهمترین فرامطالعاتی که انجام یافته و می تواند چشم اندازی از نتایج پژوهش های انجام یافته در سطح جهان و نقاط مورد تاکید آنها در ارتباط با رشد هوشمند شهری را ارائه دهد؛ مقالهٔ «پیپونی» و «مورگادو» در ۲۰۲۰ با عنوان «رشد شهری هوشمند و بازآفرینی و تحلیل شبکهٔ ادبیات» می باشد. نویسندگان با استفاده از VosViewer، تعداد ۲٤۳ از مجموع ۱٦۸٦ مقالهٔ منتشره در پایگاه علمی معتبر Web of Science، که در سال های مابین ۲۰۱۰ تا۲۰۱۹ میلادی در موضوع رشد هوشمند شهری که انتشار یافته بوده است را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند؛ که در نهایت بدین نتیجه دست یافتند که نقطهٔ اشتراک تمام مقالات، این است که رشد شهری یک پدیدهٔ پیچیده است که جنبه های اجتماعی، اقتصادی و محیطی را پوشش می دهد؛ و همپوشانی بین آنها، منجر به طیف متنوعی از مفاهیم در مورد توسعهٔ شهری می شود. لذا این واقعیت، نیاز به اتخاذ رویکردی جامع تر در چارچوب شاخص های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، کاربری اراضی، زیست محلی، حمل و نقل و غیره با نگرشی بین رشته ای دارد؛ که این مفاهیم را برای بهبود کیفیت زندگی و سلامت عمومی در مناطق شهری ادغام می کند (پیونی و مورگاردو[1]، ۲۰۲۰).

با چنین نگرشی است، که در سطح کشور ایران، که شهرنشینی طی چند دههٔ اخیر، همانند دیگر کشورهای در حال توسعه رو به افزایش بوده و مرکز ثقل جمعیت کشور به طور کنترل ناپذیری از روستاها به شهرها انتقال یافته (بردی آنامرادنژاد، ۱۳۹۵، ص.۹٤)؛ مطالعات متعددی از منظر شاخص های اجتماعی- اقتصادی، زیست محیطی، کالبدی- کاربری اراضی، حمل و نقل- دسترسی انجام یافته است؛ که هر یک از مدل یا تلفیقی از مدل ها برای انجام پژوهش خود بهره گرفته اند. از جمله پژوهش هایی که در سطح کشور از مدل الکتره استفاده نموده اند، می توان به پژوهش نظم فر و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان «تحلیل شاخص های رشد هوشمند شهری در مناطق شهر ارومیه»، از تلفیق روش تحلیل شبکه به هدف وزن دهی شاخص ها و برای سطح بندی مناطق از مدل الکتره استفاده نمودند. این پژوهش نتیجه گرفت که بین مناطق شهر ارومیه در زمینهٔ تناسب با شاخص های رشد هوشمند شهری، تفاوت قابل توجهی وجود دارد.

همچنین، عبدالهی و فتاحی (۱۳۹٦)، در پژوهش خود با عنوان « سنجش شاخص های رشد هوشمند شهری با استفاده از تکنیک ELEKTREE (مطالعهٔ موردی: مناطق شهر کرمان)»، با استفاده از مدل الکتره نسبت به رتبه بندی مناطق شهر کرمان بر اساس معیارهای رشد هوشمند اقدام نمودند. بر اساس یافته های تحقیق، داده های موجود نشان دهندهٔ تفاوت مؤثر و آشکار نابرابری در بین مناطق شهر کرمان است که باید با توجه به پتانسیل های موجود در مناطق، برنامه هایی برای پیشرفت مناطق کمتر توسعه یافته طراحی و اجرا شود.

به هر روی، بر مبنای نتایج مطالعات اسنادی این پژوهش- جدا از تفاوت در روش شناسی و اشتراکات در شاخص ها- آنچه در نتایج این پژوهش ها جلب توجه می نماید، تفاوت معنی داری است که مابین مناطق شهری در کلانشهرهای کشور وجود دارد.

1. Peponi,Morgado

در نهایت؛ و در مجموع، با توجه به مبانی نظری مطالعه شده و واکاوی پژوهش های خارجی و داخلی انجام یافته در حوزهٔ رشد هوشمند شهری، این مقاله به یافته هایی به شرح ذیل دست یافت؛ که بر این اساس انسجام یافت:

۱) همان گونه که در گزارش فوق الذکر آژانس حفاظت از محیط زیست ایالات متحدهٔ آمریکا، فرامطالعهٔ پیپونی و مورگادو و نیز پژوهش های داخل کشور از جمله نظم فر و همکاران، عبدالهی و فتاحی و غیره که به علت محدودیت تعداد صفحات مجله بدان اشاره نگردید، رشد هوشمند شهری، سیستمی است که بر مبنای اشتراک این مطالعات، دارای ابعاد کالبدی- کاربری اراضی، اجتماعی- اقتصادی، دسترسی- حمل و نقل و زیست محیطی می باشد. لذا این پژوهش نیز با تبعیت از نگرشی سیستمی، مولفه های رشد هوشمند در کلانشهر اهواز، شامل ابعاد اجتماعی- اقتصادی، کالبدی- کاربری اراضی، دسترسی- حمل و نقل و در نهایت زیست محیطی را مورد سنجش قرار داد.

۲) مبتنی بر مطالعات نظری و اسنادی پژوهش و مطالعات پژوهشی انجام یافته در حوزهٔ ارزیابی رشد هوشمند شهری، اصولا رشد هوشمند شهری مفهومی فازی و نه بولین و دودویی است؛ که با توجه به اصل استثناگرایی در برنامه ریزی شهری، که با توجه به مقتضیات و شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی هر کشور، منطقه و شهری از جهان، نمی توان از سطحی استاندارد سخن گفت، که با توجه به این سطح استاندارد کدام شهر یا منطقه برخوردار و کدام یک غیر برخوردار می باشند. بلکه لازم است از تناسب سخن گفت. به عبارت دیگر اگر در منطق فازی صفر و یک حد ابتدا و انتها باشند (که در رشد هوشمند وجود خارجی ندارند)، آن گاه می توان از تناسب و مقایسهٔ نسبی، البته با توجه به شرایط خاص آن شهر سخن گفت.

کلانشهر اهواز نیز با توجه به بررسی های محققینی چون آروین و همکاران (۱۳۹۵)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۵)، امان پور و همکاران (۱۳۹٦) و ترکی (۱۳۹۸)؛ رشدی ناموزون و پراکنده را تجربه نموده است که عواقب جدی ای از جمله تخریب اراضی زراعی، کاهش امکانات زیربنایی، نابسامانی های کالبدی و معضلات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را برای این کلانشهر موجب شده است؛ که بنا به تجربیات جهانی، الگوی نوین رشد هوشمند می تواند راهبردی راهگشا در جهت مدیریت توسعهٔ کلانشهر اهواز با توجه به نگاه جامع محور آن باشد. اما سوال هایی که در این ارتباط مطرح می باشد: وضعیت کنونی کلانشهر اهواز، در مجموع، به لحاظ شاخص های رشد هوشمند چگونه است؟ و در نهایت، وضعیت مناطق مختلف کلانشهر اهواز از دیدگاه تناسب با شاخص های رشد هوشمند شهری چگونه است؟ بنابراین، این پژوهش، با توجه به اهمیت موضوع، به هدف سنجش و رتبه بندی مناطق کلانشهر اهواز به لحاظ تناسب با شاخص های رشد هوشمند؛ به تحقیق پرداخت. انجام این تحقیق، در راستای پاسخگویی به سوال های فوق الذکر، از آن سو ضرورت دارد و دارای اهمیت است که مدیریت شهری این کلانشهر را قادر خواهد نمود؛ با شناسایی نقاط ضعف در مجموعهٔ شاخص های رشد هوشمند و نیز مناطقی که در مقایسه با سایر مناطق به لحاظ تناسب با شاخص های رشد هوشمند وضعیت نامناسب تری دارند، آگاهانه تر حرکت نماید.

۲. روش‌شناسی

با توجه به اهداف پژوهش، نوع پژوهش کاربردی است که با روشی توصیفی- تحلیلی انجام یافته است؛ و در انجام آن از مطالعات اسنادی و نیز مطالعات میدانی نیز بهره گرفته شده است. جامعهٔ آماری پژوهش شامل مناطق هشت گانهٔ کلانشهر اهواز است. داده های مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، طرح بازنگری جامع کلانشهر اهواز (۱۳۹۷)، آمارنامه کلانشهر اهواز (۱۳۹۷) و طرح راهبردی توسعه و عمران (جامع) شهر اهواز جمع آوری شده است.

در مطالعهٔ حاضر، بر اساس مطالعات اسنادی انجام یافته، از ۸۱ شاخص مربوط به معیارهای رشد هوشمند شهری در قالب چهار معیار کالبدی- کاربری اراضی، اجتماعی- اقتصادی، دسترسی- حمل و نقل و زیست محیطی استفاده شده است.

داده ها با استفاده از روش آنتروپی شانون وزن دهی گردیدند و سپس با بهره گیری از روش تصمیم گیری چند معیاره ELEKTREE، مناطق هشت گانهٔ کلانشهر اهواز در چارچوب معیارها و نیز تلفیقی از معیارهای رشد هوشمندرتبه بندی گردیدند. در نهایت نیز نقشه های سطح بندی مناطق کلانشهر اهواز با بهره گیری از نرم افزار Arc GIS تهیه گردید(جدول۱).

جدول۱. معیارها و شاخص های مورد سنجش در این پژوهش بر اساس مطالعات اسنادی

معیار	شاخص
کالبدی- کاربری اراضی (۳۶ شاخص)	نسبت وسعت منطقه از شهر (X_1)، تراکم ناخالص جمعیت (X_2) ، سهم کاربری اداری- انتظامی از منطقه (X_3)، سرانه کاربری اداری- انتظامی (X_4)، سهم کاربری آموززش عالی از منطقه (X_5)، سرانه کاربری آموزش عالی (X_6)، سهم کاربری آموزش عمومی از منطقه (X_7)، سرانه کاربری آموزش عمومی (X_8)، سهم کاربری تاسیسات از منطقه (X_9)، سرانه کاربری تأسیسات (X_{10})، سهم کاربری تجاری از منطقه (X_{11})، سرانه کاربری تجاری (X_{12})، سهم کاربری تفریحی- گردشگری از منطقه (X_{13})، سرانه کاربری تفریحی- گردشگری (X_{14})، سهم کاربری تجهیزات شهری از منطقه (X_{15})، سرانه کاربری تجهیزات شهری (X_{16})، سهم کاربری بهداشتی و درمانی از منطقه (X_{17})، سرانه کاربری بهداشتی و درمانی (X_{18})، سهم کاربری فرهنگی از منطقه (X_{19})، سرانه کاربری فرهنگی (X_{20})، سهم کاربری مختلط از منطقه (X_{21})، سرانه کاربری مختلط (X_{22})، سهم کاربری مذهبی از منطقه (X_{23})، سرانه کاربری مذهبی (X_{24})، سهم کاربری مسکونی از منطقه (X_{25})، سرانه کاربری مسکونی (X_{26})، سهم کاربری ورزشی از منطقه (X_{27})، سرانه کاربری ورزشی (X_{28})، سهم درصد اراضی خالص از منطقه (X_{29})، تعداد پروانه های ساختمانی به ازای ۱۰ هزار نفر (X_{30})، نسبت تعداد پروانه های صادر شده برای ساختمان های ۲ طبقه و بالاتر به کل پروانه ها (X_{31})، درصد واحدهای مسکونی ۱۰۰ تا ۱۵۰متر به کل واحدهای مسکونی (X_{32})، معکوس وسعت بافت فرسوده (X_{33})، تراکم مسکن (X_{34})، سهم واحد مسکونی (X_{35})، سهم آپارتمان (X_{36})
اجتماعی- اقتصادی (۱۶ شاخص)	سهم جمعیتی منطقه (X_{37})، معکوس بعد خانوار (X_{38})، سهم خانوارها (X_{39})، تعداد خانوار در هر واحد مسکونی (X_{40})، درصد باسوادی (X_{41})، درصد باسوادی مردان (X_{42})، درصد باسوادی زنان (X_{43})، درصد شاغلان (X_{44})، درصد دانش آموزان (X_{45})، معکوس بار تکفل (X_{46})، نرخ مشارکت اقتصادی (X_{47})، نرخ مشارکت اقتصادی مردان (X_{48})، نرخ مشارکت اقتصادی زنان (X_{49})، معکوس نرخ مرگ و میر مردان (X_{50})، معکوس نرخ مرگ و

معیار	شاخص
	میر زنان (X_{51})
دسترسی –حمل و نقل (۱۱ شاخص)	سرانه طول معابر (X_{52})، سرانه مساحت معابر (X_{53})، سرانه مساحت آسفالت (X_{54})، سرانه مساحت پیاده رو (X_{55})، سرانه مساحت پارکینگ عمومی(X_{56})، سهم کاربری حمل و نقل و انبارداری از منطقه (X_{57})، سرانه کاربری حمل و نقل و انبارداری (X_{58})، سهم معابر از منطقه (X_{59})، سهم پارکینگ از منطقه(X_{60})، درصد ظرفیت پارکینگ (X_{61})، درصد تعداد پارکینگ عمومی (X_{62}).
زیست محیطی	سرانه فضای سبز آیلند و بلوار (X_{63})، سرانه پارک همسایگی (X_{64})، سرانه پارک همسایه ای (X_{65})، سرانه پارک منطقه ای (X_{66})، سرانه پارک محله ای (X_{67})، سرانه انبوه کاری (X_{68})، سرانه فضای سبز رفیوژ (X_{69})، سرانه فضای سبز میادین (X_{70})، سرانه فضای سبز لچگی یا قطعات فضای سبز (X_{71})، سهم فضای سبز (X_{72})، سرانه باغات و کشاورزی (X_{73})، سهم کاربری باغات و کشاورزی از منطقه (X_{74})، سهم اراضی بایر از منطقه (X_{75})، سرانه اراضی بایر (X_{76})، معکوس سرانه تولید زباله (X_{77})، سهم اراضی ناخالص از منطقه (X_{78})، معکوس سرانه متوسط آب مورد نیاز (X_{79})، معکوس سهم کاربری صنعتی و کارگاهی (X_{80})، معکوس سرانه کاربری صنعتی و کارگاهی (X_{81})

مأخذ: (فردوسی و شکری فیروزجاه، ۱۳۹٤، ص.۱۸؛ نظم فر و همکاران، ۱۳۹۷، ص.۱۸؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹٦، ص.۲۵۹؛ ضرابی و همکاران، ۱۳۹۰، ص.٦؛ مختاری و همکاران، ۱۳۹۲، ص.۷۰؛ مافی و قلی زاده سرایی، ۱۳۹٤، ص.۳٤؛ عابدینی و همکاران، ۱۳۹۷، ص.۱۹۷؛ عبدالهی و خدامان، ۱۳۹۵، ص.۸۷؛ مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳، ص.٦۲؛ عبدالی و همکاران، ۱۳۹۸، ص.۸۹؛ انصاری و همکاران، ۱۳۹۷، ص.۹٦؛ عبدالهی و فتاحی، ۱۳۹٦، ص.۱۵۳؛ آزادخانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص.٦٤؛ عبدالهی و قاسمی، ۱۳۹۷، ص.۱۰۰٦، کرکه آبادی، ۱۳۹۹، ص.٤۱؛ نیک پور و همکاران، ۱۳۹۸، ص.۸۱؛ آژانس حفاظت از محیط زیست آمریکا[1]، ۲۰۱۲)

یکی از روش های استخراج وزن اهمیت معیارهـــا در تصـــمیم گیـــری بـا معیارهـای چندگانـه آنتروپی شانون است. مزیت این روش نسبت به سایر روش های استخراج وزن اهمیـت ایـن است که یک روش کاملاً عینی است و ســـوگیری نظرهـای خبرگـان در آن وجـود نـدارد؛ بنابراین اگر شرایط به گونه ای باشد که احتمال خطا در قضاوت خبرگان وجود داشته باشد، استفاده از این روش می تواند جـایگزین خـوب و قابـل قبـولی باشـد . مراحل انجام این روش عبارتست از:

الکتره نیز یک روش تصـمیم‌گیری چند معیاره برای انتخاب بهترین گزینه براسـاس تعدادی معیار است. این مدل براسـاس رویکرد ترکیبی پرومته و الکتره و تعارضـات آنها با تکنیک ارسته طراحی شده است. در نتیجه یک رویکرد جامع و یکپارچه ایجاد شده است که برای هر نوع تصمیم گیری چندمعیاره قابل استفاده است. مراحل انجام این مدل عبارتست از:

مرحلهٔ اول: در ابتدا، ماتریس داده ها، نرمال سازی می گردد. در این مرحله، داده ها به اعدادی در بازه ای مابین ۰ تا ۱ تبدیل می گردند. مرحلهٔ دوم: گام بعد، تهیه ماتریس وزن دهی شـدهٔ داده های پژوهش، برای بیان اهمیت نسـبی شاخص های پژوهش است. مرحلهٔ سوم: مرحلهٔ بعد، در نهایت، تهیهٔ ماتریس هماهنگ و ناهماهنگ است.

1. EPA

جدول.۲ ماتریس هماهنگی داده های پژوهش

ماتریس هماهنگی	منطقه۱	منطقه۲	منطقه۳	منطقه٤	منطقه٥	منطقه٦	منطقه۷	منطقه۸
منطقه۱	–	۰/٦۲	۰/٤۸	۰/۳۳	۰/٦۹	۰/۸۳	۰/٦٤	۰/٦۸
منطقه۲	۰/۳۹	–	۰/۳٦	۰/۳٦	۰/۷٦	۰/۷٤	۰/٦۸	۰/٦۷
منطقه۳	۰/٥۲	۰/٦٤	–	۰/٤٤	۰/٦٥	۰/۷٤	۰/٦۸	۰/٦٥
منطقه٤	۰/٦٦	۰/٦٤	۰/٥٦	–	۰/۷۹	۰/۸٦	۰/۷۲	۰/۷۱
منطقه٥	۰/۳۱	۰/۲۹	۰/٤٥	۰/۲۱	–	۰/۳۲	۰/۳٦	۰/٥۱
منطقه٦	۰/۱۷	۰/۲٦	۰/۲٦	۰/۱٦	۰/۷۳	–	۰/٤۷	۰/٥۹
منطقه۷	۰/۳۷	۰/۳۲	۰/۳۳	۰/۲۸	۰/٦٥	۰/٥۳	–	۰/٦۳
منطقه۸	۰/۳۲	۰/۳٦	۰/٤٥	۰/۲۹	۰/۷٥	۰/٤٦	۰/۳۸	–

معیار هماهنگی (C_{KI}) نشـان دهندهٔ برتری نسـبی A_K در مقایسه با A_J است. مقدار C_{KI} عددی مابین ۰ تا ۱ است. این مقدار هر چه که به عدد ۱ نزدیک باشد، نشان دهندهٔ ارجحیت گزینه K نسبت به گزینهٔ ۱ است.

معیار ناهماهنگی (DKI)، بر عکس معیار هماهنگی(CKI) نشان دهندهٔ تسلیم و عدم برتری می باشد.

جدول۳. ماتریس ناهماهنگی داده های پژوهش

ماتریس نا هماهنگی	منطقه۱	منطقه۲	منطقه۳	منطقه٤	منطقه٥	منطقه٦	منطقه۷	منطقه۸
منطقه۱	–	۱	۱	۱	۰/۳۹	۰/۲۷	۰/۲٦	۱
منطقه۲	۰/٦۹	–	۱	۱	۰/۲٤	۰/۲۹	۰/۱٤	۰/٦۷
منطقه۳	۰/۳٥	۰/٦۹	–	۱	۰/۱٤	۰/۲۲	۰/۱۳	۰/٤٥
منطقه٤	۰/۲۸	۰/٤۰	۰/٦۹	–	۰/۱	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۳٥
منطقه٥	۱	۱	۱	۱	–	۱	۰/۸۱	۱
منطقه٦	۱	۱	۱	۱	۰/۷٥	–	۰/٥٦	۱
منطقه۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	–	۱
منطقه۸	۰/۷۹	۱	۱	۱	۰/۲۲	۰/٤	۰/۳۰	–

مرحلهٔ چهارم: حال برای بررســی دقیق دقیق تر رجحان گزینه ها نســبت به یکدیگر، مولفه های ماتریس با یک مقدار حد آسـتانه مقایسه می گردد..مرحلهٔ پنجم: بعد از مقایسهٔ تمامی مولفه ها با مقدار حداقل آستانه، ماتریس بولین

با مولفه های ۰ و ۱ تشـکیل می گردد. با توجه به ماتریس حاصل شده، می توان تشخیص داد که هر خانه از ماتریس که دارای عدد ۱ می باشد، نشان دهندهٔ یک گزینهٔ مؤثر و مسلط بر دیگری است.

جدول٤. ماتریس بولینی هماهنگی (ماتریس هماهنگی مؤثر)

بولینی هماهنگی	منطقه۱	منطقه۲	منطقه۳	منطقه٤	منطقه٥	منطقه٦	منطقه۷	منطقه۸
منطقه۱	–	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱
منطقه۲	۰	–	۰	۰	۱	۱	۱	۱
منطقه۳	۱	۱	–	۰	۱	۱	۱	۱
منطقه٤	۱	۱	۱	–	۱	۱	۱	۱
منطقه٥	۰	۰	۰	۰	–	۰	۰	۰
منطقه٦	۰	۰	۰	۰	۱	–	۰	۱
منطقه۷	۰	۰	۰	۰	۱	۱	–	۱
منطقه۸	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	–

مرحلهٔ ششم: محاسبهٔ ماتریس ناهماهنگی مؤثر است.

جدول٥. ماتریس بولینی ناهماهنگی (ماتریس ناهماهنگی مؤثر)

بولینی ناهماهنگی	منطقه۱	منطقه۲	منطقه۳	منطقه٤	منطقه٥	منطقه٦	منطقه۷	منطقه۸
منطقه۱	–	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰
منطقه۲	۰	–	۰	۰	۱	۱	۱	۱
منطقه۳	۱	۱	–	۰	۱	۱	۱	۱
منطقه٤	۱	۱	۰	–	۱	۱	۱	۱
منطقه٥	۰	۰	۰	۰	–	۰	۰	۰
منطقه٦	۰	۰	۰	۰	۰	–	۱	۰
منطقه۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	–	۰
منطقه۸	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	–

مرحلـهٔ هفتم: در نهایت، برای دانســتن اینکه برتری گزینه ها نســبت به یکدیگر چگونه اســت، دو ماتریس هماهنگی مؤثر و ناهماهنگی مؤثر در هم ضرب می گردد.

جدول٦. ماتریس چیرگی نهایی

چیرگی نهایی	منطقه۱	منطقه۲	منطقه۳	منطقه٤	منطقه٥	منطقه٦	منطقه۷	منطقه۸
منطقه۱	–	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰
منطقه۲	۰	–	۰	۰	۱	۱	۱	۱
منطقه۳	۱	۱	–	۰	۱	۱	۱	۱
منطقه٤	۱	۱	۰	–	۱	۱	۱	۱
منطقه٥	۰	۰	۰	۰	–	۰	۰	۰
منطقه٦	۰	۰	۰	۰	۰	–	۰	۰
منطقه۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰	–	۰
منطقه۸	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	–

۳. یافته‌ها

نتایج در جدول زیر مشـاهده می گردد. طبق این جدول، منطقهٔ ۳،٤ و همچنین منطقهٔ ۲، دارای تناسـب بالا؛ و نیز منطقهٔ ۱؛ و منطقهٔ ۸ با تناسـب متوسـط و در نهایت مناطق ٥،٦ و ۷ دارای تناسـب ضـعیف با شـاخص های رشـد هوشمند در کلانشهر اهواز قرار دارند.

جدول۷. رتبه بندی مناطق کلانشهر اهواز به لحاظ تناسب با رشد هوشمند شهری

رتبه	منطقه	تعداد چیرگی	میزان میزان تناسب با رشد هوشمند
۱	۳	٦	تناسب بالا
	٤	٦	
۲	۲	٤	
۳	۱	۳	تناسب متوسط
٤	۸	۱	
٥	٥	۰	تناسب ضعیف
	٦	۰	
	۷	۰	

در راسـتای نتایج تحقیق در جدول بالا، نسبت به سطح بندی مناطق کلانشهر با استفاده از نرم افزار ArcGIS اقدام گردید (شکل ۱)

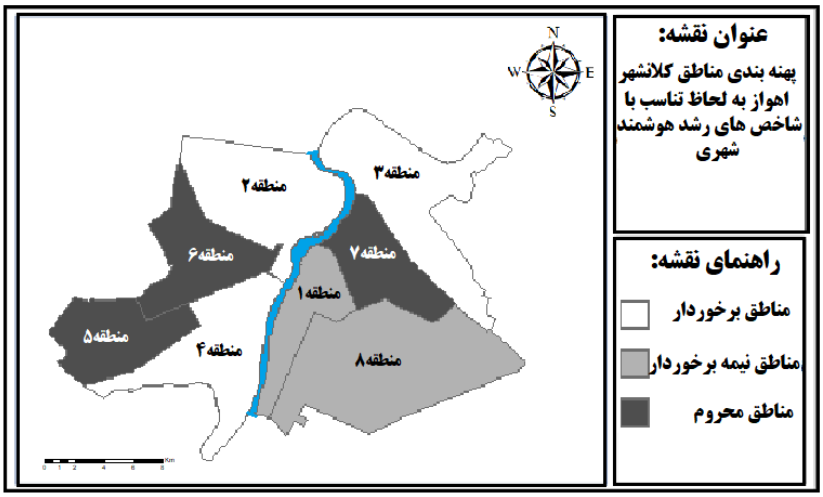

شکل۱. سطح بندی مناطق کلانشهر اهواز به لحاظ تناسب با شاخص های رشد هوشمند

در نهایت، با بهره گیری از موارد برشمرده، نسبت به رتبه بندی مناطق در چارچوب چهار معیار کالبدی- کاربری اراضی، اجتماعی- اقتصادی، دسترسی- حمل و نقل و زیست محیطی اقدام گردید؛ که نتایج آن در جدول زیر آورده شده است.

جدول۸ . رتبه بندی مناطق کلانشهر اهواز به لحاظ تناسب با معیارهای چهارگانهٔ رشد هوشمند

معیار	رتبه	منطقه	تعداد چیرگی	میزان تناسب	معیار	رتبه	منطقه	تعداد چیرگی	میزان تناسب
کالبدی- کاربری اراضی	۱	۳	٦	تناسب بالا	دسترسی- حمل و نقل	۱	۱	٦	تناسب بالا
		٤	٦				۲	٦	
	۲	۱	٤			۲	٤	۱	تناسب متوسط
	۳	۸	۳	تناسب متوسط			٥	۱	
	٤	۲	۱				٦	۱	
		۷	۱				۷	۱	
	٥	٥	۰	تناسب ضعیف			۸	۱	
		٦	۰			۳	۳	۰	تناسب ضعیف
اجتماعی- اقتصادی	۱	۳	٦	تناسب بالا	زیست محیطی	۱	٤	۷	تناسب بالا
		٤	٦			۲	۳	٤	تناسب متوسط
	۲	٦	۳	تناسب متوسط			۲	٤	
	۳	۸	۲			۳	۱	۳	
	٤	۱	۱	تناسب ضعیف		٤	٦	۲	
		۷	۱			٥	۸	۱	تناسب ضعیف
		۲	۱			٦	٥	۰	
	٥	٥	۰				۷	۰	

همچنین، در راستای نتایج تحقیق در جدول بالا، نسبت به سطح بندی مناطق کلانشهر با استفاده از نرم افزار Arc GIS اقدام گردید(شکل ۲)

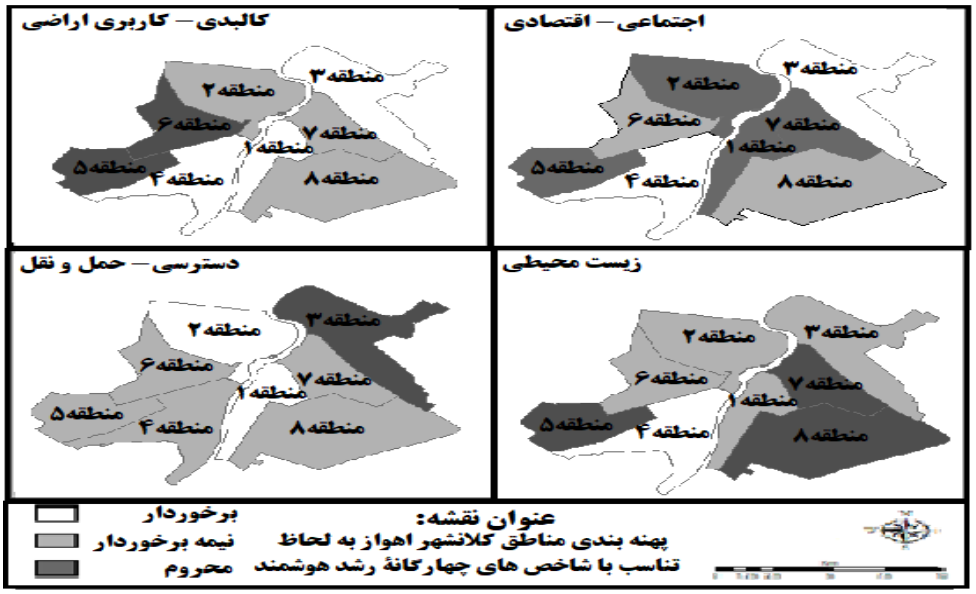

شکل۲. سطح بندی مناطق کلانشهر اهواز به لحاظ تناسب با معیارهای چهارگانهٔ رشد هوشمند

٤. بحث

بر طبق یافته های تحقیق، منطقهٔ ۳، ٤ به عنوان مناطق کمابیش نوساز ، با شرایط کالبدی مناسب و نیز توزیع نسبتا مناسب کاربری ها، شرایط مناسب اجتماعی- اقتصادی و نیز بهره مندی از سرانهٔ نسبتا مناسب از فضاهای سبز و همچنین منطقهٔ ۲، با حضور کیانپارس در آن از تناسب بالا؛ و نیز منطقهٔ ۱ ، به عنوان بافت مرکزی شهر با سطح دسترسی و حمل و نقل نسبتا مناسب و نیز بافتی متراکم با کاربری های متنوع و منطقهٔ ۸ با شهرک های نوساز از تناسب متوسط و در نهایت مناطق ٥، ٦ و ۷ در شرایط محروم به لحاظ تناسب با رشد هوشمند در کلانشهر اهواز قرار دارند؛ که در این میان، آنچه مهم جلوه می نماید، با توجه به تناسب با معیارهای کالبدی- کاربری اراضی، اجتماعی- اقتصادی و زیست محیطی موقعیت منطقهٔ ٥ در مجموع نامتناسب ترین حالت را به خود اختصاص داده است. این منطقهٔ نو تاسیس محروم (بعد از جداشدن کوت عبدالله و تبدیل آن به شهر) در حاشیهٔ جنوب غربی کلانشهر اهواز واقع گردیده است؛ که روستای «ملاشیه» به عنوان محدودهٔ روستایی متصل شهری در این منطقه قرار گرفته؛ و سطح قابل توجهی از منطقه معادل ۳٥/۲۷ درصد مساحت خالص شهری به کاربری صنعتی و ۷/٥۲ درصد مساحت خالص به مساحت حمل و نقل و انبار اختصاص یافته است.

نکتهٔ حائز اهمیت دیگر، تفاوت چشمگیر میان مناطق کلانشهر اهواز می باشد. البته این مسئله مختص کلانشهر اهواز نبوده، به طوری که این تفاوت، از جمله در شهرهای اردبیل (درویشی و موغلی، ۱۳۹۹)، اصفهان (ضرابی و

همکاران،۱۳۹۰؛ مختاری و همکاران، ۱۳۹۲)، تبریز (عابدینی و همکاران، ۱۳۹۷)، کرمان (عبدالهی و فتاحی، ۱۳۹٦)، شاهرود (فردوسی و شکری فیروزجاء، ۱۳۹٤)، گرگان (کرکه آبادی و مسلمی، ۱۳۹۹)، مشهد (مافی و سرایی، ۱۳۹٤) و ارومیه (نظم فر و همکاران، ۱۳۹۷)؛ بر مبنای مطالعات اسنادی این پژوهش مشاهده می گردد. همچنین، جملگی پژوهش ها در ارتباط با مدیریت رشد شهری و به ویژه پژوهش های مستقیم مرتبط با رشد هوشمند شهری بر اهمیت حرکت به سوی رشدی هوشمند؛ و رشدی درونزا تاکید داشته اند. این در حالی است که بنا بر نتایج پژوهش های آروین و همکاران (۱۳۹۵)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۵)، امان پور و همکاران (۱۳۹٦) و ترکی (۱۳۹۸)، رشد انجام یافته در کلانشهر اهواز، رشدی درونزا نمی باشد.

در کانتکس بین المللی نیز، بر مبنای نظر آژانس حفاظت از محیط زیست آمریکا، پیپونی و مورکادو، انجمن بین المللی مدیریت شهری و شبکهٔ رشد هوشمندانهٔ آمریکا و بولارد؛ رشد هوشمند شهری، رشدی است که در خدمت اقتصاد، جامعه و محیط زیست بوده و آنها را پوشش دهد و قالبی را ایجاد نماید که در این چهارچوب، تصمیم های آگاهانه دربارهٔ شیوه و زمینهٔ رشد فراهم گردیده؛ و در نهایت به ایجاد جوامع سالم، قابل سکونت و پایدار منجر گردد. اما بر مبنای نتایج این تحقیق، این شرایط در کلانشهر اهواز لحاظ نگردیده است؛ و به غیر از منطقهٔ ٤؛ و تا اندازه ای منطقهٔ۳ و ۲؛ که در شاخص های چهارگانهٔ اجتماعی- اقتصادی، کالبدی- کاربری اراضی، زیست محیطی و دسترسی و حمل و نقل؛ سایر مناطق در تمام شاخص ها، وضعیت متعادلی ندارند؛ به عبارتی رشد انجام یافته در کلانشهر اهواز نتوانسته ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی را به صورت متوازن و متعادل در گسترهٔ شهر و در فرآیند توسعهٔ فضایی شهر پوشش دهد.

۵. نتیجه‌گیری

بر مبنای یافته های تحقیق، کلانشهر اهواز، در مجموع، به لحاظ شاخص های رشد هوشمند شهری، دارای وضعیت مناسبی نمی باشد. همچنین نتایج دیگر پژوهش حاکی از آن است که مناطق مختلف کلانشهر اهواز از دیدگاه تناسب با شاخص های رشد هوشمند شهری دارای تفاوت بوده و مناطق ٦،۵ و ۷ در شرایط محروم قرار دارند؛ که این در مقایسه با نتایج سایر پژوهش های انجام یافته در ارتباط با سایر کلانشهرهای کشور، حاکی از مسئله ای فراگیر در سطح کشور می باشد؛ لذا نیازمند نگاهی ملی به این معضل در تصمیم گیری ها و به ویژه در طرح های کلان و ملی است.

۱) همان گونه که ذکر شد، بر مبنای یافته های تحقیق، بین مناطق کلانشهر اهواز در زمینهٔ تناسب با شاخص های رشد هوشمند شهری، تفاوت قابل توجهی وجود دارد. لذا پیشنهاد گردد، نسبت به ارتقای مناطق محروم اقدام گردد.

۲) با توجه به نتایج تحقیق، توجه به منطقهٔ ۵ دارای ضرورت می باشد. این منطقه که در بسیاری از پژوهش ها در بررسی اسنادی و نیز مطالعات میدانی این پژوهش محرومیت زیادی را در کیفیت زندگی و سطح زیست پذیری تجربه می نماید؛ شایسته است که مورد اهتمام و توجهٔ ویژه قرار گیرد.

کتاب‌نامه

۱. امـان پور، س.، کاملی فر، م.ج.، و بهمنی، حجت.(۱۳۹٦). تحلیلی بر تغییرات کاربری اراضـــی در کلانشـــهرها با اسـتفاده از آنالیز تصاویر ماهواره ای در محیط ENVI (مطالعهٔ موردی: کلانشهر اهواز). *فصلنامه علمی- پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)*،۲٦(۱۰۲)،۱۵۰-۱۳۹.

۲. انصـاری، م.، شریعت پناهی، م.و.، ملک حسینی، ع.، و مدیری، م.(۱۳۹۷). تحلیل فضایی توزیع شاخص های رشد هوشمند شهری در سطح محلات،مورد: شهر ملایر. *فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه ریزی منطقه ای، ۸*(۳۲)، ۱۱۲-۹۳.

۳. آروین، م.، پوراحمد، ا.، و زنگنه شـهرکی، س. (۱۳۹۵). سنجش الگوی پراکنده رویی و شناسایی حوزه های عمل توسعه درونی شهر (نمونه موردی: شهر اهواز). *فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار، ۵*(۱۷)،٦۲-٤۵.

٤. آزادخانی، پ.، حسین زاده، ج.، و احمدی، ق. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی شاخص های رشد هوشمند شهری در ایلام. *نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۸*(۲۹)، ٦۸-۵۹.

۵. آژانس حفاظت محیط زیست و شبکه رشد هوشمندانه و انجمن بین المللی مدیریت شهر/ استان (۱۳۹۰). *دستیابی به رشد هوشمندانه شهری*. ترجمهٔ عباس آذری، تهران: مؤسسه نشر شهر.

٦. بردی آنامرادنژاد، ر. (۱۳۹۵). تحلیلی بر برنامه ریزی فضایی و الگوی توسعه شهرنشینی در ایران. *نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۷*(۲٦)،۱۱۲-۹۳

۷. پوراحمد، ا.، حبیبیان، ب.، و احمدنیا، م.ر. (۱۳۹۵). تحلیلی بر فضـای کالبدی شـهر اهواز. *مجله علمی- پژوهشـی باغ نظر، ۱۳*(۳۹)، ۳۸-۲۵

۸. ترکی، ف. (۱۳۹۸). بررسـی روند توسـعه فیزیکی کلانشـهر اهواز و الگوی گسـترش آن در افق ۱٤۰۰. *فصـلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۸*(۳۰)،۱۰٤-۹۱.

۹. حیدری، ا. (۱۳۹۱). تحلیل فضایی- کالبدی توسعه آتی شهر سقز با تاکید بر شاخص های رشد هوشمند شهری با استفاده از مدل آنتروپی شانون. *دو فصلنامه جغرافیا و توسعهٔ شهری*، (۲)، ۹٤-٦۷.

۱۰. درویشـی، ی.، و موغلی، م. (۱۳۹۹). واپایش مؤلفه های رشـد هوشمند شهری در رویکرد توسعهٔ پایدار شهری با اسـتفاده از تکنیک های تصـمیم گیری چند معیاره (مطالعه موردی: شـهر اردبیل). *فصـلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی، ۱۲*(٤۵)، ۳۷۰-۳۸٤

۱۱. ربانی فضـلی، غ.، شـفقی، س.، و رهنما، م.ر.(۱۳۹۷). ارزیابی پراکنده رویی شـهری با اسـتفاده از مدل های برنامه ریزی فضایی در مشهد. *فصلنامه علمی- پژوهشی تحقیقات جغرافیایی، ۳۳*(۱۲۹)، ۱۰۷-۹۲

۱۲. رحیمی، م.، قیاسـی، س.، و امیریان، س. (۱۳۹٦). ارزیابی شـاخص های رشـد هوشـمند شهری با استفاده از مدل تحلیل عاملی (مطالعه موردی: منطقه یک شهر شیراز). *فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیا، ۱۵*(۵۵)، ۲٦٦-۲۵۳.

۱۳. ضـرابی، ا.، صـابری، ح.، محمدی، ج.، و وارثی، ح.ر. (۱۳۹۰). تحلیل فضـایی شاخص های رشد هوشمند شهری (مطالعهٔ موردی: مناطق شهر اصفهان). *فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیای انسانی*، (۷۷)، ۱۷-۱.

۱٤. عابدینی، ا.، باقرزاده، م.، و حاجی وند، ه.(۱۳۹۷). ارزیابی و سنجش شاخص های رشد هوشمند شهری در مناطق کلانشهر تبریز. *فصلنامه علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی، ۱۸*(٦۲)،۲۰۹-۱۹۱

۱۵. عبدالهی، ع.ا.، و خدامان، ز. (۱۳۹۵). بررسی و ارزیابی فضایی کالبدی شاخص های رشد هوشمند با استفاده از مدل WASPAS (مطالعه موردی: مناطق شهر یزد). *نشریه مطالعات نواحی شهری دانشگاه شهید باهنر کرمان*، ۳(۳)،۹۹-۷۹.

۱٦. عبدالهی، ع.ا.، و فتاحی، م. (۱۳۹٦). سنجش شاخص های رشد هوشمند شهری با استفاده از تکنیک ELEKTRE (مطالعهٔ موردی: مناطق شهر کرمان). *فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا*، ۲۱(۲)،۱٤۷-۱۷۱.

۱۷. عبدالهی، ع.ا.، و قاسمی، م. (۱۳۹۷). تحلیل فضایی رشد هوشمند مناطق شهری (مطالعهٔ موردی: شهر کرمان). *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی*، ۱۳(٤)،۱۰۱۹-۱۰۰۳.

۱۸. عبدالی، ا.، کلانتری خلیل آباد، ح.، و پیوسته گر، ی. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی- کالبدی نواحی شهری بر اساس شاخص های رشد هوشمند شهری (نمونه موردی: شهر یاسوج). *فصلنامه دانش شهرسازی*، ۳(۲)،۹۷-۸۳.

۱۹. فردوسی، س.، و شکری فیروزجاه، س. (۱۳۹٤). تحلیل فضایی- کالبدی نواحی شهری بر اساس شاخص های رشد هوشمند. *نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری*، ٦(۲۲)،۳۲-۱۵.

۲۰. کرکه آبادی، ز.، و مسلمی، ع. (۱۳۹۹). تحلیل شاخص های رشد هوشمند شهری با مدل های تصمیم گیری چند معیاره (مورد مطالعه: شهر گرگان). *فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی*، ۱(۲)،۵۰-۳۵.

۲۱. مافی، ع.ا.، و قلی زاده سرایی، ش. (۱۳۹٤). رتبه بندی مناطق شهری مشهد بر اساس شاخص تلفیقی رشد هوشمند شهری. *مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای*، ۱۳(۲)، ٤٤-۲۹.

۲۲. مختاری، ر.، حسین زاده، ر.، و صفرعلی زاده، ا. (۱۳۹۲). تحلیل الگوهای رشد هوشمند شهری در مناطق چهارده گانه اصفهان بر اساس مدل های برنامه ریزی منطقه ای، *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای*، ۵(۱۹)، ۸۲-٦۵.

۲۳. مشکینی، ا.، پرهیز، ف.، مهدنژاد، ح.، غلامی، ع.ر.، و تفکری، ا. (۱۳۹۳). تبیین راهبرد رشد هوشمند شهری در منطقه ۱۹ کلانشهر تهران. *فصلنامه هویت شهر*، ۸(۲۰)، ٦٦-۵۵.

۲٤. مهاجری، م.، و زنگنه، پ. (۱۳۹۱). رشد هوشمند شهری راهکاری برای کاهش آلودگی هوا در کلان شهرها. اولین کنفرانس مدیریت آلودگی هوا و صدا، تهران: دانشگاه صنعتی شریف.

۲۵. نظم فر، ح.، عشقی چهاربرج، ع.، و اسمعیلی، ا. (۱۳۹۷). تحلیل شاخص های رشد هوشمند شهری در مناطق شهر ارومیه. *دوفصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش های بوم شناسی شهری*، ۹(۱)، ۳۵-٤۸.

۲٦. نیک پور، ع.، رضازاده، م.، و الهقلی تبارنشلی، ف. (۱۳۹۸). الگوی گسترش کالبدی شهر آمل با رویکرد رشد هوشمند شهری. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۹(۳۱)، ۱۸۹-۱۷۵.

27. Bullard, R.D. (2007). *Growing smarter achieving livable communities, environmental justice, and regional equity*. Massachusetts London: The MIT Press Cambridge.
28. Daneils, T. (2005). Land preservation: an essential ingredient in smart growth. *Journal of Planning Literature,19*(3),316-332.

29. Flint, A. (2006). *This land: the battle over sprawl and the future of American*. Baltimore: The Johns Hopkins University Press.
30. G. Hevesi, A. (2004). *Smart growth in New York State: A discussion paper*. Albany: Comptroller's press office.
31. Peponi, A., & Morgado, P. (2020). Smart and regenerative urban growth: a literature network analysis, International Journal of Environmental Research and Public Health,17(7), 2463.
32. United States Environmental Protection Agency (2012). *Smart growth and economic success: benefits for real state developers, investors, business and local government*. Office of Sustainable Communities Smart Growth Program.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال دهم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱۴۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: 10.22067/ JGUSD.2022.76980.1202
مقالهٔ پژوهشی-مطالعه موردی

ارائه‌ی الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیطزیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک (مطالعه موردی: کلان‌شهر تهران)[1]

نرجس شهمیری (دانشجوی دکتری مدیریت محیطزیست، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)
narges_shahmiri@yahoo.com
مژگان زعیم دار (استادیار گروه محیطزیست، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)
mojganzaeimdar@gmail.com
رکسانا موگویی (دانشیار گروه محیطزیست، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)
moogouei_roxana@yahoo.com
سعید ملماسی (استادیار گروه محیطزیست، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)
sm.malmasi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۰ **تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱**

صص ۱۳۱-۱۱۳

چکیده

کودکان به‌عنوان سازندگان نسل‌های بعدی محسوب می‌گردند و فضاهای شهری نقش ویژه‌ای در اجتماعی شدن، بالفعل کردن استعدادها و برآورده ساختن نیازهای اجتماعی و فردی کودکان ایفا می‌کنند. بنابراین، محیطزیست شهری امن و طراحی صحیح فضاهای شهری متناسب با زندگی کودکان در سوق دادن جامعه‌ی انسانی به سمت جامعه‌ای سالم و مطلوب از اهمیت زیادی برخوردار است. با این حال، در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ایران توجه به نیازهای کودکان نادیده انگاشته شده است. در این راستا هدف از پژوهش حاضر، ارائه‌ی الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیطزیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک در کلان‌شهر تهران می‌باشد. بنابراین، روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت تحلیلی-اکتشافی بوده که در راستای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تکنیک DEMATEL و مدل تحلیل شبکه (ANP) در نرم‌افزار Super decision استفاده شده است. همچنین جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کارشناسان و متخصصین مسائل شهری تهران بوده و با استفاده از نمونه‌گیری دلفی، حجم نمونه تعداد ۲۰ نفر تعیین گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در راستای ارائه‌ی الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب در راستای تحقق محیطزیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک در تهران معیار اجتماعی-سیاسی-فرهنگی از بیشترین تأثیرگذاری و معیار برنامه‌ریزی نهادی و قانونی از بیشترین تأثیرپذیری برخوردار می‌باشند. بر اساس بردار ویژه‌ی به‌دست

۱. مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری نویسنده‌ی اول تحت عنوان ارائه‌ی الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیطزیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک (مطالعه موردی: شهر تهران) به راهنمایی نویسنده‌ی دوم و مشاوره‌ی نویسندگان سوم و چهارم می‌باشد.

آمده از مدل تحلیل شبکه‌ای نیز معیار محیطی–کالبدی با وزن نرمال ۰/۲۰۵ از بیشترین اولویت برخوردار بوده و معیار امنیت با وزن نرمال ۰/۱۹۹ در اولویت دوم قرار دارد. همچنین معیار برنامه‌ریزی نهادی با وزن ۰/۱۳۹ از کمترین اولویت برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت شهری، محیط‌زیست امن، کودک، شهر دوستدار کودک، کلان‌شهر تهران.

۱. مقدمه

بیش از نیمی از جمعیت جهان در حال حاضر در مناطق شهری زندگی می‌کنند (ژانگ[1] و همکاران، ۲۰۱۹، ص.۲۱٦). طبق پیش‌بینی سازمان ملل، انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰، ٦۸ درصد از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی کنند (سازمان ملل[2]، ۲۰۲۰، ص.۱) و در این روند سریع شهرنشینی، انتظار می‌رود حدود یک‌چهارم از کل جمعیت شهری جهان شامل کودکان باشد. بنابراین، کودکان به‌عنوان بخشی از جامعه در فضای یک شهر با مجموعه‌ای از خواسته‌ها و نیازهای خاص، به اجبار استفاده‌کننده از محیط ساختگی نسل دیگری هستند. از این‌رو، طراحی صحیح فضاهای شهری متناسب با زندگی کودکان که سازندگان نسل‌های بعدی هستند در سوق دادن جامعه‌ی انسانی به سمت جامعه‌ای سالم و مطلوب از اهمیت زیادی برخوردار است. در این راستا، در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون حقوق کودک و به‌دنبال آن در سال ۱۹۹٦ در دومین گردهمایی اسکان بشر سازمان ملل، ابتکار شهرهای دوستدار کودک برای اولین بار با عنوان "ساخت و تبدیل شهرها به مکان‌های زیست‌پذیر برای همگان" مطرح و طی قطعنامه‌ای امضا گردید. از این زمان رویکرد شهر دوستدار کودک به نقطه‌ی عطفی برای پیشبرد حقوق کودکان در فضای شهر تبدیل شد (کیانی و اسماعیل‌زاده کواکی، ۱۳۹۱، ص.۵۲). این رویکرد در پی ایجاد مکان‌های مورد علاقه و مناسب برای زندگی کودکان است (تورس[3]، ۲۰۰۹، ص.۲۵). همچنین شهر دوستدار کودک تنها یک شهر خوب نیست، بلکه شهری است که به وسیله‌ی کودکان ساخته و مورد قضاوت قرار می‌گیرد (ریگیو[4]، ۲۰۰۲، ص.٤٦). بنابراین، ترویج توسعه‌ی شهری دوستدار کودک به‌منظور ارائه‌ی کیفیت مناسب زندگی و دسترسی به همه‌ی کودکان در شهرها حائز اهمیت است (چان و لی[5]، ۲۰۱۹، ص.۱۰٤). از طرفی تصویب جهانی کنوانسیون حقوق کودک از شهرها می‌خواهد که به کودکان به‌عنوان بخشی از شهروندان شهری نگاه کنند که باید برای آنها ارزش و احترام قائل گردید (بالو[6] و همکاران، ۲۰۱۷، ص.۳۹)؛ چون اهمیت برنامه‌ریزی شهری دوستدار کودک فراتر از فراهم کردن زمین‌های بازی رفته و تعامل بین کودکان و محیط اطراف آنها یک عامل کلیدی مهم است (آئِرتس[7]، ۲۰۱۸، ص.۲). با این حال، امروزه شهر دوستدار کودک جایگاه و اهمیت خود را در نظام برنامه‌ریزی و طراحی شهرها به‌ویژه

1. Zhang
2. United Nations
3. Torres
4. Riggio
5. Chan and Lee
6. Ballo
7. Aerts

کشورهای درحال توسعه نیافته است. دلیل کم‌توجهی به موضوع برنامه‌ریزی شهری دوستدار کودک در کشورهای درحال توسعه همچون ایران مشخص نبودن جایگاه کودک در فضای شهر و عدم وجود چارچوب مشخص برای اجرایی کردن نقش آن در برنامه‌ریزی و طراحی شهری است. حال با توجه به این که فضای شهر از نیازهای اساسی کودک است و در نظام برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت شهری کشور به یک حلقه‌ی گمشده و پنهان تبدیل شده است؛ ضرورت دارد تا چارچوب و مفاهیم شهر دوستدار کودک تفسیر و مدل و الگوی مناسب ارائه گردد. بدین منظور هدف از پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار در راستای تحقق الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک در کلان‌شهر تهران می‌باشد. کلان‌شهر تهران به‌عنوان پرجمعیت شهر ایران و با نقش‌ها و عملکردهای متعدد خود، دارای مسائل و مشکلات بسیاری بوده و در این بین بیشترین آسیب از این مسائل متوجه کودکان خواهد گردید. عدم سیاست‌گذاری یکپارچه در حوزه‌های مختلف شهری همچون کارکردهای اجتماعی فضاهای شهری، نادیده انگاشتن همه‌شمولی فضاهای شهری، عدم تحقق مؤلفه‌های ایمنی و امنیت برای اقشار آسیب‌پذیر همچون کودکان و نادیده انگاشتن نیازهای مختلف کودکان که سرمایه‌های ملی و نسل آینده‌ی کشور محسوب می‌شوند، از مسائل عمده و مهم نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کلان‌شهر تهران محسوب می‌گردد. بنابراین نیاز است که کودکان به‌عنوان سرمایه‌های کشور به بهترین نحو مورد توجه قرار گرفته و برنامه‌ریزی و طراحی مناسب فضاهای شهری در راستای توانمندسازی آنها از اولویت اساسی مدیران و ارگان‌های شهری محسوب گردد.

به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد شهر دوستدار کودک موضوعی است که طی سالیان اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران بوده است. با بررسی پیشینه‌ی مطالعاتی می‌توان عنوان کرد که ارائه‌ی رویکردی جامع با توجه به مؤلفه‌های مختلف در طراحی، مدیریت و برنامه‌ریزی این نوع شهر خلأ پژوهش‌های گذشته بوده و تحقیق حاضر با هدف برطرف کردن این خلأ پژوهشی نگارش گردیده است. در ادامه به برخی از پژوهش‌های مرتبط با شهر دوستدار کودک اشاره می‌گردد.

منوچهری و علیزاده (۱۳۹۳)، در پژوهش خود تحت عنوان شهر دوستدار کودک به‌عنوان گامی به سوی شهر پایدار در مشهد به این نتایج دست یافته‌اند که میزان سرانه‌ی اختصاص‌یافته به فضاهای مخصوص کودکان در طرح‌های توسعه‌ی شهر مشهد و وضع موجود نسبت به جمعیت کودکان، پاسخگوی نیاز این قشر از جامعه نمی‌باشد و کمتر از سرانه‌ی استاندارد است. بنابراین توجه به نیازهای کودکان در طرح‌های توسعه‌ی شهر مشهد و حرکت به سمت شکل‌گیری شهر دوستدار کودک می‌تواند فضای زندگی بهتری را نه‌تنها برای کودکان بلکه برای همه‌ی شهروندان فراهم نماید تا بدین طریق حصول به اهداف توسعه‌ی پایدار در شهرهای ایرانی–اسلامی محقق گردد. حجازی و حبیبی (۱۳۹٤)، در تحقیق به بررسی راهکارهای طراحی شهری جهت خلق فضای شهری کودک‌مدار در شهر همدان پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از مبلمان مناسب کودکان از نظر اندازه، رنگ و طرح، ایجاد شرایط مناسب برای استفاده‌ی کودکان از پوشش گیاهی، کف‌سازی مناسب و رنگارنگ برای تمام فصول،

کنترل سرعت سواره در ورودی محلات و معابر، ایجاد فضای بازی و تجمع متمرکز و غیرخطی و قابل نظارت بـرای کودکان، حفظ مقیاس انسانی و پرهیز از بلند مرتبه‌سازی از مهم‌ترین ویژگی‌های محیط مطلـوب کودکـان می‌باشـند. زیاری و همکاران (۱٤۰۰)، در پژوهشی به تبیین اصول شهر دوستدار کودک با رویکرد ارتقاء محیط شهری به روش دلفی و کاربست آن در منطقه‌ی ۲ تهران پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود پهنه‌های نادوستدار در مرکز و جنوب و در حالت متمرکزی در شمال منطقه ۲ تهران بوده که از لحاظ ساختاری عملاً هسته‌های فعالیتی اصلی منطقه را تحت پوشش خود دارند. همچنین ساختار بافـت، سیسـتم دسترسـی، کـاربری و لایـه‌های مـرتبط بـه قـدری در دوستداری شهر برای کودکان در مقیاس کلان اهمیت دارد که عملاً کیفیت زندگی آنان را در مقیاس خرد تحت تـأثیر قرار می دهد. گیل[1] (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ی خود تحت عنوان ساخت شهرهای مناسب برای کودکـان و برنامـه‌ریزی و طراحی شهری کودک‌پسند در اروپا و کانادا بیان داشته‌اند که برنامه‌ریزی و طراحی شهر دوستدار کودک مجموعـه‌ای از ایده‌های در حال تحول در مورد شکل دادن به ویژگی‌های فیزیکی محلات و شهرها است تـا کودکـان در زنـدگی روزمره فعال و قابل مشاهده باشند. مدل دوستداری کودک مورد استفاده در این پژوهش دارای دو بعد یا چنـد جنبـه است. اولین مورد در ارتباط با فضاها، فعالیت‌ها و تجارب ارائه‌شده به کودکان در یک محله یا شهر است. مـورد دوم نیز مربوط به توانایی کودکان در دسترسی به این تجربیات است؛ به خصوص از طریق پیاده‌روی یا دوچرخه‌سـواری. زِرلینا و سلیمان[2] (۲۰۲۲)، در پژوهش خود تحت عنوان به سمت برنامه‌ریزی نوآورانه برای محله‌ی دوستدار کـودک در جاکارتا به این نتایج دست یافته‌اند که ضروری است که نه‌تنها یک محیط امن، سالم و پایدار بـرای رشـد کـودک فراهم شود، بلکه کودکان نیز بدون تبعیض در جامعـه‌ی شـهری ارزش‌گـذاری، درمـان و پذیرفتـه شـوند. همچنـین به‌عنوان کوچکترین واحد محیط فضایی، محله اولین جایی است که کودکان در معرض دنیای اجتماعی قرار می‌گیرند و تجربیات کودکان در ارج نهادن به محیط اطراف و قرار گرفتن خود در بافت شهری از این واحد شروع مـی شـود. چان[3] (۲۰۲۱)، نیز در پژوهشی تحت عنوان توسعه‌ی شهری دوستدار کودک، به ابتکار توسعه‌ی منطقه‌ی لبخند پنـوم پن[4] پرداخته است. این پژوهش بیان داشته است که جمعیت کودکان شهری بـه سـرعت در حـال افـزایش اسـت و علاقه‌ی فزاینده‌ای به ترویج شهرها و جوامع دوستدار کودک وجود دارد. بر ایـن اسـاس یونیسـف چـارچوبی بـرای ساختن شهرها و جوامع دوستدار کودک تدوین کرده و در این چارچوب مراحل ایجاد یک سیستم حکـومتی متعهـد به تحقق حقوق کودکان و فرآیندهای اجرایی در رابطه با کنوانسیون حقوق کودک را مشخص کـرده اسـت. در ایـن راستا، کامبوج نیز چارچوب ملی جامعه‌ی دوستدار کودک را با هدف بهبود بیشتر محیط‌های مساعد برای کودکان بـر مبنای چارچوب یونیسف تنظیم نموده است.

1. Gill
2. Zerlina and Suleiman
3. Chan
4. Phnom Penh

بررسی پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که شهرهای دوستدار کودک به‌منظور تحقق بخشیدن به حقوق شهروندی کودکان و برطرف کردن نیازها و خواسته‌های آنها از دهه‌ی ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفته است (وود[1]، ۲۰۱۶، ص.۲). مفهوم "شهر دوستدار کودک" به‌طور کلی به این معنی است که دولت‌مردان چگونه این شهرها را بر اساس علایق بچه‌ها اداره می‌کنند و نیز به شهرهایی گفته می‌شود که در آن‌ها حقوق اساسی بچه‌ها مثل سلامت، حمل‌ونقل، حمایت، آموزش و فرهنگ رعایت می‌شود. بر این اساس بچه‌ها به‌عنوان شهروندانی تعریف شده‌اند که حقوقی دارند و حق دارند نظراتشان را ابراز کنند (بیشاپ و کُرکِری[2]، ۲۰۱۷، ص.۳۷). همچنین ابعاد مختلفی برای رسیدن به محیط‌های دوستدار کودک در نظر گرفته شده است؛ همچون ایمنی و امنیت، کیفیت شهری و محیط‌زیست و خدمات اساسی که در فنلاند و سوئد مورد استفاده قرار گرفته‌اند (بروبِرگ[3] و همکاران، ۲۰۱۳، ص.۱۱۱). از طرفی در حوزه‌ی شهرها و بهداشت "شهر سالم" نیز می‌توان به ایجاد شهرهایی مطابق با سن و سال، شهرهای انعطاف‌پذیر، شهرهای فشرده و بسیاری از موارد دیگر اشاره کرد (کای و لیکینگ[4]، ۲۰۱۷، ص.۱۴۸) و تمرکز بر روی کودکان و یا هر جمعیت فرعی دیگری می‌تواند به‌عنوان تأییدکننده‌ی این موضوع دیده شود (هانکوک و دوهل[5]، ۱۹۸۶، ص.۳۶۷). در بین نظریه‌پردازان نیز توجه به مسئله‌ی کودک در عرصه‌ی شهرسازی به وفور قابل مشاهده بوده است. همچنین در راستای نظریه‌های حقوق شهروندی برای کودکان که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، از ۷ هدف اصلی شهر دوستدار کودک (CFC) در دهه‌ی ۱۹۹۰ پیگیری می‌شود:

- تقویت مشارکت کودکان: باید به بچه‌ها فرصت داد تا درباره‌ی محیط دور و برشان تصمیم‌گیری کنند. این موضوع نباید بعد از اینکه تصمیم گرفته شد صورت بگیرد، بلکه باید در حین تصمیم‌گیری بچه‌ها را دخالت داد.
- بالا بردن آگاهی اجتماعی: برای تقویت احترام به حقوق بچه‌ها باید جامعه را آگاه کرد. تمام سطوح مختلف اجتماع بایستی نسبت به این موضوع آگاهی یابند.
- توجه کردن به نیازهای بومی: در این طرح‌ها باید به نیازهای خاص بچه‌ها، خانواده‌ها و اجتماع توجه شود.
- توسعه‌ی استراتژی‌های شهری برای بچه‌ها: دولت و بخش‌های قانون‌گذار باید به نیازهای شهری بچه‌ها مانند تأمین ایمنی، دوری از خشونت و ... توجه خاصی داشته باشند.
- دخیل کردن افراد و نهادهایی که می‌توانند در تأمین بودجه طرح‌ها را یاری برسانند.
- تقویت مشارکت: بالا بردن انگیزه‌های تمام گروه‌های ذینفع در بالابردن و تقویت مشارکت همگانی.

1. Wood
2. Bishop and Corkery
3. Broberg
4. Kai and Leiqing
5. Hancock and Duhl

- ظرفیت‌سازی: بالابردن امکانات و توانایی‌ها و توسعه‌ی بالقوه ظرفیت‌ها برای نسل‌های آتی، بالا بردن دانش و آگاهی، کمک به معنادار نمودن روش‌های مشارکت (یونیسف[1]، ۲۰۰٤، ص.۲؛ ساوان[2]، ۲۰۱۸، ص.۸۹۹).

در راستای طراحی و برنامه‌ریزی شهر دوستدار کودک نیز، نیاز به تعریف شاخص‌هایی می‌باشد که از مهمترین آن ها می توان به شاخص های محیطی ،فرهنگی ، سازمانی اشاره گردیده است.

۲. روش‌شناسی

۲. ۱. روش تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به دنبال توسعه‌ی دانش کاربردی در راستای ارائه‌ی الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک در کلان‌شهر تهران می‌باشد، بنابراین روش پژوهش از منظر هدف کاربردی و از منظر ماهیت تحلیلی–اکتشافی است. جامعه‌ی آماری پژوهش نیز کارشناسان و متخصصین مسائل شهری تهران را شامل می‌شود و با استفاده از نمونه‌گیری دلفی، حجم نمونه تعداد ۲۰ نفر تعیین گردیده است. قابل ذکر است روش دلفی، روشی نظام‌یافته است که بر آراء هیئتی از کارشناسان مستقل متکی می‌باشد و تعداد نمونه از فرمول خاصی پیروی نمی‌کند. همچنین در راستای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تکنیک DEMATEL و مدل تحلیل شبکه (ANP) در نرم‌افزار Super decision استفاده شده است. شاخص‌های استخراج‌شده به‌منظور ارائه‌ی الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک به شرح جدول شماره ۱ می‌باشد.

جدول ۱. متغیرهای تحقیق و کدبندی آنها

عامل (معیارهای اصلی)	زیرمعیار	شاخص	نماد
اجتماعی–سیاسی–فرهنگی C1	دسترسی	دسترسی به تسهیلات و خدمات اساسی (مدرسه و اماکن آموزشی، بهداشتی، ورزشی، مراکز فرهنگی، وسایل حمل‌ونقل عمومی، مسیرهای پیاده و دوچرخه-سوار و سایر خدمات شهری مانند نوشیدن آب سالم و ...)	S11
	مشارکت	ارتباط با دوستان و ارتقاء مشارکت فعال کودکان در مسائل و کارهای گروهی عموم کودکان	S12
	فرهنگ	آموزش حفظ محیط‌زیست، مسائل سلامتی و درک مسائل شهری به کودکان	S13
	خلاقیت	ارتقاء توانایی‌ها، عزت نفس و ظرفیت کودکان	S14
	مذهب	سازگاری با دین	S15

1. UNICEF
2. Sawsan

عامل (معیارهای اصلی)	زیرمعیار	شاخص	نماد
امنیت C2	احساس هویت داشتن	احترام به علایق کودک و برانگیختن احساس هویت اجتماعی و امنیتی	S21
	اوقات فراغت سالم	آسایش و آرامش کافی برای قدم زدن و فعالیت بدون هرگونه تهدید تا امنیت او در زمانی‌که بیرون است تأمین شود (امنیت در اوقات فراغت)	S22
	احساس شادی(عدم تبعیض)	حس هویت داشتن، حس ارزش‌دهی، شادی، سرگرمی و لذت	S23
محیطی- کالبدی C3	کیفیت محیطی	مناسب بودن پیاده‌روها و خیابان‌ها برای استفاده‌ی کودکان (روشنایی مناسب، شیب و پله‌های مناسب، تابلوها و علائم تصویری مناسب و ...)	S31
	فضای سبز	سرانه‌ی فضای سبز مناسب و قابل دسترس، تعداد درختان سایه‌دار	S32
	محیط‌زیستی	ارتباط نزدیک با طبیعت و تنوع زیستی که سبب علاقه‌مندی کودک به حفظ محیط‌زیست می‌شود	S33
	زیباشناسی	وجود تناسب بصری و زیبایی‌شناسی محیط	S34
	طراحی فضاها	انتخاب مصالح متناسب با محیط‌زیست و ایمن از جمله وسایل چوبی	S35
ایمنی C4	نیروی امداد سریع	نجات از خطر در شرایط اضطراری	S41
	نوع طراحی ایمن محیط	ایمنی و امنیت در فضاهای بازی کودکان و پارک‌ها (کفپوش مناسب، نظارت مناسب والدین، نداشتن لبه‌های تیز، آبخوری و زباله‌دان‌های مناسب و ...)	S42
	حمل ونقل مناسب	ایمنی و امنیت کودکان برای تردد دوچرخه و اسکوتر و پیاده‌روی	S43
بهداشتی-سلامت C5	بهداشت	رعایت اصول بهداشتی در تمام فضاها (سرویس‌های بهداشتی و آبخوری‌ها و ...)	S51
	فعالیت بدنی	امکان تحرک کودکان در محیط و ارتقاء رشد قوای جسمی کودک	S52
	سلامت روحی روانی	دوستی ورزیدن به همنوعان	S53
برنامه‌ریزی نهادی (قانونی) C6	قوانین احترام به دیدگاه کودک	اعمال و ادغام دیدگاه کودکان و ملاحظات شهر دوستدار کودک در برنامه‌ریزی و طراحی‌های شهری از نظر جنبه‌های مختلف کالبدی، ذهنی و رفتاری	S61
	حقوق زندگی و توسعه‌ی حداکثری کودک	اقدامات قانونی مناسب برای کاهش آلودگی‌های شهری (کاهش انتشار کربن در هوا یا دفع مناسب زباله در راستای توسعه‌ی شهر دوستدار کودک)	S62

مأخذ: (مطالعات اسنادی نگارندگان، ۱۴۰۱)

۲. ۲. محدوده مورد مطالعه

در راستای معرفی کلان‌شهر تهران می‌توان بیان کرد که این شهر بزرگ‌ترین کلان‌شهر ایران، دومین کلان‌شهر بزرگ خاورمیانه پس از قاهره و یکی از پر جمعیت‌ترین کلان‌شهرهای جهان است. این منطقه بخش قابل توجهی از استان تهران و بخش شرقی استان البرز را دربر می‌گیرد. از نظر اداری، تهران به ۲۲ منطقه و ۱۲۲ ناحیه‌ی شهری تقسیم شده است. تهران در پهنه‌ای بین دو وادی کوه و کویر و در دامنه‌های جنوبی البرز گسترده گردیده و ۷۳۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. از نظر جغرافیایی این شهر در ۵۱ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۳ دقیقه‌ی طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و ٤٤ دقیقه‌ی عرض شمالی قرار دارد. گستره‌ی کنونی تهران از ارتفاع ۹۰۰ تا ۱۸۰۰ متری از سطح دریا امتداد یافته‌است و این ارتفاع از شمال به جنوب کاهش می‌یابد. همچنین جمعیت این شهر بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، ۸٦۷۹۹۳٦ نفر بوده که از این تعداد ۱۷/۵ درصد شامل کودکان و افراد زیر ۱۵ می‌باشد.

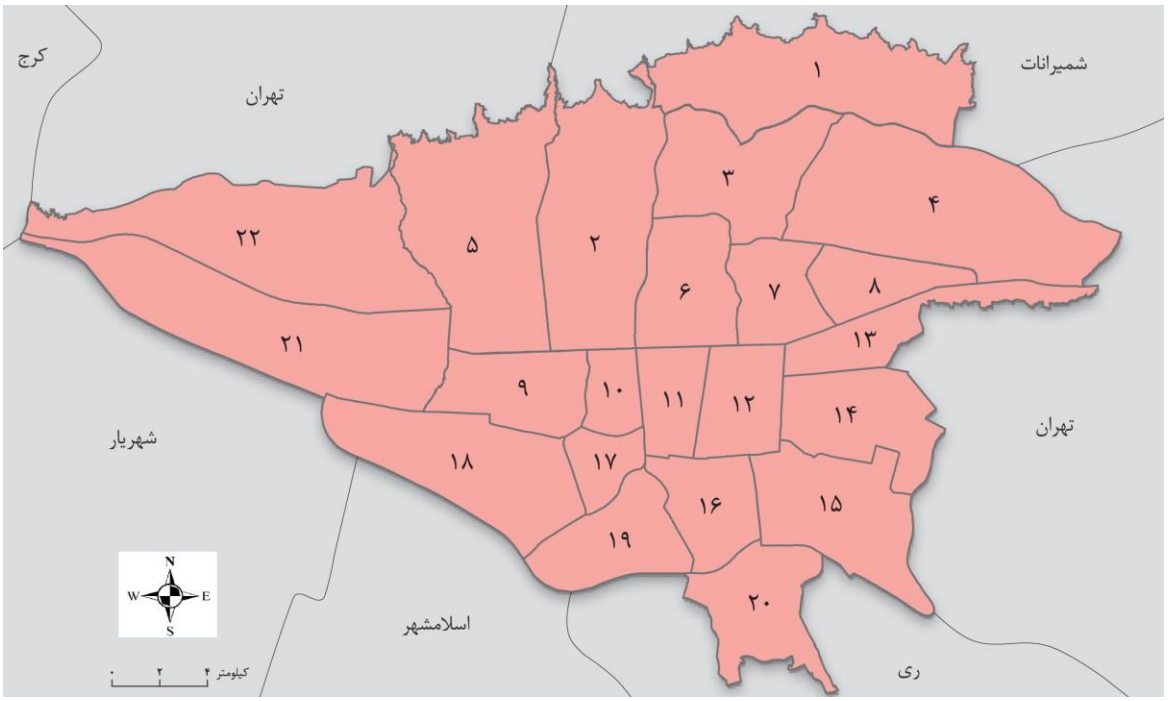

شکل ۱. موقعیت قرارگیری مناطق ۲۲گانه‌ی کلان‌شهر تهران

۳. یافته‌ها

در راستای ارائه‌ی الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک در کلان‌شهر تهران به بررسی مؤلفه‌های اثرگذار و اثرپذیر بر مبنای تکنیک DEMATEL و اولویت‌بندی آنها بر مبنای تحلیل شبکه (ANP) پرداخته شده است.

۳. ۱. الگوی روابط بین متغیرها (معیارهای اصلی) با تکنیک DEMATEL

الف) محاسبه‌ی ماتریس ارتباط مستقیم (M)

زمانیکه از دیدگاه چند خبره استفاده می‌گردد از میانگین حسابی ساده‌ی نظرات استفاده شده و ماتریس ارتباط مستقیم یا M را تشکیل می‌دهیم. بر مبنای جدول شماره ۲ بیشترین ارتباط مستقیم، بین متغیرهای بهداشتی–سلامت با اجتماعی–سیاسی–فرهنگی و برنامه‌ریزی نهادی و کمترین ارتباط مستقیم، بین متغیرهای ایمنی با بهداشتی–سلامت و برنامه‌ریزی نهادی وجود دارد.

جدول ۲. ماتریس ارتباط مستقیم M

	معیارها	C1	C2	C3	C4	C5	C6
C1	اجتماعی–سیاسی–فرهنگی	۰/۰۰۰	۲/۰۵۳	۲/۰۰۰	۲/۴۲۱	۱/۹۴۷	۲/۲۰۵
C2	امنیت	۲/۳۶۸	۰/۰۰۰	۲/۱۵۸	۲/۰۰۰	۲/۸۴۲	۳/۰۰۰
C3	محیطی–کالبدی	۲/۴۲۱	۲/۱۵۸	۰/۰۰۰	۱/۶۴۸	۲/۱۰۵	۳/۰۰۰
C4	ایمنی	۱/۸۴۲	۱/۴۲۱	۱/۷۸۹	۰/۰۰۰	۱/۳۶۸	۱/۲۱۱
C5	بهداشتی–سلامت	۳/۶۳۲	۲/۵۷۹	۳/۴۲۱	۲/۱۰۵	۰/۰۰۰	۳/۶۳۲
C6	برنامه‌ریزی نهادی (قوانین)	۳/۲۶۳	۲/۲۱۱	۳/۰۰۰	۲/۴۲۱	۱/۵۲۶	۰/۰۰۰

ب) محاسبه‌ی ماتریس ارتباط مستقیم نرمال N=K*M

در این بخش، ابتدا جمع تمامی سطرها و ستون‌ها محاسبه شده و سپس معکوس بزرگترین عدد سطر ضرب در هر عدد M، ستون k را تشکیل می‌دهد. براساس جدول شماره ۲ بزرگترین عدد ۱۵/۳۶۸ است و تمامی مقادیر جدول بر معکوس این عدد ضرب می‌شود تا ماتریس نرمال شود.

رابطه‌ی (۱):

$$k = \frac{1}{\max \sum_{j=1}^{n} a_{ij}} = \frac{1}{15.368} = 0.065$$

N=0.065*M

جدول ۳. ماتریس ارتباط مستقیم نرمال N

N	C1	C2	C3	C4	C5	C6
C1	۰/۰۰۰	۰/۱۳۳	۰/۱۳۰	۰/۱۵۸	۰/۱۲۷	۰/۱۳۷
C2	۰/۱۵۴	۰/۰۰۰	۰/۱۴۰	۰/۱۳۰	۰/۱۸۵	۰/۱۹۵
C3	۰/۱۵۸	۰/۱۴۰	۰/۰۰۰	۰/۱۱۰	۰/۱۳۷	۰/۱۹۵
C4	۰/۱۲۰	۰/۰۹۲	۰/۱۱۶	۰/۰۰۰	۰/۰۸۹	۰/۰۷۹
C5	۰/۲۴۶	۰/۱۶۸	۰/۲۲۳	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰	۰/۲۳۶
C6	۰/۲۱۲	۰/۱۴۴	۰/۱۹۵	۰/۱۵۸	۰/۰۹۹	۰/۰۰۰

ج) محاسبه‌ی ماتریس ارتباط کامل (T)

برای محاسبه ماتریس ارتباط کامل ابتدا ماتریس همانی (I) تشکیل می‌شود. سپس ماتریس همانی را منهای ماتریس نرمال کرده و ماتریس حاصل را معکوس می‌کنیم. در نهایت ماتریس نرمال را در ماتریس معکوس ضرب می‌کنیم.

رابطه‌ی (۲):

$$T= N*(I-N)-1$$

جدول ٤. ماتریس ارتباط کامل T

T Matrix	C1	C2	C3	C4	C5	C6
C1	۰/٤١٤	۰/٤٤٨	۰/٤٩٧	۰/٤٧٥	۰/٤٢٣	۰/٥١٦
C2	۰/٦٢٦	۰/٣٩٢	۰/٥٧٧	۰/٥١٥	۰/٥٢٥	۰/٦٣٥
C3	۰/٥٩٠	۰/٤٨٤	۰/٤١٨	۰/٤٦٩	۰/٤٦٠	۰/٥٩٨
C4	۰/٤١٧	۰/٣٣٣	۰/٣٩٠	۰/٢٥٤	۰/٣١٦	۰/٣٧٢
C5	۰/٧٨١	۰/٦١٢	۰/٧٢٥	۰/٥٩٨	۰/٤٤٠	۰/٧٥٥
C6	۰/٦٤٨	۰/٥٠٣	۰/٥٩٩	۰/٥٢٣	۰/٤٤٨	۰/٤٥١

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ١٤٠١).

د) تحلیل الگوی روابط علی

در جدول شماره ۵ و شکل شماره ۲ الگوی نهایی و روابط علی متغیرهای اصلی تحقیق مشخص گردیده است.

جدول ۵. الگوی روابط علی معیارهای اصلی مدل

معیارها	D	R	D+R	D-R
C1	٤/٨٩٠	٤/٤٧٤	٩/٣٦٤	۰/٤١٦
C2	٤/٤٤٤	٥/٠٦٩	٩/٥١٣	-۰/٦٢٤
C3	٤/٧٥٣	٤/٣٠٤	٩/٠٥٧	۰/٤٤٩
C4	٤/٦٦٤	٤/٥١٤	٩/١٧٨	۰/١٥٠
C5	٥/٥٥٦	٤/٨٠٣	١٠/٣٥٩	۰/٧٥٣
C6	٤/٢٠٩	٥/٣٥٢	٩/٥٦٢	-١/١٤٣

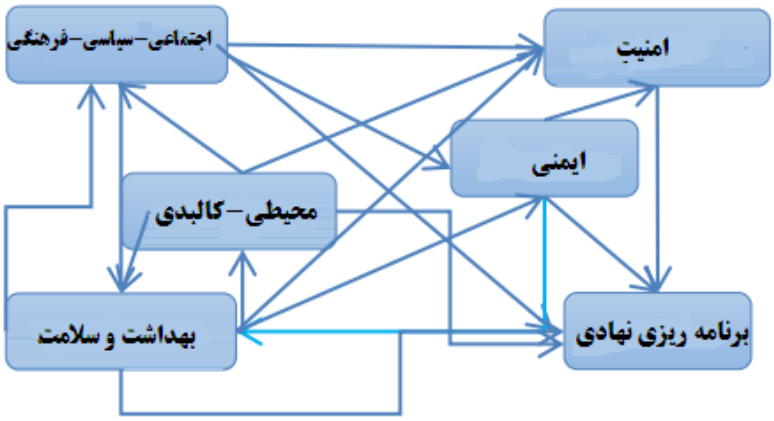

شکل ۲. الگوی روابط درونی معیارهای اصلی مدل

بر مبنای جدول شماره ٦، (D) نشانگر میزان تأثیرگذاری و (R) نشانگر میزان تأثیرپذیری هر معیار می‌باشد. در این راستا، معیار اجتماعی–سیاسی–فرهنگی از بیشترین تأثیرگذاری و معیار برنامه‌ریزی نهادی و قانونی از بیشترین تأثیرپذیری برخوردار می‌باشند. همچنین (D+R) نشان‌دهنده‌ی تعامل بین معیارها بوده که در این بین معیار بهداشتی–سلامت بیشترین تعامل را با سایر معیارهای مورد مطالعه داشته است. (D-R) نیز قدرت تأثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. به‌طور کلی اگر (D-R) مثبت باشد، متغیر یک متغیر علی محسوب می‌شود و اگر منفی باشد معلول محسوب می‌شود. بنابراین در این مدل معیارهای امنیت و برنامه‌ریزی نهادی متغیرهای معلول و معیارهای اجتماعی–سیاسی–فرهنگی، محیطی–کالبدی و بهداشتی–سلامت متغیر علی می‌باشند. بررسی زیرمعیارها نیز حاکی از آن است که دسترسی به تسهیلات و خدمات اساسی دارای بیشترین تأثیرگذاری و سازگاری با دین بیشترین تأثیرپذیری می‌باشد. همچنین معیار زیباشناسی بیشترین تعامل را با سایر معیارها داشته است. همچنین از بین ۲۱ معیار مورد بررسی ۸ معیار علی و ۱۳ معیار معلول بوده‌اند.

جدول ٦. الگوی روابط زیر معیارها

نماد	زیرمعیارها	D	R	D+R	D-R
S11	دسترسی به تسهیلات و خدمات اساسی	۲/۳۸	۱/۵۳	۳/۹۱	۰/۸۵
S12	ارتباط با دوستان و ارتقاء مشارکت فعال کودکان در مسائل و کارهای گروهی کودکان	۲/۵۵	۱/٤٤	۳/۹۹	۱/۱۱
S13	آموزش حفظ محیط زیست، مسائل سلامتی و درک مسائل شهری به کودکان	۱/۸۱	۱/۸۲	۳/٦۳	-۰/۰۱
S14	ارتقای توانایی‌ها، عزت نفس و ظرفیت کودکان	۲/۰۱	۱/٦۹	۳/۷۰	۰/۳۱
S15	سازگاری با دین	۱/۷۵	۰/۸۹	۲/٦۳	۰/۸٦
S21	احساس هویت داشتن	۱/۵۷	۱/٤۷	۱/۰۵	۰/۱۰
S22	اوقات فراغت امن	۱/۱۸	۱/۰۸	۲/۲٦	۰/۱۰
S23	احساس شادی(عدم تبعیض)	۲/۰٤	۱/۵۳	۳/۵۷	۰/۵۱

نماد	زیرمعیارها	D	R	D+R	D-R
S31	کیفیت محیطی	۱/٤۲	۱/٦٤	۳/۰۷	-۰/۲۲
S32	فضای سبز	۱/٥۹	۱/٦۰	۳/۱۹	-۰/۰۲
S33	محیطزیستی	۱/۰٦	۱/٦۲	۲/٦۸	-۰/٥٦
S34	زیباشناسی	۱/۷۷	۲/۲۹	٤/۰٦	-۰/٥۳
S35	طراحی فضاها	۱/٥۱	۱/٤٦	۲/۹۷	۰/۰٥
S41	نیروی امداد سریع	۰/۹٥	۱/۳۱	۲/۲۷	-۰/۳٦
S42	نوع طراحی ایمن محیط	۰/۸۹	۱/٤۷	۲/۳٦	-۰/٥۹
S43	حمل ونقل مناسب	۱/۱٦	۱/۲٤	۲/۳۹	-۰/۰۸
S51	بهداشت	۱/٦٥	۲/۰۹	۳/۷٤	-۰/٤٤
S52	فعالیت بدنی	۱/۷۰	۱/۹٦۱	۳/٦٦	-۰/۲٦
S53	سلامت روحی روانی	۱/٥۳	۱/۹۰	۳/٤۲	-۰/۳۷
S61	قوانین احترام به دیدگاه کودک	۱/٤٦	۱/۷۳	۳/۱۸	-۰/۲۷
S62	حقوق زندگی و توسعهی حداکثری کودک	۱/٥۳	۱/۹۰	۳/٤۲	-۰/۳۷

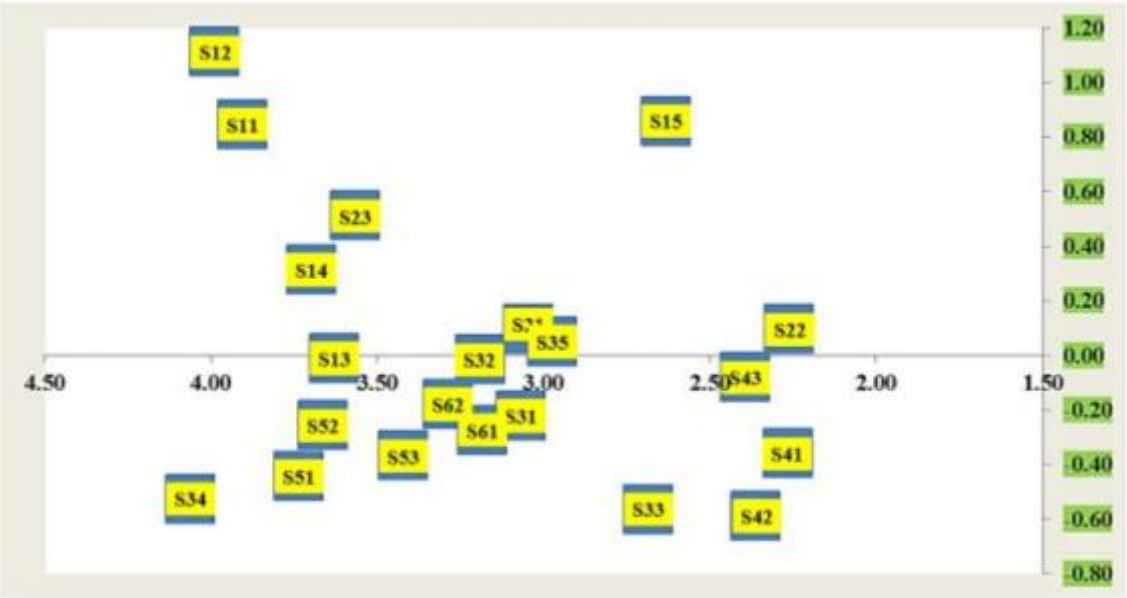

شکل ۳. نمودار مختصات دکارتی برونداد DEMTEL برای زیرمعیارها

۳. ۲. تعیین اولویت معیارهای مورد مطالعه بر اساس تکنیک ANP

برای تعیین وزن نهایی در تحلیل سلسلهمراتبی خروجی مقایسهی معیارها بر اساس هدف و روابط درونی معیارها، در یک سوپرماتریس ارائه میگردد که به این سوپرماتریس، سوپرماتریس اولیه یا ناموزون گفته میشود. برای دستیابی به اولویت نهایی بایدهای کلی در یک سیستم با تأثیرات متقابل، بردارهای اولویتهای داخلی (یعنی همان

wهای محاسبه‌شده) در ستون‌های مناسب یک ماتریس وارد می‌شوند. در نتیجه یک سوپرماتریس (درواقع یک ماتریس تقسیم‌بندی شده) که هر بخش از این ماتریس ارتباط بین یک دو شاخه در یک سیستم را نشان می‌دهد، به‌دست می‌آید. بر اساس بردار ویژه‌ی به‌دست آمده از مدل ANP، معیار محیطی–کالبدی با وزن نرمال ۰/۲۰۵ از بیشترین اولویت برخوردار بوده و معیار امنیت با وزن نرمال ۰/۱۹۹ در اولویت دوم قرار دارد. از سوی دیگر معیار برنامه‌ریزی نهادی با وزن ۰/۱۳۹ از کمترین اولویت برخوردار است. در بین زیرمعیارها نیز احساس هویت داشتن، حقوق زندگی و توسعه‌ی حداکثری کودک و اوقات فراغت امن به ترتیب با ضرایب ۰/۰۸۹۶، ۰/۰۶۳۸ و ۰/۰۵۹۲ دارای بیشترین اهمیت و کیفیت محیطی و زیباشناسی با ضرایب ۰/۰۰۱۹ و ۰/۰۰۴۷ دارای کمترین اهمیت بوده‌اند.

جدول۷. اولویت نهایی معیارها با تکنیک ANP

Alternatives	Total	Normal	Ideal	Ranking
S11	۰/۰۱۴۸	۰/۰۲۰۳	۰/۱۴۹۶	۱۴
S12	۰/۰۲۵۲	۰/۰۵۰۴	۰/۳۲۵۹	۵
S13	۰/۰۲۱۶	۰/۰۴۳۲	۰/۲۷۹۷	۸
S14	۰/۰۲۸۶	۰/۰۵۷۱	۰/۳۶۹۵	۴
S15	۰/۰۲۴۷	۰/۰۴۹۵	۰/۳۲۰۱	۷
S21	۰/۰۶۰۱	۰/۰۸۹۶	۰/۳۳۱۲	۱
S22	۰/۰۲۹۶	۰/۰۵۹۲	۰/۳۸۲۷	۳
S23	۰/۰۲۵۱	۰/۰۵۰۲	۰/۳۲۴۵	۶
S31	۰/۰۷۷۳	۰/۰۰۱۹	۰/۲۲۱	۲۱
S32	۰/۰۰۶۰	۰/۰۱۲۰	۰/۰۷۷۸	۱۷
S33	۰/۰۱۸۵	۰/۰۳۷۰	۰/۲۳۹۵	۱۰
S34	۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۴۷	۰/۰۳۰۷	۲۰
S35	۰/۰۱۱۶	۰/۰۲۳۳	۰/۱۵۰۵	۱۳
S41	۰/۰۱۷۱	۰/۰۳۴۲	۰/۲۲۱۱	۱۱
S42	۰/۰۱۵۸	۰/۰۳۱۷	۰/۲۰۴۷	۱۲
S43	۰/۰۰۷۸	۰/۰۱۵۵	۰/۱۰۰۳	۱۶
S51	۰/۰۰۲۰۰	۰/۰۴۰۱	۰/۲۵۹۲	۹
S52	۰/۰۰۴۱	۰/۰۰۸۱	۰/۰۵۲۴	۱۹
S53	۰/۰۰۸۲	۰/۰۱۴۶	۰/۱۰۵۸	۱۵
S61	۰/۰۰۴۸	۰/۰۰۹۶	۰/۰۶۲۱	۱۸
S62	۰/۰۵۱۹	۰/۰۶۳۸	۰/۰۳۴۳	۲

٤. بحث

بررسی‌های به‌عمل آمده از شرایط موجود و همچنین ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر ایجاد محیط‌زیست ایمن و شهر دوستدار کودک در کلان‌شهر تهران به شرح زیر می‌باشد:

الف) معیارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی- از منظر دسترسی به تسهیلات و خدمات اساسی و همچنین خلاقیت در فضاهای شهری، همسو بودن با فرهنگ و مذهب و تحقق رویکرد مشارکت و تعامل کودکان با یکدیگر وضعیت کلان‌شهر تهران مناسب نبوده و نیاز است تا با ظرفیت‌سنجی مناسب در حوزه‌های محلی و منطقه مقدمات ارتقاء این معیارها و تحقق شهر دوستدار کودک فراهم گردد. در این راستا چان و لی (۲۰۱۹)، بیان داشته‌اند که دسترسی به‌عنوان مهمترین شاخص شهر دوستدار کودک محسوب می‌شود که متأسفانه در کلان‌شهر تهران این شاخص در وضعیت نامطلوبی می‌باشد. همچنین آئِرتس (۲۰۱۸)، تأکید ویژه‌ای بر تعامل و مشارکت کودکان در راستای تحقق شهر دوستدار کودک داشته و در این بین نیاز است با درنظر گرفتن ابعاد مختلف همچون امنیت مقدمات حضور و تعامل کودکان در سطح فضاهای شهری تهران فراهم گردد.

ب) معیارهای امنیت- از منظر برانگیختن احساس هویت اجتماعی و امنیت کودکان و به‌طور کلی همه‌شمولی فضاهای شهری و ایجاد حس آرامش و آسایش و لذت و سرگرمی مناسب کودکان فضاهای مختلف شهر در وضعیت مطلوبی به‌سر نمی‌برد. این مورد در بسیاری از پژوهش‌های داخلی در شهرهای مختلف همچون پژوهش کیانی و اسماعیل‌زاده (۱۳۹۱) در شهر قوچان و پژوهش حجازی و حبیبی (۱۳۹٤) در شهر همدان مورد تأیید قرار گرفته است. در این راستا، ضروری است که به ایجاد طرح‌های متناسب در فضاهای شهری به‌منظور ارتقاء امنیت و هویت این فضاها با معیارهای کودکان همت گمارد. همچنین نیاز است که باز بازتعریف کارکردهای اجتماعی فضاهای شهری مقدمات حضورپذیری کودکان و ارتقاء توانایی‌های آنها فراهم گردد.

ج) معیارهای محیطی-کالبدی- ایجاد محیطی مناسب با تأکید بر شاخص‌های شهر آموزش‌دهنده برای ارتقاء یادگیری اجتماعی کودکان، افزایش کیفیت پیاده‌روها و محل‌های دوچرخه‌سواری، بهبود سرانه‌ی فضای سبز در محلات، بهره‌مندی از عناصر و رنگ‌های مناسب برای بهبود روحیه‌ی کودکان از ضروریات طراحی فضاهای شهری در بعد محیطی-کالبدی می‌باشد. در پژوهش حجازی و حبیبی (۱۳۹٤) و گیل (۲۰۱۹)، طراحی محیط مورد تأکید بوده، با این حال نوآوری تحقیق حاضر تأکید بر یادگیری اجتماعی کودکان با ارتقاء فضاهای شهری تهران بر مبنای شهر آموزش‌دهنده بوده است.

د) امعیارهای ایمنی- از نظر ایمنی پارک‌ها و فضاهای شهری تهران متناسب با شهر دوستدار کودک نبوده و بایستی در ابعاد مختلفی همچون بهره‌مندی از نظارت مناسب، طراحی امن و ایمنی در عبورومرور کودکان سازوکارهای مناسب اندیشیده شود. ایمنی شاخصی است که در اکثر پژوهش‌ها مورد تأیید بوده است، با این حال نیاز که بر مبنای ظرفیت‌سنجی در رویکرد پایین به بالا و در سطح محلات به شناخت دقیق از وضعیت موجود و برنامه‌ریزی در راستای تحقق شهر دوستدار کودک نائل آمد.

و) معیارهای بهداشتی و سلامت– از منظر بهداشتی و سلامت نیز فضاهای مختلف شهر دارای وضعیت مطلوبی نبوده و در این راستا نیاز است تا با ظرفیت‌سنجی این فضاها و موضوع شناسی مناسب در ابعاد کمی و کیفی مقدمات ارتقاء و همه‌شمولی آنها فراهم گردد. در پژوهش حاضر برخلاف پیشینه‌ی مطالعاتی از ابعاد متنوع‌تر معیارهای بهداشتی و سلامت، همچون ارتقاء شرایط روحی و روانی کودکان با توجه به تعاملات با سایر کودکان و سرزندگی فضاهای شهری استفاده شده است.

ه) معیارهای برنامه‌ریزی نهادی (قانونی)– مهمترین معیار در راستای تحقق شهر دوستدار کودک معیار برنامه‌ریزی نهادی می‌باشد. بدین منظور برنامه‌ریزی‌ها و انواع طرح‌ها بایستی از جنبه‌های مختلف کالبدی، ذهنی و رفتاری دربرگیرنده‌ی نیاز کودکان باشد. همچنین برنامه‌ریزی‌ها بایستی همسو با ارتقاء کیفیت و قابلیت زندگی کودکان بوده و توسعه‌ی حداکثر حقوق آنها را دربر گیرد. این مورد به‌ویژه در پژوهش‌های وود (۲۰۱٦) و چان (۲۰۲۱) مورد تأکید قرار گرفته و برنامه‌ریزی با توجه به افکار کودکان را از اصول اولیه به‌منظور تحقق شهر دوستدار کودک ذکر کرده‌اند.

با توجه به وضعیت موجود کلان‌شهر تهران و ضعف در ابعاد مختلف، الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک به شرح شکل شماره ٤ می‌باشد. با توجه به شکل شماره ٤ می‌توان گفت که در بالاترین سطح بایستی ابتدا به نظام برنامه‌ریزی و مدیریت و همچنین طراحی فضاهای شهری بر مبنای رویکرد شهر دوستدار کودک توجه نمود. در مرحله‌ی دوم نیاز به تعریف پروژه‌ها در این حوزه با ظرفیت‌سنجی و امکان‌سنجی مناسب از یک‌سو و تدوین قوانین الزام‌آور می‌باشد. همچنین اجرای طرح‌های شهر دوستدار کودک با تأکید بر رویکرد پایین به بالا از سطح محلات و مناطق شهری و همچنین با مشارکت و هماهنگی بین سازمان‌های مختلف قابل تحقق می‌باشد. در آخرین مرحله نیز نیاز است که ابعاد مختلف طراحی فضاها از منظر ایمنی، آموزشی و بهداشتی مورد توجه قرار گیرد. همچنین کلیه‌ی عوامل فوق بایستی در یک رویکرد سیستمی و یکپارچه با درنظر گرفتن نیازهای کودکان و محیط شهری تحقق یابد.

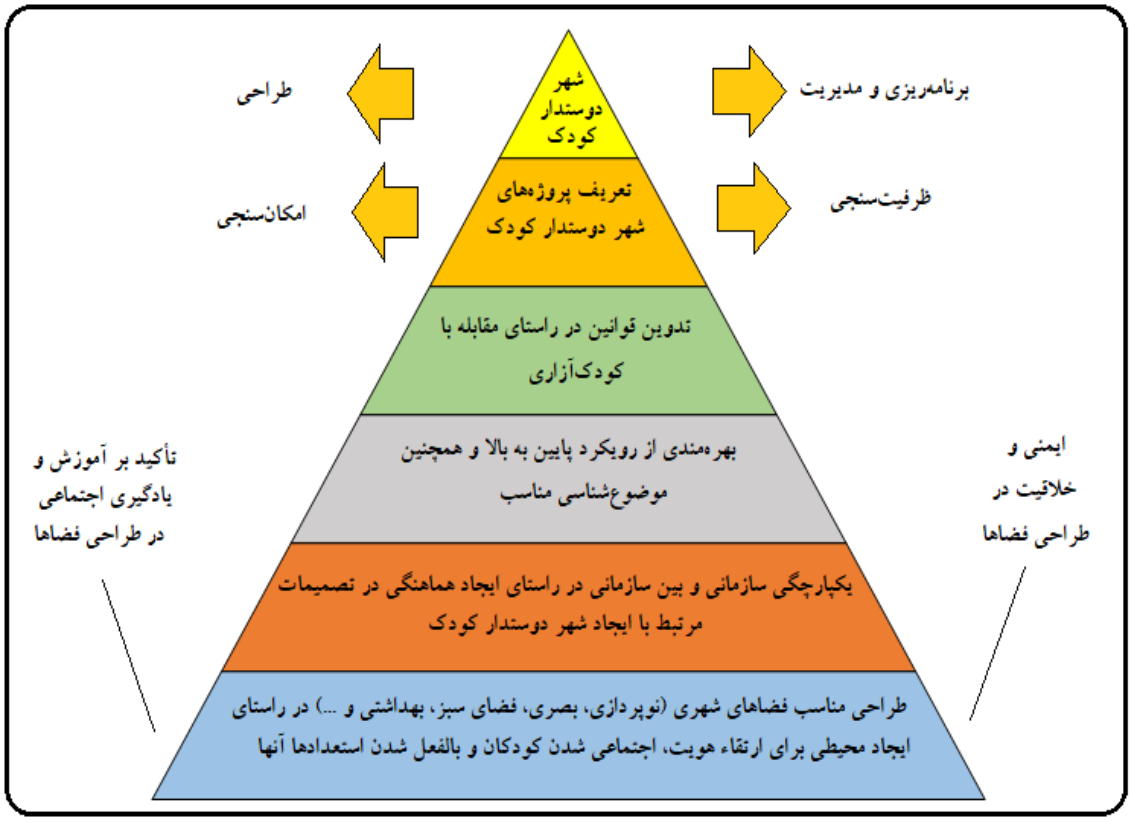

شکل ٤. الگوی مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست شهری امن با رویکرد شهر دوستدار کودک

همچنین نتایج تحقیق حاضر تأییدی از پژوهش‌های منوچهری و علیزاده (۱۳۹۳)، در راستای توجه به نیازهای کودکان در طرح‌های توسعه‌ی شهر، حجازی و حبیبی (۱۳۹٤) و گیل (۲۰۱۹)، بهره‌مندی از ابعاد چندبعدی مورد نیاز کودکان در طراحی‌های شهر و زرلینا و سلیمان[1] (۲۰۲۲)، ضرورت برنامه‌ریزی پایین به بالا و در سطح محلات برای تحقق شهر دوستدار کودک می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

طبق اصل ۳۰ام قانون اساسی، دولت مؤظف است برای همگان تا پایان دوره‌ی متوسطه، شرایط و لوازم آموزش و پرورش رایگان را مهیا کند و طبق قانون کار، به کار گماشتن کودکان کمتر از پانزده سال، ممنوع است. در کلان‌شهرهای ایران به‌ویژه تهران، حقوق کودکان دچار نقص‌های بسیاری در زمینه‌ی اجرایی شده و نمونه‌های بسیاری از جمله دستفروشی، تکدی‌گری، بزهکاری و ... را می‌توان به‌وفور در سطح شهرها مشاهده نمود. به لحاظ تأسیسات و تسهیلات اجتماعی نیز کودکان همانند سایر اقشار جامعه دچار کمبودهایی هستند. اشکال در مکان‌یابی مهدکودک، کودکستان‌ها و دبستانها، تفاوت‌های عمده میان ظاهر و امکانات مدارس در نواحی مختلف، فقدان

1. Zerlina & Suleiman

امکانات تفریحی کافی در سطح شهر و محلات، استاندارد و ایمن نبودن فضاهای موجود، عدم امنیت کافی در معابر عمومی و آلودگی‌های دیداری و شنیداری برای کودکان بخشی از مشکلات موجود در کلان‌شهر تهران هستند که سبب شده است، زندگی و تفریح کودکان با وجود محدودیت‌ها در خانواده خلاصه شود و حضور میسر کودکان و تفریح آنان به حد کافی میسر نباشد. بنابراین، با توجه به اینکه فضاهای شهری در برآورده ساختن نیازهای اجتماعی و فردی کودکان و نوجوانان شهر، نقش ویژه‌ای داشته و این فضاها بخش عمده‌ای از زمان و محیط زندگی روزمره‌ی ساکنان از جمله کودکان را به خود اختصاص می‌دهند؛ ارتقاء کیفیت این فضاها می‌تواند در سلامت و رشد قوای جسمی، رشد اجتماعی و شخصیتی، زندگی فعال اجتماعی و پرورش خلاقیت و تداوم یادگیری میسر باشد. همچنین روشن است برای دستیابی به رتبه‌ی والای شهروندی و داشتن شهروندانی با درک و شهرهایی بسامان و سالم، ضروری می‌باشد مدیران شهری، کودکان را در برنامه‌های درازمدت شهری در اولویت قرار دهند. در همین راستا برای حل مسائل و مشکلات مربوط به کودکان باید قوانین کشور هرچه بیشتر با قواعد جهانی حمایت از کودکان هماهنگ و همخوان شود و در عین حال باید به اجرای درست و دقیق این قوانین کوشید. همچنین درنظر گرفتن فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها در جوامع مختلف و هماهنگی با آنها، می‌تواند تضمینی برای اجرای دقیق قوانین هم‌پیوند با کودکان باشد. با توجه به وضعیت موجود کلان‌شهر تهران و ضعف‌های موجود در اجرایی شدن شهر دوستدار کودک پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- ایجاد پارک‌های محله ای مناسب کودکان؛
- اختصاص اتاقک‌های شیردهی مادر به نوزاد در فضاهای عمومی؛
- دیوارنگاری‌های مناسب کودکان؛
- استفاده از مبلمان با طرح‌های کودکانه در فضای شهری؛
- نقاشی کف خیابان‌های محلی و ایجاد بازی‌های خیابانی؛
- تعبیه‌ی رمپ‌های استاندارد در فضاهای جمعی جهت سهولت تردد کالسکه‌ی کودک و ویلچر کودکان معلول.
- همچنین در حوزه‌ی برنامه‌ریزی و مدیریتی پیشنهادهای زیر مطرح می‌گردد:
- سازوکار ضمانت اجرا: وضع جرایم علیه متخلفین مثل قانون حمایت از کودکان که در صورت آزار و اذیت کودکان ابتدا تذکر و بعد جریمه‌ی نقدی لحاظ می‌گردد.
- تقویت سازوکار و نظارت از طریق اهدای نشان و لوح تشویقی به شهرداری‌های مناطق تهران.
- استفاده از فضای تبلیغاتی: نوشتن برخی از بندهای مصوبه بر بروی بیلبوردهای تبلیغاتی و ساخت پیام‌های تبلیغاتی و پخش آن در تلویزیون.
- مطالبات مردم: اطلاع‌رسانی و افزایش سطح آگاهی مردم از وجود چنین مصوبه‌ای تا تبدیل شدن آن به مطالبه‌ی مردم.

- تجدید نظر و بازنگری مصوبه: نیاز اصلاح برخی از بندهای آن به‌ویژه در بندهایی که سن کودک مطرح شده است.
- مکانیزم‌های تشویق شهرداری‌ها: به‌صورت رتبه‌بندی شهرداری‌های مناطق بر اساس عملکرد سالانه‌ی آنها که بر اساس گزارش‌های سالانه‌ی این رتبه‌بندی می‌تواند صورت بگیرد و همه مایل هستند در رتبه‌های بالا قرار بگیرند و ترس از آخر شدن دارند که در قسمت خدمات شهری بر اساس معیارهای مشخص (مثل خدماتی از قبیل دفع آب‌های سطحی و غیره) در حال انجام شدن است که می‌توان در مورد مصوبه‌ی شهر دوستدار کودک هم چنین رتبه‌بندی را انجام داد.

کتاب‌نامه

۱. حجازی، س.م.، و حبیبی، ک. (۱۳۹٤). بررسی راهکارهای طراحی شهری جهت خلق فضای شهری کودک‌مدار (نمونه موردی: شهر همدان). *مطالعات محیطی هفت حصار*، ٤(١٤)، ٥٤-٣٥.

۲. زیاری، ک.، صراف، م.، پوراحمد، ا.، و فرهودی، ر. (١٤٠٠). تبیین اصول شهر دوستدار کودک با رویکرد ارتقاء محیط شهری به روش دلفی و کاربست آن در منطقه ۲ تهران. *تحقیقات جغرافیایی*، ۳٦(۲)، ۱۸۹-۱۷۳.

۳. کیانی، ا.، و اسماعیل‌زاده کواکی، ع. (۱۳۹۱). تحلیل و برنامه‌ریزی شهر دوستدار کودک از دیدگاه کودکان (مطالعه موردی: قوچان). *باغ نظر*، ۹(۲۰)، ٦۲-٥۱.

٤. منوچهری، ب.، و علیزاده، ک. (۱۳۹۳). شهر دوستدار کودک، گامی به سوی شهر پایدار آینده (نمونه مورد مطالعه: شهر مشهد). *اولین همایش ملی در جستجوی شهر فردا واکاوی مفاهیم و مصادیق در شهر اسلامی-ایرانی*. تهران: شرکت دیبا افق.

5. Aerts, J. (2018). *Shaping Urbanization for Children: A Handbook on Child-Responsive Urban Planning*. New York: United Nations Children's Fund (UNICEF).
6. Ballo J.B., Sunarharum, T.M., & Patilima, H. (2017). *Desain Besar Jakarta Menuju Kota Layak Anak 2018-2022*. Jakarta: Kedeputian Gubernur Provinsi DKI Jakarta Bidang Tata Ruang dan Lingkungan Hidup.
7. Becon, E. (2012). *Design of Cities*. Viking Penguin Books.
8. Bishop, K., & Corkery, L. (2017). *Designing cities with children and young people: beyond playgrounds and Skate Parks*. New York: Routledge.
9. Broberg, A., Kyttä, M., & Fagerholm, N. (2013). Child-friendly urban structures: Bullerby revisited. *Journal of Environmental Psychology*, *35*, 110-120.
10. Chan, P. (2021). Child-Friendly Urban Development: Smile Village Community Development Initiative in Phnom Penh. *World*, *2*, 505–520.
11. Chan, P., & Lee, M.H. (2019). Prioritizing Sustainable City Indicators for Cambodia. *Urban Science*, 3(4), 104.
12. Churchman, A. (1999). Disentangling the Concept of Density. *CPL Bibliography*, *13*(4), 389-411.
13. Clark, A. (2011). Breaking Methodological Boundaries? Exploring Visual, Participatory Methods with Adults and Young Children. *European Early Childhood Education Research Journal*, *19*(3), 321-330.

14. Driskell, D. (2002). *Creating Better Cities with Children and Youth: A Manual for Participation*. London: Routledge.
15. Gill, T. (2019). Building cities fit for children: case studies of child-friendly urban planning and design in Europe and Canada. Available from: https://www.wcmt.org.uk/fellows/reports/building-case-child-friendly-urban-planning.
16. Hancock, T. & Duhl, L.J. (1986). Healthy cities: promoting health in the urban context. *A background working paper for the Healthy Cities Symposium*. 7–11 April. Lisbon, Portugal, 366–371.
17. Hanssen, G.S. (2019). The Social Sustainable City: How to Involve Children in Designing and Planning for Urban Childhoods? *Urban Planning*, *4*(1), 53–66.
18. Jacobs, J. (2000). *The Use of Sidewalks Safety*. In the City Readers (R. T. Legates, & F. Stout, Eds.). London: Rutledge.
19. Kai, R., & Leiqing, X. (2017). Dataset on energy effi ciency assessment and measurement method for child-friendly space in cold residential area. *Data in Brief*, *14*, 148–155.
20. Lynch, K. (2006). *A Theory of Good City Form*. Amazon book cloobs.
21. Mallon, K., & Has, L. (2002). *Australian Youth: Aliens in a Suburban Environment*. In Chawla, L. (Ed) growing up in an Urbanizing Old, London: Unesco/Earth scan.
22. Mumford, L. (1976). *Technique Paradise*. In: The Urbanization of European Society in the Nineteenth Century (a. Lees Eds.), ROGERS univ. common and Pennsylvania Univ., d.c Health and company, Massachusetts
23. Percy-Smith, B. & Thomas, N. (Eds). (2009). *A Handbook of Children and Young People's Participation: Perspectives from Theory and Practice*. Londen: Routledge.
24. Riggio, E. (2002). Child friendly cities, good governance in the best interests of the child. *Journal of Environment & Urbanization*, *14*(2), 45-58.
25. Satispi, E. (2019). Policy Development of the Child-Friendly City: Case Study of South Tangerang City Regional Government. *International Journal of Social and Administrative Sciences*, 3(2), 105–112.
26. Sawsan, S.M. (2018). Integrating youth in city planning: Developing a participatory tool toward a child friendly vision of Eastern Wastani Seida. *Alexandria Engineering Journal*, *57*, 897–909.
27. Torres, J. (2009). *Children & cities: planning to grow together*. Document in a collection, Ottawa: the Vanier institute of the family.
28. UNICEF. (2004). *Building Child Friendly Cities: A Framework for Action.Florence*. Innocenti Research Centre: International Secretariat for Child Friendly Cities.
29. United Nations. (2020). 68% of the World Population Projected to Live in Urban Areas by 2050, Says UN. 2018. Available online: https:// www.un.org/ development/ desa/ en/news/population/2018-revision-of-world-urbanization-prospects.html (accessed on 7 November 2020).
30. Wood, J. (2016). Space to participate: children's rights and the Scottish town planning system. PhD Thesis. Heriot-Watt University. Available from: http://hdl.handle.net/10399/ 3401.
31. Zerlina1, D., & C C Suleiman, C.C. (2020). Towards the innovative planning for child-friendly neighborhood in Jakarta. IOP Conference Series *Earth and Environmental Science*, *592*(1), 012023.
32. Zhang, P., Zhang, L., Chang, Y., Xu, M., Hao, Y., Liang, S., Liu, G., Yang, Z., Wang, C., (2019). Food-energy-water (FEW) nexus for urban sustainability: a comprehensive review. *Resour. Conserv. Recycl*, *142*, 215–224.

Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ فضای شهری، سال دهم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱٤۰۲، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: 10.22067/ JGUSD.2023.69743.1029
مقالهٔ پژوهشی

ارزیابی معیارهای شهر دوستدار کودک در شهرهای جدید، مورد مطالعه: شهر جدید گلبهار[1]

مهدی زنگنه (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران، نویسنده مسئول)
m.zanganeh@hsu.ac.ir
سید هادی حسینی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)
hhosseini59@yahoo.com
ملیحه مرادپور (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران)
m.samii68@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰۵/۰۹ **تاریخ تصویب: ۱٤۰۱/۱۱/۲۵**
صص ۱٤۹-۱۳۳

چکیده

توجه به کودکان و نیازهای اجتماعی آنان در بافت شهرها و محله‌ها یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی جامعه امروز است در حالیکه اغلب فضاهای شهری فاقد کیفیت برای استفاده از کودکان و نوجوانان می باشند و شهرهایی که نیازهای کودکان را مد نظر قرار می دهند، کودکان به لحاظ ذهنی و روانی از زندگی در آن شهر احساس آرامش دارند. لذا در پی چنین ضرورتی پژوهش حاضر بر آن است تا به ارزیابی معیارهای شهر دوستدار کودک در شهر جدید گلبهار بپردازد. و نیازهای کودکان را به تصویر بکشد. پژوهش حاضر از نوع، کاربردی _ توسعه‌ای و از نظر روش توصیفی _ تحلیلی و پیمایشی می باشد. جامعه آماری شامل کودکان ۷ تا ۱۵ سال بوده که حجم نمونه ۳۱۲ نمونه تعیین گردیده است. نمونه-گیری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده به صورتی‌که از هر محله ٤ بلوک جهت نمونه انتخاب شده است. ضریب پایایی آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ با مقدار ۰/۸ تأیید شده است و جهت تجزیه و تحلیل شاخص‌ها از آزمون t تک نمونه‌ای، تحلیل رگرسیون و تحلیل مشارکتی کودکان (نقاشی شهر مورد علاقه) استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که شاخصهای شهر دوستدار کودک در شهر جدید گلبهار در سطح مطلوبی نمی باشد، احساس تعلق در کودکان شهر مورد مطالعه در سطح پایینی است، تمایل به مشارکت در کودکان در سطح مطلوبی می باشد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که شاخص دسترسی بیش‌ترین تأثیر و بعد از آن شاخص‌های طراحی، اجتماعی و محیطی-کالبدی در اولویت‌های دوم و سوم تأثیر فزاینده ای را بر تحقق شهر دوستدار کودک خواهند داشت. همچنین کودکان در نقاشی شهر مورد علاق شان فضای سبز و امکانات بازی و سرگرمی را مد نظر داشتند.

کلید واژه‌ها: شهر جدید، کودک، شهر دوستدار کودک، گلبهار.

---

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه می باشد که در دانشگاه حکیم سبزواری دفاع شده است.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر بی توجهی به شهروندان کوچک جامعه یعنی کودکان مشاهده می‌گردد که از دلایل این امر می-توان به نداشتن اطلاعات تخصصی و آگاهی نظام‌مند از نیازهای آنان در فرآیند برنامه‌ریزی اشاره نمود (اصغر نژاد و نائینی، ۱۳۹۳). توجه به کودکان و نیازهای اجتماعی آنان در بافت شهرها و محله‌ها یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی جامعه امروز می‌باشد. این مسئله با تغییرات گسترده‌ای که در جریانات قرن بیستم و جنبش‌های فکری مربوط به آن و گسترش پدیده شهر نشینی در زندگی کلان‌شهری روی داد باعث شد که کودکان از زندگی طبیعی خود فاصله بگیرند و در چارچوب محدودیت‌هایی که اینگونه زندگی‌ها برایشان رقم زده است رشد کنند (بنای زحمتی، ۱۳۹٤، ص. ۵). شهر دوستدار کودک با توجه به نیازهای مختلف کودکان مانند امنیت، ایمنی و غیره طراحی می‌شود. در گذشته با توجه به ساختار شهرها و روستاها و بعضی از ویژگی‌های محیط، بسیاری از نیازهای کودکان در محیط جامعه رفع میشده است (نهیبی و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۲). شهرهای دوستدار کودک به دنبال ایجاد مشارکت کودکان به منظور شکل دادن به محیط اطرافشان می‌باشند، مشارکتی عملی که باعث ایجاد علاقه و تعلق خاطر بیشتر کودک نسبت به محیط و شهر خود می‌شود (نوش زاده و اسماعیلی، ۱۳۹۸، ص. ۸۸). اهمیت داشتن موضوع کودک و تشویق وی به یک زندگی جمعی، زمینه‌سازی برای تعالی فکری و تربیتی او و ارتباط بخشیدن بین مسائل فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با تحلیل مسائلی که برای کودک به ویژه در ابعاد اجتماعی مسئله‌ای مهم است که مورد توجه جامعه شناسان در جوامع امروزی قرار گرفته است و از نظر شهروندی حقوق شهروندی قابل طرح می‌باشد (بنای زحمتی، ۱۳۹٤، ص. ۷). در حال حاضر بیش از سه میلیارد نفر در شهرها زندگی می‌کنند و رشد مناطق شهری در کشورهای در حال توسعه سرعت بیشتری دارد و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۵ از هر ده کودک شش کودک در شهرها زندگی کنند (مرکز حمل و نقل پایدار[1]، ۲۰۰٤، ص. ۱۲). یکی از موارد مهم در عرصه‌های زندگی شهری، ایجاد فضا و محیط مناسب برای کودکان است (بنای زحمتی، ۱۳۹٤، ص. ۸). پژوهش در زمینه فضاهای شهری به ویژه فضاهای مخصوص کودکان امری ضروری است؛ چرا که شهر ایرانی پس از گذار از شهر سنتی به مدرن دچار تحولاتی نامطلوب گردید که بسیاری از آن‌ها همچنان بر کالبد زنده شهر و فرهنگ ما ایرانیان باقی مانده است. روز آوری شهر معاصر متناسب با نیازهای شهروندان تلاشی دیگر در عرصه مطالعات شهری است تا بدین وسیله آرامش و تعلق خاطر شهروندان نسبت به شهر تامین و ایجاد گردد (نوروزی و نسترن، ۱۳۹۳، ص. ۲). کودک نیازمند محیطی است که آن را مخاطب قرار دهد؛ محیطی که او را به چالش وا دارد؛ توجه او را جلب کند و محیطی آموزش دهنده بوده و کودک از آن بیاموزد. کشش به سمت مکان، کودک را به کشف آن مکان وسوسه کند؛ به طوری که کودک قادر به توسعه ی اطلاعات و استعدادهایش باشد (پارسا و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۰). با توجه به اهمیت

1. The center for sustainable Transportation

موضوع، مطالعات مختلفی در زمینه شهر دوستدار کودک توسط محققان داخلی و خارجی صورت گرفته است که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می شود.

چاولا[1] (۲۰۰۲)، در تحقیقی، از طریق کار با کودکان ۱۰ تا ۱۵ سال و مشارکت آنها در مواردی همچون: فضاهای سبز، تدارک تسهیلات و خدمات اساسی، کاهش ترافیک، ایمنی از خطرات فیزیکی، نبود زباله و آشغال در محیط و دسترسی مناسب در محیط تعیین شد. هوارد[2](۲۰۰۶)، در پژوهشی در مورد کودکان و جوانان استرالیا، شاخص هایی چون؛ طراحی و شرکت در فعالیت‌ها با کودکان محلی، شناسایی کودکان محلی و خانواده هایشان به عنوان شرکا و همکاران ارزشمند در زندگی اجتماعی، تدارک امنیت و ایمنی برای کودکان، صرف زمان برای کودکان برای مشارکت و دریافت ایده های آنها برای ایجاد شهر دوستدار کودک تعیین گردید. هورل[3](۲۰۰۷)، در پژوهشی جهت سازگاری شهر با محیط زیست کودکان شاخص هایی مانند: محل سکونت امن، ایمن و انعطاف‌پذیر، تأمین خدمات پایه برای کودکان، تضمین امنیت فیزیکی و روانی کودکان، اداره و کنترل محلی انعطاف پذیر که نظرات کودکان را به حساب بیاورد و تدارک ساختار مشارکتی مانند طرح های مشارکت با کودکان را معرفی نمودند. باری پرسی- اسمیت و نایجل[4](۲۰۱۰)، در کتاب مشارکت کودکان و نوجوانان از نظریه تا عمل؛ به مواردی چون؛ حمایت از ایجاد مشارکت ریشه ای، فراتر بردن تعبیر مشارکت از مفهوم فقط یک گفته در تصمیم سازی ها، ایجاد ظرفیت برای مشارکت از طریق افراد و جوامع به عنوان شهروندان فعال، مبارزه با تبعیض بزرگسالان و شکل گیری نامطلوب دوران کودکی، تمرکز بر نقش بزرگسالان و کیفیت روابط بین کودکان و بزرگسالان، اجرای یک چارچوب حقوق شهروندی و دخیل کردن کودکان اشاره کرده‌اند. کارول و همکاران[5](۲۰۱۵)، در پژوهشی مشارکت کودکان و تجربه آنها را در اوکلند موردبررسی قرار دادند و ابراز داشتند که شهرها برای بزرگسالان و اتومبیل ها طراحی شده و نه برای کودکان، و تمرکز بر روی نیازهای کودکان را با مشارکت کودکان در طراحی فضاهای کودکانه پیشنهاد نمودند. براون[6] و همکاران(۲۰۱۹) در پژوهشی که با هدف سنجش شهر دوستدار کودک با تمرکز بر سلامت کودکان در شهر انجام دادند، دریافتند که نقش محیط در سلامت کودکان بسیار تاثیرگذار می باشد و شهرها باید این موضوع را به خوبی شناخته و در اولویت کاری خویش قرار دهند. پری هانتینی و کورنیاواتی[7](۲۰۱۹)، در ارزیابی وضعیت دسترسی کودکان به پارک در شهر سمارانگ

1. Chawla
2. Howard
3. Horell
4. Percy barry, Smith, Nigle
5. Carroll
6. Brown
7. Prihantini and Kurniawati

اندونزی را با هدف پارک های دوستدار کودک، میزان توسعه شهری، تعداد زمین های بازی کودکان، دسترسی و برخورداری از امکانات را مطلوب کودکان دانستند. صفوی مقدم (۱۳۹۱)، در پژوهشی که با هدف بررسی شهر دوستدار کودک و احساس شادی کودکان، در شهر مشهد انجام دادند نشان دادند که، ۵۰ درصد از کودکان، از فضای شهر مشهد رضایت داشته و دریافتند که با افزایش مشارکت اجتماعی کودک، احساس تعلق به شهر مشهد، احساس امنیت، برخورداری از امکانات و خدمات شهری باعث احساس شادی کودکان می گردد. کاشانی جو و همکاران(۱۳۹۲)، در پژوهشی در محله نظامیه تهران نشان دادند که عمده‌ترین معیارهای کودکان برای فضاهای شهری مطلوب، عواملی چون فضای سبز کافی و حضور در طبیعت، هوای پاک، امنیت و سرزندگی می باشد. کربلایی حسینی و سهیلی(۱۳۹۳)، در تحقیقی که با مشارکت کودکان در ترسیم شهر دلخواه در شهر قزوین انجام دادند، دریافتند که امنیت دسترسی، پیاده روهای مخصوص کودکان و مسیرهای دوچرخه های در نقاشی های کودکان مورد توجه قرار گرفته است. استادی و همکاران (۱۳۹۳)، با پژوهشی در زمینه ارتقا سطح رابطه ی کودک با شهر از طریق طراحی مسیرهای منتهی به مدرسه، نشان دادند که سه معیار ایمنی، امنیت و حضور پذیری و رضایت‌مندی مهم‌ترین کیفیت‌های طراحی شهری هستند که قابلیت سازگاری با معیارهای شهر دوستدار کودک را دارند. مبهوت و همکاران(۱۳۹۳)، در تحلیل نظرات کودکان برای شهر ایده آل کودکان ایرانی که در مشهد انجام دادند انجام دادند کودکان در نقاشی ها به شهری پاک، ایمن، زیبا، جذاب و مفرح توجه داشتند. خلیلیان و شفیعی عرب(۱۳۹٤)، در پژوهشی که در شهر امیرکلا، انجام دادن وضعیت شاخص های شهر دوستدار کودک را در شهر مورد مطالعه مناسب ارزیابی نموده و نشان دادند که شاخص‌ها ایمنی و امنیت، انجام فعالیت‌های مستقل، داشتن احساس مثبت از خود به ترتیب از اولویت بیشتری برخوردارند. داوودزاده غلامی و لطفی(۱۳۹۵)، در تحقیقی که بر روی شهر شوشتر، انجام دادند. به این نتیجه رسیدند که تا زمانی که ذهنیت غالب مدیران و برنامه‌ریزان شهری متوجه اهمیت فوق‌العاده نیازهای کودکان نباشد نمی توان به آینده‌ای بهتر برای آنان دست یافت. در برنامه‌ریزی‌های شهرسازی می‌بایست به حق بازی و فراغت کودکان و به رسمیت شناختن آنان در طرح‌ها و... توجه کافی مبذول شود. مؤیدفر و صفایی(۱۳۹۸)، در برنامه ریزی شهر دوستدار کودک در شهر آباده دریافتند که، با ارتقاء امنیت، دسترسی، افزایش مکان های تفریحی، افزایش خدمات و امکانات در فضاهای عمومی مشارکت کودکان و نوجوانان در برنامه ریزی شهر بیشتر شده و کاهش بزه در بین نوجوانان را به دنبال داشته است. قلندریان و یونسی(۱٤۰۰)، در پژوهشی با عنوان بازتاب تصویری فضای شهری دوستدار کودک نشان دادند که، امنیت و آسایش در رتبه اول و دسترسی مناسب به فضاهای سبز و طبیعی، محیط های تفریحی، وجود فضای باز همگانی، حمل ونقل عمومی مناسب،

دسترسی به خدمات و تسهیلات اساسی، وجود محیط عاری از آلودگی، وجود عنصر بصری جذاب و امکان مشارکت کودکان در رتبه های بعدی قرار دارند. خوارزمی و همکاران(۱۳۹۹)، در ارزیابی شاخص های شهر دوستدار کودک در کلانشهر مشهد، شاخص های امنیت کودکان، آموزش و فرهنگ، ایمنی و سهولت در تردد، فضای سبز و بازی، مشارکت در تصمیم گیری، سلامت و بهداشت و دسترسی به خدمات را مورد ارزیابی قرار دادند و نشان دادند که مشهد به لحاظ برخورداری از این شاخص در سطح مطلوبی نمی باشد. بطورکلی پژوهش هایی که در سطح ملی و بین المللی در زمینه شهر دوستدار کودک انجام گرفته به مشارکت دادن کودکان و احترام به دیدگاه آنها در طراحی محیطی اشاره گردیده و بطور کلی وجود فضاهای سبز، باز و کودکانه و دسترسی مناسب به خدمات مورد علاقه کودکان مد نظر بوده است.

بنابراین شهر مورد نیاز کودکان که باز نمایی از حقوق آنها باشد، شهری که زمینه‌ساز تعالی تربیتی و منش و رفتار کودک باشد و کودکان را برای فردایی بهتر و سالم جامعه پذیر کند. کودکان شهروندانی هستند که آینده شهر و کشور را می‌سازند و اگر بخواهیم در آینده، شهروندانی آشنا با حقوق شهروندی داشته باشیم باید از هم اکنون شهر را برای کودکان فراهم کرد. با توجه به اینکه نسل آینده که بسترهای رشد و شکوفایی آنها از همین امروز شکل می‌گیرد، باید این مسئله مورد توجه جامعه شناسان، مدیران شهری و مسئولین قرار بگیرد. و این موضوع در شهرهای جدید که شهرسازی بر شهرنشینی مقدم بوده و معمولاً بایستی به نیازمندی های تمامی اقشار و سنین ساکنان توجه می گردید، اما باز هم کمبودهایی برای اقشاری مانند معلولین، سالمندان و کودکان دیده می شود و اگر این روند ادامه یابد دیر یا زود به معضلات شهرهای بزرگ گرفتار خواهند شد. و در شهر جدید گلبهار که اکثریت خانواده‌های ساکن در این شهر، دارای فرزندانی در سنین نوجوانی و کودکی می باشند و نیاز به امکانات آموزشی، رفاهی و اوقات فراغت دارند، اما این شهر از نظر توزیع متناسب کاربری‌ها و میزان خود کفایی در برطرف کردن نیازهای خدماتی، تجاری و فرهنگی ساکنین خود هنوز به مرحله‌ای نرسیده است که بتواند رضایت جمعیت ساکن، مخصوصا کودکان را جلب نماید. در پی چنین ضرورتی، پژوهش حاضر بر آن است تا به ارزیابی شاخص های شهر دوستدار کودک در شهر گلبهار به عنوان نمونه ای از شهرهای جدید کشور بپردازد. سؤالات و فرضات پژوهش به شرح ذیل می باشد.

- وضعیت شاخص‌های شهر دوستدار کودک در شهر گلبهار مطلوب نمی‌باشد.
- کودکان شهر جدید گلبهار از احساس تعلق مکانی مطلوبی نسبت به محیط سکونتی خود برخوردار نیستند.
- کودکان ساکن در شهر جدید گلبهار به مشارکت در مراقبت از فضای سبز، برنامه ریزی و طراحی شهر مورد علاقه‌شان تمایل دارند.
- کدام شاخص ها تأثیر بیشتری در تحقق شهر دوستدار کودک خواهند داشت؟

۲. روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف و نوع تحقیق کاربردی و به لحاظ روش تحقیق توصیفی- تحلیلی می باشد. جامعه آماری شامل کودکان ۷ تا ۱۵ سال می‌باشند که تعدادشان ۱٦۵۲ نفر بوده (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که از طریق فرمول کوکران حجم نمونه‌ای ۳۱۲ نمونه تعیین گردیده است. با توجه به پیشینه ها و مبانی نظری ارائه شده و با عنایت به شرایط و مقتضیات محدوده مورد مطالعه، تعداد ۵ شاخص برای سنجش شهر دوستدار کودک انتخاب و متعاقب آن یک پرسشنامه با ۲۹ گویه در قالب ۵ شاخص، و ٤ سؤال زمینه ای طراحی گردید. نمونه گیری به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده ، به صورتی‌که از ۲۱ محله شهر جدید گلبهار از هر محله‌ای ٤ بلوک انتخاب شده است و پرسش نامه ها توزیع و تکمیل گردید. برای تجزیه و تحلیل شاخص‌های ۵ گانه شهر دوستدار کودک در شهر گلبهار از آزمون t تک نمونه ای، تحلیل رگرسیون چند متغیره و تحیل مشارکتی با کودکان (نقاشی شهر مورد علاقه) استفاده شده است. آزمون‌ها و تکنیک‌ها مورد استفاده شامل آلفای کرونباخ می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی از جمله روش‌هایی است که برای سنجش سازگاری درونی پرسشنامه به کار می رود که در این پژوهش ۲۹ گویه مورد سنجش قرار گرفته و رقم ۰/۸ به دست آمده که معمولاً بالاتر از ۰/۷ مورد قبول می‌باشد. آزمون One Sample T-Test که یک روش پارامتریک و یکی از انواع آزمون میانگین جامعه است. اختلاف داشتن یا نداشتن میانگین یک نمونه را با یک عدد ثابت مشخص بررسی می کند که در این پژوهش که با مقیاس لیکرت انجام شده از این آزمون استفاده گردیده و مطلوب بودن و نبودن شاخص‌ها را با توجه به میانگین عدد ۳ مورد ارزیابی قرار داده است. رگرسیون چند متغیرهMultiple Regression که این روش جهت تعیین متغیرهای مستقل در پیش بینی متغیر وابسته استفاده می‌شود. در این پژوهش از رگرسیون چند متغیره به روش توأم استفاده شده و میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل(۵ شاخص مورد مطالعه) در متغیر وابسته مورد پیش بینی قرار گرفته است. تحلیل مشارکتی که شامل برنامه ریزی مشارکتی پیشنهادی است و برای نهادینه کردن حضور شهروندان در تصمیم گیری های شهری که با کمک خواستن از شهروندان برای اجرای طرح های شهری و دخالت دادن آن ها در تصمیم گیری جایگزین برنامه ریزی متمرکز شده است. و نقاشی کردن از متداول‌ترین روش‌ها برای مشارکت دادن بچه‌ها در فرآیند طراحی مشارکتی شهر دوستدار کودک است. کودکان نقاشی را محل مناسبی برای خواست‌ها و آرزوهای خود می-دانند که در این پژوهش با نقاشی توسط دانش آموزان نظر آنها برای ایجاد شهر دلخواه مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول۱. شاخص ها و متغیرهای مورد استفاده در تحقیق

شاخص	متغیر
اجتماعی	مراقبت از وسایل بازی پارک، استفاده از نظرات در برنامه ریزی شهر، بازی با بچه‌های همسایه و محله ، همکاری در نظافت محله‌تان، امنیت در بیرون از منزل، گلبهار، تا چه حد توانسته برآورده شدن خواسته‌ها و نیازهای ساکنین شهر و کودکان توسط شهرداری، میزان دوست داشتن شهر گلبهار
فرهنگی	میزان برخورداری از امکانات ورزشی لازم برای کودکان و نوجوانان، تا چه میزان از رضایت از امکانات بازی و سرگرمی در پارک و سایر فضاهای شهر ،وجود امکانات اوقات فراغت را برای کودکان در شهر، موافقت کودکان با تاسیس سالن سینما تئاتر و کتابخانه مخصوص کودکان در شهر
دسترسی	میزان فاصله دسترسی کودکان تا مدرسه، میزان فاصله دسترسی به اتوبوس و واحد و تاکسی، میزان فاصله دسترسی به پارک، فاصله دسترسی به خدماتی مانند: نانوایی و مغازه ها، مناسب بودن مسیر شرکت اتوبوس رانی برای رفت و آمد دانش آموزان به مدرسه
محیطی _ کالبدی	میزان رضایت از امکانات اوقات فراغت مخصوص کودکان در اطراف دریاچه، میزان برخورداری از امکانات ورزشی لازم برای کودکان و نوجوانان ، میزان رضایت از فضای سبز و گلکاری پارک نزدیک منزل، میزان رضایت از آسفالت خیابانهای شهر، میزان احساس شادمانی در مواقعی که در پارک سپری می کنید،
طراحی	میزان رضایت از مدل رنگ آمیزی و زیبایی در و دیوار شهر ، میزان رضایت از طراحی نیمکتها و صندلیهای پارک و سایر فضاهای شهر، میزان رضایت از نور و روشنایی خیابانهای شهر ، میزان رضایت از فواره، مجسمه ها و المانهای موجود درپارک و سایر فضاهای شهر ، وضعیت پیاده روهای شهر از نظر سنگفرش، نظافت و عریض بودن، میزان تمایل به رنگ آمیزی در و دیوار شهر توسط کودکان، میزان موافقت برای خط جداگانه عبور دوچرخه سواری کودکان ،

مأخذ: (سینایی و خادم، ۱۳۹۳؛ دریسکل، ۱۳۸۷؛ جانسون[1]، ۲۰۱٤؛ والز[2]، ۲۰۱۳؛ گلیسون[3] و همکاران، ۲۰۱۵؛ خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ یونیاستوتی و هاسیبوئان[4]، ۲۰۱۹؛ کریشنامورثی[5]، ۲۰۱۸؛ کمیسیون کودکان و جوانان[6]، ۲۰۱۱؛ قلندریان و یونسی، ۱۳۹۹؛ رحمانی، ۱۳۹۲؛ کیانی و اسماعیل زاده ، ۱۳۹۱)

۲. ۱. محدوده مورد مطالعه

شهر جدید گلبهار از اولین شهرها جدید احداث شده در حومه شهر مشهد به شمار می‌آید. این شهر در ٤٥ کیلومتری شمال غرب مشهد، و در ۱۰ کیلومتری شهر چناران در محور ارتباطی مشهد_ قوچان قرار گرفته است. مساحت محدوده قانونی آن ٤ هزار هکتار بوده و به صورت خطی، شطرنجی ساخته شده است. طبق آمار مرکز آمار در سال ۱۳۹۵جمعیت آن ۱۷۹۰۰ نفر می باشد.

1. Johnson
2. Wales
3. Gleeson
4. Yuniastuti & Hasibuan
5. Krishnamurthy
6. Commissioner for Children and Young People

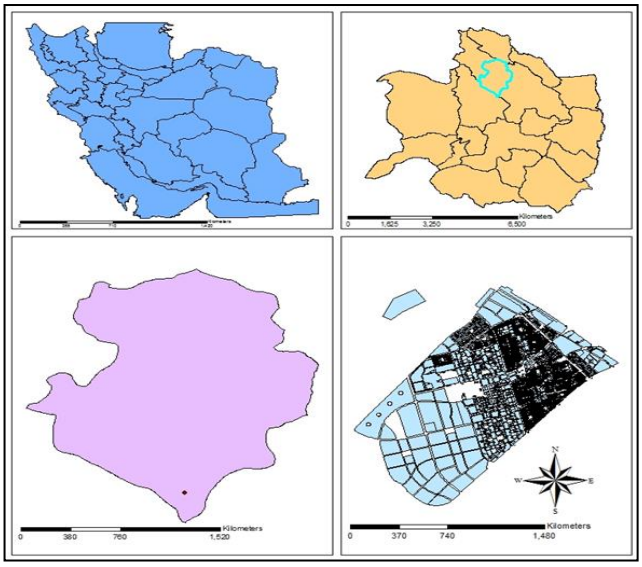

شکل ۱. موقعیت شهر گلبهار در استان و کشور

۳. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو بخش تحلیل‌های توصیفی و استنباطی می‌باشد. تحلیل‌های توصیفی یافته‌های حاصل از پرسشنامه‌ها می‌باشد که ٥١/٦ درصد پاسخگویان پسر و ٤٨/٤ درصد آن‌ها دختر می‌باشد. پاسخ دهندگان شامل پایه-های تحصیلی اول تا هشتم را شامل می‌شده که بیش‌ترین درصد افراد پاسخ دهنده مربوط به پایه های هفتم با ۱۷/۹ و هشتم ۱۷/۳ درصد می‌باشند. تحلیل‌های استنباطی شامل تحلیل رگرسیونی و تحلیل مشارکتی کودکان می‌باشد. وضعیت شاخص‌های شهر دوستدار کودک در شهر گلبهار مطلوب نمی‌باشد. در آزمون تی_تک نمونه‌ای شاخص-های ۵ گانه شهر دوستدار کودک حاکی از آن است که تمامی شاخص‌های مورد مطالعه در محدوده مورد مطالعه پایین‌تر از حد میانه نظری و در وضعیتی نامطلوب و یا نسبتاً نامطلوب قرار دارند و تنها شاخص اجتماعی توانسته رقم ۳/۲۹ را کسب نماید که در حد میانه نظری می‌باشد و نتیجهٔ آزمون برای چهار شاخص دیگر در سطح اطمینان ۹۵ درصد و بالاتر قابل اتکاء می‌باشد (جدول ۲).

جدول۲. نتایج آزمون تک نمونه‌ای شاخص‌های شهر دوستدار کودک

ردیف	آماره‌های تک نمونه‌ای				آزمون تک نمونه ای Test Value = 3				
	شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدارt	df	Sig	حد پایین	حد بالا
۱	اجتماعی	۳۱۲	۳/۲۹	٤/۱	۱۱٤/۲	۳۱۱	۰/۰۰۰	۲٦/٦۲	۲۷/۵۵
۲	فرهنگی	۳۱۲	۲/۵	۲/۹٦	۵۳/٤۸	۳۱۱	۰/۰۰۰	۸/٦	۹/۳
۳	دسترسی	۳۱۲	۲/۷	٤/۵	٤۱/۹۱	۳۱۱	۰/۰۰۰	۱۰/۳۵	۱۱/۳۷
٤	محیطی_ کالبدی	۳۱۲	۲/۵	٤/۰۹	٤۲/۰۱	۳۱۱	۰/۰۰۰	۹/۲	۱۰/۲

ردیف	آماره‌های تک نمونه‌ای				آزمون تک نمونه ای Test Value = 3				
	شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدارt	df	Sig	حد پایین	حد بالا
۵	طراحی	۳۱۲	۲/۹	٤/۲	۷۳/۳۳	۳۱۱	۰/۰۰۰	۱۷/۲۷	۱۸/۲۲

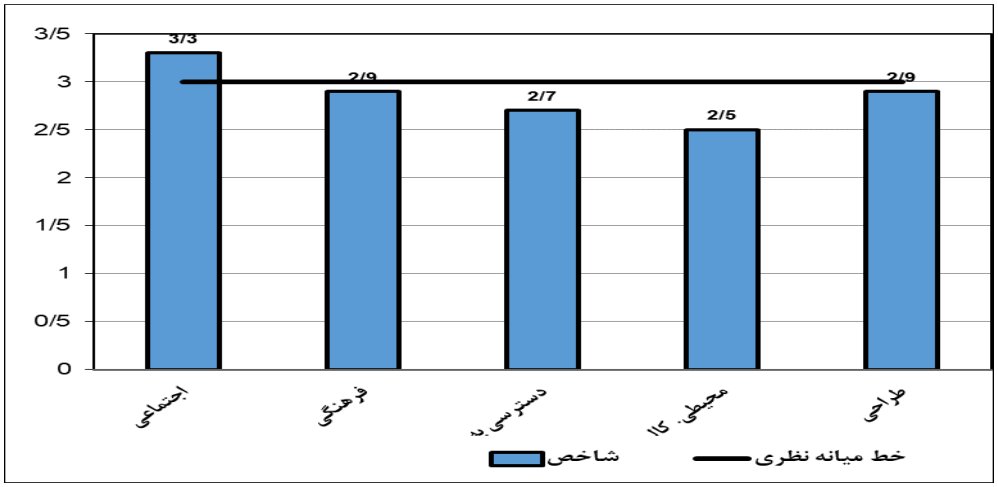

شکل ۲. نمودار وضعیت هر یک از شاخص‌ها نسبت به میانه نظری

همچنین کودکان ساکن در شهر جدید گلبهار به مشارکت در برنامه ریزی و طراحی شهر مورد علاقه‌شان تمایل دارند. براساس محاسبات انجام شده با آزمون t یک نمونه‌ای، میانگین امتیاز شاخص مشارکت ٤/۰۲ به دست آمد. عدد به دست آمده نشان‌دهنده آن است که میزان مشارکت کودکان بیشتر از میانه نظری ارزیابی می‌شود. بنابراین با توجه به آماره‌های توصیفی و آزمون t وضعیت شاخص مشارکت در شهر گلبهار بیشتر از حد متوسط می‌باشد. بر این اساس شاخص مشارکت در شهر گلبهار متناسب با نظرات کودکان می‌باشد (جدول ۳).

جدول۳. نتایج آزمون t تک نمونه ای شاخص مشارکت

ردیف	گویه	آزمون تک نمونه ای						آماره‌های تک نمونه ای		
		مقدار t	Df	معناداری (sig)	تفاوت میانگین	حد پایین	حد بالا	تعداد	میانگین	انحراف معیار
۱	مواظبت از گلهای زینتی پارک	۱۸/۱۲٤	۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/۹٤۵	۰/۸٤	۱/۰٤	۳۱۲	۳/۹٤	۰/۹۲۱
۲	مراقبت از وسایل بازی پارک	۱٤/٦۷۷	۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/۷۸۸	۰/٦۸	۰/۹	۳۱۲	۳/۷۸	۰/۹٤۸
۳	استفاده از نظرات کودکان در اداره شهر	۱۸/۷۳۵	۳۱۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰٦	۰/۹	۱/۱۱	۳۱۲	٤	۰/۹٤۸
٤	مشارکت در نظافت محله	۱۵/٦٤۰	۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/۸۵۵	۰/۷۵	۰/۹٦	۳۱۲	۳/۸۵	۰/۹٦٦
۵	مشارکت در نقاشی در و دیوار شهر	۵/٤۰۸	۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/٤۰۳	۰/۲۵	۰/۵۵	۳۱۲	۳/٤	۱/۳۱

ردیف	گویه	مقدار t	Df	معناداری (sig)	تفاوت میانگین	حد پایین	حد بالا	تعداد	میانگین	انحراف معیار
		آزمون تک نمونه ای						آمارههای تک نمونه ای		
٦	موافقت در ایجاد سالن سینما و....	۳۸/۱٤۷	۳۱۱	۰/۰۰۰	۱/٦۷	۱/۵	۱/۷۵	۳۱۲	٤/٦	۰/۷۷٤
۷	موافقت به ایجاد خیابان جداگانه برای دوچرخه	۲۹/۲٤۷	۳۱۱	۰/۰۰۰	۱/٤۹	۱/٤	۱/۵۹	۳۱۲	٤/٤	۰/۹
۸	ارزیابی کل شاخص	۱۱۸/۲٦	۳۱۱	۰/۰۰۰	۲۵/۱٦	۲٤/۷٤	۲۵/۵۸	۳۱۲	٤/۰۲	۳/۷۵

کودکان شهر جدید گلبهار از احساس تعلق مکانی مطلوبی نسبت به محیط سکونتی خود برخوردار نیستند. با توجه به آمارههای توصیفی و آزمون t تک نمونهای وضعیت شاخص احساس تعلق مکانی در شهر گلبهار بیشتر از حد میانه نظری میباشد. بنابراین براساس این فرضیه این شاخص در شهر گلبهار متناسب با نیاز کودکان نمیباشد. بنابراین این فرضیه پذیرفته نمیشود (جدول ٤).

جدول٤. نتایج آزمون t تک نمونه ای احساس تعلق مکانی کودکان شهر گلبهار

ردیف	گویه	مقدار t	Df	معناداری (sig)	حد پایین	حد بالا	تعداد	میانگین	انحراف معیار
۱	تمایل به ترک شهر و مهاجرت	۱/٦	۳۱۱	۰/۲٤۸	-۰/۰۵	۰/۲۲	۳۱۲	۳/۰۸	۱/۲۷
۲	مواظبت از گلهای زینتی پارک	۱۸/۱	۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/۸٤	۱/۰٤	۳۱۲	۳/۹٤	۰/۹۲
۳	مراقبت از وسایل بازی پارک شهر	۱٤/٦	۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/٦۸	۰/۸۹	۳۱۲	۳/۷۸	۰/۹٤
٤	تمایل به بازی با هم سن و سالان	۲/۷	۳۱۱	۰/۰۰۷	۰/۰۵	۰/۳٤	۳۱۲	۳/۲	۱/۳۱
۵	مشارکت در نظافت محله	۱۵/٦	۳۱۱	۰/۰۰۰	۰/۷٤	۰/۹٦	۳۱۲	۳/۸	۰/۹٦
٦	موافقت به ایجاد سالن سینما، تئاتر و....	۳۸/۱	۳۱۱	۰/۰۰۰	۱/۵۸	۱/۷۵	۳۱۲	٤/٦	۰/۷۷
۷	میزان دوست داشتن شهر گلبهار	۲/۹	۳۱۱	۰/۰۰٤	۰/٦۳۹	۰/۳۳	۳۱۲	۳/۱	۱/۲۱
۸	ارزیابی کل شاخص	۱۳۲/۷	۳۱۱	۰/۰۸	۲۲/٤	۲۳/۰۸	۳۱۲	۳/٦	۳/۰۲

به منظور پیشبینی شاخصهای تأثیر گذار در شهر دوستدار کودک ابتدا جهت اطمینان از همبستگی بین شاخصها، ضریب همبستگی بین متغیرها را بدست آورده و در مرحله بعد به برازش رگرسیونی عوامل تبیین کننده شاخصهای شهر دوستدار کودک پرداخته میشود. مرحله دوم به منظور پیشبینی شاخصهای تاثیر گذار بر شهر دوستدار کودک از تحلیل رگرسیون[1] چند متغیره استفاده میشود. جهت مشخص شدن سهم تاثیر هر کدام از متغیرهای مستقل (معیار اجتماعی، فرهنگی، دسترسی، محیطی- کالبدی و طراحی) بر متغیر وابسته از این روش بهره-گیری شده است. با استفاده از مدل رگرسیونی چند گانه توام عوامل و شاخصهای تاثیر گذار در شهر دوستدار

1. Analysis Regression

کودک، شهر جدید گلبهار مشخص گردید. نتایج حاصله حکایت از آن دارد که شاخص‌های پنج گانه وارد شـده بـه مدل به میزان ٦٩ درصد از تغییرات متغیر وابسته (شاخص‌های شهر دوستدار کودک) را تبیین می‌کنند.

جدول ۵. آماره‌های تحلیل رگرسیون

انحراف معیار از برآورد	ضریب تبیین تصحیح شده	ضریب تبیین	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۳۷۲	۰/٦٩٥	۰/۷۵۱	۰/۹٤۱

جدول٦. تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه شاخص‌های شهر دوستدار کودک

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	کمیت F	سطح معنا داری
اثرات رگرسیونی	۰/٤۷۳	۸	۰/۰٦۳	٤٤/۷۱	۰/۰۰۰
باقی مانده	۰/۰٤٦	۹	۰/۰٤	–	۰/۰۰۰
کل	۰/۳۳۲	۱۷	–	–	–

مقادیر Beta در جدول مورد نظر نشان می‌دهد که شاخص دسترسی بیش‌تـرین تـاثیر را در شـاخص‌هـای شـهر گلبهار دارد و بعد از این شاخص‌های طراحی و اجتماعی و محیطی- کالبدی در اولویت‌هـای دوم و سـوم، تـاثیرات فزاینده‌ای را بر شاخص‌های شهر گلبهار خواهند داشت. به‌طوریکه به ازای یک واحد تغییر در شاخص‌های دسترسی ۰/۲۷۸ واحد تغییر در دیگر شاخص‌ها ایجاد خواهد شد. در مرتبه بعدی به ازای یک واحد تغییر در بخش شاخص-های طراحی ۰/۲۵۹ واحد تغییر در دیگر شاخص‌ها به‌وجود خواهد آمد.

جدول ۷. شاخص‌های شهر دوستدار کودک

نام متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	T	معناداری
	B	خطای B	مقدار Beta		
مقدار ثابت	۰/۰۸۱	۰/۰۷۰	–	۱/۲۱	۰/۲٤۳
شاخص اجتماعی	۰/٦٦۷	۰/۰٤٦	۰/۲٥٤	۲/۳۹	۰/۰٤۲
شاخص فرهنگی	۰/٥٥۲	۰/۰۳٤	۰/۱۸۰	۳/۲٤	۰/۰٥
شاخص دسترسی	۰/۳٤۸	۰/۰٦۱	۰/۲۷۸	۱/٥٦	۰/۰۸
شاخص محیطی-کالبدی	۰/۷۱٤	۰/۰۸۷	۰/۲٤۹	۲/۳۱	۰/۰۲۱
شاخص طراحی	۰/۷۰۲	۰/۰٦۱	۰/۲٥۹	۳/۲۱	۰/۰۱

در این پروژه از روش‌های مشارکتی مختلفی استفاده شد از جمله نقاشی کردن، پرسش‌نامه و گفتگوی مستقیم بـا کودکان. در این مرحله از کودکان خواسته شد نظراتشان را در مورد وضعیت محیط محله و شهر خودشان بنویسند و هم چنین به دلیل برقراری رابطه دوستانه که بین پژوهشگر و کودکان برقرار شد همه آنان به طور شفاف خواسته‌ها و نظرات خود را به صورت مستقیم اعلام نمودند و از آن‌ها خواسته شد که شهری را که مورد علاقه شـان مـی‌باشـد را

نقاشی کنند، کودکان نقاشی را محل مناسبی برای خواسته‌ها و آرزوهای خود می دانند، نقاشی کـردن را شـاید بتـوان یکی از ابتدایی‌ترین روش‌های مشارکت کودکان قلمداد کرد که از بین ۲۰ نقاشی گرفته شده به دلیـل مضـیفه تعـداد صفحات، در اینجا تعداد ٤ نقاشی به عنوان الگوی نقاشی‌ها ارائه گردید. نقاشی کردن از متداول‌تـرین روش‌هـا بـرای مشارکت دادن بچه‌ها در فرآیند طراحی مشارکتی شهر دوستدار کودک است.

شکل۳ و ٤. شهر مورد علاقه کودکان

در شکل۳ کودک الگوی شهری را طراحی کرده است که دارای شهر بازی با امکانات بیشتر باشد و هم چنین این شهر بازی نیاز به یک مرکز تجاری یا فروشگاهی که خوراکی‌های مورد نیاز کودکان را برطرف کند. شهر گلبهار فاقد همچین فضای بازی که هم شامل وسایل بازی باشد و هم در کنارش فروشگاه باشد و اینکه کودک اشـاره بـه اینکـه آسمان آبی حق همه‌ی کودکان است به این نکته اشاره می‌کند که همچین فضایی باید عاری از هر نوع آلودگی باشد. در شکل٤. کودک فضای مورد علاقه خود را طوری طراحی کرده است که شامل سینما و کتابخانه باشد. با توجـه بـه شرایط شهر گلبهار که سینما در آن وجود ندارد، احداث حداقل مکان‌های فرهنگی در آن شدیدا احسـاس مـی‌شـود هم‌چنین در این طراحی فضای سبز و بازی نیز مورد توجه می‌باشد. خط کشی خیابـان و چـراغ راهنمـایی نشـان از توجه کودک به ایمنی و امنیت و سلامت خود و هم نوعش می‌باشد.

شکل۵ و ٦. طراحی شهر مورد علاقه

در تصویر ۵ کودک شهری را طراحی کرده است که در نزدیکی مجتمع‌های مسکونی فضای سبز و زمین چمن برای بازی بچه‌ها باشد. هم چنین در این نقاشی کودک با ترسیم چراغ راهنمایی به نظم شهر اهمیت داده است و اینکه وجود پلیس در این شهر نشان دهنده توجه کودک به امنیت می‌باشد تا بتوانند به تنهایی در بیرون از منزل به بازی و فعالیت بپردازند. در تصویر ٦ با طراحی فضای سبز و طبیعت از زندگی یکنواخت و بی روح شهری خسته شده است و محیطی را می‌پسندد که در آن بتواند به درختان مثمر و غیر مثمر دسترسی داشته باشد و اینکه بیشتر در ارتباط با حیوانات و بازی با آن‌ها باشد و فقط با فضای سبز و محیطی بدون آلودگی ارتباط داشته باشد.

٤. بحث

نتایج این تحقیق نشان داد که شاخص های شهر دوستدار کودک در شهر گلبهار مطلوب نمی باشد که این نتیجه با نتیجه تحقیق کارول (۲۰۱۵)، براون و همکاران (۲۰۱۹)، غفاری و همکاران (۱۳۹۰)، قلندریان و همکاران (۱٤۰۰)، خوارزمی و همکاران (۱۳۹۹) هم راستا می‌باشد. که نشان دهنده فراگیر بودن موضوع در تتمامی شهرهای کشور می باشد و تقریباً غالب شهرها نتوانستند به مطلوبیت شاخص های دوستدار کودک دست یابند. همچنین در بحث مشارکت و نظرخواهی کودکان در طراحی شهر مورد علاقه با پژوهش‌های کربلایی حسینی و همکاران (۱۳۹۳)، مبهوت و همکاران (۱۳۹۳)، هوارد (۲۰۰٦)، هارول (۲۰۰٦)، کیانی و اسماعیل زاده (۱۳۹۷) مشابهت داشته و نشان دهنده این است که آنچه را که کودکان نقاشی می کنند و یا بازگو می کنند آن را خلأ احساس می کنند و این موضوع مختص شهر و یا کشور خاصی نبوده و در تمامی جوامع شهری کودکان تمایل دارند که شهر مورد علاقه‌شان تحقق یابد. در مورد بررسی رضایتمندی از شاخص دسترسی به امکانات، شاخص‌طراحی شهر و فضاهای سبز، شاخص رضایت از مؤلفه های اجتماعی، رضایتمندی از شاخص فرهنگی و شاخص رضایت از کیفیت محیطی- کالبدی شهر محل

زندگی شان به عنوان عواملی در ارتقای شاخصهای شهر دوستدار کودک بـا نتـایج مطالعـات کیـانی و اسـماعیل زاده کواکی (۱۳۹۱)، امیری و شکوهی (۱۳۹۳)، هولت و همکاران (۲۰۰۹)، سـاموئل و همکـاران (۲۰۱۵) و گـوکمن و تاشچی (۲۰۱٦) همسو می‌باشد و این کمبودها در شهرهای جدید به وضوح دیده می شود که می توانست وضـعیت مطلوبتری را نسبت به سایر شهرها داشته باشد، چرا که در اینگونه شهرهای جدید شهرسـازی بـر شهرنشـینی تقـدم داشته است.

۵. نتیجه گیری

در این پژوهش ۵ شاخص به عنوان شاخص‌های شهر دوستدار کودک طراحی و انتخاب شدند. و بـا اسـتفاده از پرسشنامه محقق ساخته، با نظرات کودکان مورد ارزیابی قرار گرفت. میانگین نظرات کودکـان در رابطـه بـا وضـعیت شاخص‌های پنج‌گانه شهر دوستدار کودک به این ترتیب است که شاخص اجتماعی با میانگین ۳/۳۳ بیش‌ترین امتیـاز را در بین شاخص‌ها به‌دست آورده است. و بعد از آن شاخص فرهنگی با میانگین ۲/۹۹ و شاخص طراحی بـا ۲/۹۷ که تقریبا دارای امتیازی برابر شده‌اند. هم‌چنین شاخص دسترسی با میانگین ۲/۷۷ و شاخص محیطی کالبدی بـا ۲/۵۵ به‌دست آمده است. با توجه به میانه نظری (عدد۳) به غیر از شاخص اجتماعی که بیش‌تر از حد میانه می‌باشـد. بقیـه شاخص‌ها کمتر از عدد ۳ و یا نزدیک به آن می‌باشند که در نتیجه فرضیه یک مبنی بر عدم مطلوبیت شـاخص هـای می باشد مورد تایید قرار می گیرد. توجه به آماره‌های توصیفی شاخص‌های شهر دوستدار کودک نشان می دهد کـه، از میان مولفه‌های شاخص اجتماعی بیش ترین نارضایتی مربوط به برآوردن خواسته‌هـا و نیازهـای سـاکنین شـهر و کودکان توسط شهرداری که ۳٦/۵ درصد کودکان رضایت خیلی کم داشته‌اند. هم‌چنین در رابطه با بحث مشارکت ٤۸ درصد به طور زیاد رضایت در استفاده از نظرات آن‌ها در اداره شهر و مراقبت از وسایل بازی و گل‌های زینتی پـارک را بیان داشتند. در رابطه با شاخص فرهنگی بیش‌ترین درصد رضایت‌مندی نظرات مربوط به تاسیس سـالن سـینما و تئاتر با ۷۹/۲ درصد است و بیش‌ترین درصد نارضایتی مربوط به برخورداری شهر گلبهار از امکانـات ورزشـی مـی-باشد. کودکان هم چنین خدمات رسانی شرکت اتوبوس‌رانی برای رفت و آمـد دانـش‌آمـوزان بـه مـدارس را خیلـی نامناسب ارزیابی کرده‌اند. علاوه بر این‌ها ۲٦/٦ درصد از کودکان از فضای سبز و گل‌کاری پارک نزدیـک منـزل‌شـان خیلی کم رضایت داشتند. هم‌چنین در رابطه با شاخص طراحی (٤۵/۸) درصد از فواره ها و المـان‌هـای موجـود در سطح شهر احساس رضایت کمی داشتند و (٦۸/٦) درصد از کودکان موافق به ایجاد خـط جداگانـه در خیابـان‌هـای شهر هستند. در رابطه با مشارکت عملی کودکان نیز و تحلیل‌های به دست آمده از نقاشی‌های آنان کودکان بیش‌تـرین تصویری که از شهر دلخواه و مورد علاقه خود ترسیم نموده‌اند مربوط به فضای سبز، و امکانـات بـازی و سـرگرمی می‌باشد. آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که کودکان ساکن در شهر گلبهار از احساس تعلق مکانی مناسبی به محـیط سکونتی خود برخوردار نیستند. و آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که کودکان شهر گلبهـار تمایـل بـه مشـارکت در برنامه‌ریزی و طراحی شهر خودشان را دارند و طبق نتایج تحلیل رگرسیونی نیز مشخص شد که شـاخص دسترسـی

بیش‌ترین تاثیر را در تحقق شهر دوستدار کودک دارد و بعد از آن شاخص‌های طراحی، اجتماعی و محیطی- کالبدی در اولویت‌های دوم و سوم تاثیرات فزاینده‌ای را بر تحقق شهر دوستدار کودک خواهند داشت و در نهایت از مشارکت عملی کودکان می‌توان چنین نتیجه گرفت که این گروه سنی در همه نقاشی‌هایشان به فضای سبز و شهری تمیز و پاک اشاره کرده‌اند. کودکان با کمبود فضای سبز شدیدی در محیط پیرامون خود مواجه هستند و هم اینکه همه آن‌ها فضاهای سرگرمی مثل پارک و شهربازی را نیز در نقاشی‌هایشان به تصویر کشیده اند. می‌توان نتیجه گرفت که شهر گلبهار هنوز به یک شهر یا مکان مطلوب کودکان نرسیده است. در مجموع شاخص های شهر دوستدار کودک در شهر گلبهار مطلوب نمی باشد.

لذا جهت بهبود فضاهای شهری فاقد کیفیت برای کودکان در شهر گلبهار پیشنهاداتی ارائه می‌شود از جمله مشارکت دادن و نظرخواهی از کودکان در برنامه‌ریزی‌های شهر که می تواند با ایجاد یک اتاق فکر در شهرداری شهر گلبهار انجام شود. انجام پژوهش هایی در این زمینه به روش مصاحبه عمیق و دوستانه با دانش آموزان جهت رفع موانع تحقق شهر دوستدار کودک، انجام پژوهش های تطبیقی جهت مقایسه شاخص های شهر دوستدار کودک با استانداردهای سازمان یونیسف در شهرهای مشابه و افزایش و ایجاد فضاهای ورزشی و تفریحی برای تمام رده سنی کودکان اشاره نمود.

کتاب‌نامه

۱. استادی، م.، ملک، ف.، و کاظم زاده، ی. (۱۳۹۳). راهکارهایی برای مسیرهای منتهی به مدرسه بر اساس معیارهای شهر دوستدار کودک (با تاکید بر کیفیت‌های طراحی شهری). تهران: کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار.

۲. اصغر نژاد، م.، و دایی نائینی، م. (۱۳۹۳). شهر فردا شهری با تاکید بر حضور پذیری کودکان. اولین همایش ملی در جست و جوی شهر فردا.

۳. امیری، س.، و شکوهی، ع. (۱۳۹۳). اصول و ضوابط مطلوب شهر دوستدار کودک. تهران: کنفرانس ملی شهرسازی. مدیریت شهری و توسعه پایدار.

٤. بنای زحمتی، ر. (۱۳۹٤). *ارزیابی شهر مشهد برای تبدیل شدن به شهر دوستدار کودک (نمونه موردی مناطق ۱، ٦، ۱۰ شهرداری مشهد)*. پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۵. پارسا، پ.، میرغلامی، م.، و قره بیگلو، م. (۱۳۹۷). شهر مربی کودک: باز تولید الگوی شهر دوستدار کودک در بستری ایرانی اسلامی. *پژوهش‌های معماری اسلامی ۲۲، فصلنامه قطبی علمی معماری اسلامی، ۷*، ۱۰۹-۱۲۹.

٦. خوارزمی، ا. ع.، خوارزمی، ا.، و جواهری، ل. (۱۳۹۹). ارزیابی شاخص‌های شهر دوستدار کودک در کلانشهر مشهد. *دو فصلنامه ی جغرافیای اجتماعی شهری* ، ۱۹۱-۲۱۰.

۷. داوود زاده غلامی، م.، و لطفی، ک. (۱۳۹۵). برنامه ریزی در راستای ایجاد شهر دوستدار کودک (نمونه موردی شهر شوشتر). تهران: *دومین کنفرانس بین المللی یافته‌های نوین پژوهشی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری.*

۸. رحمانی، م. (۱۳۹۲). *طراحی مرکز دوستدار کودک شیراز*. پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.

۹. صفوی مقدم ، س. م. (۱۳۹۱). *بررسی شهر دوستدار کودک و احساس شادی کودکان در شهر مشهد*. پایان نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی.

۱۰. قلندریان، ا.، و یونسی، ز. (۱۳۹۹). بازتاب تصویری فضای شهری دوستدار کودک در نقاشی کودکان ۱۲ سال، هویت شهر، *٤٧*، ۲۸-۱۵.

۱۱. کاشانی جو، خ.، هرزندی، س.، و فتح العلومی، ن. (۱۳۹۲). بررسی معیارهای طراحی مطلوب فضای شهری برای کودکان (نمونه موردی: محله نظامیه تهران). *معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، (۱۱)، ۲٤۹-۲۳۹.

۱۲. کربلایی حسینی، ا.، و سهیلی، ج. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی های شهر دوست‌داشتنی از نگاه کودکان (مطالعه موردی: منطقه دو شهرداری قزوین). *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری*، (۹)، ٦۸-۵۹.

۱۳. کیانی، ا.، و اسماعیل زاده کواکی، ع. (۱۳۹۱). تحلیل و برنامه ریزی شهر دوستدار کودک (CFC) از دیدگاه کودکان (مطالعه موردی: قوچان). فصلنامه باغ نظر مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، *١٤*، ۱۱-۲٦.

١٤. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری نفوس و مسکن. تهران: مرکز آمار ایران.

۱۵. مؤیدفر، س.، و صفایی، ف. (۱۳۹۸). برنامه ریزی شهر دوستدار کودک در راستای ارتقای مشارکت نوجوانان. *کاوش های جغرافیایی مناطق بیابانی*، ۲ (۷) ، ۲٤۷-۲۷۷.

١٦. نوروزی، ع. ر.، و نسترن، م. (۱۳۹۳). *برنامه ریزی فضای بازی کودکان (بازیکده های شهری). اصفهان*. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی مرکز اصفهان.

۱۷. نوش زاده، ص.، و اسماعیلی، ا. (۱۳۹۸). طراحی محله با رویکرد شهر دوستدار کودک نمونه موردی: محله سرجنگلداری ۲ کرمان. *فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری و پژوهش های شهری*، ٦ (۲) ، ۸۵-۹۱.

۱۸. نهیبی، س.، امینی، ا.، و خاکسار، م. (۱۳۹۳). نقش فضاهای بازی کودکان به منظور دسترسی به شهر دوستدار کودک با هدف توسعه پایدار شهری. *کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار*، ۱۳-۱.

19. Brown, C., De Lannoy, A., McCracken, D., Gill, T., Grant, M., Wright, H., Williams, S (2019). Special issue: child-friendly cities. *Cities & Health, 3* (1), 1-7.
20. Carroll, P., Witten, K., Kearns, R., & Donovan, Ph. (2015). Kids in the City: Children's Use and Experiences of Urban Neighbourhoods in Auckland, New Zealand. *Journal of Urban Design, 20*(4), 417-436.
21. Chawla, L. (2002). *Growing up in an urbanizing world*. London: Earthscan Publications LTD.
22. Gleeson, B., & Sipe, N. (2006). *Creating child-friendly cities reinstating kids in the city*. New York: Routledge.

23. Gleeson, B., Sipe, N., & Rolley, K. (2015). *Pathways to the child-friendly city*. in: B. Gleeson and N. Sipe (Eds) Creating child friendly cities, Reinstating Kids in the City, ch. 10. London: Routledge.
24. Gökmen, H., Taşçi, B. G. (2016). Children's views about child-friendly city (Case Study: Izmir). *Megaron, 11*(4), 469–482.
25. Holt, N. L., Cunningham, C. T., Sehn, Z. L., Spence, J. C., Newton, A. S., & Ball, G. C. B. (2009). Neighborhood physical activity opportunities for inner city children and youth. *Journal of Health & Place, 15*, 1022–1028.
26. Horell, L. (2007). Constrcy Ling a theoretical frame work for environmental friendliness children. *Youth and Environment*, *17*(4), 267-292.
27. Howard, A. (2006). *What constitutes child-Friendly communities and how are they built*. report prepared for the Australian Research Alliance for Children and Youth (ARACY), Sydney: Perth.
28. Johnson, W. (2014). Brusels the Childlish Capital. *Urban Studies*, *11*(2), 115- 132.
29. Krishnamurthy, S., Steenhuis, C., Reijnders, D., & Stav, T. (2018). Child-Friendly Urban Design: Observations on public space, Research funded by the Bernard van Leer Foundation. www. bernardvanleer.org. A catalogue record is available from the Eindhoven University of Technology Library.
30. Percy barry, S., Nigle, T. (2010). *A handbook of children and young people participation perspective from Theory and Practice*. London: Routledge.
31. Prihantini, P., & Kurniawati, W. (2019). Mapping of child-friendly parks availability for supporting child-friendly city in Semarang, The 3rd Geoplanning- International Conference on Geomatics and Planning, IOP Conf. Series: Earth and Environmental Science, 313 (2019) 012035
32. Saumel, I., Frauke, W., Kowarik, I (2015). Toward livable and healthy urban streets: Roadside vegetation provides ecosystem services where people live and move. *Environmental Science & Policy*, *62*, 24–33.
33. The center for sustainable Tranportation. (2004). Child-friendly transport planning, organization devoted to the promotion of active transportation. Avaialable from: http://cst.uwinnipeg .ca/documents /child_friendly .
34. Wales, V. (2013). Planning for children in public places. *Children's Environments*, *9*(2), 76-96.
35. Yuniastuti, E., & Hasibuan, H. S. (2019). Green Open space, towards A child-friendly city (A case study in Lembah Gurame Park, Depok City, Jakarta Greater Area, Indonesia). The 4rd International Conference in Planning in the 2019 Era of Uncertainty, IOP Conf. Series: Earth and Environmental Science 328 (2019) 01201.http://www.irna.ir

The Evaluation of Child-Friendly City Indicators in New Cities (Case Study: Golbahar as a New City)

Mehdi Zanganeh [1]
Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Seyed Hadi Hosseini
Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Maliheh Moradpure
MA in Geography and Urban Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

Received: 31 July 2022 ***Accepted: 14 February 2023***

Abstract

Among the most significant contemporary needs of societies is paying attention to children and their social needs in cities. Most urban spaces are not good enough to be used by children and adolescents. There are no cities that pay attention to children's needs, their feelings, and psychological aspects of living in the cities. Therefore, this study aimed to evaluate a child-friendly city indicators in Golbahar, Iran and to determine children's needs. The statistical population of this applied and descriptive-analytical study includes children between 7 and 15. The sample consists of 312 children. Multi-stage cluster sampling method was used. Four blocks were selected from each neighborhood. The reliability coefficient was confirmed by Cronbach's alpha with a value of 0.8 and one-sample t-test, regression analysis, and children's collaborative analysis (painting of favorite city). The results showed that the indicators of child-friendly city in Golbahar are not good. That is, the sense of belonging among the children is at low level, and participation willingness among children is at optimal level. The results of multivariate regression analysis showed that access indicator has the highest impact, followed by the design, social and environmental-physical indicators. The indicators will have an increasing impact on building child-friendly city. Moreover, the children's paintings of their favorite city showed their tendency towards green spaces and facilities for play and entertainment.

Keywords: New City, Child, Child-friendly City, Golbahar

1. Corresponding author. Email: m.zanganeh@hsu.ac.ir

Presenting a Safe Urban Environment Management and Planning Model using Child-Friendly City Approach (Case Study: Tehran Metropolis)

Narges Shahmiri
PhD Candidate, Department of Environment, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

Mojgan Zaeimdar [1]
Assistant Professor, Department of Environment, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

Roxana Moogouei
Associate Professor, Department Environment, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

Saed Malmasi
Assistant Professor, Department Environment, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran

Received: 31 May 2022 ***Accepted: 23 August 2022***

Abstract

Children are considered as the creators of the next generations and urban spaces play a special role in socialization, realizing talents, and fulfilling social and individual needs. Therefore, safe urban environment and proper design of suitable urban spaces for children's life are very important in moving the human society towards a healthy and desirable society. However, in Iran's urban management and planning system, children's needs have been ignored. This study aimed to present a safe urban environment management and planning model using a child-friendly city approach in Tehran metropolis. The statistical community of the research includes experts and specialists in Tehran's urban issues. Using Delphi sampling, 20 people were selected as sampling. DEMATEL technique and network analysis model (ANP) in Super decision software were used. The results showed that to present a suitable management and planning model in order to establish a safe urban environment with a child-friendly city approach in Tehran, social, political, and cultural criteria are the most influential and institutional and legal planning criteria are the facters that are influenced the most. Based on the special vector obtained from the network analysis model, the environmental-physical criterion with a normal weight of 0.205 has the highest priority and the security criterion with a normal weight of 0.199 is the next one. Moreover, institutional planning with a weight of 0.139 is the last priority.

Keywords: Urban Management, Safe Environment, Child, Child-friendly City, Tehran Metropolis

1. Corresponding author. Email: mojganzaeimdar@gmail.com

Assessing and Ranking Ahwaz Metropolitan Regions in Compliance with Smart Urban Growth Indicators

Mahyar Sajadian [1]
PhD in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Ahmad Pourahmad
Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohammad Ali Firoozi
Professor, Department of Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 29 March 2022 ***Accepted: 31 August 2022***

Abstract

The unbridled increase in the population of cities, especially the desire for urbanization in the megacities of developing countries, has caused the unplanned and unbalanced growth of cities; and it has caused many negative consequences for them. So, now, smart growth strategy is proposed as a new and comprehensive pattern of urban planning in the world to solve the problem of sprawl urban growth due to relentless urbanization. Ahvaz metropolis that has always suffered from the consequences of such growth in recent years, cannot be an exception to this pattern. Due to the importance of the subject, this study aimed to assess and rank the metropolitan regions of Ahvaz in terms of compliance with smart urban growth indicators. The statistical population of the descriptive-analytical study was Ahvaz metropolitan regions. As a result of documentary studies, 82 indicators were selected within the framework of 4 physical criteria (land use, socio-economic condition, access and transportation, and environment) and the data were extracted using available sources. The data were then analyzed using a combination of Shannon entropy weighting method and ELEKTRE technique. The results showed that there is a significant difference among Ahwaz metropolitan regions in terms of appropriateness to smart urban growth indicators. In this regard, District 5 of Ahvaz metropolis has poor conditions, so it needs more serious attention.

Keywords: Shannon Entropy, Ahvaz, ELEKTRE Technique, Smart Growth, Index

1. Corresponding author. Email: mahyarsajadian@yahoo.com

Analysis of the Identity Dimensions of New Towns and their impacts on Citizens' Sense of Belonging (Case Study: Sepahanshahr, Isfahan)

Ahmad Shahivandi
Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Design, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Noushin Bigdeli
MA in Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Design, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Afsaneh Talebi Varnosfaderani [1]
PhD Researcher in Urbanism, Faculty of Architecture and Urban Design, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 19 October 2021 ***Accepted: 7 April 2022***

Abstract

Identity crisis as one of the consequences of globalization is so clear in society especially in new cities. The crisis is one of the obstacles that impede attracting the population to the dead cities. The cities can be considered at best dormitories that are not able to arouse the sense belonging and identity in its citizens. This problem can be traced back to the basic principles of designing the cities, among of which are the formation of separate maps and paying attention to the historical and climatic features of the environment as well as socio-cultural and economic conditions of people who want to live in the cities. We may create and strengthen the sense of belonging to a place or city through creating spatial and identity characteristics. Accordingly, this study aimed to analyze various dimensions of urban identity and their impacts on the sense of belonging among the citizens of Sepahanshahr. The questions answered in this study are: What indicators are effective in giving identity to a new town? To what extent do the indicators impact upon citizens' sense of belonging? The descriptive-analytical research used questionnaire to collect the data. Moreover, Amos Graphic software was used for analyzing the data. The results showed that the social and functional indicators with a load factor of 0.683 and 0.430, respectively, directly affected the sense of belonging of citizens of Sepahanshahr and the natural-environmental indicator with a load factor of 0.386 affected the functional indicator. Moreover, the physical-spatial and historical-cultural indicators with load factors of 0.256 and 0.232, respectively, affected the social variable and then the sense of belonging of the citizens.

Keywords: Identity, Sense of Belonging, New Towns, Isfahan, Sepahanshahr

1. Corresponding author. Email: talebi.af@gmail.com

Scenarios for Realizing the Creative City in Mashhad, with an Emphasis on the Life Quality Index

Afsane Gholami
MA in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Rouhollah Asadi [1]
Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Akbar Heydari Tashekaboud
Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 19 September 2021 ***Accepted: 4 January 2022***

Abstract

The theory of the creative city attempts to describe a quality that makes the mental image of a city more beautiful and its memory more lasting for its citizens. The purpose of introducing the concept of quality of urban life in this theory is reforming the evolution of urban development from the concept of quantitative growth to sustainable urban development, offering solutions to economic, cultural, and social problems, and meeting residents' need. The aim of this research was to investigate the scenarios for realizing creative city with an emphasis on the life quality index in Mashhad. The data of this descriptive-analytical study were collected through documentary-library and survey methods. By studying specialized sources, 37 related variables were identified and categorized according to spatial, non-spatial, economic, cultural, physical, managerial, technological, and environmental aspects. The most important factor that impacts achieving creativity and improving the quality of life in Mashhad is "the level of interaction of this city with other cities enjoying religious tourism." The results of the scenario software identified four strong scenarios for Mashhad, of which 25% have an upward trend, 29.55% are flat, and 45.5% have a downward trend. The scenario of creative Mashhad having of 11 key factors and a compatibility score of 5 was identified the most probable scenario from the experts' point of view and represents the most ideal situation in the 10-year vision for creating a creative city in Mashhad.

Keywords: Scenario, Creative City, Urban Creativity, Quality of Life, Mashhad Metropolis

1. Corresponding author. Email: asadir@ferdowsi.um.ac.ir

An Analysis of Urban Poverty and Factors affecting its Spatial Organization and Expansion in Tabriz

Maryam Rezayi
PhD Candidate, Department of Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Ali Panahi [1]
Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Reza Valizadeh
Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Received: 10 September 2021 ***Accepted: 8 March 2022***

Abstract

Nowadays, the evaluation and analysis of urban poverty and the identification of factors and forces affecting the spatial organization and expansion of this phenomenon are considered to be the basic principles of human development policy and management in most countries. Considering the importance of the subject, the purpose of this research is to investigate the spatiality of urban poverty and to identify the factors affecting the spatial organization of this phenomenon in Tabriz. To collect the research data, the information available in the statistical blocks of Tabriz city in 2016 and interview with academic elites and city managers were used and to analyze the data, Nearest Neighbor Index (NNI) and Hot Spot Analysis in GIS software, the structural equation analysis model in AMOS software were used. The results showed that the poor areas of Tabriz city are spread in the center and the outskirts of the city and the distribution of these areas is clustered based on the Z index. We can see the spatial dichotomy of poverty between the east and west of the city and the peripheral and central areas. Moreover, among the factors affecting the expansion and spatial organization of the poor areas of the city, we can mention the discriminatory and impoverishing mechanism variables based on the unfair distribution of power, wealth and income resources and increasing the class gap between different strata at macro level and the excessive increase in the population of Tabriz city, the inefficiency of the official land and housing markets of Tabriz city, at the micro level. The value of these variables based on the structural model is 0.83, 0.77, 0.69 and 0.63, respectively.

Keywords: Poverty, Urban Poverty, Spatial Organization, Tabriz Metropolis

1. Corresponding author. Email: panahin@yahoo.com

Comparative Analysis of Programs of Channel 2 and Tehran Channel on Spatial Attachment Index of Citizens in Districts 1, 2, and 20 of Tehran Metropolis

Afshin Montazeralghaem
PhD Candidate in Geography, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Mehri Azani [1]
Assistant Professor in Geography, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Ahmad Khademolhoseiny
Associate Professor in Geography, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Amir Gandomkar
Associate Professor in Geography, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Maryam Montazeralghaem
MA Student, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 25 July 2021 ***Accepted: 11 January 2022***

Abstract

This study aimed to use the descriptive-analytical method to evaluate the impacts of TV programs of Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB), which promote the urban and regional lifestyle in their messages and content, on the citizens' enjoyment level of the sense of spatial attachment in Districts 1, 12, and 20 of Tehran metropolis. Therefore, considering the mission of the television channels, the outstanding programs of Channel 2 and Tehran Channel were evaluated. Since the selected districts were different in terms of geographical situation, economic indices, citizens' income level, and lifestyle, Districts 1, 12, and 20 were selected as the high-class, medium-class, and low-class districts of Tehran, respectively. The results of multivariate ANOVA showed that the TV programs had different impacts on the spatial attachment index in the studied districts. In addition, the fuzzy TOPSIS (FTOPSIS) model was used to analyze the media priority for improving the spatial attachment index in these districts. Accordingly, the promotion of the citizenship lifestyle component in TV programs had the highest impact in the three selected districts. Thus, television can improve the sense of spatial attachment through producing programs with a citizenship lifestyle improvement approach.

Keywords: Social Resilience, Comparative Analysis**,** Spatial Attachment Index, Tehran Metropolis

1. Corresponding author. Email: Mehri.azani@gmail.com

Analyzing the Conditions of Neighborhoods of District 1 of Mashhad using Smart Growth and Passive Defense Approaches

Mozhgan Arasteh
MA in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Sajedeh Baghban [1]
MA in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Barat Ali Khakpour
Associate Professor in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Maryam Daneshvar
Assistant Professor in Urban Planning, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Received: 31 May 2021 ***Accepted: 16 November 2021***

Abstract

Dilemmas due to the scattered urbanity have caused the emergence of smart growth approach. Passive defense approach and smart growth were used in this study to investigate the stability of neighborhoods and maintain their smartness. The main objective of this paper was to investigate the neighborhoods of District 1 of Mashhad by comparing the findings of smart growth and passive defense approaches. Descriptive-analytical method, Geographic Information System (GIS), MACBETH as well as ELECTRE multi-criteria decision-making model were used in this study. The findings of MACBETH technique showed that population density is the most important principle of smart growth and the per capita green space is the less important factor. The results of the ELECTRE model showed that the Goharshad neighborhood is ranked first in terms of smart growth, while this neighborhood is not at the appropriate level in terms of passive defense. Beheshti neighborhood is less conformable than other neighborhoods regarding smart growth, while this neighborhood is relatively desirable in terms of passive defense. Kolahduz is the only neighborhood that meets the principles of both approaches and has gained second place from both perspectives.

Keywords: Smart Growth, Passive Defense, Sustainable Development, MACBETH, ELECTRE

1. Corresponding author. Email: sbaghban70@yahoo.com

Table of Contents
(Extended Abstracts)

- **Analyzing the Conditions of Neighborhoods of District 1 of Mashhad using Smart Growth and Passive Defense Approaches** 1
  Mozhgan Arasteh, Sajedeh Baghban, Barat Ali Khakpour, Maryam Daneshvar

- **Comparative Analysis of Programs of Channel 2 and Tehran Channel on Spatial Attachment Index of Citizens in Districts 1, 2, and 20 of Tehran Metropolis** 2
  Afshin Montazeralghaem, Mehri Azani, Ahmad Khademolhoseiny, Amir Gandomkar, Maryam Montazeralghaem

- **An Analysis of Urban Poverty and Factors affecting its Spatial Organization and Expansion in Tabriz** 3
  Maryam Rezayi, Ali Panahi, Reza Valizadeh

- **Scenarios for Realizing the Creative City in Mashhad, with an Emphasis on the Life Quality Index** 4
  Afsane Gholami, Rouhollah Asadi, Akbar Heydari Tashekaboud

- **Analysis of the Identity Dimensions of New Towns and their impacts on Citizens' Sense of Belonging (Case Study: Sepahanshahr, Isfahan)** 5
  Ahmad Shahivandi, Noushin Bigdeli, Afsaneh Talebi Varnosfaderani

- **Assessing and Ranking Ahwaz Metropolitan Regions in Compliance with Smart Urban Growth Indicators** 6
  Mahyar Sajadian, Ahmad Pourahmad, Mohammad Ali Firoozi

- **Presenting a Safe Urban Environment Management and Planning Model using Child-Friendly City Approach (Case Study: Tehran Metropolis)** 7
  Narges Shahmiri, Mojgan Zaeimdar, Roxana Moogouei, Saed Malmasi

- **The Evaluation of Child-Friendly City Indicators in New Cities (Case Study: Golbahar as a New City)** 8
  Mehdi Zanganeh, Seyed Hadi Hosseini, Maliheh Moradpure

ABSTRACTS

In the Name of Allah

Ferdowsi University of Mashhad

Faculty of Letters and Humanities

Journal of Geography and Urban Space Development

Vol. 10, No. 2, Summer 2023, Serial Number 21

License Holder:
Ferdowsi University of Mashhad

General Director:
B. khakpour, PhD

Editor-in-Chief:
M. R. Rahnama, PhD

Editorial Board:

Dr. I. Ebrahimzadeh
University of Sistan and Balouchestan, Zahedan

Dr. M. Ajza Shokouhi
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. A. Anabestani
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. B. Khakpour
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. M. R. Rahnama
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. A. Saeedi
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. M. Soleimani
Kharazmi University, Tehran

Dr. Z. Fanni
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Dr. A. Nazarian
Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

Internal Editor:
Dr. M. Amirfakhriyan
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad

Executive Manager:
Z. Baniasad

English Language Editor:
A. Nowruzy

Persian Editor:
Sh.Sabaghi Abkooh

Typesetting:
E. Tajvidi

Printing & Binding:
Ferdowsi University Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US$ (USA)
20 US$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad, Iran
Postal code:
9177948883
Tel: (+98 51) 38806724
Fax: (+98 51) 38807060
E-mail:
JUD@ferdowsi.um.ac.ir
Internet Address:
http://jgusd.um.ac.ir

Ferdowsi University of Mashhad

Journal of
Geography and Urban Space Development
(Peer-Reviewed Journal)

Vol. 10, No. 2, Summer 2023, Serial Number 21

- **Analyzing the Conditions of Neighborhoods of District 1 of Mashhad using Smart Growth and Passive Defense Approaches** 1
  Mozhgan Arasteh, Sajedeh Baghban, Barat Ali Khakpour, Maryam Daneshvar
- **Comparative Analysis of Programs of Channel 2 and Tehran Channel on Spatial Attachment Index of Citizens in Districts 1, 2, and 20 of Tehran Metropolis** 2
  Afshin Montazeralghaem, Mehri Azani, Ahmad Khademolhoseiny, Amir Gandomkar, Maryam Montazeralghaem
- **An Analysis of Urban Poverty and Factors affecting its Spatial Organization and Expansion in Tabriz** 3
  Maryam Rezayi, Ali Panahi, Reza Valizadeh
- **Scenarios for Realizing the Creative City in Mashhad, with an Emphasis on the Life Quality Index** 4
  Afsane Gholami, Rouhollah Asadi, Akbar Heydari Tashekaboud
- **Analysis of the Identity Dimensions of New Towns and their impacts on Citizens' Sense of Belonging (Case Study: Sepahanshahr, Isfahan)** 5
  Ahmad Shahivandi, Noushin Bigdeli, Afsaneh Talebi Varnosfaderani
- **Assessing and Ranking Ahwaz Metropolitan Regions in Compliance with Smart Urban Growth Indicators** 6
  Mahyar Sajadian, Ahmad Pourahmad, Mohammad Ali Firoozi
- **Presenting a Safe Urban Environment Management and Planning Model using Child-Friendly City Approach (Case Study: Tehran Metropolis)** 7
  Narges Shahmiri, Mojgan Zaeimdar, Roxana Moogouei, Saed Malmasi
- **The Evaluation of Child-Friendly City Indicators in New Cities (Case Study: Golbahar as a New City)** 8
  Mehdi Zanganeh, Seyed Hadi Hosseini, Maliheh Moradpure

ISSN: 2538-3531